

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَأَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۱
(خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای رحمتت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علمت را برایمان باز کن؛ به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان!)

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۲۸.



تقديم به ارواح قدسي ائمه معصومين عليهم السلام، به ویژه مولا و مقتدای زمان، حضرت
بقية الله الاعظم عجل الله تعالي فرجه الشريف؛ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بيت و
زائران آستان ملكوتي امام علي بن موسى الرضا عليه السلام!

احکام ناپاکی ها



ویژه استادان و مبلغان

سرشناسه	ابوالفضل، رضا، ۱۳۶۲ -، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	احکام ناپاکی‌ها ویژه استادان پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی [کتاب] / گردآورنده رضا ابوالفضل؛ تهیه و تدوین مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی؛ تنظیم و تولید اداره تولیدات فرهنگی؛ ارزیاب علمی جواد محدثی؛ ارزیاب محتوایی حسین شریعتی مایون، سیدرضا موسوی بایگی، مهدی نخعی؛ ویراستار انسیه غلامرضا پور، سعیده تیمورزاده.
مشخصات نشر	مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۴۴ ص.
شابک	978-602-6090-60-5
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	طهارت (فقه)
موضوع	Taharat (Islamic law*)
شناسه افزوده	محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -
شناسه افزوده	Mohadesi, Javad
شناسه افزوده	شریعتی مایون، حسین، ۱۳۵۲
شناسه افزوده	موسوی بایگی، سیدرضا، ۱۳۶۱ -
شناسه افزوده	نخعی، مهدی، ۱۳۵۸ -
شناسه افزوده	آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
شناسه افزوده	آستان قدس رضوی، اداره تولیدات فرهنگی
رده‌بندی کنگره	۲/BP ۱۸۵
رده‌بندی دیویی	۳۵۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۵۴۲۱۸



عنوان: رهیافت ۳۲، احکام ناپاکی‌ها گردآورنده: رضا ابوالفضل

تهیه و تدوین: مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی
تنظیم و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

ویراستار: انسیه غلامرضا پور و سعیده تیمورزاده

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی
ارزیاب محتوایی: حجت الاسلام والمسلمین حسین شریعتی مایون و

سیدرضا موسوی بایگی و مهدی نخعی

طراح جلد: سید حسن موسی‌زاده

صفحه‌آرا: محمود کریم‌پور

ناشر: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه فرهنگی قدس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۰-۶۰-۵

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام و صحن غدیر، مدیریت فرهنگی.

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادهای و انتقادهای: ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲

حق چاپ محفوظ است.



فهرست

پیشگفتار ۱۹

درآمد ۲۱

فصل اول

انواع نجاسات ۲۳

آنچه جزو نجاسات شمرده شده است ۲۴

اول و دوم: ادرار و مدفوع ۲۴

طهارت و نجاست ادرار و مدفوع ۲۴

الف. ادرار و مدفوع انسان ۲۴

ب. ادرار و مدفوع حیوانات بدون گوشت ۲۴

ج. ادرار و مدفوع حیوانات حلال گوشت ۲۵

د. ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشتِ دارای خون جهنده ۲۵

ه. ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشتِ بدون خون جهنده ۲۵

خروج بول یا غائط از محل غیرمتعارف ۲۶

ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشتِ عارضی و اسباب عروض حرمت ۲۶

الف. حکم طهارت ادرار و مدفوع آن‌ها ۲۷

ب. اسباب عروض حرمت ۲۸

حمل موطوء ۲۹

الف. حملی که در هنگام وطی در شکم مادر موجود بوده است ۲۹

ب. حملی که بعد از وطی در شکم مادر ایجاد می‌شود ۲۹

شروط حرام شدن حیوان به سبب خوردن شیر خوک ۳۱

الف. مکیدن از پستان خوک باشد ۳۱

ب. حیوان بچه باشد ۳۱

ج. آن قدر شیر بخورد که از آن شیر، گوشت آوزد و استخوانش محکم شود ۳۲

کیفیت استبراء ۳۲

حکم ادرار و مدفوعِ خفاش ۳۳

حکم ادرارِ بچه شیرخوار ۳۳

بخار ادرار و مدفوع ۳۴

الف. بخار نجس یا متنجس ۳۴

ب. مایع تشکیل شده از تقطیر بخارِ نجس یا متنجس ۳۴

مایع تشکیل شده از تصفیه فاضلاب صنعتی و انسانی ۳۵

وجود هسته میوه‌ها و مانند آن، در غائط انسان ۳۵





- عوض شدن رنگ لباس در اثر باد معده ۳۶
- باقی ماندن ذره‌های غائط روی بدن، بعد از تطهیر کردن مخرج با چیزی غیر از آب ۳۶
- رطوبت خارج شده از مخرج غائط ۳۷
- خروج عفونت ۳۷
- مایع کیسهٔ آب جنین (مایع آمیوتیک) ۳۷
- فاصلهٔ بین چاه آب و چاه توالت ۳۸
- سوم: منی ۲۸**
- نجاست منی ۳۸
- الف. منی انسان ۳۹
- ب. منی حیوانات دارای خون جهنده ۳۹
- ج. منی حیوانات بدون خون جهنده ۳۹
- خروج رطوبتی با بوی منی ۳۹
- شک در منی بودن رطوبت خارج شده ۴۰
- نشانه‌های منی ۴۰
- الف. در مردها ۴۰
- ب. در زن‌ها ۴۱
- ج. در اشخاص مریض ۴۲
- چهارم: مُردار ۴۲**
- مفهوم مردار ۴۲
- مردارهای نجس و پاک ۴۳
- الف. مردار انسان و حیوان دارای خون جهنده ۴۳
- ب. مردار حیوانات بدون خون جهنده ۴۳
- ج. مردار مشکوک بین حیوان دارای خون جهنده و بدون خون جهنده ۴۴
- نجاست بدن میت ۴۴
- تیمم میت به جای غسل ۴۴
- اجزای بی‌روح مردار انسان و حیوانات دارای خون جهنده ۴۴
- پوست‌های مختصر دست یا بدن ۴۵
- پاک بودن ریشهٔ مو (پیاز مو) ۴۶
- روح دار بودن استخوان و ریشهٔ دندان و قسمت داخلی شاخ حیوانات ۴۶
- مردار سوسمار خانگی ۴۷
- پوست مار ۴۷
- حکم گوشت و پیه و چرم حیوان مشکوک به تذکیه ۴۸
- دواجات روان، عطر، روغن، واکس و صابون وارداتی ۴۹
- تخم مرغ داخل شکم مرغ مرده ۵۰





- الف . پوست روی آن سفت شده است ۵۰
- ب . پوست روی آن سفت نشده است ۵۰
- پنیرمایه موجود در شیردان حیوان مرده ۵۱
- عَلَقَه (خون استحاله شده از منی) ۵۱
- الف . عَلَقَه موجود در تخم پرندگان ۵۱
- ب . عَلَقَه موجود در غیر تخم پرندگان ۵۲
- مُضَغَه و مشیمه و جفت ۵۲
- جنین ۵۲
- جوجه موجود در تخم ۵۳
- نافه مُشک و مُشک ۵۴
- الف . مُشکدان آهو (نافه مُشک) ۵۴
- ب . مشک آهو ۵۶
- شایعه ساخت لوازم آرایشی از ناف جنین ۵۷
- پنجم: خون ۵۸**
- نجاست و طهارت خون ۵۸
- الف . خون انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند ۵۸
- ب . خون حیواناتی که خون جهنده ندارند ۵۸
- ج . خونی که از غیر حیوانات است ۵۸
- فراورده های خونی، مثل پلاسما و سرم ۵۸
- خون داخل تخم مرغ ۵۹
- الف . از نظر پاکی و نجاست ۵۹
- ب . از نظر خوردن ۵۹
- خون لته و مانند آن ۶۱
- برخورد آب با خون لته ۶۱
- برخورد غذا با خون لته ۶۲
- نجاست دندان عاریه به واسطه خون دهان ۶۳
- خون خارجی داخل شده به دهان ۶۴
- غذا خوردن در هنگام خون ریزی لته ۶۴
- خون مُردگی ۶۴
- خون مُردگی مشکوک ۶۵
- وجود خون موقع دوشیدن شیر ۶۵
- افتادن خون خشک، روی کف شیر ۶۶
- افتادن ذره ای خون، داخل غذای در حال جوش ۶۶
- زردابه ۶۶





- ۶۷ آب زردی که از زخم یا دمل بیرون می‌آید
- ۶۷ خروج رطوبت در هنگام خاراندن بدن
- ۶۷ تردید بین خون و چرک
- ۶۸ قرمزی مشکوک بین خون و غیرخون
- ۶۸ خون مشکوک بین خون حیوان یا غیرحیوان
- ۶۸ خون مشکوک بین خون حیوانی که خون جهنده دارد و خون حیوانی که خون جهنده ندارد
- ۶۸ خون حیوانی که در جهنده بودن خورش شک است
- ۶۹ جوش‌های بدن
- ۶۹ حکم خون‌هایی که بعد از ذبح شرعی در بدن حیوان باقی می‌ماند
- ۷۰ خون بزه موجود در شکم حیوان مذکی
- ۷۰ خون حیوان صیدشده
- ۷۱ خوردن خون ذبیحه
- ۷۱ شک در خون ذبیحه
- ۷۲ ششم و هفتم: سگ و خوک**
- ۷۲ اجزای بی‌روح سگ و خوک
- ۷۲ قلم‌موهای مشکوک به موی خوک
- ۷۳ سگ شکاری یا سگ چوپان
- ۷۳ محل دندان سگ شکاری
- ۷۳ گراز
- ۷۴ مایه پنیر گرفته شده از خوک
- ۷۴ استفاده از ژلاتین حاصل از خوک؛ به صرف احتمال استحاله
- ۷۵ نزدیکی سگ و خوک با هم یا نزدیکی آن دو با حیوانی دیگر
- ۷۵ الف. به حیوان متولدشده، سگ یا خوک می‌گویند
- ب. به حیوان متولدشده سگ یا خوک نمی‌گویند؛ ولی شبیه یکی از حیوانات طاهرالعین است
- ۷۵ ج. به حیوان متولدشده سگ یا خوک نمی‌گویند و مانند آن حیوان نیز در خارج وجود ندارد
- ۷۶ حیوانات مسخ شده
- ۷۷ موی موش و گربه و خرگوش
- ۷۸ افتادن موش زنده در غذا
- ۷۸ هشتم: کافر**
- ۷۸ مفهوم کافر
- ۷۹ اقسام کافر



۷۹	طهارت و نجاست کافر.....
۷۹	الف . کافر غیرکتابی.....
۸۰	ب . کافر کتابی
۸۰	مجویس
۸۰	صابئین
۸۳	طهارت و نجاست طفل کافر.....
۸۳	الف . شروط پاک بودن بچه نابالغ کافر
۸۳	ب . شروط نجس بودن بچه نابالغ کافر
۸۴	تعریف مرتد و اقسام آن
۸۴	مرتد ملّی و فطری بعد از توبه
۸۵	بلدنبودن اصول و فروع دین
۸۶	معتقد به وحدت وجود
۸۶	فرقه‌های صوفیه و دراویش
۸۷	گروه اهل حق (علی‌اللهی‌ها) در استان کرمانشاه و برخی از استان‌های دیگر ایران
۸۹	فرقه شاه نعمت‌الله ولی
۹۰	فرقه اسماعیلیه
۹۱	خوارج
۹۱	فرقه بهائیت
۹۳	انکار ضروریات دین
۹۳	تارک نماز و روزه
۹۴	دشنام‌دهنده به اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> از روی اختیار
۹۵	توهین به مقدسات هنگام عصبانیت
۹۶	پاره کردن قرآن کریم بر اثر خشم و غضب
۹۷	مسخره کردن و اشکال گرفتن به افعال خدا از روی شوخی
۹۸	طهارت و نجاست زنازاده
۹۸	شک در کفر و اسلام شخص
۹۹	شک در تعلق استخوان به بدن کافر یا مسلمان
۹۹	پیوند عضوی از بدن میت غیرمسلمان به بدن مسلمان
۱۰۰	پیوند چشم
۱۰۰	نهم : شراب
۱۰۰	الف . در خوردن و آشامیدن
۱۰۰	ب . در طهارت و نجاست
۱۰۱	مست‌کننده‌های دیگر، به غیر از شراب
۱۰۱	بیره





- ۱۰۲ بنگ و حبشیش
- ۱۰۲ قرص‌های اکستازی
- ۱۰۲ الف. از نظر طهارت و نجاست
- ۱۰۲ ب. از نظر خرید و فروش و مصرف
- ۱۰۳ گوشت حیوانی که شراب خورده است
- ۱۰۳ سرکه شدن شراب با افزودن نمک
- ۱۰۴ جوش آمدن انگور همراه سیب و سرکه شدن آن‌ها
- ۱۰۴ انگور سبزه شده در میان تیزاب
- ۱۰۵ روغن روی سرکه
- ۱۰۵ آب انگور جوش آمده
- ۱۰۵ الف. آب انگوری که به خودی خود جوش آمده است
- ۱۰۷ ب. آب انگوری که به واسطه پختن جوش آمده است
- ۱۰۷ تبخیر شدن دوسوم آب انگور با غیر آتش
- ۱۰۸ روش محاسبه تبخیر دوسوم و یک سوم
- ۱۰۹ شیره انگوری که همه دوسوم آب انگورش، به وسیله آتش تبخیر نشده است
- ۱۱۰ جوش آمدن یک یا چند حبه انگور به همراه غذا
- ۱۱۱ باد کردن دانه‌های انگور
- ۱۱۱ غوره و آب غوره جوش آمده
- ۱۱۲ غوره مشکوک به انگور
- ۱۱۲ جوش آمدن یک یا چند حبه انگور همراه غوره
- ۱۱۲ خرما و مویز و کشمش جوش آمده
- ۱۱۳ ملاک در تثلیث شیره خرما
- ۱۱۳ جوش آمدن سرکه انگور
- ۱۱۴ **دهم: آب جو (فَقَاع)**
- ۱۱۴ طهارت و نجاست فَقَاع
- ۱۱۴ ماء الشعیر جوش آمده
- ۱۱۵ لوردوبیر (مخمر آب جو)
- ۱۱۵ الكل
- ۱۱۵ روش اثبات مسکریّت الكل
- ۱۱۶ الكل‌های صنعتی
- ۱۱۶ السبیرتو
- ۱۱۶ گرفتن الكل سمّی از الكل مست‌کننده
- ۱۱۸ مسکر شدن الكل به واسطه برخی مواد افزودنی به آن
- ۱۱۸ الكل سفید یا همان الكل پزشکی که نوشیدنی هم هست





۱۱۹.....	الکل اتیلیک
۱۱۹.....	الکل اتانول در «الکزیرها»
۱۲۰.....	وجود مقادیری الکل در داروهای تزریقی
۱۲۰.....	وجود الکل در کفیر
۱۲۰.....	وجود الکل در کامبوجیا
۱۲۱.....	وجود الکل در بعضی از غذاها یا مایعاتی مانند سرکه
۱۲۱.....	تحقیق و تفحص درباره وجود الکل در بعضی غذاها
۱۲۲.....	استفاده از الکل در ساخت بسیاری از داروها و ادکلن‌ها
۱۲۲.....	احتمال وجود الکل در مواد اولیه ماء‌الشعیر
۱۲۳.....	احتمال وجود الکل در بعضی نوشابه‌ها
۱۲۳.....	وجود الکل در بعضی مواد
۱۲۳.....	عرق جنب از حرام
۱۲۳.....	عرق جنب از حرام ذاتی
۱۲۴.....	عرق جنب از حرام عارضی
۱۲۵.....	طواف و مانند آن با بدن و لباس آغشته به عرق جنب از حرام
۱۲۶.....	عرق شخصی که جنب از حرام شده است، در لباس دیگران
۱۲۶.....	مرطوب شدن مجدد لباس به عرق‌های بعد از غسل
۱۲۶.....	عرق جنب از حرام، بعد از تیمم
۱۲۷.....	نماز خواندن با عرق جنب از حرام، به واسطه ندانستن مسئله
۱۲۸.....	غسل با آب گرم
۱۲۸.....	جنابت حلال بعد از جنابت حرام
۱۲۸.....	جنابت حرام بعد از جنابت حلال
۱۲۹.....	عرق حائض
۱۲۹.....	بازدهم: عرق حیوان جلال (نجاست خوار)
۱۲۹.....	عرق حیوان جلال
۱۳۰.....	استفراغ انسان
۱۳۰.....	شیرزن

فصل دوم

۱۳۱.....	راه‌های اثبات نجاست
۱۳۲.....	راه‌های ثابت شدن نجاسات اشیاء
۱۳۲.....	اولین راه: یقین یا اطمینان خود شخص از راه عقلایی
۱۳۲.....	علم وسواسی
۱۳۳.....	چند استفتا درباره درمان وسواس





- استفتا از محضر امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام ۱۳۳
- استفتا از محضر آیت‌الله العظمی مکارم عَلَيْهِ السَّلَام ۱۳۶
- استفتا از محضر آیت‌الله العظمی سیستانی عَلَيْهِ السَّلَام ۱۳۷
- علم اجمالی به نجاست (علم به نجس بودن یکی از چند چیز) ۱۴۰
- تنجّز و حجّیت علم اجمالی ۱۴۰
- چند مسئله در زمینه شبهه محصوره ۱۴۱
- نجس شدن قسمتی از طناب و معلوم نبودن موضع دقیق آن ۱۴۱
- نجس شدن قسمتی از فرش و معلوم نبودن موضع دقیق آن ۱۴۱
- مشتبّه شدن چیز نجس بین چند چیز پاک (شبهه محصوره) ۱۴۲
- برخورد چیز پاک به یکی از دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک است و کدام نجس (ملاقی شبهه محصوره) ۱۴۲
- ظن و گمان به نجاست ۱۴۴
- واجب نبودن تحقیق برای حصول یقین به نجاست ۱۴۵
- جست و جو برای پیدا کردن فضلّه موش ۱۴۵
- یقین تعدّی به نجاست ۱۴۵
- شستن لباس‌های پاک در لباس شویی‌های عمومی ۱۴۶
- آب ترشح شده از ماشین‌های حمل زباله شهری ۱۴۶
- ترشحات یونیت دندان پزشکی ۱۴۷
- رفت و آمد با اشخاص بی توجه به نجاست ۱۴۷
- برخورد دست تر به کودکی که همیشه خود را نجس می‌کند ۱۴۷
- پاک بودن خارجی‌هایی که دینشان مشخص نیست ۱۴۸
- حکم طهارت و نجاست منزلی که کافر در آن سکونت داشته است ۱۴۸
- تماس دست مرطوب با اسکناس و سکه ۱۴۹
- صندلی‌های ماشین کفار ۱۴۹
- استفاده از مواد غذایی ساخت کفار ۱۵۰
- دواجات روان و عطر و ادکلن‌های وارداتی ۱۵۰
- گوشت و پیه و چرم وارداتی ۱۵۰
- دومین راه: از طریق ذی‌الید ۱۵۱**
- مفهوم ذی‌الید ۱۵۱
- عوامل مؤثر و غیرمؤثر در قول ذی‌الید ۱۵۱
- الف. عوامل غیرمؤثر ۱۵۱
- ب. عوامل مؤثر ۱۵۲
- لازم نبودن حصول یقین یا اطمینان یا گمان از قول ذی‌الید ۱۵۲
- عدالت ذی‌الید ۱۵۲





- ۱۵۲ مسلمان بودن ذی‌الید
- ۱۵۳ دباغی کردن پوست ذبیحۀ مسلمانان توسط یهودی
- ۱۵۴ قول ذی‌الید بعد از استعمال
- ۱۵۴ قول ذی‌الید بعد از خروج شیء از ید او
- ۱۵۵ بلوغ ذی‌الید
- ۱۵۵ الف. از گفتهٔ او برای شخص اطمینان حاصل می‌شود
- ۱۵۵ ب. از گفتهٔ او برای شخص اطمینان حاصل نمی‌شود
- ۱۵۶ تعارض بین دو ذی‌الید
- ۱۵۷ سومین راه: از طریق بیّنه**
- ۱۵۷ منظور از بیّنه
- ۱۵۸ شهادت یک مرد عادل
- ۱۵۸ شهادت یک نفر ثقه و مطمئن
- ۱۵۹ عوامل غیر مؤثر در بیّنه
- ۱۵۹ لازم نبودن به دست آوردن اطمینان از گفتار بیّنه
- ۱۵۹ ذکر مستند شهادت
- ۱۶۰ اختلاف در مستند شهادت
- ۱۶۰ الف. در صورتی که هر عادل دیگری را نفی نکند
- ۱۶۱ ب. در صورتی که هر عادل دیگری را نفی کند
- ۱۶۱ اختلاف در زمان شهادت
- ۱۶۱ الف. آن عادلی که می‌گوید می‌داند پیش از این نجس بوده است، ولی دربارهٔ وضعیت کنونی آن چیز، عادل دیگر را نفی نمی‌کند؛ بلکه می‌گوید: «فعلاً حال آن را نمی‌دانم»
- ۱۶۱ ب. آن عادلی که می‌گوید می‌داند پیش از این نجس بوده است، ولی دربارهٔ وضعیت کنونی آن چیز، عادل دیگر را نفی می‌کند و می‌گوید: «الآن پاک است»
- ۱۶۲ اشتباه در مستند بیّنه
- ۱۶۲ شهادت اجمالی
- ۱۶۳ الف. شهادتشان دربارهٔ موضوع واحد، معین است
- ۱۶۳ ب. شهادتشان دربارهٔ موضوع واحد غیر معین است
- ۱۶۳ شهادت به نجاست بر مبنای استصحاب
- ۱۶۴ تعارض دو بیّنه باهم
- ۱۶۴ تعارض دو عادل با چهار عادل
- ۱۶۵ تعارض بیّنه با قول ذی‌الید
- ۱۶۵ تحقیق و تفحص در نمونه‌های مشکوک
- ۱۶۵ الف. شبههٔ حکمیه است





ب. شبہہٴ مصداقيه است ۱۶۶

فصل سوم

۱۶۷ **راه نجس شدن چیزهای پاک**

۱۶۸ **شروط لازم برای صدق نجس شدن اشیاء پاک**

۱۶۸ شرط اول برای نجس شدن اشیاء: ملاقات و برخورد.

۱۶۸ لزوم برخورد چیز نجس با چیز پاک

۱۶۹ ملاقات و برخورد داخلی

۱۷۲ داخل کردن انگشت در فرج همسر

۱۷۳ نمونه های مشکوک بین ظاهر و باطن

۱۷۳ محل انطباق دو لب و محل انطباق پلک های چشم

۱۷۴ **شرط دوم برای نجس شدن اشیاء: قابلیت تأثر**

۱۷۴ معنای قابلیت تأثر

۱۷۵ رطوبت کم

۱۷۵ نجس نشدن چیز پاک به واسطهٴ نفوذ نیم نجس

۱۷۶ نجس نشدن فرش خشک به وسیلهٴ گردو خاک نجس

۱۷۶ نجس نشدن چیز پاک خشک به واسطهٴ برخورد با میّت خشک

۱۷۶ برخورد جیوه با چیز نجس خشک

۱۷۷ طلا یا نقرهٴ آب شده در ظرف خشک نجس

۱۷۷ نجاست مگس و حشرات دیگر

۱۷۸ **یقین به وجود رطوبت مسری و شک در زوال آن در هنگام ملاقات**

۱۷۹ نجس شدن شیء جامد و سرایت نکردن نجاست به تمام نقاط آن

سرایت نکردن نجاست موجود در زمین یا پارچه یا بدن خیس نجس شده، به

جاهای دیگر آن

۱۷۹ نجس شدن خیار و خربزه و مانند این ها و سرایت نکردن نجاست به تمام نقاط

آن ها

۱۸۰ نجس شدن مایع غلیظ و سرایت نکردن نجاست به تمام نقاط آن

۱۸۱ نجس شدن مایع رقیق مضاف و سرایت نجاست به تمام نقاط آن

۱۸۲ سرایت نجاست در شیر و روغن نجس شده

۱۸۳ اخلاط بینی آغشته به خون و سرایت نکردن نجاست به جاهای پاک آن

۱۸۳ افتادن خون خشک روی کف شیر و سرایت نجاست به شیر

۱۸۴ نجس شدن آب جاری و سرایت نکردن نجاست به تمام آن

۱۸۴ نجس شدن آب چشمه و سرایت نکردن نجاست به قسمت های پاک آن

۱۸۵ نجس شدن آب باران و سرایت نکردن نجاست به قسمت های پاک آن





- نجس شدن آب گُرو و سرایت نکردن نجاست به قسمت های پاک آن ۱۸۶
- نجس شدن آب قلیل و سرایت نجاست به قسمت های پاک آن ۱۸۶
- غساله آب قلیل در غیر استنجا ۱۸۶
- غساله آب قلیل در استنجا ۱۸۷
- برخی از اموری که در طهارت آب استنجا شرط نیست ۱۸۸
- شرط سوم برای نجس شدن اشیاء: متعدد نبودن واسطه ها ۱۸۹
- نجس کنندگی متنجس به طور مطلق ۱۸۹
- الف. متنجس اول، یعنی چیز پاکی که به واسطه برخورد با عین نجاست نجس شده است ۱۹۰
- ب. متنجس دوم، یعنی چیز پاکی که به واسطه برخورد با متنجس اول نجس شده است ۱۹۰
- ج. متنجس سوم، یعنی چیز پاکی که به واسطه برخورد با متنجس دوم نجس شده است و متنجس چهارم به بعد ۱۹۰
- مثالی برای تعدد واسطه ۱۹۱
- جاری نشدن جميع احکام نجس بر متنجس ۱۹۲

فصل چهارم

- احکام نجاسات و متنجسات ۱۹۸**
- معنای وجوب اجتناب از نجاسات ۱۹۶
- وظیفه مقلد در اختلاف فتوای مرجع زنده و فوت شده اش ۱۹۶
- خوردن و آشامیدن عین نجس یا متنجس ۱۹۶
- الف. برای شخص بالغ ۱۹۶
- ب. برای طفل ۱۹۷
- جواز خوردن غذای مشکوک به نجاست ۱۹۸
- جواز استفاده از مواد خوراکی کارخانجات بزرگ خارجی ۱۹۹
- رستوران های غیرمسلمانان ۲۰۰
- پنیرهای تولیدشده با پنیرمایه «رینت» در کشورهای خارجی ۲۰۰
- جواز استفاده از غذاهای مختلف کنسرو شده در کشورهای خارجی ۲۰۰
- سبب شدن برای خوردن و آشامیدن چیزی با وجود شرط طهارت ۲۰۱
- خورانیدن چیز نجس ۲۰۱
- الف. خورانندن چیز نجس یا متنجس به افراد بالغ ۲۰۲
- ب. خورانندن عین نجس به اطفال ۲۰۲
- ج. خورانندن متنجس به اطفال ۲۰۲
- اعلام نجاست ۲۰۳





- الف . ما سبب استفادهٔ شخص از چیز نجس شده ایم ۲۰۳
 ب . ما سبب استفادهٔ شخص از چیز نجس نشده ایم ۲۰۵
 نجس شدن عاریه ۲۰۵
 نجس شدن لباس یا چیز دیگر کسی که وارد خانهٔ ما می‌شود ۲۰۵
 علم به نجاست غذا توسط صاحب خانه ۲۰۷
 علم به نجاست غذا توسط میهمان ۲۰۷
 واجب نبودن اعلام نجاست توسط فروشنده ۲۰۸
 حق الناس نبودن اعلام نکردن نجاست ۲۰۸

فصل پنجم

۲۰۹ احکام نجس شدن حرم‌ها و مساجد و قرآن

- نجس کردن مسجد ۲۱۰
 الف . زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد ۲۱۰
 ب . سمت بیرونی دیوار مسجد ۲۱۰
 وجوب کفایی تطهیر مسجد ۲۱۰
 وجوب فوری تطهیر مسجد ۲۱۱
 وجوب اعلام در صورت عجز از تطهیر ۲۱۱
 الف . باقی گذاشتن نجاست موجب بی‌احترامی به مسجد است ۲۱۱
 ب . باقی گذاشتن نجاست موجب بی‌احترامی به مسجد نیست ۲۱۲
 وجوب تطهیر مسجد همراه توقف بر هزینه ۲۱۲
 مطالبهٔ هزینهٔ تطهیر از شخص نجس‌کننده ۲۱۳
 تخریب کل مسجد یا قسمت زیادی از آن برای تطهیر ۲۱۴
 تخریب و صدمه زدن به قسمتی از مسجد برای تطهیر آن قسمت ۲۱۵
 به‌کاربردن آجر نجس در دیوار مسجد ۲۱۶
 ساختن یا پرکردن موضعی از مسجد که برای تطهیر کردن آسیب دیده است ۲۱۶
 هزینه‌های تعمیر خرابی مسجد برعهدهٔ نجس‌کنندهٔ آن ۲۱۷
 برگرداندن چیزهایی از مسجد، مثل آجر که بازگرداندنشان بعد از تطهیر ممکن است ۲۱۸
 نجس کردن اشیاء مسجد ۲۱۸
 خروج از عنوان مسجدیت ۲۲۰
 نجس کردن مسجد خراب شده ۲۲۱
 بردن عین نجس یا متنجس به مسجد ۲۲۲
 الف . بردن عین نجس یا متنجس به مسجد، بی‌احترامی به مسجد حساب می‌شود ۲۲۲
 ب . بردن عین نجس یا متنجس به مسجد بی‌احترامی به مسجد حساب نمی‌شود ۲۲۲
 عبور لولهٔ فاضلاب با پولیکا از زیر مسجد ۲۲۲





مسجد قراردادن توالت یا دستشویی.....	۲۲۳
ورود کفار به مسجد	۲۲۳
گذاشتن میت در مسجد قبل از غسل دادنش	۲۲۴
احکام حرم امامان <small>علیهم السلام</small>	۲۲۵
نجس کردن حرم امامان <small>علیهم السلام</small>	۲۲۵
الف . نجس کردن بی احترامی محسوب می شود	۲۲۵
ب . نجس کردن بی احترامی محسوب نمی شود	۲۲۶
تطهیر حرم امامان <small>علیهم السلام</small>	۲۲۶
الف . نجس ماندن بی احترامی محسوب می شود	۲۲۶
ب . نجس ماندن بی احترامی محسوب نمی شود	۲۲۶
ورود کفار به حرم امامان <small>علیهم السلام</small>	۲۲۷
احکام مربوط به قرآن از نظر طهارت و نجاست	۲۲۷
نجس کردن قرآن	۲۲۷
الف . خط و ورق قرآن	۲۲۷
ب . جلد قرآن	۲۲۸
نوشتن قرآن با مرکب نجس	۲۲۸
وجوب کفایی تطهیر قرآن	۲۲۹
لزوم اجازه برای تطهیر قرآن شخص دیگر	۲۲۹
وجوب تطهیر قرآن حتی در صورت خراب شدن آن	۲۳۰
ضامن بودن در قبال نقص وارد شده بر قرآن	۲۳۰
دادن قرآن به کافر	۲۳۰
فروش قرآن به کافر	۲۳۱
نجس کردن تربت امامان <small>علیهم السلام</small>	۲۳۲
افتادن اشیاء محترم مثل تربت یا چیزی که اسم خدا بر آن نوشته شده است در دستشویی	۲۳۳
افتادن اشیاء محترم در دستشویی و ممکن نبودن خارج کردن آن ها	۲۳۳
افتادن نوار ضبط صوتی که حاوی آیات قرآن است در دستشویی	۲۳۴
یکی بودن چاه آشپزخانه و چاه توالت	۲۳۴
همراه داشتن دعا و تربت و انگشتر، هنگام تخلی	۲۳۵
حرمت نجس کردن کلماتی مثل «بسمه تعالی» یا «هو الحکیم» یا «خدا» به هر زبانی که باشند	۲۳۶
استفتائاتی که از دفتر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) گرفته شده است	۲۳۷
کتابنامه	۲۴۰





پیشگفتار

عبدالسلام از امام رضا علیه السلام شنید که فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا». خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده می‌کند. عرض کرد: «چگونه امر شما را زنده می‌کند؟» علی بن موسی الرضا علیه السلام در پاسخ فرمودند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.»^۱ علوم ما را فرامی‌گیرد و آن را به مردم تعلیم می‌دهد... زیرا اگر مردم از زیبایی‌های کلام ما آگاهی می‌یافتند، از ما پیروی می‌کردند.

«معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی» مفتخر است در راستای رسالت خود مبنی بر اشاعه فرهنگ تشیع و پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی مردم در این حوزه گسترده از دین، محتوای پیش‌رو را به استادان فرهیخته تقدیم کند. در این نوشتار تلاش شده است علاوه بر ارائه اطلاعات و محتوایی غنی، پاسخی مناسب با محتوایی یکسان در اختیار استادان قرار داده شود تا از تشویش خاطر مراجعان به سبب دریافت جواب‌های متفاوت جلوگیری شود.

اهداف اصلی تهیه و تنظیم این قبیل نوشتارها عبارت‌اند از: تلخیص کتاب‌های تخصصی موجود در این حوزه؛ جمع‌بندی جواب‌ها؛ بی‌نیاز کردن استادان از رجوع به منابع پُرشمار در هنگام پاسخ‌گویی. برای رسیدن به این مهم، کارگروهی از استادان و کارشناسان فرهیخته این اداره، هر موضوع پیشنهادی را موشکافانه بررسی می‌کنند و محصول تلاش خویش را به داوری هیئت علمی می‌گذارند.

مجموعه کتاب‌های رهیافت در چهار موضوع کلی تدوین می‌شود: رهیافت احکام، رهیافت اعتقادی، رهیافت تربیتی و رهیافت ترکیبی که مرکب از هر سه موضوع قبل است. بی‌شک بررسی دقیق و نگاه نقادانه شما فرهیخته گران‌قدر، خدمتگزاران را در بهبود کیفی این

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۷، حدیث ۶۹.





مجموعه یاری خواهد کرد.

جبهه خضوع به درگاه قدسی احدیت می‌ساییم، به شکرانه توفیق خدمتی که حضرتش در بارگاه ملکوتی و سراسر نور امام‌رضا علیه السلام ارزانی‌مان فرموده است. امید است بتوانیم به پاس این افتخار و با استعانت از آن امام همام علیه السلام، به مصداق روایت نورانی آغازین، جرعه‌ای از علم حقیقی بنوشیم و به تشنگان راستین آن نیز بنوشانیم.

معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی






مجموعه پیش رو با عنوان احکام ناپاکی‌ها، در قالب رهیافت احکام تقدیم می‌شود. مستنداتی که در این کتاب از آن‌ها استفاده شده و استادان را از مراجعه به آن‌ها بی‌نیاز کرده است، عبارت‌اند از: العروة الوثقی، تحریر الوسیلة، منهاج الصالحین و نیز توضیح المسائل و استفتائات مراجع عظام تقلید حضرت امام علیه السلام و امام خامنه‌ای مد ظله العالی و آیات عظام خویی رحمته الله علیه، گلپایگانی رحمته الله علیه، اراکی رحمته الله علیه، تبریزی رحمته الله علیه، فاضل لنکرانی رحمته الله علیه، بهجت رحمته الله علیه، صافی گلپایگانی رحمته الله علیه، مکارم شیرازی رحمته الله علیه، سیستانی رحمته الله علیه، وحید خراسانی رحمته الله علیه، نوری همدانی رحمته الله علیه و شبیری زنجانی رحمته الله علیه. در ارائه تمامی استفتائات از کتاب‌ها یا سایت‌های معتبر مراجع عظام استفاده شده است. در صورت نیاز به استفتای جدید نیز هیئت علمی این استفتا را انجام داده است و استفتائات یادشده، در این واحد موجود است.

تدوین این کتاب، حاصل تلاش استاد برجسته پاسخ‌گویی شرعی در معاونت تبلیغات و اطلاع‌رسانی آستان قدس رضوی، حجت‌الاسلام رضا ابوالفضلی است. حجج‌الاسلام حسین شریعتی مایون و سیدرضا موسوی بایگی و مهدی نخعی نیز برای فرایند نظارت کرده‌اند. سپاسمند تلاش این عزیزان هستیم و امیدوار که خداوند در سایه لطف خویش، توفیق خدمت بیشتر را به ایشان عنایت فرماید.

هیئت اندیشه‌ورز نشر احکام

مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی آستان قدس رضوی





فصل اول:
انواع نجاسات



آنچه جزو نجاسات شمرده شده است

پرسش: نجاسات کدام اند؟^۱

پاسخ: نجاسات شامل یازده چیز است: اول، ادرار؛ دوم، مدفوع (غائط)؛ سوم، منی؛ چهارم، مردار؛ پنجم، خون؛ ششم، سگ؛ هفتم، خوک؛ هشتم، کافر؛ نهم، شراب و هر نوع مایع مستکننده؛ دهم، آب جو (قُقاع)؛ یازدهم، عرق شتر یا هر حیوان نجاست خوار.
نکته: البته بعضی از فقها انواع نجاسات را دوازده چیز بیان کرده اند.

اول و دوم: ادرار و مدفوع

طهارت و نجاست ادرار و مدفوع

پرسش: ادرار و مدفوع انسان، حیوانات کوچک بدون گوشت، حیوانات حلال گوشت، حیوانات دارای خون جهنده و حیواناتی که خون جهنده ندارند، از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟^۲

پاسخ:

الف. ادرار و مدفوع انسان

ادرار و مدفوع انسان، هرچند بچه شیرخوار باشد، نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. ادرار و مدفوع حیوانات بدون گوشت

فضله حیوانات کوچک، مثل پشه و مگس که گوشت ندارند، پاک است

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات: سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۸۴.
۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الاول و الثاني؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۴ و ۸۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۸۵ و ۸۶؛ سیدعلی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتاءات [فارسی]، پاسخ سوالات ۲۷۹ و ۲۸۰؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷، سؤال ۸۲؛ استفتای خصوصی از امام خامنه‌ای، عجل الله تعالی فرجه، شماره استفتا: ۲۲۶۹۶.





(تمام مراجع عظام تقلید).

ج. ادرار و مدفوع حیوانات حلال گوشت

ادرار و مدفوع حیوانات حلال گوشت، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

د. ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشت دارای خون جهنده

۱. ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده دارند، به غیر از پرندگان، نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

۲. فضله پرندگان حرام گوشت پاک است^۱ (امام خامنه‌ای و آیات عظام سیستانی، صافی، وحید، مکارم، تبریزی، گلپایگانی، اراکی، خویی و فاضل).

۳. فضله پرندگان حرام گوشت نجس است (حضرت امام و آیات عظام بهجت و نوری).

۴. بنابر احتیاط واجب، از فضله پرندگان حرام گوشت باید اجتناب کرد (آیت الله شبیری).

ه. ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشت بدون خون جهنده

۱. ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده ندارند، پاک است (حضرت امام، امام خامنه‌ای و آیات عظام خویی، فاضل، اراکی و تبریزی).

۲. بنابر احتیاط واجب، از ادرار و مدفوعشان باید اجتناب کرد (آیات عظام بهجت و شبیری).

۳. اگر گوشت درخور توجهی داشته باشند، بنابر احتیاط واجب باید از

۱. بعضی از مراجع عظام تقلید فرموده‌اند که فضله پرندگان حرام گوشت پاک است؛ اما اگر فضله این پرندگان، مثلاً فضله کلاغ، روی لباسمان باشد، با آن لباس نمی‌شود نماز خواند؛ زیرا در مسائل لباس نمازگزار آمده است که نباید اجزای حیوان حرام گوشت، همراه لباس یا بدن نمازگزار باشد (بنابر قول مشهور مراجع عظام تقلید).





ادرار و مدفوعشان اجتناب کرد؛ در غیر این صورت، اجتناب لازم نیست (آیات عظام گلیپگانی و نوری).

۴. اگر گوشتِ درخورِ توجهی داشته باشند، بنابر احتیاط واجب باید از ادراشان اجتناب کرد؛ در غیر این صورت، اجتناب لازم نیست (آیات عظام سیستانی و صافی و مکارم).

خروج بول یا غائط از محل غیر متعارف

پرسش: اگر بول یا غائط، از محلی غیر از محل متعارف آن خارج شود، نجس است؟^۱

پاسخ: بله، نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشت عارضی و اسباب عروض حرمت

پرسش: ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشت عارضی از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟ به چه سبب‌هایی حیوانات حلال گوشت، حرام گوشت می‌شوند؟^۲

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، اطلاق مورد الاول و الثاني؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اطلاق مسئله ۸۴، اقتباس از مسئله ۶۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اطلاق مسئله ۸۵، اقتباس از مسئله ۶۶؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۳، سؤال ۲۷.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الاول و الثاني و فصل فی المطهرات، مورد الحادی عشر؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۶ و ج ۲، مسئله ۲۶۲۱ و ۲۶۲۲، ذیل مسئله ۲۶۲۲، بخش مسائل اختصاصی؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۸۷ و ۲۶۴۷؛ سیدروح‌الله موسوی‌الخمینی، تحریر الوسیله، کتاب الأطعمة و الأشربة، القول فی الحیوان، مسئله ۲۲؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، الفصل الأول فی عدد الأعیان النجسة، مورد الاول و الثاني و کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، الفصل الأول فی عدد الأعیان النجسة، مورد الاول و الثاني و کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، الفصل الأول فی عدد الأعیان النجسة، مورد الاول و الثاني و کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، الفصل الأول فی عدد الأعیان النجسة، مورد الاول و الثاني و کتاب الأطعمة و الأشربة، قبل از مسئله ۸۹۶؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۲۵ و ج ۲، مسئله ۲۲؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۲۵ و ج ۲، مسئله ۷۹۵؛ محمد فاضل لنگرانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۷۶۲.





پاسخ:

الف. حکم طهارتِ ادرار و مدفوع آن‌ها

بول و غائط حیوان نجاست‌خوار، نجس است و همچنين بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطی کرده، یعنی با آن نزدیکی کرده است و گوسفندی که استخوان آن از خوردن شیر خوک، محکم شده است (حضرت امام و آیات عظام نوری و فاضل و خویی).

بنابر احتیاط واجب، بول و مدفوع حیوان نجاست‌خوار نجس است و همچنین بول و غائط حیوانی که انسانی آن را وطی کرده، یعنی با آن نزدیکی کرده و باید از بول و مدفوع گوسفندی که شیر خوک خورده است، اجتناب کرد (آیت‌الله مکارم).

بول و غائط حیوان نجاست‌خوار نجس است، و هم‌چنین است بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطی کرده، یعنی با آن نزدیکی کرده و همچنین است بول و غائط گوسفند، بلکه بنابر احتیاط لازم، هر حیوان حلال‌گوشتی که گوشت آن از خوردن شیر خوک محکم شده است (آیات عظام وحید و صافی).

ادرار و مدفوع حیوان نجاست‌خوار که عادت به خوردن مدفوع انسان کرده، نجس است و همچنین ادرار و مدفوع بچه‌بزی که شیر خوک خورده است؛ به تفصیلی که در احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ذکر می‌شود و نیز حیوانی که انسان با آن نزدیکی کرده است، نیز نجس است (آیت‌الله سیستانی).

بول و غائط حیوان نجاست‌خوار نجس است و همچنین است بول و غائط حیوانی که از خوک، شیر خورده و گوشت در بدنش روییده و استخوانش از آن سخت شده است و نیز بول و غائط حیوانی که انسان با آن نزدیکی کرده است (آیت‌الله شبیری).

بول و غائط حیوان نجاست‌خوار که عادت به خوردن فقط نجاست انسان، بدون اختلاط به چیز دیگری پیدا کرده است، تا زمانی که استبراء





نشده است، نجس است و نیز حیوانی که انسان آن را وطی کرده، یعنی با آن نزدیکی کرده و گوسفندی که گوشت آن از خوردن شیر خوک روییده شده است، ممکن است ملحق به نجاست خوار باشد (آیت‌الله بهجت).

ب. اسباب عروض حرمت

سه چیز سبب عروض حرمت می‌شود:

۱. حیوان جلال

از اسباب عروض حرمت وقتی است که حیوان جلال شود؛ یعنی خوراک آن بر حسب عادت، منحصر به مدفوع انسان باشد (تمام مراجع عظام تقلید). نکته: حیوان فقط در صورتی که عادت به خوردن مدفوع انسان داشته باشد، گوشتش حرام می‌شود؛ ولی چنانچه به خوردن نجاست دیگری مانند ارادر یا شراب یا غذای نجس یا شیر سگ عادت کرده باشد، حرام‌گوشت نمی‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).^{۲۹}

۲. وطی با حیوان حلال گوشت

از اسباب عروض حرمت این است که انسان با حیوان حلال‌گوشتی^۳ مثل گاو یا گوسفند نزدیکی کند که در این صورت، خود حیوان و نسلش همه،

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپهرات، مورد الحادی عشر؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۲۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۲۶؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، ص ۹۱۱۴، سؤال ۳۸۴ و ۳۸۵.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپهرات، مورد الحادی عشر؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۳۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۳۸؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۲، سؤال ۲۰۳۷. گفتنی است، هر حیوان حلال‌گوشتی با نزدیکی، حرام‌گوشت نمی‌شود؛ بلکه این حکم، اختصاص به بهائم (چهارپایان) دارد. اگرچه برخی از مراجع مثل آیات عظام گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه و صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه به این مسئله تصریح ندارند؛ اما ظاهراً نظرشان همین است. در این باره نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الاول و الثاني؛ سیدابوالحسن اصفهانی، وسیلة النجاة [مع حواشی الامام الخميني رحمته‌الله‌علیه]. کتاب الأطعمة و الأشرية، القول فی الحيوان، مسئله ۲۲؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحين، کتاب الأطعمة و الأشرية، مسئله ۱۶۸۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحين، کتاب الأطعمة و الأشرية، مسئله ۱۶۸۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحين، کتاب الأطعمة و الأشرية، مسئله ۱۶۸۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحين، کتاب الأطعمة و الأشرية، قیل از مسئله ۸۹۶.





حرام گوشت ابدی می شوند (تمام مراجع عظام تقلید).

۳. شیر خوک خوردن حیوان حلال گوشت

وقتی بزغاله یا بزّه یا گوساله، شیر خوک بخورند، در صورت محکم شدن استخوانشان، خود و نسلشان، همه حرام گوشت ابدی می شوند (تمام مراجع عظام تقلید).

حمل موطوء

در باره حمل موطوء که در هنگام وطی در شکم حیوان موجود بوده است و همچنین درباره نسل حیوان موطوء که بعد از نزدیکی ایجاد می شود، فتاوی مراجع عظام تقلید به این شرح است:^۱

الف. حملی که در هنگام وطی در شکم مادر موجود بوده است

۱. آن حمل حلال است و به سبب وطی، حرام گوشت نمی شود (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، خویی، تبریزی، صافی، وحید و سیستانی).
۲. آن حمل حرام گوشت می شود (آیت الله شبیری).

ب. حملی که بعد از وطی در شکم مادر ایجاد می شود

۱. چنانچه حیوان موطوء مؤنث بوده است، نسل او بنابر فتوا، حرام می شود و اگر مذکر باشد، بنابر احتیاط واجب حرام می شود (حضرت امام).

۱. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۶۳۲؛ سیدروح الله موسوی الخمینی، تحریر الوسیلة، کتاب الأطعمة و الأشربة، القول فی الحيوان، مسئله ۲۲؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، قبل از مسئله ۸۹۶؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، مسئله ۲۲؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، مسئله ۷۹۵؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۳، ص ۶۶، سؤال ۱۱؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۷۶۲. سیدابوالقاسم خویی هدایة العباد، ج ۲، مسئله ۷۹۵؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۳، ص ۶۶، سؤال ۱۱؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۷۶۲.





۲. بنابراین فتوا نسل، بعد از وطی حرام می‌شوند، خواه موطوء نر یا ماده باشد (آیات عظام خوبی، تبریزی، وحید، نوری و شبیری).
۳. بنابراین احتیاط واجب، نسل بعد از وطی حرام می‌شوند، خواه موطوء نر یا ماده باشد (آیات عظام فاضل و سیستانی).

حیواناتی که با خوردن شیر خوک، حرام گوشت می‌شوند

پرسش: آیا همه حیوانات حلال گوشت، با خوردن شیر خوک، حرام گوشت می‌شوند؟^۱

پاسخ: ۱. خیر، تمام حیوانات حلال گوشت با خوردن شیر خوک، حرام گوشت نمی‌شوند؛ بلکه فقط بزّه و بزغاله و گوساله با خوردن شیر خوک حرام گوشت می‌شوند (حضرت امام و آیت الله فاضل).

۲. خیر، تمام حیوانات حلال گوشت با خوردن شیر خوک، گوشتشان حرام نمی‌شود؛ بلکه فقط بزغاله و بزّه با خوردن این شیر حرام گوشت می‌شوند (آیات عظام خوبی و تبریزی و وحید^۲).

۳. بله، تمام حیوانات حلال گوشت با خوردن شیر خوک، گوشتشان حرام می‌شود (آیات عظام گلپایگانی، بهجت، مکارم، صافی، سیستانی و شبیری).

نکته: آیات عظام گلپایگانی و صافی و شبیری، در بزّه بنابراین فتوا و در غیر بزّه، بنابراین احتیاط واجب و آیت الله العظمی سیستانی در بزغاله، بنابراین فتوا و در غیر بزغاله، بنابراین احتیاط واجب، قائل

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۶: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۶۹۶ و ۲۶۴۷؛ تحریر الوسيلة، کتاب خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، مسئله ۲۴: محمد فاضل لنگرانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۷۶۲؛ سیدابوالقاسم خوئی، توضیح المسائل، مسئله ۲۶۴۱؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل، مسئله ۲۶۴۱؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۵۹۰؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۶۴۱؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، کتاب الاطعمة و الأشربة، مسئله ۷۹۷؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۴، ص ۵۴۰؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله ۲۴۱.

۲. آیت الله العظمی وحید خراسانی رحمته الله علیه، درباره بزّه احتیاط واجب دارند، مبنی بر اینکه با خوردن شیر خوک با شروطش، گوشتش حرام می‌شود.





به حرام‌گوشت شدن حیوان هستند.

شروط حرام شدن حیوان به سبب خوردن شیر خوک

پرسش: حیواناتی که با خوردن شیر خوک، حرام‌گوشت می‌شوند، در هنگام شیرخوردن باید چه شرایطی داشته باشند؟^۱

پاسخ: چنانچه سه شرط زیر موجود باشد، حیوان به سبب خوردن شیر خوک، حرام‌گوشت می‌شود؛ اما اگر برخی از آن‌ها ساقط شود، حکم حرام‌گوشت شدن حیوان، اختلافی است:

الف. مکیدن از پستان خوک باشد

۱. اگر شیر را بدون مکیدن بیاشامد، در حرمت گوسشتش اشکال است؛ اگرچه احوط است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی).
۲. اگر شیر را بدون مکیدن بیاشامد، حیوان، حرام‌گوشت نمی‌شود (آیات عظام خویی، تبریزی، وحید و سیستانی).

ب. حیوان بچه باشد

۱. اما اگر خوردن شیر خوک بعد از آن باشد که حیوان بزرگ شد و از شیر گرفته شد، در حرمت گوسشتش اشکال است؛ اگرچه احتیاط واجب، اجتناب از آن است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی).
۲. حیوان حرام‌گوشت نمی‌شود (آیات عظام خویی، تبریزی، وحید و سیستانی).

۱. سیدروح‌الله موسوی‌الخمینی، تحریر الوسیلة، کتاب خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، مسئله ۲۴: سیدمحمدرضا گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، کتاب الاطعمة و الأشرية، مسئله ۷۹۷: صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، کتاب الاطعمة و الأشرية، القول فی الحیوان، مسئله ۲۴: سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الاطعمة و الأشرية، مسئله ۱۶۸۴؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الاطعمة و الأشرية، مسئله ۱۶۸۴: حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الاطعمة و الأشرية، مسئله ۱۶۸۴: سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ذیل مسئله ۸۹۷، الامر الثالث: ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۲۸: محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۵۶ و ج ۴، ص ۵۳۹ و ۵۴۰.





ج. آن قدر شیر بخورد که از آن شیر، گوشت آوزد و استخوانش محکم شود

۱. اگر به آن مقدار شیر نخورد، حرام گوشت نمی شود؛ هرچند خوردن گوشت آن مکروه است و این کراهت با استبراء حیوان برطرف می شود (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، بهجت، صافی و مکارم).
۲. حرام گوشت می شود؛ مگر آنکه به دستور معین شده در شرع، استبراء شود (آیات عظام خوبی و تبریزی).
۳. بنا بر احتیاط واجب حرام گوشت می شود؛ مگر آنکه به دستور معین شده در شرع، استبراء شود (آیات عظام سیستانی و وحید).

کیفیت استبراء

پرسش: حیوانی که با شروط حرام شدن، شیر خوک خورده است؛ ولی از آن شیر، گوشت نروبیده و استخوانش محکم نشده است، چگونه باید استبراء شود؟^۱

۱. **پاسخ:** احتیاط واجب آن است که به مدت هفت روز، شیر پاک به او بدهند و اگر شیرخوار نبود، به مدت هفت روز علف یا جو یا مانند آن به او بدهند. بعد از آن، حیوان حلال می شود (آیات عظام سیستانی و وحید).
۲. به مدت هفت روز، شیر پاک به او بدهند و اگر شیرخوار نبود، به مدت هفت روز، علف یا جو یا مانند آن به او بدهند. بعد از آن حلال می شود (آیات عظام خوبی و تبریزی).
۳. به مدت هفت روز، شیر پاک به او بدهند و اگر شیرخوار نبود، به مدت

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، کتاب خوردنی ها و آشامیدنی ها، مسئله ۲۴؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، کتاب الاطعمة و الأشربة، مسئله ۷۹۷؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۲، کتاب الاطعمة و الأشربة، القول فی الحيوان، مسئله ۲۴؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الاطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۴؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الاطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۴؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الاطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ذیل مسئله ۸۹۷، الامر الثالث؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، سؤال ۲۸؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۵۶ و ج ۴ ص ۵۳۹ و ۵۴۰.





هفت روز علف یا جو یا مانند آن به او بدهند. بعد از آن کراهتش رفع می‌شود. (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، بهجت، صافی و مکارم).

حکم ادرار و مدفوعِ خفاش

پرسش: حکم ادرار و مدفوعِ خفاش از نظر طهارت و نجاست چیست؟
پاسخ: ۱. ادرار و مدفوعِ خفاش نجس است (حضرت امام و آیت‌الله العظمی نوری).

۲. ادرار و مدفوعِ خفاش بنا بر احتیاط واجب نجس است (آیت‌الله بهجت).

۳. ادرار و مدفوعِ خفاش پاک است (امام‌خامنه‌ای و آیات عظام گلپایگانی، اراکی، فاضل، تبریزی، خویی، وحید، سیستانی، صافی و مکارم).

حکم ادرارِ بچه شیرخوار

پرسش: آیا بولِ پسر بچه و دختر بچه شیرخوار، نجس است؟
پاسخ: بله، نجس است؛ ولی نحوهٔ تطهیر آن در برخی مواقع متفاوت است (تمام مراجع عظام تقلید).

نکته: نحوهٔ تطهیر بولِ پسر بچه در صورت وجود شروطی آسان‌تر است. برخی از مراجع، برای بولِ مطلقِ بچه، چه پسر و چه دختر نیز همین نظر را دارند.^۳

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، بخش الاول و الثاني؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۵؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، فصل دوم، احکام نجاسات، بخش بول و غائط؛ استفتای خصوصی از امام‌خامنه‌ای^{علیه‌السلام}، شماره استفتا: ۲۲۶۹۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۰؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۰؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۰.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، بخش الاول و الثاني؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۶۱؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، اقتباس از مسئله ۴۶۳.

۳. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپهترات، مسئله ۱۷؛





بخارِ ادرار و مدفوع

پرسش: حکم بخارِ نجس یا منتجس از نظر طهارت و نجاست چیست؟
پاسخ:

الف. بخارِ نجس یا منتجس

اگر حالت بخار دارد، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).
نکته: برخی از مراجع تقلید، مثل آیات عظام نوری و سیستانی می‌فرمایند: «پاکی در اینجا به معنای این است که بخار تا وقتی که به صورت بخار است، جایی را نجس نمی‌کند.»

ب. مایع تشکیل شده از تقطیر بخارِ نجس یا منتجس

۱. مایع حاصل از فرآیند تقطیر، بنابر احتیاط واجب نجس است؛ چه از نجس و چه از منتجس تشکیل شده باشد (حضرت امام^۲ و آیات عظام گلپایگانی،^۳ فاضل^۴ و نوری^۵).
۲. مایع حاصل از فرآیند تقطیر، نجس است، چه از نجس و چه از

سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۶۱؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة مسئله ۴۶۳.

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المیاء، مسئله ۴ و فصل فی المپطهرات، بخش الخامس، مسئله ۷۳؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۳۵؛ جواد تبریزی، المسائل المنتخبة، الرابع من المپطهرات: الإستحالة؛ محمدرضا بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۸۹ و ۳۰۰؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۸۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۸۸؛ ناصر مکارم شیرازی، احکام پزشکی، سؤال ۴۵۸، بند «ب».

۲. نظر مرحوم امام علیه السلام، در العروة الوثقی، فصل فی المیاء، مسئله ۴ و ۶، به صورت احتیاط واجب است؛ اما در العروة الوثقی، فصل فی المپطهرات، بخش الخامس، مسئله ۷۳ در موضوع تقطیر بخار ادرار می‌فرمایند: «اگر به مایع حاصله ادرار گویند، نجس است؛ ولی ظاهراً همان قول به احتیاط واجب از ایشان صحیح است.»

۳. گفتنی است نظر آیت‌الله العظمی گلپایگانی علیه السلام در العروة الوثقی، فصل فی المیاء، مسئله ۴ و در مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۳۵، به صورت احتیاط واجب است؛ اما در العروة الوثقی، فصل فی المپطهرات، بخش الخامس، مسئله ۷۳، به صورت فتوا بیان شده است.

۴. آیت‌الله العظمی فاضل لنگرانی علیه السلام در العروة الوثقی، فصل فی المیاء، مسئله ۴ و در الأحکام الواضحة، مسئله ۴۹۳، این مایع را بنابر احتیاط واجب، نجس می‌داند؛ اما در العروة الوثقی، فصل فی المپطهرات، بخش الخامس، مسئله ۷۳، صاحب العروة الوثقی، مایع حاصله از تقطیر بخار ادرار را پاک می‌داند و آیت‌الله العظمی فاضل لنگرانی علیه السلام تعلیقه (شرح در حاشیه) ندارند؛ ولی ظاهراً همان قول به احتیاط از ایشان صحیح است.

۵. نظر آیت‌الله العظمی نوری همدانی علیه السلام در العروة الوثقی، فصل فی المیاء، مسئله ۴ و ۶، به صورت احتیاط واجب است؛ اما در عروة الوثقی، فصل فی المپطهرات، بخش الخامس، مسئله ۷۳، به صورت فتوا بیان شده است.





متنجس تشکیل شده باشند (آیات عظام اراکی و بهجت و سیستانی).
۳. مایع حاصل از فرآیند تقطیر، مطلقاً پاک است؛ مگر آنکه یکی از انواع نجاسات شمرده شود؛ مثل تقطیر بخارهای شراب که به آن قطرات، بعد از تقطیر نیز شراب می‌گویند (آیات عظام خویی، تبریزی، وحید و مکارم).

مایع تشکیل شده از تصفیه فاضلاب صنعتی و انسانی

پرسش: شرکتی در نظر دارد فاضلاب‌های خط تولید نوشابه، شامل آب‌های حاصل از شست‌وشوی کف سالن‌ها و دستگاه‌ها و نیز فاضلاب‌های بهداشتی ناشی از حمام‌ها و دست‌شویی‌ها را تصفیه کند. در تصفیه‌خانه، جریان مخلوط فاضلاب صنعتی و انسانی، مراحل مختلفی را طی می‌کند. در مرحله اصلی، این فاضلاب‌ها تبدیل به مایعی خواهد شد که با مایع اولیه تصفیه نشده، کاملاً متفاوت است و خصوصیات آب مضاف را دارد. در ادامه فرایند تصفیه، با جداسازی آن مایع مضاف، دو مایع ایجاد می‌شود. یکی از آن‌ها، کاملاً زلال و شبیه آب معمولی بدون رنگ و بو و بدون آثار آلودگی است. حال سؤال اینجاست: اگر آب خروجی از تصفیه‌خانه، مشخصات ظاهری آب معمولی را داشته باشد، پاک است؟ در صورت منفی بودن پاسخ، اتصال آن با آب جاری یا کر یا باران تطهیرش می‌کند؟^۱

پاسخ: این آب نجس است؛ ولی اگر به آب کر یا باران متصل شده و سپس ممزوج شود، پاک می‌شود (آیت‌الله مکارم).

وجود هسته میوه‌ها و مانند آن، در غائط انسان

پرسش: اگر موادی مثل هسته آلبالو و هسته خرما در غائط انسان باشد، نجس‌العین هستند یا متنجس‌اند و آیا با تطهیر و زوال عین نجاست از

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، ص ۲۹، سؤال ۱۸.





آن‌ها، پاک می‌شوند؟^۱

پاسخ: در صورتی که پس از خروج، فوری تطهیر شوند، پاک می‌شوند^۲ (تمام مراجع عظام تقلید).

عوض شدن رنگ لباس در اثر بادِ معده

پرسش: آیا بادِ معده، حتی اگر به مرور زمان رنگ لباس را عوض کند، پاک است؟^۳

پاسخ: باد معده پاک است؛ هرچند به مرور زمان رنگ لباس تغییر کند (تمام مراجع عظام تقلید).

باقی ماندن ذره‌های غائط روی بدن، بعد از تطهیر کردن مخرج با چیزی غیر از آب

پرسش: چنانچه مخرج غائط را با سنگ و کلوخ و مانند این‌ها، با وجود داشتن همهٔ شروط، تطهیر کنند، آن ذره‌هایی که فقط با آب برطرف می‌شود و بعد از تطهیر با کلوخ و مانند آن در محل باقی می‌ماند، فقط برای نماز بخشیده شده است یا آنکه نجس‌کننده نیز هستند؟^۴

پاسخ: ۱. پاک شدن مخرج، محل تأمل است؛ ولی نماز خواندن مانعی ندارد و چنانچه چیزی هم به محل مخرج برسد، نجس نمی‌شود و وجود ذره‌های کوچک و لزج بودن محل، اشکالی ندارد (حضرت امام).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مسئله ۱؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۱۳۱؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۹۹.

۲. چنانچه یقین دارد نجاست به داخلش نفوذ کرده است، برای تطهیر، حکم اختلاف تطهیر حیوانات، جاری است (حضرت امام و آیات عظام خوبی، سیستانی، مکارم، فاضل، نوری، تبریزی و بهجت).

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، موردالثالث؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۷۰.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الاستنجا، مسئله ۱؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۶۸ و مفهوم مسئله ۶۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۶۹ و مفهوم مسئله ۷۰؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۹۸.





۲. پاک شدن مخرج، محل تأمل است؛ ولی نمازخواندن مانعی ندارد (آیت الله فاضل).

۳. مخرج پاک می‌شود و نمازخواندن مانعی ندارد و چنانچه چیزی هم به محل مخرج برسد، نجس نمی‌شود (آیات عظام اراکی، بهجت، گلپایگانی، خوبی، تبریزی، سیستانی، صافی، شبیری، مکارم، وحید و نوری).

رطوبت خارج شده از مخرج غائط

پرسش: گاهی اوقات، رطوبت غلیظ و سفیدرنگی همراه با باد شکم و روده یا به تنهایی از مخرج غائط خارج می‌شود که شباهت زیادی به خلط خارج شده از گلوئی انسان دارد. این رطوبت پاک است؟
پاسخ: پاک است؛ مگر اینکه همراه با ذرات مدفوع باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

خروج عفونت

پرسش: اگر به علت ابتلا به کیست عفونی، از کسی عفونتی خارج شود، این عفونت نجس است؟
پاسخ: اگر آن عفونت مخلوط به بول یا غائط یا خون باشد، نجس است؛ وگرنه پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

مایع کیسه آب جنین (مایع آمنیوتیک)

پرسش: گاهی قبل از زایمان، کیسه آب جنین پاره شده و مایعات کیسه از طریق مجرای تناسلی زن، خارج می‌شود. آیا این مایعات نجس است؟

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، موردالثالث؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۲، سؤال ۹۲؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۹۵.
 ۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، اقتباس من مورد الثالث؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۹۶.
 ۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، اقتباس من مورد الثالث؛ محمد فاضل لنکرانی،





پاسخ: محتوای کیسه آب جنین، نجس نیست؛ مگر اینکه به نجاستی آلوده باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

فاصله بین چاه آب و چاه توالی

پرسش: در حیاط کوچکی، چاه آب آشامیدنی وجود دارد و در پنج متری آن، چاه مستراح است. آیا استفاده از چاه آب آشامیدنی، اشکال دارد؟^۱

پاسخ: ۱. آبی که عین نجاست، مثل خون و بول به آن برسد و بویا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، اگرچه گریا جاری باشد، نجس می شود (تمام مراجع عظام تقلید).

۲. اگر نجاستی که بیرون آب است، بویا رنگ یا مزه آب را عوض کند، آن آب نجس نمی شود، مثلاً اگر مرداری که پهلوی آب است، بوی آن را تغییر دهد، آب نجس نمی شود (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).

۳. بنا بر احتیاط واجب، چنانچه با مجاورت، رنگ یا بویا مزه آب تغییر کند، نجس می شود (آیت الله سیستانی).

سوم: منی

نجاست منی

پرسش: آیا منی انسان و حیوانات مطلقاً نجس است؟^۲

جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۷۵؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۰۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۵۰؛ سید ابوالقاسم خویی، صراط النجاة المحشی للخواص، ج ۱، ص ۲۸، سؤال ۳۹.
 ۱. سید محمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۵۲؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المیاه، مسئله ۹؛ سید محمد رضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۹، سؤال ۹۳.
 ۲. سید محمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۷؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ذیل مسئله ۳۹۱، بخش الثالث من النجاسات؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ذیل مسئله ۳۹۱، بخش الثالث من النجاسات؛ استفتای خصوصی از امام خامنه ای علیه السلام، شماره استفتاء: ۲۲۶۹۶.





پاسخ:

الف. منی انسان

منی انسان نجس است و فرقی بین منی زن^۱ و منی مرد وجود ندارد (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. منی حیوانات دارای خون جهنده

۱. منی حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است و بین حرام گوشت بودن یا حلال گوشت بودن حیوان فرقی نیست (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).
۲. منی هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد، نجس است و بنا بر احتیاط واجب، از منی حیوان حلال گوشتی که خون جهنده دارد نیز باید اجتناب شود (امام خامنه‌ای و آیات عظام سیستانی و وحید).

ج. منی حیوانات بدون خون جهنده

۱. منی حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است و بین حرام گوشت بودن یا حلال گوشت بودن حیوان فرقی نیست (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).
۲. احتیاط واجب آن است که از منی حیوانی که خون جهنده ندارد نیز اجتناب شود (آیت الله مکارم).

خروج رطوبتی با بوی منی

پرسش: اگر کسی بعد از ادرار، استبراء کند و بعد مایعی خارج شود که بوی منی می‌دهد، این مایع نجس است؟^۲

پاسخ: اگر به منی بودن آن یقین یا اطمینان ندارید و خروج آن با

۱. گفتنی است که آیت الله سیستانی رحمته الله علیه می‌فرماید: «زن‌ها منی ندارند و آن رطوبتی که از آن‌ها با شهوت خارج می‌شود و موجب جنابت آن‌ها می‌شود، در حکم منی است.»

۲. سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۳۴۶ و ۳۴۷: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۳۵۲ و ۳۵۳: سید علی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، سؤال ۲۷۸.





علامت‌های شرعی خروج منی همراه نیست،^۱ حکم منی ندارد و پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

شک در منی بودن رطوبت خارج شده

پرسش: اگر دکتر تشخیص دهد که در ادرار کسی اسپرم وجود دارد و خود او هم بعد از ادرار، آبی لزج و چسبنده ببیند و احتمال قوی دهد که منی است، آیا آن آب حکم منی دارد؟^۲

پاسخ: اگر به منی بودن آن یقین یا اطمینان ندارد و خروج آن همراه با علامت‌های شرعی خروج منی نیست، حکم منی را ندارد و پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

نشانه‌های منی

پرسش: نشانه‌های منی چیست؟

پاسخ:

الف. در مردها

۱. ملاک، داشتن هر سه نشانه باهم است؛ یعنی جستن همراه با شهوت و سستی (حضرت امام، امام خامنه‌ای و آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل، سیستانی، وحید و نوری).
۲. اگر از مرد سالم آبی بیرون بیاید که یکی از نشانه‌ها را داشته باشد و نداند که دو نشانه دیگر را هم داشته است یا نه، در حکم منی است (آیت‌الله شبیری).
۳. ملاک، جستن همراه با شهوت است (آیت‌الله مکارم).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی غسل الجنابه، الاول: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، مسئله ۳۴۶: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۳۵۲: حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، مسئله ۱۶۹: سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، مسئله ۱۶۹: سیدروح‌الله موسوی‌الخمینی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۱۰۳: جواد تبریزی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۴۸: اجوبة الاستفتانات، سؤال ۱۷۱ و ۱۷۷: لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العبادة، ج ۱، ص ۳۰: محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۱۷۷.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۳۴۶: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۳۵۲.





۴. ملاک، جستن همراه با شهوت یا سستی است (آیات عظام گلبایگانی و صافی).
۵. ملاک، جستن همراه با شهوت است و اگر فقط شهوت بود، باید احتیاطاً غسل کند و در صورتی که قبل از خروج آن مایع، وضو نداشته است، وضو هم بگیرد (آیت الله بهجت).

ب. درزها

۱. اگر زن به اوج لذت جنسی برسد و در آن حال، مایعی از او خارج شود، جنابت محقق شده است و غسل بر او واجب می‌شود. اگر شک کند که به این مرحله رسیده است یا نه یا شک در خروج مایع داشته باشد، غسل واجب نیست (امام خامنه‌ای و آیت الله مکارم).

۲. نشانه‌اش خروج رطوبت همراه با شهوت است [و میزان شهوتی است که مقارن با آن منی خارج می‌شود و با سایر حالات فرق می‌کند] (حضرت امام و آیات عظام فاضل، وحید، صافی و شبیری).

۳. اگر رطوبتی که از زن‌ها با شهوت خارج می‌شود، به حدی باشد که صدق انزال کرده و لباس‌ها را آلوده کند و معمولاً این رطوبت در موقعی خارج می‌شود که زن به اوج شهوت جنسی برسد، نجس و موجب جنابت است. همچنین بنا بر احتیاط واجب، اگر زن به اوج لذت نرسد؛ ولی آب زیاد باشد، نظیر آنچه در حال ارضای کامل خارج می‌شود، نجس و موجب جنابت است (آیت الله سیستانی).

۴. ملاک، جستن همراه شهوت یا سستی است (آیت الله گلبایگانی).

۵. ملاک، داشتن هر سه نشانه باهم است: جستن و شهوت و سستی هر سه باهم. اگر شهوت و سستی بدون جستن بود، بنا بر احتیاط واجب غسل کند و در صورتی که قبل از خروج آن مایع، وضو نداشته است، وضو هم بگیرد (آیت الله خویی).

۶. ملاک، شهوت همراه سستی است (آیت الله نوری).





۷. ملاک، جستن همراه با شهوت است و اگر فقط شهوت بود، باید احتیاطاً غسل کند و در صورتی که قبل از خروج آن مایع، وضو نداشته است، وضو هم بگیرد (آیت الله بهجت).
۸. اگر آبی که خارج شده است، همراه با شهوت خاص و سستی بدن باشد، حکم منی دارد (آیت الله تبریزی).

ج. در اشخاص مریض

۱. ملاک، فقط شهوت است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، وحید، سیستانی، فاضل، صافی و تبریزی).
۲. ملاک، شهوت همراه با سستی است (آیات عظام خویی و نوری).
۳. ملاک، جستن همراه با شهوت است و اگر فقط شهوت بود، باید احتیاطاً غسل کند و در صورتی که قبل از خروج آن مایع، وضو نداشته است، وضو هم بگیرد (آیت الله بهجت).
۴. اگر به مریض حالت شهوت دست دهد و آبی خارج شود که احتمال دهد منی است، حکم منی دارد؛ هر چند بیرون آمدن آن با شهوت نباشد و دو نشانه دیگر را هم نداشته باشد (آیت الله شبیری).

چهارم: مُردار

مفهوم مردار

پرسش: در بحث مردار، منظور از مردار حیوان چیست؟

۱. درباره مصداق مریض استفتائی از آیت الله تبریزی رحمته الله علیه شده است که متن استفتا و جواب آن بدین شرح است: «سؤال: در رساله عملیه آمده است: آبی که از شخص مریض خارج شود، همین که با شهوت خارج شده باشد، حکم منی دارد.» منظور از مریض، بیمار چه نوع مرضی است؟ جواب: بسمه تعالی. هر مریضی را شامل می شود» (جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، سؤال ۸۴).

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۸۹.





پاسخ: ۱. منظور حیوانی است که خودش مرده باشد یا به غیر از تذکیه^۱ شرعی او را کشته باشند (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).
۲. منظور حیوانی است که خودش مرده باشد؛ اما اگر به غیر دستور شرعی آن را ذبح کرده باشند، پاک است؛ ولی احتیاط مستحب است که از آن پرهیز کنند (آیت الله مکارم).

مردارهای نجس و پاک

پرسش: حکم مردار چیست؟^۲

پاسخ:

الف. مردار انسان و حیوان دارای خون جهنده

مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، چنانچه روح از تمام بدنش خارج شده باشد، نجس است؛ اگرچه بدنش کاملاً گرم باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

نکته: تا زمانی که غسل سوم کامل نشود، بدن میّت محکوم به نجاست است و وجوب غسل مسّ میّت، در صورتی است که بدن میّت بعد از سرد شدن کامل آن، مَس شود.

ب. مردار حیوانات بدون خون جهنده

مردار حیواناتی که خون جهنده ندارند، مثل ماهی، هر چند در آب بمیرد، همه اجزایشان پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. بریدن گلوی حیوان حلال گوشت (نک: محمد بهشتی، فرهنگ صبا).

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات و مسئله ۳ و ۱ و ۱۲ در همان بخش؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۸؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۷۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۸۹.





ج. مردار مشکوک بین حیوان دارای خون جهنده و بدون خون جهنده مردار این حیوان پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

نجاستِ بدنِ میّت

پرسش: آیا بدنِ میّتِ مسلمان، قبل از غسل دادن، نجس است؟^۱
پاسخ: بله، تا قبل از تمام شدن غسل‌های سه‌گانه، میّت نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

تیمّم میّت به جای غسل

پرسش: جنازه‌ای را به علت تعدّر، تیمّم بدل از غسل داده‌اند. چنانچه چیز تری به آن برسد، آن جنازه نجس می‌شود؟^۲
پاسخ: ۱. بله، نجس می‌شود (آیت‌الله خویی).
۲. بله، بنابر احتیاط واجب، نجس می‌شود (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، سیستانی و مکارم).
۳. خیر، نجس نمی‌شود (آیات عظام اراکی و بهجت و نوری).

اجزای بی‌روح مردار انسان و حیوانات دارای خون جهنده

پرسش: اجزای بی‌روح، مثل پشم و مو و کرک مردار انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند نیز نجس است؟^۳
پاسخ: ۱. در مردار سگ و خوک و کافر که نجس‌العین هستند، تمام اجزای بدن حتی اجزای بی‌روحشان نیز نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۱۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۸۹؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۱۲.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المطهرات، مورد الخامس عشر؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۱۴.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد رابع؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۰.





۲. در غیر مردار سگ و خوک و کافر تمام اجزای بی‌روح، مثل پشم و مو و کرکشان پاک است^۱ (تمام مراجع عظام تقلید).

پوست‌های مختصر دست یا بدن

پرسش: پوست‌های مختصر لب و سایر اعضای بدن، در صورت کنده شدن، پاک هستند؟^۲

پاسخ: ۱. پوست‌های مختصر لب و سایر اعضای بدن که موقع افتادنشان رسیده است، اگرچه آن‌ها را بکنند، پاک است؛ ولی بنابر احتیاط واجب، از پوستی که موقع افتادنش نیست و آن را کنده‌اند، باید اجتناب کرد (حضرت امام، امام‌خامنه‌ای و آیات عظام بهجت^۳، گلپایگانی، مکارم، صافی، نوری و شبیری).

۲. پوست‌های مختصر لب و سایر اعضای بدن که موقع افتادنشان است؛ اگرچه آن‌ها را بکنند، پاک است (آیت‌الله فاضل).

۳. پوست‌های مختصری که از لب و سایر اعضای بدن جدا می‌شود، پاک است (آیت‌الله اراکی).

۴. اگر پوست‌های مختصر لب و سایر اعضای بدن را بکنند، پاک است

۱. «باید توجه داشت هرگاه به چیزی شک کند که از اجزای حیوان است یا نه، محکوم به طهارت است؛ همچنین هرگاه شخصی استخوان مجردی یافت و شک کرد که استخوان طاهرالعین است یا نجس‌العین، پاک است؛ اگرچه معلوم باشد که از انسان است و نداند که از کافر است یا مسلم» (نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۴ و ۱۷).

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۱؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۱؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۷۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۲؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۲؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۲؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۳۰؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۹۷؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، سؤال ۱۱۸؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۰۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۱۸؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، احکام نجاسات، بخش مردار؛ محمدعلی اراکی، المسائل الواضحة، ج ۱، مسئله ۹۰؛ سیدعلی سیستانی، استفتائات، سؤال ۹؛ استفتای خصوصی از امام‌خامنه‌ای^{علیه‌السلام}، شماره استفتا: ۸۳۴۶۸۳، تاریخ استفتا: ۱۳۹۶/۵/۲۲.

۳. مرحوم آیت‌الله‌العظمی بهجت^{علیه‌السلام}، در وسیلة النجاة و جامع المسائل فرموده‌اند: «احتیاط اقتضای بر موارد عسر و حرج در اجتناب یا ثبوت سیره در معامله طهارت با اجزای صغار است و ظاهرأ مواردی که پوست روح نداشته و زمان افتادن آن فرا رسیده است داخل در سیره محسوب می‌شود.»





(آیات عظام خوبی و وحید).

۵. پوست‌های مختصر، پاک است؛ اگرچه با درد و فشار از روی بدن کنده شوند (آیت‌الله تبریزی).

۶. اجزای صِغار و کوچک بدن که روح ندارند و به آسانی جدا می‌شوند، پاک هستند؛ اما اگر حیات داشته باشند و جدا شوند، بنابر فتوا نجس هستند و اگر مشکوک باشند که روح دارند یا خیر، باز هم محکوم به پاکی و طهارت هستند و در اینجا استصحاب^۱ حیات، عنوان میته (مردار) را اثبات نمی‌کند (آیت‌الله سیستانی).

پاک‌بودن ریشهٔ مو (پیاز مو)

پرسش: اگر مو با ریشه از بدن انسان زنده کنده شود و هنگام کنده‌شدنش، انسان دچار درد شود، ریشهٔ آن مو، پاک است؟^۲

پاسخ: ۱. بله، پاک است (امام‌خامنه‌ای و آیات عظام گلپایگانی، بهجت، فاضل، صافی و سیستانی).

۲. چنانچه همراه آن، پوست یا گوشت نباشد، پاک است (آیات عظام تبریزی و مکارم).

روح‌داربودن استخوان و ریشهٔ دندان و قسمت داخلی شاخ حیوانات

پرسش: در علم زیست‌شناسی ثابت شده است و جزو مسلمات است که استخوان روح دارد؛ یعنی دارای رشته‌های عصبی است که در صورت آسیب یا فشار، درد را احساس می‌کند؛ همچنین قسمت داخلی دندان (ریشهٔ دندان) یا قسمت داخلی شاخ حیوانات، روح دارد. آیا باین وجود، می‌توان

۱. با خود داشتن.

۲. سیدمحسن محمودی، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۴، ص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ سیدمحمدرضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۴، سؤال ۸۳؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۱۸؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، پاسخ کوتاه «به» ۳۰۰ [سیصد] سؤال از احکام، ج ۲، ص ۱۰، سؤال ۸.





گفت: استخوان و ریشه دندان و قسمت داخلی شاخ حیوانات، در صورتی که از مردار باشد، نجس است یا آنکه باید آن‌ها را تعبداً پاک بدانیم؟^۱

پاسخ: ۱. این اعضا عرفاً حیات ندارند و نص بر طهارت (تصریح بر پاک بودن) آن‌ها رسیده است و در هر حال محکوم به طهارت هستند (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).

۲. پاک بودن مشکل است [به این معنا که بنابر احتیاط واجب پاک نیست] (آیت‌الله مکارم).

مردار سوسمار خانگی

پرسش: آیا میتۀ سوسمار خانگی نجس است؟^۲

پاسخ: اگر خون جهنده ندارد یا معلوم نباشد که از حیواناتی است که خون جهنده دارند یا نه؛ در این دو صورت هم خونش و هم میتۀ آن پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

پوست مار

پرسش: اشیائی که با پوست مار درست می‌شوند، آیا محکوم به نجاست‌اند؟^۳

پاسخ: اگر مار خون جهنده نداشته باشد یا معلوم نباشد که خون جهنده دارد یا نه، در این دو صورت، تمام اشیائی که با پوست آن درست می‌شود، پاک است^۴ (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۹: استفتای کتبی خصوصی از آیت‌الله‌العظمی سبستانی رحمته‌الله‌علیه.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۳: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳: محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۰۵.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۳: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.

۴. بنابر نظر مراجع عظام تقلید، اگر فرد به واسطه ندانستن مسئله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند عرق جنب





حکم گوشت و پیه و چرم حیوان مشکوک به تذکیه

پرسش: حکم گوشت و پیه و چرم حیوانی که انسان شک دارد که به طریق شرعی ذبح شده است یا نه، از نظر طهارت و نجاست چیست؟^۱

پاسخ: ۱. اگر به عدم تذکیه حیوان یقین نداشته باشد و فقط احتمال آن برود که گوشت و پیه و چرم از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده است، مطلقاً پاک است؛ اگرچه آن‌ها را از دست کافر بگیرد یا اینکه از مسلمانی گرفته باشد که او نیز از کافری گرفته است و رسیدگی نکرده باشد که آیا از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده است یا نه (امام خامنه‌ای و آیات عظام خویی، فاضل، اراکی و سیستانی).

۲. اگر یقین به عدم تذکیه حیوانی نداشته باشیم، بلکه همین قدر احتمال آن برود که حیوان به دستور شرع کشته شده است، گوشت و پیه و چرمش پاک است؛ مگر آنکه بدانند آن مسلمان از کافر گرفته است و رسیدگی نکرده که این از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده است یا نه؛ در این صورت نجس است (حضرت امام و آیات عظام بهجت و نوری و وحید).

۳. گوشت و پیه و چرمی که در بازار اسلام از دست مسلمانان گرفته شود، پاک است؛ اما اگر از دست کافر گرفته شود، بنابر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کرد؛ مگر اینکه بدانیم از دست مسلمان گرفته شده است. اگر آن‌ها را در بازار کفار، از دست کفار بگیرند، نجس است؛ مگر آنکه بدانیم از بلاد اسلام بوده است. اگر یکی از این‌ها در بازار کفار، در دست مسلمان

از حرام، پاک است یا نه، باید مسئله را بپرسد؛ ولی اگر با اینکه مسئله را می‌داند، شک کند که چیزی پاک است یا نه، مثلاً شک کند که آن چیز خون است یا نه، یا نداند که خون پشه است یا خون انسان. در این صورت پاک است (سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۳).

۱. مسئله بیان شده فقط در مقام بیان طهارت و نجاست است؛ اما این مسئله در مقام بیان احکام خوردن و آشامیدن و همچنین نمازخواندن با آن‌ها و مانند آن نیست. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۵؛ سیدعلی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، سوالات ۲۷۵ و ۲۷۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۷ و ۳۹۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۷ و ۳۹۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۷ و ۳۹۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۷ و ۳۹۸؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۰۹.





باشد، احتیاط واجب اجتناب از آن است؛ مگر آنکه مسلمان با آن معامله طهارت کند و احتمال داده شود که طهارت آن را به دست آورده است که در این صورت پاک است (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۴. گوشت و پیه و چرمی که احتمال دارد از حیوانی باشد که به دستور شرع کشته شده است، مطلقاً پاک است؛ مگر آنکه از دست کافر گرفته شود و از حیواناتی باشد که فقط با ذبح یا نحر تذکیه می‌شوند که در این صورت نجس است (آیت‌الله تبریزی).

۵. گوشت و پیه و چرمش، مطلقاً پاک است؛ اگرچه یقین داشته باشیم که حیوان را به غیر از دستور شرعی ذبح کرده باشند (آیت‌الله مکارم).

۶. گوشت و پیه و چرمی که احتمال برود از حیوانی است که به دستور شرع کشته‌اند، در چهار صورت پاک و خوردن آن جایز است. در غیر آن چهار صورت، در حکم مردار است و تمام احکام مردار بر آن بار می‌شود. آن چهار صورت چنین است: الف. در بازار مسلمانان تهیه شود؛ هرچند از دست کافر گرفته باشند؛ ب. از مکانی در سرزمین اسلام تهیه شود؛ یعنی سرزمینی که مسلمانان بر آن حکومت می‌کنند. در این دو صورت، اگر از بازار یا سرزمین غیراسلامی وارد شود، چنانچه احتمال برود که در پاکی و نجسی آن تحقیق شده است، پاک؛ وگرنه نجس است. همچنین در برخی از فرض‌های این دو صورت، تفصیلی وجود دارد که در مسئله بعد بیان می‌شود؛ ج. کسی که آن چیز در دست اوست، به پاک بودن آن خبر دهد؛ د. ببینند که مسلمانان با آن نماز می‌خوانند (آیت‌الله شبیری).

دواجات روان، عطر، روغن، واکس و صابون وارداتی

پرسش: دواجات روان، عطر، روغن، واکس و صابون که از کشورهای غیراسلامی وارد می‌کنند، چه حکمی دارد؟^۱

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۵.





پاسخ: اگر انسان یقین به نجاست آن‌ها نداشته باشد، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

تخم مرغ داخل شکم مرغ مرده

پرسش: تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می‌آید، پاک است؟

پاسخ:

الف. پوست روی آن سفت شده است

۱. پاک است؛ ولی ظاهر آن را به علت ملاقات با میتة (تماس با مردار)، باید آب کشید (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. پوست روی آن سفت نشده است

۱. نجس است (حضرت امام).

۲. پاک است؛ ولی ظاهر آن را به علت ملاقات با میتة (تماس با مردار)، باید آب کشید^۲ (آیات عظام اراکی، خوبی، فاضل، سیستانی، مکارم، نوری و صافی^۳).

۳. نجاست آن، محلّ اشکال است و بنابر احتیاط واجب از آن اجتناب شود (آیات عظام بهجت^۴ و وحید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۲: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۳: لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۳۰: ابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۳: جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۳: حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۳: سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۳: سیدروح‌الله موسوی خمینی، کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۱۰۹ و ۱۱۰، طهارة البيض المأخوذ من الميتة.

۲. این مسئله، در مقام بیان طهارت و نجاست است و نه در مقام بیان حکم خوردن.

۳. آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه در رساله فارسی خود می‌فرماید: «اگر روی پوست آن سفت شده باشد، پاک است؛ ولی عبارت ایشان در هدایة العباد، جلد ۱، مسئله ۵۳۰، این چنین است: «کذا البیض من الميتة التي اكتسب القشر الأعلى من مأكول اللحم بل و غیره بل يمكن الحكم بطهارته قبل اكتسائه الجلد الغلیظ و إن اكتسائه كذلك شرط حلیة أكله و رواية غیاث لا تدل علی أزید من السؤال عن حکم أكله و الاحتیاط حسن فی كل حال.»

۴. آنچه از مرحوم آیت‌الله بهجت در متن بیان شده است، نظر ایشان در توضیح المسائل، مسئله ۹۶ و در جامع المسائل، ج ۱، ص ۵۹ است؛ درحالی که در وسیلة النجاة، مسئله ۵۱۹ می‌فرماید: «چنانچه پوست نازک روی تخم مرغ، مانع از سربایت نجاست میتة به تخم مرغ باشد، در این فرض، تخم مرغ پاک است؛ اگرچه که ظاهرش را باید تطهیر کرد.»





پنیرمایه موجود در شیردان حیوان مرده

پرسش: اگر برّه و بزغاله پیش از آنکه علف خوار شوند، بمیرند، آیا پنیرمایه موجود در شیردان آن‌ها پاک است؟^۱

پاسخ: ۱. بله، پاک است؛ ولی ظاهر آن را باید آب کشید (حضرت امام و آیات عظام خوئی، تبریزی، فاضل، بهجت، گلپایگانی، اراکی، نوری، شبیری و صافی).

۲. بله، پاک است؛ ولی بنابر احتیاط واجب، بیرون آن را باید آب بکشند (آیات عظام مکارم و وحید).

۳. بله، پاک است؛ ولی چنانچه ثابت نشود که مایع است، باید ظاهر آن را که با بدن میتة ملاقات کرده است، بشویند (آیت الله سیستانی).

عَلَقَه (خون استحاله شده^۲ از منی)

پرسش: آیا عَلَقَه، پاک است؟^۳

پاسخ:

الف. عَلَقَه موجود در تخم پرندگان

۱. پاک است (حضرت امام و آیت الله سیستانی).

۲. بنابر احتیاط واجب نجس است (آیات عظام فاضل، گلپایگانی، بهجت، خوئی^۴، تبریزی، وحید، مکارم و صافی).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۴.

۲. استحاله دگرگون شدن ماهیت چیزی و تبدیل آن به ماهیتی دیگر است؛ مانند آنکه چوبی بر اثر سوختن، خاکستر شود.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۱؛ سیدروح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الخامس، قبل از مسئله ۷؛ ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۲؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۲۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۴۰؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۴۰.

۴. گفتنی است، آیت الله خوئی رحمته الله علیه، در العروة الوثقی حاشیه ندارند و فتوای به نجاست دارند؛ ولی در منهاج الصالحین، احتیاط واجب دارند.





۳. نجس است (آیات عظام اراکی و نوری).

ب. علقه موجود در غیر تخم پرندگان

۱. بنابر احتیاط واجب نجس است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، گلپایگانی، خوبی، تبریزی، وحید، مکارم، صافی و سیستانی).
۲. نجس است (آیات عظام اراکی و بهجت و نوری).

مُضغه و مشیمه و جفت

پرسش: حکم مضغه^۱ و مشیمه^۲ و جفت^۳ از لحاظ طهارت و نجاست چیست؟^۴

- پاسخ:** ۱. مضغه و مشیمه و جفت، بنابر احتیاط واجب نجس هستند (حضرت امام و آیات عظام خوبی، فاضل لنکرانی، گلپایگانی و اراکی).
۲. مضغه و مشیمه و جفت پاک هستند؛ مگر آلوده به نجاستی مثل خون بدن انسان باشند (آیات عظام سیستانی و مکارم).

جنین

پرسش: آیا جنین سقط شده، نجس است؟^۵

پاسخ: ۱. جنین سقط شده که روح در او دمیده نشده است، بنابر احتیاط واجب نجس است و جنین سقط شده که روح در او دمیده شده

۱. مُضغه، پاره گوشت مربوط به مرحله سوم دوران جنینی است که در آن خون بسته، به گوشت تبدیل می شود؛ همچون گوشت جویده شده.

۲. مشیمه، پرده هایی است در شکم زن که جنین در آن قرار دارد و با نوزاد از شکم خارج می شود.

۳. اندامی است که در جریان آبستنی در رحم شکل می گیرد و غذا و اکسیژن را از مادر به جنین منتقل می کند؛ همچنین مواد زائد جنین از طریق آن دفع می شود و هنگام زایمان با نوزاد از رحم خارج می شود.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۱۳.

۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۹؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹.





باشد، میته محسوب شده و نجس است^۱ (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، تبریزی، سیستانی و وحید).

۲. جنین سقط شده، مطلقاً نجس است (آیات عظام اراکی و مکارم).

۳. جنین سقط شده که روح در او دمیده نشده است، بنابر احتیاط مستحب باید از آن اجتناب شود؛^۲ اما جنین سقط شده که روح در او دمیده شده باشد، میته محسوب می شود و نجس است (آیت الله گلپایگانی).

جوجه موجود در تخم

پرسش: جوجه موجود در تخم پرندگان، چنانچه در تخم بمیرد، نجس است؟^۳

پاسخ: ۱. نجس است (آیت الله نوری).

۲. بنابر احتیاط واجب، نجس است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، فاضل، خویی، تبریزی و وحید).

۳. پاک است (آیات عظام گلپایگانی^۴ و سیستانی).

۴. پاک است، به شرط اینکه روح حیوانی، دمیده نشده باشد (آیت الله مکارم).

۵. بنابر احتیاط واجب، قبل از دمیده شدن روح، نجس است (آیت الله اراکی).

۱. اگر جنین جنینی متعلق به مسلمان باشد، پس از انجام غسل میت پاک می شود.

۲. متن عبارت آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه، در العروة الوثقی چنین است: «نجاسته مشکل و ان كان الاحتیاط حسناً» که ظهور در احتیاط استحبابی دارد.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۹؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۳۹۹.

۴. متن عبارت آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه در العروة الوثقی چنین است: «نجاسته مشکل و ان كان الاحتیاط حسناً» که ظهور در احتیاط استحبابی دارد.





نافہ مُشک و مُشک

پرسش: حکم نافہ مُشک (مُشکدان) و نیز خود مُشک، از نظر طہارت و نجاست چیست؟

پاسخ:

الف. مُشکدان آہو (نافہ مُشک)

خلاصہ فتاوا

۱. اگر وقتِ جدا شدن نافہ رسیده است و روح از نافہ زایل (خارج) شدہ است، چہ از مردار^۲ جدا شود و چہ از زندہ، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).
۲. اگر نافہ از حیوان مذگی جدا شود، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).
۳. اگر نافہ از زندہ جدا شدہ و زمان جدا شدنش نرسیدہ است و روح حیات دارد:

* پاک است (آیات عظام خوبی، تبریزی، اراکی، وحید و نوری).
 * پاک است، بہ شرط اینکہ بہ روش معهود^۳ و متعارف باشد (آیت اللہ مکارم).

- * نجس است (حضرت امام و آیات عظام فاضل و بہجت و سیستانی).
- * بنا بر احتیاط واجب نجس است (آیات عظام گلپایگانی و صافی).
- ۴. اگر نافہ از مردار جدا شدہ و زمان جدا شدنش نرسیدہ است و روح حیات دارد:

* نجس است (حضرت امام و آیات عظام فاضل و بہجت و سیستانی).

۱. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئلہ ۴؛ محمد تقی بہجت، وسیلۃ النجاة، مسئلہ ۵۲۰؛ محمد تقی بہجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۵۸؛ سید ابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطہارۃ، مسئلہ ۳۹۴؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطہارۃ، مسئلہ ۳۹۴؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطہارۃ، مسئلہ ۳۹۴؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطہارۃ، مسئلہ ۳۹۴. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، ہدایۃ العباد، ج ۱، مسئلہ ۵۲۲ و ۵۲۳؛ لطف اللہ صافی گلپایگانی، ہدایۃ العباد، ج ۱، مسئلہ ۵۲۲ و ۵۲۳.
 ۲. برخی از فقہا مانند آیت اللہ العظمی خوبی رحمۃ اللہ علیہ فرمودہ اند: «اجزای بی روح حیواناتی کہ خون چہندہ دارند، در غیر از سگ و خوک، پاک است.»
 ۳. باید بہ اہلش مراجعہ شود.





* بنابر احتیاط واجب نجس است (آیات عظام خویی، تبریزی، اراکی، گلپایگانی، مکارم، وحید، نوری و صافی).

تفصیل فتاوا

۱. مشکدان آهو (نافهٔ مُشک) در صورتی که حیات داشتند معلوم باشد، اگر از آهوی زنده یا از مردار آن جدا شود، قبل از آنکه زمان جدانشدن برسد و جان از آن بیرون آید، با اینکه آهو هنوز زنده است، بنابر احتیاط واجب نجس است. اما اگر مشکدان به حدی رسیده باشد که باید کنده شود، پاک است؛ چه از آهوی زنده جدا شده باشد و چه از مردار آن (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۲. مشکدان آهو (نافهٔ مُشک) در صورتی که حیات داشته باشد، اگر از آهوی زنده یا از مردار آن جدا شود، قبل از آنکه برسد و مستقل شود و جان از آن بیرون آید، با اینکه آهو هنوز زنده است، نجس است. اما اگر به حدی رسیده باشد که باید کنده شود، بنابر اقوا پاک است؛ چه از آهوی زنده جدا شده باشد و چه از مردار آن^۱ (حضرت امام و آیات عظام فاضل و سیستانی).

۳. مشکدان آهو (نافهٔ مُشک) چنانچه از آهوی زنده به صورت متعارف جدا شود، پاک است؛ اما اگر از مردار جدا شده باشد، بنابر احتیاط واجب نجس است (آیات عظام خویی، تبریزی، اراکی، مکارم، وحید و نوری).

۴. مشکدان آهو (نافهٔ مُشک) که از آهوی زنده یا مرده جدا می‌شود، پاک است؛ به شرط آنکه قبل از جدانشدن، حیات از او زایل شده باشد یا به سرحد کمال رسیده باشد، به گونه‌ای که جزء بدن آهو محسوب نشود که در غیر این دو صورت، نجس است. در صورت شک در وضعیت حال نافه، مشکدان پاک است و نیز اگر مشکدان از بازار مسلمین یا از مسلمان

۱. حضرت امام علیه السلام می‌فرمایند: «در صورتی که جان داشتن آن مشکوک باشد، محکوم به طهارت است؛ ولی اگر جان داشتن آن معلوم بوده است، ولی رسیدن آن به حد مذکور مشکوک باشد، محکوم به نجاست است.» آیات عظام صافی علیه السلام و سیستانی علیه السلام و گلپایگانی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «مشکدان آهویی که ذبح شرعی شده است، مطلقاً پاک است.»





خریداری شود، پاک است (آیت‌الله بهجت).^۱

ب. مشک آهو

۱. مُشک آهو، اگرچه از آهوی مرده باشد، پاک است؛ مگر آنکه یقین داشته باشیم، مشک با چیز نجسی برخورد مُسری داشته است که در این صورت، حکم به نجاست آن می‌شود (حضرت امام و آیات عظام فاضل و سیستانی و وحید).

۲. مُشک آهو اگرچه از آهوی مرده باشد، پاک است؛ مگر آنکه یقین داشته باشیم مشک با چیز نجسی برخورد مُسری داشته است که در این صورت، بنابر احتیاط واجب حکم به نجاست آن می‌شود (آیات عظام خوبی و تبریزی).

۳. چنانچه مشک آهو از آهوی مرده جدا شده باشد، بنابر احتیاط واجب نجس است؛ اما اگر از آهوی زنده جدا شود، پاک است. همچنین اگر شک داشته باشیم که از آهوی زنده است یا مرده، باز هم حکم به طهارت آن می‌شود (آیات عظام گلپایگانی، اراکی، نوری، صافی و مکارم).

۴. مشک آهو که از آهوی زنده جدا می‌شود، مطلقاً پاک است؛ مگر زمانی که مشکدان محکوم به نجاست باشد و احتمال داده شود که مشک جامد موجود در آن، سابقاً مایع بوده است که در این صورت بنابر احتیاط واجب، باید از آن اجتناب کرد. دربارهٔ مشک جدا شده از آهوی مرده، باید

۲. عین عبارت مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت در جامع المسائل، جلد ۱، صفحه ۵۸ چنین است: «نافه مشکي که از آهوی زنده جدا می‌شود، پاک است، به انفعال یا اخذ بعد از استكمال که علامت استقلال و خروج از جزئیت است علی‌الظاهر و همچنین است منفصل بعد از موت یا مأخوذ از میت بعد از کمال، علی‌الظاهر و در غیر این صورت، فارة ناهه، محکوم به نجاست است و احتیاط در مشکي که محتمل است انجام آن بعد از حکم به نجاست فارة ملاقیه آن باشد، ترک نشود در غیر مأخوذ از سوق مسلم یا بد مسلم، والله العالم. و در صورت شک در حال ناهه در حین اخذ، ممکن است حکم بنماید به استصحاب عدم مخضض از حکم عمومی جزء میان از حی یا میت اگر معارض شود به استصحاب عدم قطع تا زمان کمال که معارض استصحاب عدم کمال الی زمان القطع است در مجهولی التاريخ و در تقدیر معارضه با عدم جریان، به جهت مثبتیت با فرض عدم خفای واسطه، مرجع «اصالة الطهارة» است نه «اصالت عدم التذکبة» که در غیر مذکي یقیناً حکم به طهارت می‌شود.»
ایشان در وسیلة النجاة، صفحه ۱۴۷ می‌فرمایند: «فارة المسک المبانة من الحی أو الميت طاهر علی‌الظاهر إذا زال عنها الحیاة قبل الانفصال أو أخذ بعد الاستكمال بحيث ینخرج عن الجزئية و إلا فمحکوم بالنجاسة».





گفت که چنانچه آهو مذگی است، مشک پاک است و اگر غیرمذگی است، چنانچه روح در زمان زنده بودن آهو از مشکدان زایل شده یا مشکدان به سرحد کمال رسیده، به گونه‌ای که جزء بدن آهو محسوب نشود، مشک داخل آن پاک است. اما اگر مشکدان چنین نبوده و در نتیجه مشک مردار محسوب شود، چنانچه مشک مایع بوده، نجس است و اگر مشک جامد بوده و با رطوبت مسریه با بدن آهو تماس داشته است، ظاهر آن نجس است. در صورت شک در وضعیت مشک و مشکدان، مشک موجود در داخل مشکدان پاک محسوب می‌شود و همچنین است اگر مشک از بازار مسلمین یا از مسلمان خریداری شود (آیت الله بهجت).^۱

شایعه ساخت لوازم آرایشی از ناف جنین

پرسش: مدتی است که شایع شده است لوازم آرایشی را از ناف جنین که هنگام تولد از او جدا می‌کنند یا از جنین مرده می‌سازند. گاهی از این لوازم استفاده می‌شود و حتی گاهی رژلب خورده می‌شود، آیا این‌ها نجس هستند؟^۲

پاسخ: شایعه، دلیل شرعی بر نجس بودن لوازم آرایشی نیست و تا نجاست آن‌ها از راه شرعی احراز نشود، استفاده از آن‌ها اشکال ندارد و تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست، لازم نیست؛ اگرچه تحقیق بدون مشقت امکان داشته باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

نکته: بر فرض، اگر نجاستشان هم ثابت شد، به مبحث جنین در مباحث گذشته مراجعه شود.

۱. عین عبارت آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله در جامع المسائل جلد ۱، صفحه ۵۸ و وسیلة النجاة: مسئله ۵۲۰ چنین است: «و أمّا مسکها فلا إشکال فی طهارته فی جمیع الصور إلا إذا احتتمل انجمادها بعد الحکم بنجاستها فالأحوط الاجتناب إلا إذا أخذ من سوق المسلم أو بده و کذا فی المبان من المیت إذا کانت رطوبة مسریة حال موت الطبی و مع الجهل بالحال محکوم بالطهارة.»

۲. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۸۸؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.





پنجم: خون

نجاست و طهارت خون

پرسش: حکم خون چیست؟^۱

پاسخ:

الف. خون انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ یعنی حیوانی که اگر رگ آن را بپزند، خون از آن جستن می‌کند، نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. خون حیواناتی که خون جهنده ندارند

خون حیوانی که مانند ماهی و پشه، خون جهنده ندارد، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

ج. خونی که از غیر حیوانات است

خونی که از غیر حیوانات است، مثل خونی که بعد از قتل حضرت سیدالشهدا علیه السلام در زیر سنگ‌ها یافت شد، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

فرآورده‌های خونی، مثل پلاسما و سرم

پرسش: فرآورده‌های خونی، مثل پلاسما و سرم که از تصفیه و تجزیه خون در آزمایشگاه به دست می‌آیند، پاک هستند؟^۲

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات: سیدعلی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتانات، اطلاق جواب سؤال ۲۶۶؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۷.

۲. روح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۵۷؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۸۰؛ محمدفاضل لنکرانی، احکام پزشکان و بیماران، مسئله ۵۱۳؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۲۳؛ ناصر مکارم شیرازی،





پاسخ: ۱. سرمی که از فرآورده‌های خون است، نجس است؛ مگر در صورتی که صدق خون به آن نشود (حضرت امام).

۲. فرآورده‌های خونی نجس هستند؛ مگر اینکه به واسطه استحاله شدن به آن خون نگویند، مثل پلاسما و سرم که عرفاً به آن‌ها خون نمی‌گویند؛ پس ذاتاً پاک هستند؛ اما چون در همان ظرفی که خون در آن ریخته شده است، به دست می‌آیند، در اثر تماس با ظرف نجس، نجس می‌شوند (آیت‌الله فاضل).

۳. تمام آن‌ها حکم خون را دارند؛ پس نجس هستند (آیات عظام بهجت و مکارم).

خون داخل تخم مرغ

پرسش: خون داخل تخم مرغ چه حکمی دارد؟

پاسخ:

الف. از نظر پاکی و نجاست

۱. محکوم به طهارت است (حضرت امام و امام‌خامنه‌ای و آیات عظام فاضل و سیستانی).

۲. بنابر احتیاط واجب، از تخم مرغی که در آن ذره‌ای خون است، باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد تا زمانی که پوست نازک روی آن پاره نشده باشد، سفیده پاک است^۲ (آیات عظام خویی، گلپایگانی،

→ احکام پزشکی، سؤال ۳۴۰.

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۹؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۶۹؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۷۱؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، مسئله ۱۰۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، مسئله ۱۱۱.
۲. در جلد اول استفتانات آیت‌الله‌العظمی بهجت رحمته‌الله، در سؤال ۳۲۲ از ایشان درباره عبارت «از خونی که در تخم مرغ است، بنابر احتیاط باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، سفیده پاک است و اگر در سفیده باشد، زرده پاک است.» توضیحی خواستند. ایشان در پاسخ فرمودند: «منظور این است که چون پوست رقیقی زرده را احاطه کرده است، نجاست از درون به بیرون و بالعکس سرایت نمی‌کند.»





اراکي، تبریزی، بهجت، صافی، شبیری و نوری).
۳. کافی است خون موجود در تخم مرغ را بردارند و دور بریزند و بقیه پاک و حلال است؛ اما اگر عمداً آن را به هم بزنند تا مستهلک شود، خوردنش اشکال دارد (آیت الله مکارم).

نکته: آیت الله العظمی تبریزی در مسائل منتخبه، به نوع فتوا می فرمایند: «نجس است»؛ ولی در منهاج به نوع احتیاط واجب می فرمایند: «نجس است» که طی استفتائاتی که از ایشان شده است، نظر منهاج را صحیح دانسته اند. متن استفتا و جواب آن به این شرح است:
متن استفتا: خونی که گاهی اوقات در تخم طیور دیده می شود، در منهاج به صورت احتیاط وجوبی حکم می کنید به نجاست آن: «و الدم الذی یکون فی البیضة نجس علی الأحوط وجوباً» و در مسائل منتخبه به صورت فتوا: «الدم المتکون فی صفار البیض نجس». آیا شما فتوا می دهید به این حکم یا اینکه احتیاط می کنید در آن؟
پاسخ: بسمه تعالی. نجاست خون در تخم طیور، مبنی بر احتیاط است. والله العالم.

ب. از نظر خوردن

۱. خوردن آن حرام است (امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی و مکارم و فاضل).
۲. به احتیاط واجب، باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد (حضرت امام).
۳. بنابراین احتیاط واجب، از تخم مرغی که ذره ای خون در آن است، باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، تا زمانی که پوست نازک روی





آن پاره نشود، سفیده پاک است (آیات عظام خوبی، گلپایگانی، اراکی، تبریزی، بهجت، صافی، شبیری و نوری).

۴. خوردن آن حرام است؛ اما کافی است خون موجود در تخم مرغ را بردارند و دور بریزند که در این صورت بقیه پاک و حلال است؛ اما اگر عمداً تخم مرغ را به هم بزنند تا خون مستهلک شود، خوردن آن اشکال دارد (آیت الله مکارم).

خون لثه و مانند آن

پرسش: خونی که از لای دندان‌ها بیرون می‌آید، چنانچه با آب دهان مخلوط شود و از بین برود، آیا آب دهان را نجس می‌کند؟^۱

پاسخ: ۱. آب دهان پاک است و فروبردن آن اشکالی ندارد (حضرت امام، امام خامنه‌ای و آیات عظام اراکی، فاضل، خوبی، تبریزی، سیستانی، صافی و وحید).

۲. پاک است و فروبردن آب دهان نیز اشکال ندارد؛ ولی عمداً این کار را نکند (آیت الله مکارم).

۳. پاک است؛ ولی فروبردن آب دهان اشکال دارد (آیات عظام گلپایگانی^۲ و نوری و شبیری).

برخورد آب با خون لثه

پرسش: من به بیماری لثه مبتلا هستم و طبق دستور پزشک، باید

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۱۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۱؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، اقتباس از سؤال ۲۸۶.

۲. مرحوم صاحب عروه در العروة الوثقی، کتاب الصوم، فصل فی امور لا بأس بها للصائم، مسئله ۱، می‌فرماید: «...بیجوز بلعه» که مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در تعلیقه می‌فرماید: «مشکل» همچنین مرحوم صاحب عروه در العروة الوثقی، کتاب الطهارة، فصل فی النجاسات، مسئله ۱۳، می‌فرماید: «...فالظاهر طهارته بل جواز بلعه» که مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در ذیل «جواز بلعه» می‌فرماید: «بل الاحوط تركه» درحالی‌که در متن توضیح المسائل فارسی ایشان، مسئله ۱۰۱ آمده است: «خونی که از لای دندان‌ها می‌آید، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است؛ ولی بهتر آن است که آن را فرو نزنند.»





همیشه آن را مالش دهم. این کار باعث سیاهی بعضی از قسمت‌های لثه‌ام می‌شود؛ مثل اینکه خونی در داخل آن جمع شده باشد. هنگامی که دستمال کاغذی روی آن می‌گذارم، رنگ دستمال قرمز می‌شود؛ بنابراین اقدام به شستن دهانم با آب گرم می‌کنم؛ ولی خون منجمد مدت زمانی باقی می‌ماند و با شستن از بین نمی‌رود. بعد از قطع آب گرم، آبی که وارد دهان شده و به آن قسمت‌ها رسیده و سپس از دهان خارج شده است، محکوم به نجاست است یا اینکه جزء آب دهان محسوب می‌شود و محکوم به طهارت است؟^۲

پاسخ: ۱. محکوم به طهارت است (حضرت امام و امام‌خامنه‌ای و آیات عظام خوبی و فاضل و سیستانی).

۲. در صورتی که شخص، یقین یا اطمینان کند که به عین نجاست خورده است، بنا بر احتیاط واجب نجس است؛ هر چند موقع بیرون آمدن، به نجاست آلوده نباشد (آیات عظام بهجت و گلپایگانی و مکارم^۳).

برخورد غذا با خون لثه

پرسش: آیا غذایی که خورده‌ایم و با اجزای خون منجمد شده در لثه تماس پیدا کرده است، نجس است یا خیر؟ در صورت نجس شدن، آیا فضای دهان بعد از فرو بردن غذا، نجس باقی می‌ماند؟^۴

۱. تعبیر انجماد فقط در یکی از سوالات اجوبة الاستفتات امام‌خامنه‌ای^{علیه‌السلام} آمده است؛ ولی در العروة الوثقی خون به صورت مطلق آمده است.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیه تنجس المنتجسات، اقتباس از مسئله ۱۳؛ روح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، فصل فی النجاسات، القول فی کیفیه تنجس بها، اقتباس از مسئله ۱۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتات، سؤال ۲۸۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، اقتباس از مسئله ۵۵۴.

۳. آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی^{علیه‌السلام} در تعلیقه عروه می‌فرماید: «لا فرق فی احکام النجاسة بین الظاهر و الباطن علی الاحوط لولا الاقوی» که ظاهراً احتیاط واجب است که رجوع‌پذیر نیست.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المطهرات، الاول من المطهرات، مسئله ۴۰؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۱۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۲۳؛ روح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، فصل فی المطهرات، بخش الماء، مسئله ۸؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتات، سؤال ۲۸۷.





پاسخ: ۱. غذا در فرضی که بیان شد، محکوم به نجاست نیست و فروربردن آن اشکال ندارد و فضای دهان پاک است (امام خامنه‌ای و آیات عظام سیستانی و فاضل).

۲. اگر انسان نداند که خون به غذا رسیده است، آن غذا پاک است. اگر خون به آن برسد، بنا بر احتیاط واجب نجس می‌شود (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، تبریزی، صافی، شبیری، نوری و وحید).

۳. اگر انسان نداند که خون به غذا رسیده است، آن غذا پاک است. اگر خون به آن برسد، نجس می‌شود و خوردن آن غذا هم حرام است (آیات عظام خویی و بهجت و مکارم).

نجاست دندان عاریه به واسطه خون دهان

پرسش: کسی که دندان عاریه دارد، چنانچه دهانش خونی شود، بعد از برطرف شدن عین نجاست، لازم است داخل دهان را نیز آب بکشد؟

پاسخ: ۱. نیازی به آب کشیدن نیست (امام خامنه‌ای و آیات عظام سیستانی و فاضل).^۲

۲. بنا بر احتیاط واجب، باید تطهیر شود (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، اراکی، صافی، مکارم، شبیری، نوری و وحید).

۳. باید تطهیر شود (آیات عظام خویی و بهجت).

۴. چنانچه نجاست داخلی باشد، مثلاً لثه خونی شده باشد، تطهیر لازم نیست؛ اما اگر نجاست خارجی باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید تطهیر شود (آیات الله تبریزی).^۳

۱. سیدمحمدحسین بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۱۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۲۲؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، اقتباس از سؤال ۲۸۷؛ روح‌الله موسوی خمینی، استفتائات، ج ۱، سؤال ۲۵۸؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۹۸؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۲۰۳؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، سؤال ۱۱۶؛ جواد تبریزی، صراط النجاة، المحشی للخوئی، ج ۱، سؤال ۶۳.

۲. باید توجه داشت که ظاهراً فرقی بین دندان عاریه و آب و غذا در برخورد با خون دهان از نظر طهارت و نجاست وجود ندارد؛ ولی علت اینکه برخی از فقها، نظراتشان در این سه موضع متفاوت است، مشخص نشده است.

۳. نظر بیان‌شده، بر اساس نظر ایشان در صراط النجاة است.





خون خارجی داخل شده به دهان

پرسش: اگر خونی از خارج، داخل دهان شود و به واسطه مخلوط شدن آن با آب دهان، از بین برود و مستهلک شود، اجتناب از آب دهان لازم است؟^۱

پاسخ: ۱. اجتناب از آب دهان و همچنین تطهیر دهان، لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام خوبی و سیستانی).

۲. بنابر احتیاط واجب، هم از آب دهان اجتناب شود و هم دهان را تطهیر کند (آیت الله مکارم).

۳. بنابر احتیاط واجب، از آب دهان اجتناب شود؛ ولی تطهیر دهان لازم نیست (آیات عظام گلپایگانی، اراکی، فاضل و نوری).

غذا خوردن در هنگام خونریزی لثه

پرسش: بیمارانی که ناراحتی لثه دارند، به هنگام غذا خوردن، مقداری خون از لثه آن‌ها خارج شده و با غذا مخلوط می‌شود. خوردن این غذا، برای آن‌ها چه حکمی دارد؟^۲

پاسخ: اگر خون قطع نمی‌شود و خوردن غذا در آن هنگام جنبه ضرورت دارد، جایز است؛ اما احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است، درمان کنند (آیت الله مکارم).

خون مُردگی

پرسش: خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، چه حکمی دارد؟^۳

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۱۳.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، سؤال ۳۰.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۲.





پاسخ: چنانچه عرفاً به آن خون نگویند، پاک است؛ اما اگر عرفاً به آن خون بگویند و ناخن یا پوست نیز سوراخ شده باشد، طوری که خون جزء ظاهر بدن حساب شود،^۱ نجس است.

خون مردگی مشکوک

پرسش: اگر انسان نداند سیاهی زیر پوستش که ظاهر شده است، خون مردگی است یا گوشتی است که به واسطه کوبیده شدن به آن حالت درآمده است، حکمش چیست؟^۲

پاسخ: پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

وجود خون موقع دوشیدن شیر

پرسش: خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می شود، چه حکمی دارد؟^۳

پاسخ: ۱. نجس است و شیر را نجس می کند (حضرت امام و آیات عظام اراکی، بهجت، گلپایگانی، خویی، تبریزی، فاضل، وحید، سیستانی، صافی، نوری و شبیری).

۲. بهتر است از رگه های خونی که در درون شیر دیده می شود و سپس مستهلک می شود، پرهیز شود، هرچند محکوم به حرمت و نجاست نیست (آیت الله مکارم).

۱. چنانچه آن خون جزء ظاهر بدن حساب نشود، در نجس شدن شیء ملاقی آن اختلاف است. مثلاً اگر شخصی به ناخنش ضربه وارد آمده و در زیر ناخن، خون بسته است و بعد از چند روز، زیر ناخن سوراخ می شود و آب به زیر ناخن می رود و برمی گردد، در اینجا برخی از مراجع مثل مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی می فرمایند: «اگر آب قلیل، در زیر ناخن با خون ملاقات کرده و برگشته است، آن آب، متنجس است.» ولی برخی دیگر از مراجع مثل آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه می فرمایند: «اگر آب قلیل، در زیر ناخن با خون ملاقات کرده و برگشته است، آن آب، پاک است؛ مگر رنگ آب عوض شده باشد» (سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۵، سؤال ۱۱۹؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل جامع، مسئله ۲۳۹).

۲. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۳.

۳. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۰؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، مسئله ۱۰۵.





افتادن خون خشک، روی کف شیر

پرسش: موقع دوشیدن شیر، روی آن کف جمع می‌شود. حال اگر ذره‌ای خون خشک روی آن کف بیفتد، شیر نجس می‌شود؟
پاسخ: ۱. بنا بر احتیاط واجب، نجاست از کف به شیر سرایت می‌کند و شیر نجس می‌شود (آیت‌الله بهجت).

۲. نجاست از کف به شیر سرایت می‌کند و شیر نجس می‌شود؛ مگر اینکه آن خون و کف اطراف آن را طوری بردارند که با شیر تماس پیدا نکند؛ به نحوی که پس از برداشتن آن، باز هم روی شیر کف باشد (آیت‌الله فاضل).
 ۳. اگر آن خون و کف اطرافش که با خون تماس پیدا کرده است را طوری بردارند که با شیر ملاقات نکند و هنوز در زیر کف نجس، باز هم کف موجود باشد، طهارت شیر، بعید نیست (آیت‌الله گلپایگانی).

افتادن ذره‌ای خون، داخل غذای در حال جوش

پرسش: اگر موقع جوشیدن غذا، ذره‌ای خون در آن بیفتد، حکم غذا و ظرف آن چیست؟
پاسخ: ۱. تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود و جوشیدن و حرارت و آتش، پاک‌کننده نیست (حضرت امام و آیات عظام اراکی، بهجت، گلپایگانی، خویی، تبریزی، فاضل، وحید، مکارم، صافی، نوری و شبیری).
 ۲. تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود و بنا بر احتیاط واجب، جوشیدن و حرارت و آتش، پاک‌کننده نیست (آیت‌الله سیستانی).

زردابه

پرسش: زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم، در اطراف آن پیدا می‌شود،

۱. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۲۴؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۶۹؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۱۰۲.
 ۲. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۱۱؛ سیدمحمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۴.





اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط شده است، حکمش چیست؟
پاسخ: اگر در عرف به آن خون نگویند، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

آب زردی که از زخم یا دمل بیرون می آید

پرسش: آب زردی که از زخم یا دمل بیرون می آید و شخص شک کند که آن چیز، خون است یا غیرخون، چه حکمی دارد؟
پاسخ: پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

خروج رطوبت در هنگام خاراندن بدن

پرسش: رطوبتی که در وقت خاراندن بدن بیرون می آید و شخص نداند که آن رطوبت خون است یا آب زرد، چه حکمی دارد؟
پاسخ: پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

تردید بین خون و چرک

پرسش: اگر در تاریکی چیزی بیرون بیاید و شخص شک کند که آن خون است یا چرک، حکمش چیست؟
پاسخ: ۱. پاک است و جست و جو نیز واجب نیست (حضرت امام و آیات عظام اراکی، بهجت، گلپایگانی، خویی، تبریزی، فاضل، وحید، سیستانی، صافی، نوری و شبیری).

-
۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۱۰؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۵.
 ۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۸؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.
 ۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۹؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.
 ۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۸؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.
-





۲. پاک است و جست و جو نیز واجب نیست؛ مگر اینکه تحقیق خیلی سهل و آسان باشد که در این صورت، تحقیق واجب است (آیت الله مکارم).

قرمزی مشکوک بین خون و غیرخون

پرسش: چنانچه شخص، چیز قرمزی ببیند و شک کند که آن خون است یا غیرخون، وظیفه اش چیست؟
پاسخ: حکم به پاکی می شود (تمام مراجع عظام تقلید).

خون مشکوک بین خون حیوان یا غیرحیوان

پرسش: چنانچه شخص، خونی ببیند و شک کند که از حیوان است یا غیر آن، وظیفه اش چیست؟
پاسخ: حکم به پاکی می شود (تمام مراجع عظام تقلید).

خون مشکوک بین خون حیوانی که خون جهنده دارد و خون حیوانی که خون جهنده ندارد

پرسش: چنانچه شخص، خونی ببیند و شک کند که از حیوانی است که خون جهنده دارد یا نه، وظیفه اش چیست؟
پاسخ: حکم به پاکی می شود (تمام مراجع عظام تقلید).

خون حیوانی که در جهنده بودن خونش شک است

پرسش: چنانچه شخص خونی ببیند و بداند که خون فلان حیوان است؛

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی التجاسات، الخامس من التجاسات، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.
۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی التجاسات، الخامس من التجاسات، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.
۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی التجاسات، الخامس من التجاسات، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.





ولی نمی‌داند که آن حیوان خون جهنده دارد یا نه، وظیفه‌اش چیست؟
پاسخ: حکم به پاکی می‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).

جوش‌های بدن

پرسش: جوش‌های غده‌مانندی در جاهای مختلف بدن هستند که گاهی از آن‌ها مایع قرمز رنگ خارج می‌شود. این غده‌ها مرتب می‌ترکد و حوله و صورت را آلوده می‌کند و موجب عسر و حرج است، آیا این مایع، حکم خون دارد؟^۲

پاسخ: تشخیص اینکه خون هست یا نه، با خود مکلف است و با علم به خون بودن، از حیث نجاست، اجتناب از آن لازم است؛ ولی اگر در خون بودنش شک داشته باشد، پاک است و تحقیق و جست‌وجو نیز لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

حکم خون‌هایی که بعد از ذبح شرعی در بدن حیوان باقی می‌ماند

پرسش: خون‌هایی که بعد از ذبح شرعی در بدن حیوان باقی می‌ماند، پاک است؟^۳

پاسخ: اگر حیوان حلال‌گوشت را به دستور معین شده در شرع بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، تمام خون‌هایی که در بدنش می‌ماند، پاک است؛^۴ مگر آنکه:

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سوال ۳۱۹.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۸.

۴. آنچه در متن آمده است، مربوط به خون‌های باقی‌مانده در غیر اجزای حرام حیوانات حلال‌گوشت است؛ اما درباره خون باقی‌مانده در اجزای حرام حیوانات حلال‌گوشت، برخی از مراجع مثل آیات عظام گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه و صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند: «احتیاطاً لازم، اجتناب از آن خون‌ها است» و برخی دیگر از مراجع مثل آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند: «اجتناب از آن خون‌ها لازم نیست.»





۱. به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده است، خون به بدن حیوان برگردد که در این مواقع آن خون ها نجس است (حضرت امام و آیات عظام خوئی، تبریزی، فاضل، اراکی، بهجت، نوری، شبیری، سیستانی و وحید).

۲. سر حیوان را در جای بلند قرار دهند و خون به بدن حیوان برگردد و اگر به علت نفس کشیدن خون برگردد نیز احتیاط واجب، اجتناب است (آیت الله مکارم).

۳. به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده است، خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است. احتیاط لازم، اجتناب از خون باقی مانده در اجزای حرام از حلال گوشت است، مانند طحال (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

خون برّه موجود در شکم حیوان مذکّی^۱

پرسش: آیا تمام خون برّه ای که به تذکیه مادرش، محکوم به تذکیه شده است، پاک است؟^۲

پاسخ: ۱. بنابر احتیاط واجب، از خون او اجتناب شود (حضرت امام و آیات عظام فاضل و خوئی).

۲. پاک است (آیات عظام اراکی، مکارم، سیستانی، نوری و گلپایگانی).

خون حیوان صید شده

پرسش: حیوانی که با تیر یا سگ شکاری صید شده است و تذکیه آن به غیر ذبح و نحر^۳ است، آیا خون باقی مانده در بدن او پاک است؟^۴

۱. حیوانی که به صورت شرعی، ذبح شده است.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۵.

۳. به کیفیت صحیح ذبح شرعی شتر، نحر گفته می شود.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۶.





پاسخ: بله، پاک است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، سیستانی و نوری).

خوردن خون ذبیحه

پرسش: آیا خوردن خون‌های پاکِ داخل بدن ذبیحه جایز است؟
پاسخ: خیر، خوردن خون، حرام است؛ اگرچه که پاک باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

شک در خون ذبیحه

پرسش: دربارهٔ خون باقی‌مانده در ذبیحه، چنانچه شک شود که از قِسم خون پاک است یا از خون نجس، حکم خون باقی‌مانده چیست؟
پاسخ: ۱. پاک است (حضرت امام و آیات عظام فاضل و نوری).
۲. پاک است؛ مگر آنکه حیوان، محکوم به عدم تذکیه باشد (تذکیهٔ شرعی نشده باشد)؛ هرچند، اینکه خون به مقدار متعارف از بدن حیوان خارج نشده باشد و تنها وجود این احتمال که سر حیوان در موضع بلندی بوده است، دلیل نمی‌شود که به نجاست خون‌های باقی‌مانده حکم بکنیم (آیت‌الله سیستانی).

۳. چنانچه منشأ شک او، به خاطر شک در خروج خون به مقدار متعارف از ذبیحه باشد، تمام آن خون‌های باقی‌مانده در بدن ذبیحه، نجس است (آیت‌الله خویی).

۴. پاک است؛ ولی چنانچه منشأ شک او، به خاطر شک در خروج خون به مقدار متعارف از ذبیحه باشد، بنابر احتیاط واجب، باید از تمام خون‌های باقی‌مانده در بدن ذبیحه اجتناب شود (آیات عظام گلپایگانی و مکارم).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۶۲۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۶۹۰.
۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الخامس من النجاسات، مسئله ۷.





۵. چنانچه منشأ شک او، به خاطر احتمال برگشتن نفس حیوان باشد، خون‌های باقی‌مانده در بدن ذبیحه پاک است؛ ولی اگر منشأ شک او، این احتمال باشد که شاید سر حیوان در موضع بلندی بوده است، خون‌های باقی‌مانده نجس است (آیت‌الله اراکی).

ششم و هفتم: سگ و خوک

اجزای بی‌روح سگ و خوک

پرسش: تمام اجزای بدن سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، نجس است؟^۱

پاسخ: بله، تمام اجزای بدن سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، نجس است، حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن، آب دهان و سایر رطوبت‌های آن‌ها نیز نجس است و در این حکم فرقی بین اقسام آن‌ها نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

قلم‌موهای مشکوک به موی خوک

پرسش: به‌طور معمول در نقاشی و نقشه‌کشی از قلم‌مو استفاده می‌شود که نوع خوب و مرغوب آن غالباً از موی خوک ساخته شده و از کشورهای غیراسلامی وارد کشور می‌شود. این قلم‌موها به‌طور معمول در دسترس همگان، به‌خصوص مراکز تبلیغی و فرهنگی قرار می‌گیرد، استفاده از این قلم‌موها چه حکمی دارد؟^۲

پاسخ: موی خوک نجس است و استفاده از آن در اموری که مشروط

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، السادس و السابع من النجاسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۶.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۵ و ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۶ و ۱۲۳؛ سیدعلی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۷۴.





به طهارت است، جایز نیست؛ ولی استفاده از آن در امری که مشروط به طهارت نیست، اشکال ندارد و اگر معلوم نباشد که قلم‌مو از موی خوک ساخته شده است یا خیر، محکوم به طهارت است و تحقیق و جست‌وجو نیز لازم نیست و استفاده از آن حتی در امری هم که مشروط به طهارت است، اشکال ندارد (تمام مراجع عظام تقلید).

سگ شکاری یا سگ چوپان

پرسش: سگ شکاری یا سگ چوپان، حکم سایر سگ‌ها را دارد؟
پاسخ: از نظر نجاست با سگ‌های دیگر فرقی نمی‌کند (تمام مراجع عظام تقلید).

محل دندان سگ شکاری

پرسش: آیا باید محل دندان‌های سگ شکاری بر بدن شکار را شست؟
پاسخ: تطهیر لازم است (تمام مراجع عظام تقلید).

گراز

پرسش: آیا گراز در حکم خوک محسوب می‌شود؟ حکم نجاست درباره آن چگونه است؟
پاسخ: بله، گراز که ظاهراً همان خوک وحشی است، نجس است (امام‌خامنه‌ای و آیت‌الله فاضل).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، السادس و السابع من النجاسات: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اطلاق مسئله ۱۰۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اطلاق مسئله ۱۰۶؛ محمد فاضل لنگرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۶۷.
۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اطلاق مسئله ۱۰۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اطلاق مسئله ۱۰۶؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۳۶.
۳. محمد فاضل لنگرانی، جامع المسائل، ج ۲، سؤال ۹۹۱.





مایه پنیبر گرفته شده از خوک

پرسش: گفته شده است که مایه پنیبرهای وارداتی به برخی از کشورهای اسلامی، از پودر خوک گرفته می شود. حکم استفاده از آن چیست؟
پاسخ: تا اطمینان به نجاست حاصل نشود، محکوم به طهارت است و تحقیق و جست و جو نیز لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

استفاده از ژلاتین حاصل از خوک؛ به صرف احتمال استحاله

پرسش: ژلاتین از بافت استخوان و پوست و غضروف و... حیوانات به دست می آید. امروزه، این ماده، به دو صورت حاصل می شود. به دست آوردن ژلاتین از راه حلال شدنی است و در صنایع دارویی و غذایی هم مصارف زیادی دارد. با این توضیح، آیا استفاده و کاربرد ژلاتین حاصل از خوک، به صرف احتمال استحاله، جایز است؟ در صورتی که ژلاتین خوکی محکوم به نجاست باشد، آیا مصرف موادی که در آن هرچند کم، ژلاتین خوکی کاربرد دارد، درست است؟^۲

پاسخ: چنانچه استفاده از اجزای خوک در تهیه محصول، مشکوک باشد، حکم به طهارت آن می شود؛ ولی اگر محرز شود که از اجزای خوک در تهیه محصول استفاده شده است و شک در آن باشد که آن اجزا استحاله شده است یا نه، حکم به نجاست می شود (تمام مراجع عظام تقلید).^۳

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۴؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۴۴.

۲. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۲۵، سؤال ۱۱۷۶؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۴۵ و ج ۴، سؤال ۵۹۰۶؛ ناصر مکارم شیرازی، احکام پزشکی، ص ۱۸۳، سؤال ۴۷۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۵۹.

۳. آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله علیه، درباره صدق استحاله به خاطر ژلاتین شدن فرموده اند: «اگر یقین داشته باشیم که ژلاتین، از ماده حرام و نجس گرفته شده است، استحاله صدق نمی کند و آن ژلاتین نجس و خوردنش حرام است» (ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۵۹). آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه نیز در استفتائی درباره ژلاتین فرموده اند: «ژلاتینی که از بافت (استخوان و پوست و غضروف و...) حیوانات به دست می آید، اولاً اگر نجاست اصل آن محرز و معلوم باشد، مانند اینکه فرد بدانند از اجزای حیوان نجس العین مثل خوک تهیه شده است یا از اجزای روح دار مثل غضروف حیوان تذکیه نشده





نزدیکی سگ و خوک باهم یا نزدیکی آن دو با حیوانی دیگر

پرسش: چنانچه سگ و خوک باهم نزدیکی کنند یا یکی از آن‌ها با حیوان دیگری نزدیکی کند و از آن‌ها حیوانی متولد شود، حکم حیوان متولدشده چیست؟^۱

حکم حیوان متولد شده در هریک از صورت‌های زیر متفاوت و بدین شرح است:

پاسخ:

الف. به حیوان متولدشده، سگ یا خوک می‌گویند

نجس است (حضرت امام و آیات عظام خویی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، تبریزی، سیستانی، مکارم و نوری).

ب. به حیوان متولدشده سگ یا خوک نمی‌گویند؛ ولی شبیه یکی از حیوانات طاهرالعین است

پاک است (حضرت امام و آیات عظام خویی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، تبریزی، سیستانی، مکارم و نوری).

ج. به حیوان متولدشده سگ یا خوک نمی‌گویند و مانند آن حیوان نیز در خارج وجود ندارد

۱. پاک است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و اراکی و فاضل).

→ (غیرنجس العین) تهیه شده است یا از استخوان حیوان تذکیده نشده (غیرنجس العین) قبل از شستشو به دست آمده است. در این صورت ژلاتین فراهم شده نجس است و جواز استفاده از آن در خوراکی‌ها منوط به احراز استحاله است و در صورت شک در استحاله شدن حکم به نجاست آن می‌شود و نمی‌توان از آن در خوراکی‌ها استفاده کرد. ثانیاً اگر نجاست اصل آن محرز و معلوم نباشد، مثل آنکه احتمال عقلایی داده شود که از حیوان تذکیده شده، فراهم شده است، ژلاتین مذکور پاک محسوب می‌شود؛ اما نمی‌توان از آن در خوراکی‌ها استفاده کرد؛ مگر در چند نمونه، که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: الف. به اندازه‌ای کم و اندک در خوردنی اضافه شود که مستهلک محسوب شود؛ ب. از حیوان حلال گوشت تهیه شود و نشانه‌های تذکیده را داشته باشد؛ ج. معلوم باشد که استحاله شده است و این حکم دربارهٔ اعضایی که روح ندارند، مثل استخوان، بنابر احتیاط واجب است و اما اگر ژلاتین، از بافت‌های گیاهی ساخته شده باشد یا شک شود از حیوان ساخته شده است یا گیاه، پاک و خوردن آن مطلقاً جایز است (استفتای کتبی خصوصی از آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته‌الله‌علیه؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ج ۲، مسئله ۱۷۲۲).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، السادس و السابع من النجاسات.





۲. نجس است (آیات عظام خوبی^۱ و سیستانی).
۳. چنانچه حیوان متولدشده، برزخی از سگ یا خوک با حیوان طاهرالعین باشد، پاک است؛ ولی اگر تلفیقی از سگ یا خوک با آن حیوان طاهرالعین نباشد، بنا بر احتیاط واجب، نجس است (آیت الله مکارم).

حیوانات مسخ شده

مسخ در لغت به معنای تبدیل شدن از صورتی به صورت زشت تر است.^۲ پرسش: کیفیت مسخ شدن برخی انسان ها که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، چگونه است؟ آیا حیوانات فعلی، همان انسان های مسخ شده هستند؟ نام حیوانات مسخ شده چیست؟

پاسخ: مسخ در اصطلاح قرآنی و روایی، به نوعی عذاب گفته می شود که بر اشخاص و امت های آلوده به گناهان خاص نازل می شود. انسان های مسخ شده به صورت حیوان هستند؛ یعنی صورت حیوانی گناهی که انجام داده اند، در همین دنیا بر روی صورت انسانی آن ها قرار می گیرد و تبدیل به انسان مسخ شده یا به تعبیر ساده تر، انسان به شکل حیوان در می آیند. مفسرین شیعه، مسخی را که در قرآن آمده است، مسخ حقیقی می دانند؛ یعنی شخص واقعاً به صورت حیوان در می آید. علت مسخ شدن عده ای، گناهان آنان و جنبه عبرت آموزی این عذاب است. از روایات استفاده می شود که مسخ شده ها، پس از چند روز از بین می روند و حیوانات امروزی همان نسل اصلی حیوانات هستند و نه از نسل انسان های مسخ شده. اگر بعضی از روایات، علت حرمت گوشت سگ و خوک و میمون را پدیده مسخ می داند، منظورش این نیست که این حیوانات از نسل آن انسان ها

۱. آیت الله العظمی خوبی رحمته الله علیه در موسوعه، جلد ۳، صفحه ۳۵ می فرمایند: «أما إذا لم يكن المتولد منهما مطلقاً من الكلب و الخنزير و لم يتبع أحدهما في الاسم فلا بد من الحكم بطهارته لما مر من أن النجاسة و غيرها من الأحكام مترتبة على عنوان الكلب و الخنزير و مع انتفاءهما ينتفي الحكم بنجاسته سواء صدق عنوان حيوان آخر طاهر عليه أم لم يصدق فان الحيوانات طاهرة بأجمعها إلا ما دل الدليل على نجاسته و هو مفقود في المقام...»

۲. نک: لويس معلوف، المنجد، ص ۷۶۱، مادة مسخ: «مسخ در لغت به معنای تبدیل شدن از صورتی به صورت زشت تر است.»





هستند؛ بلکه ممکن است به علت مضراتی که این گوشت‌ها دارد یا به علت تعظیم عقوبت خداوند بر عده‌ای باشد که به این شکل درآمدند تا مردم با این‌گونه حیوانات اُنس نگیرند و عذاب الهی را سبک نشمارند. گفته شده است که صورت‌های حیوانی مسخ‌شدگان عبارت‌اند از: میمون، خوک، سگ، فیل، گرگ، موش، خرگوش، سوسمار، طاووس، شترمرغ، کفچلیز، جَرّی (نوعی ماهی بدونِ فلس)، خرچنگ، سنگ‌پشت، شب‌پره یا خفاش، عقاب، روباه، خرس، موش صحرایی و خارپشت.^۱

پرسش: آیا حیوانات مسخ‌شده پاک هستند؟^۲

پاسخ: اجتناب از روباه و خرگوش و وزغ و عقرب و موش؛ بلکه مطلق مسوخات احتیاط مستحب است؛^۳ اگرچه اقوی طهارت جمیع است (حضرت امام و آیات عظام خوئی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، تبریزی، سیستانی، مکارم و نوری).

موی موش و گربه و خرگوش

پرسش: آیا آب دهان موش و گربه و خرگوش یا موی آن‌ها پاک است؟^۴

پاسخ: از بین حیوانات فقط سگ و خوک هستند که تمام اجزایشان نجس است؛ ولی مو و آب دهان مابقی حیوانات، مثل موش و گربه و خرگوش و حتی حیوانات مسخ‌شده پاک است.^۵ (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. نک: محمدبن‌علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته‌الله)، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی‌اکبر غفاری، ج ۴، ص ۴۶۲؛ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۴، ص ۳۷۶ و ۳۷۷؛ ابن‌جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۶؛ ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۶۲۰؛ محمدجواد مغنیه، تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۱.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۱: «مکارم الشیرازی: هذا الاحتیاط فی مطلق المسوخ ضعیف جداً لعدم دلیل علیه مطلقاً و فی غیره ایضاً لا یخلو عن ضعف لعدم امکان استظهار النجاسة من غالب أدلتها بل قد یستفاد أنّ الاجتناب منها من جهة السّم أو القذارة العرفیة و علی کل حال فالحکم ما ذکره من الطهارة فی الجمیع لدلالة روایات عدیده علیها.»

۴. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۵ و ۸۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۸۹ و ۱۰۶.

۵. این مسئله در مقام بیان طهارت و نجاست موی گربه و حیوانات دیگر است؛ اما در اینجا سؤال دیگری نیز به ذهن می‌آید: «اگر آن‌ها روی لباس یا بدن نمازگزار باشند، نماز شخص چه حکمی دارد؟» اگرچه این مسئله در مقام بیان جواب نیست، در شرایط





افتادن موش زنده در غذا

پرسش: اگر موش زنده وارد غذا شود و زنده بیرون بیاید، آیا آن غذا پاک است؟^۱

پاسخ: اگرچه که آن غذا آلوده است؛ ولی پاک است (تمام مراجع عظام تقلید)

هشتم: کافر

مفهوم کافر

پرسش: به چه کسی کافر می‌گویند؟^۲

پاسخ: بر اساس فتوای تمام مراجع عظام تقلید، کافر کسی است که:

۱. به خداوند متعال یا به یگانگی او معترف نباشد؛
۲. به نبوت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم معترف نباشد؛
۳. یکی از ضروریات دین را منکر شود و آن کار به نحوی باشد که هرچند فی الجمله، مستلزم تکذیب خاتم الانبیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بشود. در این رابطه فرقی نمی‌کند که آن ضروری، از واجبات مانند نماز، روزه، زکات و حجاب باشد یا از محرمات مانند شرب خمر و ربا و غنا یا از مسائل اعتقادی مثل معاد یا مودت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. با این توضیح، اگر فرد، دینی را انتخاب نکرده باشد یا دینی غیر از دین اسلام داشته یا دین اسلام را انتخاب کرده باشد، اما بعضی از دستورات ابلاغ شده خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در حالی انکار کند که می‌داند گفته پیامبر خداست، در این صورت کافر است. حال اگر فردی اسلام را

لباس نمازگزار ذکر شده است که اکثر مراجع می‌فرمایند: «نماز شخص باطل است. مثلاً آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه، نسبت به آب دهان این حیوانات که روی لباس باشد، این چنین می‌فرمایند: «اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه که پاک است، بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد، نماز باطل است و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد، نمازش صحیح است (استفتای کتبی خصوصی از آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه)».

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۰۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۰۶؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۳۲، سؤال ۵۵.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، المروة الوقتی، ج ۱، فصل فی التجاسات، الثامن من التجاسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۷.





به عنوان دین خویش انتخاب کرده است، اما به دلایلی، مانند دوری از محیط مسلمانان یا القای شبهات مخالف دین و بدون آنکه قصد تکذیب پیامبر ﷺ و گفته ایشان را داشته باشد، بعضی از احکام فرعی دین مثل خمس و حجاب را منکر شود، چنین شخصی نیز کافر نیست؛ هر چند منحرف است.^۱

اقسام کافر

پرسش: کافر به چند دسته تقسیم می شود؟^۲

پاسخ: به طور کلی، کافر به دو دسته کافر کتابی و کافر غیرکتابی تقسیم می شود. مقصود از اهل کتاب کسی است که به یکی از ادیان الهی [که کتاب آسمانی دارد] اعتقاد داشته باشد. چنین فردی باید پیرو پیامبری از پیامبران الهی ﷺ باشد که آن پیامبر، یکی از کتاب های نازل شده بر انبیا ﷺ را داشته باشد، مانند یهود و نصاری^۳ (تمام مراجع عظام تقلید).

طهارت و نجاست کافر

پرسش: آیا کافرهای کتابی و کافرهای غیرکتابی، هردو نجس هستند؟^۴

پاسخ:

الف. کافر غیرکتابی

۱. نجس است (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).

۲. بنابر احتیاط واجب، نجس است (آیت الله مکارم).

۱. مثال هایی که به عنوان ضروریات دین بیان شد، برگرفته از این منابع است: سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ج ۱، مسئله ۱۲۰؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، مسئله ۵۳۳.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات.

۳. تعریفی که برای کافر کتابی و غیرکتابی بیان شده است و ظاهراً اختلافی نیست، برگرفته از این منبع است: سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۳۱۶.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۷؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۳۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۳۰، سؤال ۴۱ و ۴۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۴۸.





ب. کافر کتابی

۱. پاک است (امام خامنه‌ای و آیات عظام تبریزی، فاضل، سیستانی، نوری و وحید).
۲. نجس است (حضرت امام و آیات عظام بهجت و گلپایگانی).
۳. بنابر احتیاط واجب نجس است (آیات عظام خویی، صافی، شبیری و مکارم).

مجوس

- پرسش:** آیا مجوس (زرتشتیان) اهل کتاب هستند؟^۱
- پاسخ:** ۱. بله، اهل کتاب هستند (امام خامنه‌ای و آیات عظام خویی، فاضل، تبریزی، بهجت، شبیری و سیستانی).
۲. بله، مجوسیان محکوم به احکام اهل کتاب هستند (آیت الله مکارم).
۳. خیر؛ ولی در بعضی احکام در حکم اهل کتاب هستند (آیت الله وحید).^۲
- نکته: آیت الله العظمی بهجت به علاوه مجوس، نصارا و یهود را نیز از کفار اهل کتاب و نجس دانسته‌اند.^۳

صابئین

درباره صابئین اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. در کتب مختلف، اعم از فقه و حدیث و دائرةالمعارف ملل و نحل، حداقل شش قول وجود دارد:

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، حواشی برخی مراجع بر مسئله ۱۰۶؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۱۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب النکاح، بالای مسئله ۱۲۸۸، بخش الرابع من اسباب التحريم؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب النکاح، بالای مسئله ۱۲۸۸، بخش الرابع من اسباب التحريم؛ حواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب النکاح، بالای مسئله ۱۲۸۸، بخش الرابع من اسباب التحريم؛ سیدموسی شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ج ۱۶، ص ۵۲۶۶؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۳۰، سؤال ۴۳؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۶۳.
۲. آیت الله العظمی وحید خراسانی رحمته الله در رساله فارسی خود، می‌فرماید: «اما اهل کتاب، یعنی یهود و نصاری، اقوی طهارت آن‌هاست؛ هرچند احوط اجتناب است» که ظاهر فتوای ایشان در این بحث، یعنی بحث طهارت و نجاست کفار، عدم قبول طهارت مجوس است.
۳. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۶۳ و ۳۶۴.





۱. ستاره پرست هستند. این‌ها همانند سایر بت پرستان هستند و حکم عبدهٔ اوئان (بت پرستان) را دارند. در تفسیر مرحوم علی بن ابراهیم قمی، دربارهٔ آیهٔ صابئین آمده است: «الصابئون قوم لا مجوس و لا یهود و لا نصاری و لا مسلمین و هم یعبدون الکواکب و النجوم.» مرحوم شیخ طوسی در مبسوط همین معنی را گفته‌اند: «و الصحیح فی الصابی أنهم غیر النصاری لأنهم یعبدون الکواکب.» شیخ طوسی همچنین در الخلاف، مسئلهٔ ۹۳ فرموده‌اند: «الصابئة لا تجری علیهم احکام اهل الكتاب... دلیلنا اجماع الفرقة.» با این توضیحات، به نظر شیخ طوسی و علی بن ابراهیم قمی، صابئین اهل کتاب نیستند.

۲. دین آن‌ها شبیه نصارا است. خلیل بن احمد، در کتاب العین در ریشهٔ صباء می‌گوید: «و صباء فلان ای دان بدین الصابئین و هم قوم دینهم شبیه بدین النصاری الا ان قبلتهم نحو مهب الجنوب حیال منتصف النهار یزعمون أنهم علی دین نوح.» منظور این لغوی معروف این است که دین صابئین شبیه دین مسیحی‌هاست؛ جز اینکه در قبله تفاوت دارند. ریشهٔ دینشان از نوح علیه السلام است و بعد تابع مسیح علیه السلام شده‌اند.

۳. شاخه‌ای از نصاری هستند. ابن قدامه در المغنی، از احمد بن حنبل و از قول شافعی نقل می‌کند که شاخه‌ای از نصارا هستند؛ البته شافعی قول دیگری هم دارد و می‌گوید: «احکام نصارا بر آن‌ها جاری نیست.»

۴. فرقه‌ای هستند که ملائکه را عبادت می‌کنند. آن‌ها زبور داود علیه السلام را قبول داشته و قبله هم دارند. این قول در تفسیر نمونه از رسالهٔ کشف اصطلاحات الفنون و العلوم نقل شده است.

۵. تابع یحیی بن زکریا هستند [قول مشهور] و معتقدند که کتابی بر یحیی نازل شده است. غالباً محل سکونت آن‌ها در کنار ساحل نهرهای بزرگ است، مثل کارون و دجله و فرات و مخصوصاً در کنار کارون در خرمشهر و آبادان هستند که به آن‌ها در خوزستان «صُبی» می‌گویند. آن‌ها





علاقه خاصی به آب‌های جاری دارند.

۶. صابئین دو گروه هستند: گروهی به شریعت موسی علیه السلام یا عیسی علیه السلام ایمان دارند و گروهی بت پرست هستند که ملائک یا کواکب را می‌پرستند. این قول را صاحب جواهر نقل کرده است و بحث مبسوطی درباره صابئین دارد.

آنچه که امروز در بین صابئین مملکت ما معروف است، این است که آن‌ها تابع یحیی بن زکریا هستند و در کشور ما در قانون اساسی، جزو اقلیت‌های مذهبی عنوان نشده‌اند.^۱

پرسش: آیا صابئین، از اهل کتاب هستند؟^۲

پاسخ: ۱. حقیقت دین آن‌ها تاکنون نزد ما روشن نیست؛ پس اگر معلوم شود که آن‌ها طایفه‌ای از نصاری هستند، کمالینکه گفته شده است، در حکم آن‌ها هستند (حضرت امام و آیات عظام مکارم و صافی).
۲. حقیقت دین صابئین برای ما روشن نیست. دو گروه با عنوان صابئین معرفی شده‌اند: الف. حرانیین که بت پرست و مانند غیر اهل کتاب هستند؛ ب. منداییان که طایفه‌ای از نصاری هستند و حکم اهل کتاب را دارند. چنانچه این گفته ثابت شود که صابئین از گروه دوم یعنی منداییان هستند، حکم، همان است که بیان شد و در صورتی که ثابت نشود، بنابر احتیاط واجب، حکم اهل کتاب را ندارند (آیت الله سیستانی).
۳. صابئین از اهل کتاب هستند (امام خامنه‌ای و آیات عظام خویی، تبریزی و فاضل).

۴. صابئین از اهل کتاب نیستند (آیت الله شبیری).

۱. ناصر مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ج ۴، ص ۱۲۸.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۱۶؛ روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسيلة، کتاب النکاح، القول فی الکفر، مسئله ۱؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الجهاد، احکام اهل الذمة، مسئله ۶۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الجهاد، احکام اهل الذمة، مسئله ۶۲؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الجهاد، احکام اهل الذمة، مسئله ۶۲؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۲، ص ۹۴، سؤال ۱۴۹۶؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۰؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، کتاب النکاح، مسئله ۲۰۶؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، سؤال ۳۴؛ سیدموسوی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۷؛ سیدموسوی شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ج ۱۶، ص ۵۲۶۶.





۵. بنابراین احتیاط واجب، صابئین نه از اهل کتاب و نه در حکم اهل کتاب هستند (آیت الله وحید).

طهارت و نجاست طفل کافر

پرسش: بچه نابالغ کافر، از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟
پاسخ:

الف. شروط پاک بودن بچه نابالغ کافر

۱. اگر یکی از والدین یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ او مسلمان باشد، بچه پاک است (حضرت امام^۲ و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، خویی، تبریزی، فاضل، بهجت، سیستانی، صافی، نوری و شبیری).
۲. اگر بچه کافر ممیز باشد و از روی بصیرت و تحقیق، اظهار اسلام کند، پاک است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و فاضل و نوری).
۳. اگر بچه کافر اظهار اسلام کند، پاک است (آیات عظام خویی، تبریزی، وحید و شبیری).
۴. اگر بچه کافر اظهار اسلام کند، پاک است. اگر از پدر و مادر خود، رو گرداند و به مسلمان ها تمایل داشته باشد یا در حال تحقیق و بررسی باشد، حکم به نجاست وی، محل اشکال است (آیت الله سیستانی).

ب. شروط نجس بودن بچه نابالغ کافر

بچه های کفار در حکم خود کفار هستند و بچه های مسلمانان، حتی بچه ای که فقط پدرش مسلمان است، پاک است؛ اما اگر فقط مادرش مسلمان باشد، بنابراین احتیاط واجب باید از آن اجتناب کرد (آیت الله مکارم).

۱. سید محمد کاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات: سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۹.
۲. حضرت امام^{علیه السلام} در حاشیه العروة الوثقی برای «جده» حاشیه زده اند و هم نظر با صاحب عروه هستند؛ ولی در تحریر الوسيله، فقط نام «جد» را می آورند.





تعریف مرتد و اقسام آن

پرسش: مرتد به چه کسی می‌گویند و اقسام آن را نیز بیان کنید؟
پاسخ: ۱. مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر ﷺ شود یا حکم ضروری دین، یعنی حکمی را که مسلمانان جزو دین اسلام می‌دانند، مثل واجب بودن نماز و روزه را انکار کند، در صورتی که بداند آن حکم ضروری دین است و منکر شدن آن حکم، به انکار خدا یا پیغمبر ﷺ برمی‌گردد، مرتد است. مرتد بر دو قسم است: مرتد فطری و مرتد ملّی^۲ (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، فاضل، خوبی، تبریزی، بهجت، سیستانی، صافی، مکارم، وحید و نوری).

۲. مسلمانی که منکر خدا یا یگانگی خداوند یا رسالت پیامبر ﷺ شود، مرتد می‌شود و انکار حکم ضروری دین، یعنی حکمی که مسلمانان جزو دین اسلام می‌دانند، مثل واجب بودن نماز و روزه، [اگر همراه] با اعتراف به توحید و رسالت [باشد]، سبب ارتداد نیست؛ هرچند ضروری بودن آن را بداند؛ ولی کسی که یکی از ضروریات دین را انکار می‌کند و شک داریم که به دو اصل توحید و رسالت، ایمان قلبی دارد، شرعاً کافر به شمار می‌آید؛ هرچند ضروری بودن آن حکم را نداند (آیت‌الله شبیری).

مرتد ملّی و فطری بعد از توبه

پرسش: متأسفانه برادر همسرم به علل مختلف فاسد شده است و به طور

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی التجاسات، التامن من التجاسات: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۴۴۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۵۱۱؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، فصل نجاسات، دهمین نجاست.

۲. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، کتاب المطهرات، مورد التامن: الاسلام، مسئله ۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۴۴۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۵۱۱؛ «چنانچه شخصی قبل از بلوغ، از روی اختیار و آگاهی و بصیرت، مسلمان شود و دوباره قبل از بلوغ، درحالی که پدرمادرش مسلمان هستند، از اسلام برگردد، در حکم او، بین فقها اختلاف است که آیا مرتد ملّی است یا مرتد فطری. برخی از فقها مثل آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند: 'مرتد فطری است.' برخی دیگر از فقها می‌فرمایند: 'چون قبول اسلام او قبل از بلوغ بوده است؛ بنابراین تأثیری ندارد و بعد از بلوغ هم فرض این است که اسلام نیاورده است؛ بنابراین او کافر ملّی است.'»





کامل، از دین برگشته است؛ تا جایی که به بعضی از مقدسات دینی اهانت می‌کند. درحال حاضر بعد از گذشت چند سال از ارتداد او از اسلام، طی نامه‌ای اظهار کرده است که به اسلام ایمان دارد؛ ولی نه نماز می‌خواند و نه روزه می‌گیرد. رابطه پدرومادر و بقیه افراد خانواده‌اش با وی چگونه باید باشد؟ آیا عنوان کافر بر او صدق می‌کند؟ آیا باید او را نجس محسوب کرد؟^۱

پاسخ: بر فرض ثابت شدن ارتداد قبلی وی، اگر بعد از آن توبه کرده باشد، محکوم به طهارت است و ارتباط پدرومادر و سایر خانواده با وی اشکال ندارد (تمام مراجع عظام تقلید).

بلدنبودن اصول و فروع دین

پرسش: اگر کسی که اصول و فروع دین را بلد نیست، غذایی طبخ کرده باشد، خوردن آن غذا چه حکمی دارد؟^۲

پاسخ: اگر به اصول و اعتقادات اسلامی معتقد است، هرچند به طور تفصیل و ترتیب، نتواند آن‌ها را بیان کند، محکوم به حکم اسلام و طهارت است و طبخ او هم اشکال ندارد. اگر اصلاً متوجه نیست، به طوری که اگر از مبدأ و معاد و اصول اسلامی چیزی از او سؤال کنند، اظهار بی‌اطلاعی کند و جاهل محض باشد، محکوم به کفر است و نمی‌شود با رطوبت با او ملاقات کرد (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، فاضل، خوبی، تبریزی، بهجت، سیستانی، صافی، مکارم، وحید و نوری).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپطهرات، الثامن من المپطهرات، مسئله ۲۰۱؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۳۵.

۲. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۴۴۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۵۱۱؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، فصل نجاسات، دهمین نجاست؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۱، سؤال ۵۷.





معتقد به وحدت وجود

- پرسش:** وحدت وجود یعنی چه و معتقد به آن چه حکمی دارد؟
- پاسخ:** ۱. وحدت وجود، معانی متعددی دارد. آنچه به طور قطع باطل و به عقیده همه فقها موجب خروج از اسلام است، این است که کسی معتقد باشد به اینکه خداوند، عین موجودات این جهان است و خالق و مخلوق و عابد و معبودی وجود ندارد؛ همان طور که بهشت و دوزخ نیز عین وجود اوست. لازمه این اعتقاد، انکار بسیاری از مسلمات دین است. هرگاه کسی ملتزم به لوازم آن بشود، خارج از اسلام است (آیت الله مکارم).
۲. کسی که قائل به وحدت وجود باشد و ملتزم (متعهد) به احکام اسلام، پاک است؛ مگر اینکه علم به این داشته باشیم که به لوازم فاسد مذهبشان ملتزم است (آیات عظام خوئی و گلپایگانی و اراکی).
۳. کسی که قائل به وحدت وجود باشد و ملتزم به احکام اسلام، پاک است؛ مگر ملتزم شوند به لوازم فاسدی که مستلزم الوهیت و توحید و رسالت باشد (حضرت امام و آیت الله فاضل).
۴. کسی که قائل به وحدت وجود باشد و ملتزم به احکام اسلام، پاک است؛ مگر اینکه تعریف کافر بر آن صدق کند (آیات عظام سیستانی و نوری).

فرقه های صوفیه و دراویش

پرسش: مراجع عظام تقلید درباره عرفان‌هایی که قائل به «طریقت»، «وحدت وجود و موجود»، «حلول»، «اتحاد»، «مهدویت نوعیه»، «صلح کل»، «ترک عبادت» و «اتیان محرمات» هستند، چه نظری دارند؟ باتوجه به اینکه داشتن این‌گونه عقاید مستلزم انکار ضروریات دین است، این افراد در حکم بقیه کفارند؟ اگر کسی مسلمان باشد، ولی بعدها در اثر

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات، مسئله ۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۴۴.





ارتباط با این فِرَق، به چنین عقایدی معتقد شود و عقایدش را هم برای دیگران اظهار کند، چنین کسی در حکم مرتد است؟^۱

پاسخ: ۱. فِرَق صوفیه عموماً گرفتار انحرافاتِ هستند، بعضی بیشتر و بعضی کمتر. کسی که عقاید گفته شده، مانند «حلول»، «اتحاد»، «وحدت موجود» (نه وحدت مفهوم وجود)، «ترک عبادت» و «انکار محرمات» را داشته باشد، به گونه‌ای که مستلزم انکار توحید یا نبوت شود، در سِلک کفار است. اما اگر این فرد، قبلاً مسلمان بوده و سپس به این عقاید معتقد شده است، مرتد است و تا آنجا که ممکن است، باید در رفع شبهات آن‌ها از راه‌های منطقی کوشید و اگر ممکن نشد، باید از آن‌ها دوری کرد (آیت‌الله مکارم).
 ۲. فرقه‌هایی از قبیل صوفیه و دراویش، حتی شیخیه، با وجود افکار خاص، انواع مختلف دارند و در حکم، متفاوت‌اند. این افراد تا وقتی که عنوان مسلمان بر آن‌ها اطلاق شود، پاک‌اند (آیت‌الله بهجت).

گروه اهل حق (علی‌اللهی‌ها) در استان کرمانشاه و برخی از استان‌های دیگر ایران

گروهی از متصوّفه به نام اهل حق در استان کرمانشاه و برخی از استان‌های دیگر ایران زندگی می‌کنند که عقاید آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. یگانگی ذات لایزال خداوند متعال؛ ۲. نبوت پیامبران پیشین؛ ۳. رسالت حضرت محمد ﷺ؛ ۴. معاد و بهشت و جهنم؛ ۵. امامت دوازده امام معصوم علیهم‌السلام؛ از حضرت علی علیهم‌السلام تا حضرت مهدی غایب عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف.

همه فرقه‌های متعدد آن‌ها و سرانشان، علاوه بر اینکه در همه اظهارات شفاهی و مذاکرات حضوری، به صراحت به شهادتین و عقاید فوق اعتراف کرده‌اند، تعدادی از آن‌ها هم کتباً اعتراف کرده‌اند؛ اما در عین حال دارای

۱. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، التامن من النجاسات، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۳۷.





انحرافات عقیدتی و عملی نیز هستند که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱. خداوند، در بعضی از مقاطع تاریخی، در برخی از اولیا و انسان‌ها، مانند امام علی علیه السلام و سلطان اسحاق، ظهور و حلول می‌کند و به هدایت مردم می‌پردازد؛ البته آن‌ها گاهی در تعبیر کتب خویش نوشته‌اند: «علی مظهر خداست» و گاهی می‌گویند: «علی ذات خداست» و ما گرچه از واقعاً عقیده آن‌ها خبر نداریم؛ اما وقتی از آن‌ها می‌پرسیم: «نظر شما واقعاً چیست؟» می‌گویند: «اصلاً عاقلانه نیست که کسی یک انسان مادی محدود را ذات خدای خالق عالم بداند. خدا لعنت کند کسی که علی را واقعاً ذات خدا بداند.»

۲. اعتقاد به تناسخ دارند؛ یعنی ارواح همه انسان‌ها پس از مرگ، وارد بدن انسان‌های بعدی می‌شوند تا پاداش یا کیفر زندگی قبلی خویش را ببینند؛ اما پس از هزارویک مرتبه حلول، شخص وارد جهان ابدی و معاد خواهد شد.

۳. بسیاری از آن‌ها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و به عموم تکالیف اسلامی بی‌اعتنا هستند؛ زیرا معتقدند تمام احکام شریعت و تکالیف اسلامی، قالب‌هایی هستند که اسرار و روح و باطنی دارند؛ مثلاً نماز، ظاهرش حرکات و سکنتات و اذکار است، اما باطنش ذکر الله و توجه قلبی به خداست و باطن شریعت که طریقت نامیده می‌شود، از ظاهرش مهم‌تر و ارزشمندتر است؛ بنابراین اگر کسی خود را به بواطن احکام شریعت ملتزم بداند، لازم نیست احکام ظاهری را کاملاً انجام دهد.

پرسش: آیا عقاید فاسد و جاهلانه‌ای که در بالا بیان شد، موجب کفر و خروج آن‌ها از اسلام می‌شود؟ یا اینکه اعتقاد آن‌ها به ارکان عقیدتی اسلامی بیان شده، در اوّل سؤال، برای مسلمان بودن آن‌ها کافی است؟





گرچه مسلمانان منحرفی هستند که باید هدایت شوند؟^۱

پاسخ: ۱. اگر اعتقاد داشته باشند که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام خداست، «تعالی الله عن ذلك علواً کبیراً»، حکم آن‌ها مانند غیرمسلمان‌هایی است که اهل کتاب نباشند؛ یعنی کافر و نجس هستند. حال اگر قائل به شریکی برای خداوند واحد منان متعال نباشند، حکم مشرک را نخواهند داشت (امام خامنه‌ای).

۲. معتقدان به عقاید فوق، برحسب ظاهر در زمره مسلمان‌اند، هرچند انحرافات مهمی دارند و منکر بخش‌های زیادی از ضروریات دین‌اند؛ اما چون به ضروری بودن آن‌ها توجه ندارند و انکار این‌ها مستلزم انکار توحید، نبوت و رسالت نیست، حکم کفر بر آن‌ها بار نمی‌شود و جان و مال و عرضشان محفوظ است؛ ولی باتوجه به انحرافات شدید آن‌ها از موازین اسلامی، باید کار فرهنگی فراوانی روی آن‌ها صورت گیرد، والله العالم (آیت‌الله مکارم).

۳. اهل حق در صورتی که علی‌اللهی باشند، نجس‌اند (آیت‌الله بهجت).
 ۴. اگر نعوذ بالله، امام علی علیه السلام را خدا بدانند و همچنین اگر منکر معاد یا یکی از ضروریات دین مثل نماز یا روزه باشند، کافر و نجس هستند و زن دادن به آن‌ها یا زن گرفتن از ایشان جایز نیست (آیت‌الله گلپایگانی).

فرقه شاه‌نعمت‌الله ولی

پرسش: عده زیادی از اهالی یکی از شهرهای فارس، از قدیم‌الایام به فرقه تصوف گرویده‌اند و همواره بر اساس رهنمود بزرگان این مسلک و روش‌های خاص آن‌ها عمل کرده‌اند. حقیقت این است که در این محل، رونق خانقاه بیش از مسجد است و کتاب‌هایی چون مثنوی مولوی و

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، سؤال ۳۱۷ و ۳۱۸: ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۴۹۱، سؤال ۱۵۹۷؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۷۰؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۲۴، سؤال ۶۶.





دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی نیز بر قرآن و سایر کتاب‌ها برتری دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اعزام روحانیان در ماه مبارک رمضان و محرم الحرام به این مناطق، صحبت از بطلان این مسلک به میان آمد. مراجع عظام تقلید، درباره این گروه که از فرقه شاه نعمت‌الله ولی هستند، چه نظری دارند؟^۱

پاسخ: تمام فریق صوفیه، گرفتار اشتباه‌ها و انحراف‌هایی هستند و اکنون که بحمدالله، اهالی محترم آن منطقه آگاه شده‌اند، لازم است که خانقاه را به مسجد تبدیل کنند و برنامه‌های دینی را همانند سایر مسلمانان و شیعیان خالص و مخلص امام علی علیه السلام و یازده فرزند معصومش علیهم السلام، انجام دهند و از گذشته خود نیز توبه کنند. خداوند همه طرف‌داران حق را ثابت قدم نگهدارد و توفیق دهد (آیت‌الله مکارم).

فرقه اسماعیلیه

پرسش: در بعضی نواحی، فرقه‌ای وجود دارد که خود را اسماعیلیه می‌نامند و اعتقاد به امامت شش امام علیهم السلام دارند؛ ولی به هیچ‌یک از واجبات دینی عمل نمی‌کنند و به ولایت فقیه هم معتقد نیستند. پیروان این فرقه نجس هستند یا پاک؟^۲

پاسخ: صرف اعتقادداشتن آنان به شش امام دیگر از ائمه معصومین علیهم السلام یا اعتقادداشتن به انجام واجبات دینی و احکام شرعی تا زمانی‌که به انکار اصل دین یا نبوت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله منجر نشود، موجب کفر و نجاست نمی‌شود؛ مگر اینکه از آن‌ها دشنام و اهانت به یکی از امامان معصوم علیهم السلام صادر شود (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، ص ۳۶، سؤال ۳۶.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات، اقتباس از مسئله ۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۰۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۲۰.





خوارج

پرسش: خوارج، یعنی کسانی که بر امام معصوم علیه السلام خروج کرده‌اند، نجس هستند؟^۱

پاسخ: ۱. بله، نجس هستند (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، فاضل، خویی، تبریزی، بهجت، نوری، مکارم، شبیری، وحید و صافی).

۲. خوارج بر دو قسم‌اند: گروهی از آنان نسبت به اهل بیت علیهم السلام اظهار دشمنی می‌کنند و گروه دیگر عداوت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام ندارند؛ هرچند به دلیل پیروی از احکام فقهی خوارج، از آنان شمرده می‌شوند. گروهی از آنان که نسبت به اهل بیت علیهم السلام اظهار دشمنی می‌کنند، داخل در نواصب (دشمنان اهل بیت) محسوب می‌شوند و نجس هستند و آن گروه دیگر که عداوت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام ندارند، هرچند به دلیل پیروی از احکام فقهی خوارج، از آنان شمرده می‌شوند؛ اما پاک‌اند (آیت‌الله سیستانی).

فرقه بهائیت

در سال ۱۲۶۰ق، مردی به نام سیدعلی محمد، خود را «باب امام» و وسیله تماس با ایشان معرفی کرد و پس از چندی ادعای مهدویت کرد. علی محمد باب، دستگیر و کشته شد؛ اما در میان اتباع او، دو برادر موسوم به «صبح ازل» و «بهاء» مدعی جانشینی وی شدند. پیروان صبح ازل خود را «بابی (ازلی)» و پیروان بهاء الله خود را «بهایی» نامیدند. دولت عثمانی بهاء الله و پیروانش را به «عکا» در فلسطین و صبح ازل و طرفدارانش را به جزیره قبرس تبعید کرد. فرقه بهاییان با کمک‌های انگلیس در فلسطین شکل

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی التجاسات، الثامن من التجاسات، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۷.





گرفت و بعدها رژیم اسرائیل نیز به آن مدد رسانید. این فرقه در دوره حکومت محمدرضا پهلوی در ایران موقعیتی ممتاز یافت و در سیاست خارجی ایران و تأمین منافع صهیونیسم نیز تأثیر عمده‌ای داشت.^۱

«بهاء» مؤسس فرقه بهائیت مدعی رسالت بود، تألیفاتش را وحی منزل می‌پنداشت، رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را انکار می‌کرد، قرآن را منسوخ می‌دانست و اعتقاد به تناسخ ارواح داشت. او بسیاری از فروع فقه را تغییر داد یا کلاً مدعی اسقاط آن‌ها شد؛ از جمله: ۱. تغییر تعداد نمازها و اوقات آن‌ها به ۹ نماز در ۳ زمان، صبح و ظهر و هنگام غروب؛ ۲. تغییر شیوه تیمم و اکتفا به جمله «بسم الله الاطهر الاطهر» برای تحقق تیمم؛ ۳. کافی دانستن روزه‌داری در ۱۹ روز که به عید نوروز در ۲۱ مارس هر سال منتهی می‌شود؛ ۴. تغییر قبله از کعبه به خانه خودش در «عکا» در فلسطین اشغالی؛ ۵. اعلام حرمت جهاد و اسقاط حدود؛ ۶. قائل بودن به تساوی زن و مرد در میراث؛ ۷. حلیت ربا.

به موجب مصوبه کنفرانس پنجم سران اسلامی [کویت، ۲۶ تا ۲۹ جمادی‌الأولی ۱۴۰۷] و صدور رأی مجمع که درباره مذاهب معارض با تعالیم قرآن و سنت بود و همچنین پیرو بحث‌های مقدماتی در موضوع «زمینه‌های وحدت اسلامی» که متضمن دوری از ارتداد و حرکت‌های تفرقه‌انگیز بین امت اسلام است، درخصوص بهائیت، این‌گونه مقرر شد: «مقابله هیئت‌های اسلامی در تمامی نقاط جهان با تمامی امکانات، در برابر این فرقه گمراه که هدف آن ضربه‌زدن به اسلام است، واجب است. ادعای بهاء، انکار ضروری دین است و موجب کفر اوست؛ بنابراین به اجماع مسلمین، احکام کفار بر او منطبق می‌شود.»^۲

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۲۹، پاوقی ۲.

۲. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام [فارسی]، ج ۵۱، ص ۲۳۶.





پرسش: آیا پیروان فرقه گمراه بهائیت محکوم به نجاست هستند؟ در صورت تماس بهایی‌ها با چیزی، آیا دراموری که صحت آن‌ها مشروط است به طهارت، مراعات مسائل طهارت در رابطه با آن چیزها، واجب است؟^۱

پاسخ: بله، همه پیروان فرقه گمراه بهائیت، محکوم به نجاست هستند و در صورت تماس آن‌ها با چیزی، مراعات مسائل طهارت در رابطه با آن چیز، دراموری که مشروط است به طهارت، واجب است (تمام مراجع عظام تقلید).

انکار ضروریات دین

پرسش: اگر کسی بعضی از ضروریات دین، مانند روزه و غیر آن را انکار کند، حکم کافر را دارد؟^۲

پاسخ: اگر انکار هریک از ضروریات دین به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم اسلام ﷺ یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود، باعث کفر و ارتداد است (حضرت امام، امام خامنه‌ای و آیات عظام اراکی، خویی، گلپایگانی، فاضل، تبریزی، سیستانی، مکارم و نوری).

تارک نماز و روزه

پرسش: با جمعی از دوستان، خانه‌ای را اجاره کرده‌ام و متوجه شده‌ام

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۷؛ سیدروح الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۲، سؤالات متفرقه، مفهوم سؤال ۶۹؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۲۸؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۴، سؤال ۶۱؛ جواد تبریزی، صراط النجاة، ج ۶، سؤال ۱۳۶۳؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۹۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۱۴۵۵؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۲، مفهوم سؤال ۱۵۰۷؛ حسین نوری همدانی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۹.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۰۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۳۶.





که یکی از آن‌ها نماز نمی‌خواند. بعد از سؤال از وی، پاسخ شنیدم که قلباً به خداوند تبارک و تعالی ایمان دارد؛ ولی نماز نمی‌خواند. با توجه به هم‌غذابودن و ارتباط زیاد با وی، آیا باید او را نجس بدانم؟^۱

پاسخ: صرف ترک نماز و روزه و سایر واجبات شرعی، باعث ارتداد مسلمان و کافرشدن و نجاست وی نمی‌شود. تا زمانی که ارتداد وی مشخص نشده است، حکم سایر مسلمانان را دارد؛ بنابراین ترک معاشرت با تارک الصلاة و شارب الخمر بهتر است؛ مگر آنکه بتواند با معاشرت، ایشان را هدایت و امر به معروف و نهی از منکر کند. اقوی این است که هرگاه شخص، انکار وجوب نماز کرد، کافر است. چنین شخصی اگر معتقد به وجوب نماز است، ولی از بابت ترک نماز یا باطل به‌جا آوردن آن یا درست نکردن مسائل آن یا تضييع آن از بابت تأخیر ناشی از بی‌مبالائی، آن را سبک انگاشته و در آن سهل‌انگاری می‌کند، در این صورت، شخص اگرچه کافر نبوده و پاک است، فاصله‌ای با کفر ندارد و در احادیث وارد شده است که شفاعت حضرت پیغمبر و ائمه عليهم السلام به او نمی‌رسد و بر حوض کوثر بر ایشان وارد نخواهد شد و در وقت مردن بر دین پیغمبر صلى الله عليه وآله وسلم از عالم نخواهد رفت و این‌هایی که گفته شد، در ترک نماز قضا که بر ضمه شخص، ثابت است و در آن به حد تهاون (از روی سهل‌انگاری) تأخیر می‌کند و توسعه [وقت] را عذر قرار می‌دهد نیز جاری است (تمام مراجع عظام تقلید).

دشنام‌دهنده به اهل بیت عليهم السلام از روی اختیار

پرسش: اگر شخصی اعم از مسلمان و غیرمسلمان، به خدا یا پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم

۱. سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۰۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۳۱۵؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۳، سؤال ۱۰۹.





یا یکی از ائمه معصومین علیهم السلام از روی اختیار، فحش و دشنام بدهد، نجس است؟^۱

پاسخ: ۱. بله، نجس است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی و مکارم).

۲. چنانچه از روی دشمنی دشنام دهد، نجس است (آیات عظام خوبی، تبریزی، وحید و سیستانی).

۳. چنانچه از روی دشمنی دشنام دهد، نجس است؛ بلکه بنابر احتیاط [واجب]، از کسی که بدون دشمنی هم دشنام می‌دهد، اجتناب شود (آیت‌الله شبیری).

توهین به مقدسات هنگام عصبانیت

پرسش: ممکن است برخی افراد هنگام عصبانیت یا در فشار مشکلات، زبان به کفرگویی باز کنند، آیا این افراد حکم مرتد را دارند و آیا سلب اختیار نسبت به این افراد صادق است؟ چنانچه بعد از رفع عصبانیت توبه کنند، توبه ایشان مقبول است؟^۲

پاسخ: ۱. واجب است توبه کند و از این کلمات به‌زبان نیاورد و اگر از حال اختیار خارج شده باشد و چنین کلامی گفته باشد، مرتد نیست و بین کفرگویی و سب^۳ تفاوت است (آیت‌الله بهجت).

۲. اگر حال او حالی عادی باشد، از اسلام بیرون رفته است و همسرش باید از او جدا بشود؛ ولی اگر از حال طبیعی خارج شده باشد یا مشکوک است که از حال طبیعی خارج شده است یا نه، محکوم به اسلام است و در صورت اول، اگر توبه کند و آن زن، دوباره به عقد آن مرد درآید، عقدش

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج. ۱، فصل فی التجاسات، الثامن من التجاسات، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج. ۱، مسئله ۱۱۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۱.

۲. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج. ۱، سؤال ۳۷۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج. ۱، سؤال ۱۲۰۳ و ج. ۲، سؤال ۱۴۵۶؛ صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج. ۲، سؤال ۲۱۶۳ و ۲۱۶۶؛ سیدرضا مجمع المسائل، ج. ۱، ص ۴۳، سؤال ۶۲.

۳. دشنام.





صحیح است (آیت‌الله مکارم).

۳. اگر عصبانیت به حدی باشد که از حال اختیار خارج شود، موجب ارتداد نیست و به هر حال اگر توبه کند، توبه‌اش قبول است (آیت‌الله صافی).

۴. در فرض سؤال، اگر عصبانیت او به حدی بوده که از خودبی خود شده، در این صورت مرتد نشده است. اگر عصبانیت به این حد نبوده است، توبه‌اش به نظر این جانب قبول است، نهایت، زوجه‌اش را به عقد جدید عقد کند و برای اموالش نیز از ورثه، احتیاطاً اجازه بگیرد. خداوند در ظلّ عنایت بقیة الله (ارواح‌الهدیه) همه را از لغزش‌ها حفظ فرماید (آیت‌الله گلپایگانی).

۵. اگر عصبانیت به حدی باشد که از حال اختیار خارج شود، موجب ارتداد نیست و به هر حال اگر توبه کند، توبه‌اش قبول است (آیات عظام بهجت، گلپایگانی، مکارم و صافی).

پاره کردن قرآن کریم بر اثر خشم و غضب

پرسش: شخصی عصبانی شده و بر اثر خشم و غضب قرآن کریم را پاره پاره کرده و بعد پشیمان شده است. در حال حاضر چنین شخصی چه وظیفه و حکمی دارد؟^۱

پاسخ: نعوذ بالله تعالی من الشیطان الرجیم. این مسئله به دو صورت ممکن است پرسیده شود: یکی از نظر حکم آن در صورت ثابت شدن نزد حاکم شرع و دیگری از نظر حکم فردی و شخصی فاعل این عمل که «فیما بینه و بین الله» عمل کند.

اما حکم حدی که برای این عمل در صورت وقوع به عمد و اختیار و ثبوت آن نزد حاکم مترتب می‌شود، قتل است و جواز آن از طرف غیر

۱. نک: لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۲، سؤال ۲۱۶۷.





که مثل سائب‌الله و سائب‌النبی و الائمه علیهم‌السلام باشد، محلّ اشکال است؛ بنابراین دراین باره امر با حاکم است و حکم دائر مدار ثبوت آن دشنام، نزد حاکم شرع است.

درباره تکلیف شخصی که این اهانت بسیار عظیم را انجام داده است، باید گفت که اگر به نحوی بوده که می‌داند این اهانت زمانی بر او واقع شده که اختیار نداشته است که شاید فرض آن بعید باشد، ظاهراً تکلیفی بر او نیست.

چون نفس این عمل، بسیار مغضوب الهی است، انجام‌دهنده‌اش اگرچه بی‌اختیار و به سهو مرتکب آن شده باشد، اگر مؤمن باشد، صدور آن را از خودش موجب شرمندگی و سقوط مرتبه می‌شمارد و به درگاه خدا با تضرع معذرت می‌خواهد؛ مثل بنده‌ای که فرزند مولایش را در خواب یا به‌گمان اینکه دشمن مولاست، کشته باشد که باین حال در مقام عذرخواهی برمی‌آید. حالت دیگر این است که العیاذ بالله، این گناه بزرگ با عمد و اختیار از او صادر شده باشد. در این صورت، اولاً عقد ازدواج او با زوجه‌اش منحل شده و زوجه‌اش با این عمل قبیح از زوجیت او خارج می‌شود و اگر بخواهند باهم بمانند، باید با رضایت زوجه دوباره او را عقد کند؛ ثانیاً به محض سرزدن این عمل از او، اموالش به ورثه‌اش کما فرض‌الله منتقل می‌شود که باید به تصرف آن‌ها درآورد یا برای تصرف در آن اموال از ورثه اذن بگیرد. باوجود این، توبه او قبول است و اگر این مسئله نزد حاکم شرع مطرح نشده است، اقرار نزد او لازم نیست؛ بلکه اگر مطرح شده باشد نیز اقرار نزد او واجب نیست (آیت‌الله صافی).

مسخره‌کردن و اشکال‌گرفتن به افعال خدا از روی شوخی

پرسش: کسی که نعوذ بالله، خداوند عالمیان را با شوخی مسخره می‌کند





و به شوخی، به افعال خدا اشکال می‌گیرد، کافر محسوب می‌شود یا اینکه تا اظهار کفر نکند، کافر محسوب نمی‌شود؟^۱

پاسخ: با آنکه گفتار و افعال چنین شخصی، موجب شک در کفر باشد؛ ولی حکم به کفر او نمی‌شود. «نعوذ بالله من اغواء الشیطان و التمسخر بأفعال الله» (آیت الله گلپایگانی).

طهارت و نجاست زنازاده

پرسش: حکم فرزند زنازاده، یعنی فرزندی که تولدش از نکاح شرعی بین والدین او نبوده است یا شبهه نکاح داشتند، در صورتی که زانی و زانیه یا یکی از آن دو مسلمان باشند،^۲ از نظر طهارت و نجاست چیست؟^۳

پاسخ: ۱. پاک است (حضرت امام و آیات عظام خوبی، گلپایگانی، فاضل، بهجت^۴، سیستانی و نوری).

۲. پاک است؛ مگر در صورتی که فقط زانیه مسلمان باشد که در این صورت نیز احتیاط اجتناب است (آیت الله مکارم).

شک در کفر و اسلام شخص

پرسش: اگر مسلمان یا کافر بودن فردی مشخص نباشد، چه در گذشته و چه در حال، همچنین در بلاد مسلمانان نیز زندگی نکند، حکمش چیست؟^۵

۱. سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۱، سؤال ۵۸.
 ۲. در صورتی که مرد و زن زناکار هر دو مسلمان باشند یا مرد یا زن زناکار مسلمان باشد.
 ۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات، مسئله ۱؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۳، تعلیقه ۱.
 ۴. محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۳، تعلیقه ۱: «اولاد کفار، تابع ابوبین، در نجاست هستند و اقرب عدم حقوق به زنا در دین ابوبین است؛ پس ولد الزنا از کافزین، طاهر است به حکم اصل؛ همچنین از مسلمین یا از احدالابوبین که مسلم باشد؛ چنانچه ظاهر اطلاق منسوب به مشهور است از طهارت ولد الزنا و چون به حکم تبعیت نیست، علی الاظهر بلکه به حکم اصل است. پس در صورت ثبوت تبعیت برای احدالابوبین، اصل جاری نیست؛ بلکه به حکم دلیل، عمل می‌شود؛ پس اگر احد المتولّد منهما زنا از او محقق نباشد، ولد به او ملحق می‌شود و اسلام در متکافئین در حلیت، مرجح است.»
 ۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثامن من النجاسات، مسئله ۴؛ سیدمحمدحسن





پاسخ: ۱. پاک است؛ ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد؛ مثلاً زن مسلمان نمی‌تواند با او ازدواج کند و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، بهجت، خویی، وحید، سیستانی، نوری، صافی، مکارم و شبیری).

۲. پاک است و جایز است در قبرستان مسلمانان دفن شود. واجب است مثل سایر مسلمان‌ها او را غسل دهند و نماز بخوانند و دفن کنند (آیت‌الله تبریزی).

شک در تعلق استخوان به بدن کافریا مسلمان

پرسش: چنانچه انسان، استخوانی را که خالی از گوشت است، پیدا کند و شک کند که آن استخوان مربوط به انسان مسلمان است یا کافر غیرکتابی، حکم آن استخوان از نظر طهارت و نجاست چیست؟
پاسخ: پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

پیوند عضوی از بدن میّت غیرمسلمان به بدن مسلمان

پرسش: اگر عضوی از بدن میّت غیرمسلمان به بدن مسلمانی وصل شود؛ ولی روح در آن حلول نکند، لمس آن چه حکمی دارد؟
پاسخ: ۱. چنانچه عرفاً جزء بدن کسی که به او پیوند زده شده است، محسوب شود، پاک است (آیت‌الله مکارم).

۲. اگر حیات در آن عضو حلول کرده است، جزء بدن انسان محسوب می‌شود؛ ولی اگر حیات حلول نکرده است، چون حال ضرورت است، نماز با آن جایز است؛ ولی نجس است، مگر اینکه از میت مسلمان بعد از غسل میت جدا شده باشد که در این صورت پاک هم هست (آیت‌الله گلپایگانی).

بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۰؛ جواد تبریزی، صراط النجاة، ج ۶، ص ۴۷، سؤال ۱۶۲.
۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الرابع من النجاسات، مسئله ۱۷، سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۹.
۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، سؤال ۲۸؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۸، سؤال ۸۵.





پیوند چشم

پرسش: اگر چشم انسان مرده یا زنده یا چشم حیوان نجس العین مرده یا زنده ای را به چشم شخص نابینا پیوند بزنند، چشم پیوندی و رطوبتی که از آن بیرون می آید، چه حکمی دارد؟^۱

پاسخ: هنگامی که پیوند گرفت و آن عضو عملاً جزء بدن گیرنده شد، پاک است (حضرت امام و آیات عظام بهجت، فاضل، سیستانی، مکارم، نوری و وحید).

نهم: شراب

پرسش: حکم شراب چیست؟^۲

پاسخ:

الف. در خوردن و آشامیدن

نوشیدن شراب و هرنوع مایع مستکننده، حرام است (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. در طهارت و نجاست

[به نوع فتوا یا احتیاط واجب]^۳ شراب نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۲۸۸۳؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۶۱؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۳، سؤال ۲۹؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۱۱۸۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ملحقات، مسئله ۶۴، حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۸۹۴، محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۷۸.

۲. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۱ و ج ۲، مسئله ۲۴۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۲ و ۲۶۹۷.

۳. محمد فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة [النجاست و احکامها]، ص ۱۳۸، [الثامن: المسکر المانع بالأصل]، باورقی ۱؛ سیدابوالقاسم خویی، موسوعة، ج ۳، ص ۸۳: «أن الكتاب العزيز لا دلالة له على نجاسة الخمر حيث إن الرجس في قوله عز من قائل إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالأَنْصَابُ وَالأَكْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ، ليس بمعنى النجس بوجه لوضوح أنه لا معنى لنجاسة بقية الأمور المذكورة في الآية المباركة فإن منها الميسر وهو من الأفعال ولا يتصف الفعل بالنجاسة أبداً بل الرجس معناه القبيح المعبر عنه في الفارسية 'بليد و زشت' و عليه فالمهم هو الأخبار و لقد ورد نجاسة الخمر في عدة كثيرة من الروايات...»





مست‌کننده‌های دیگر، به غیر از شراب

پرسش: حکم چیزهای مست‌کننده به غیر از شراب چیست؟

پاسخ: ۱. هرچیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است^۱ (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی و شبیری).

۲. هرچیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، بنابر احتیاط واجب نجس است (امام‌خامنه‌ای و آیات عظام تبریزی و مکارم).

۳. نیبذی که مسکر است (شراب خرما یا کشمش) که مست‌کننده است)، نجس است. بنابر احتیاط واجب، هرچیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد و خوردن آن نیز متعارف باشد، نجس است (آیت‌الله خویی).

۴. نیبذی که مسکر است، نجس است؛ ولی در غیرنیبذ، احتیاط مستحب است که از مسکرات مایع، به جز فُقَاع (آبجو) که حکمش خواهد آمد نیز اجتناب شود (آیت‌الله وحید).

۵. غیر از شراب، سایر چیزهایی که انسان را مست می‌کند، نجس نیست (آیت‌الله سیستانی).

حکم فُقَاع در ادامه بیان می‌شود.

بیره

پرسش: آیا شرابی که در عرف به آن بیره می‌گویند، پاک است؟ لازم به تذکر است که در این شراب هیچ الکلی وجود ندارد.^۲

۱. محمد فاضل لنگرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة [النجاسات و احکامها]، ص ۱۵۲، سطر ۱۳: «و بالجمله: لا دلیل علی ان للخمر حقیقة شرعية تعم جميع المسکرات و لا حاجة إلى تجسّم الاستدلال علیه بعد ثبوت نجاسة الجميع بسبب موثقة عمّار و غیرها...»

۲. جواد تبریزی، صراط النجاة، ج ۸، ص ۱۴۷، سؤال ۳۸۳: سیدابوالقاسم خویی، استفتانات، سؤال ۴۹.





پاسخ: بیره همان فقاق است که از آب جوی تخمیرشده، ساخته شده است؛ بنابراین حکم فقاق را دارد که هم نجس است و هم خوردن آن حرام است (آیات عظام خویی و تبریزی).

بنگ و حشیش

پرسش: بنگ و حشیش و مانند این چیزها که انسان را مست می‌کند، ولی به خودی خود روان نیستند، چه حکمی دارند؟
پاسخ: پاک است؛ اگرچه چیزی در آن بریزند تا روان شود (تمام مراجع عظام تقلید).

قرص‌های اکستازی

پرسش: قرص‌های اکستازی و روان‌گردان که موجب خروج افراد از تعادل روانی می‌شوند، چه حکمی دارند؟
پاسخ:
الف. از نظر طهارت و نجاست
این قرص‌ها پاک‌اند (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. از نظر خرید و فروش و مصرف

۱. جایز نیست (آیات عظام فاضل، سیستانی، مکارم و صافی).
۲. حرام و معامله آن هم باطل است (آیت‌الله بهجت).
۳. از کارهایی که موجب فساد عقل و اعمال خلاف می‌شود، باید اجتناب کرد و از هر نوع مساعدتی با آن‌ها و خرید و فروش این مواد، باید پرهیز کرد

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، التاسع من النجاسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۱، حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۲.
۲. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، التاسع من النجاسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۲؛ سیدمحمدحسن محمودی، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، ج ۵، ص ۱۷۵.





(آیت الله تبریزی).

گوشت حیوانی که شراب خورده است

پرسش: اگر حیوانی بلافاصله بعد از خوردن شراب ذبح شود، درحالی که قطع (یقین) به زوال و استحاله شراب نداریم، گوشت آن حیوان پاک است؟^۱

پاسخ: ۱. باید گوشت آن حیوان را آب کشید، بعد از آن می توان از گوشتش استفاده کرد. (آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی و وحید).
 ۲. بنابراین احتیاط واجب، باید گوشت آن حیوان را آب کشید و بعد از آن می توان از گوشتش استفاده کرد^۲ (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و بهجت و صافی).

سرکه شدن شراب با افزودن نمک

پرسش: چنانچه شراب، به خاطر ریختن چیزی مثل سرکه و نمک در آن، تبدیل به سرکه شود، آیا از آن سرکه باید اجتناب کرد؟^۳

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، کتاب الأطعمة و الأشربة، القول فی الحیوان، مسئله ۲۵؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۷۹۸؛ لطف الله صافی گلپایگانی، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۷۹۸؛ سیدعلی سیستانی، المسائل المنتخبة، مسئله ۱۲۱۷؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۷؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۷؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۴، ص ۵۴۱.

۲. همان طوره که در بحث ادرار و مدفوع گذشت، چنانچه حیوان غیر از شراب، نجاست دیگری بخورد و بلافاصله ذبح شود، گوشت و آنچه در بطن او از امعاء و قلب و کبد و... باشد، با تطهیر نجاست از ظاهر آن ها، پاک و خوردنشان حلال می شود؛ اما اگر شراب بخورد و مست شود و بلافاصله بعد از آن ذبح شود، برخی از فقها مثل حضرت امام علیه السلام، گلپایگانی علیه السلام، خویی علیه السلام، تبریزی علیه السلام، وحید خراسانی علیه السلام و صافی گلپایگانی علیه السلام می فرمایند: «آنچه در بطن او از امعاء و قلب و کبد و... باشد، خوردنش حرام است.» برخی دیگر از فقها مثل آیات عظام بهجت علیه السلام و سیستانی علیه السلام می فرمایند: «آنچه در بطن او از امعاء و قلب و کبد و... باشد، بنابر احتیاط واجب خوردنش حرام است.» (سیدروح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، کتاب الأطعمة و الأشربة، القول فی الحیوان، مسئله ۲۵؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۷۹۸؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۷۹۸؛ سیدعلی سیستانی، المسائل المنتخبة، مسئله ۱۲۱۷؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۷؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الأطعمة و الأشربة، مسئله ۱۶۸۷؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۴، ص ۵۴۱).

۳. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۹۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۹۹؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۰.





پاسخ: خیر، آن سرکه پاک است و اجتناب لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

جوش آمدن انگور همراه سیب و سرکه شدن آن‌ها

پرسش: هرگاه انگور یا خرما یا کشمش را سرکه بگذارند و در میان آن، اشیایی مثل به یا سیب یا خیار یا کدو و مانند این‌ها بگذارند و جوش بیاید و بعد برگردد سرکه شود، چه صورتی دارد؟^۱

پاسخ: ۱. اگر پیش از آنکه خرما و کشمش و انگور، سرکه شود، خیار و بادمجان و مانند این‌ها در آن بریزند، اشکالی ندارد (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، نوری و صافی).

۲. اگر پیش از آنکه خرما و کشمش و انگور، سرکه شود، خیار و بادمجان و مانند این‌ها در آن بریزند، اشکالی ندارد؛ مگر اینکه پیش از سرکه شدن مسکر شده باشد (آیات عظام خوبی، تبریزی، وحید و سیستانی).

۳. احتیاط در آن است که تا خرما و کشمش و انگور سرکه نشده است، خیار و بادمجان و مانند این‌ها در آن نریزند (آیت الله شبیری).

۴. اگر پیش از آنکه خرما و کشمش و انگور، سرکه شود، خیار و بادمجان و مانند آن‌ها در آن بریزند، احتیاط واجب اجتناب کردن است (آیت الله مکارم).

انگور سبزه شده در میان تیزاب

پرسش: هرگاه انگور را در میان تیزاب بگذارند که سبزه شود، چه صورتی دارد؟^۲

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۰۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۲؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۲.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المطهرات، السادس من المطهرات، مسئله ۶؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، فصل فی النجاسات، القول فی النجاسات، مورد الثامن؛ سیدابوالقاسم خوئی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۲۰۵؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۲۰۵؛ سیدرضا گلپایگانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۲۰۵؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۲۰۵؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۲۰۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۲۰۵؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۹۸؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۷؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۱.





پاسخ: در صورتی که علم به جوشیدن حاصل نشود، اشکالی ندارد (حضرت امام و آیات عظام خوبی، تبریزی، گلپایگانی، بهجت، فاضل، صافی، شبیری، سیستانی، نوری و مکارم).

روغن روی سرکه

پرسش: اگر در میان خُمراهی که روغن پس می دهد، انگور یا خرما را سرکه بگذارند، در صورتی که بعد از سرکه شدن، بالای سرکه، روغن دیده شود، آیا آن سرکه پاک است؟
پاسخ: اگر عرفاً جسمیتی نداشته باشد، پاک و حلال است (آیت الله بهجت).

آب انگور جوش آمده

پرسش: حکم آب انگور جوش آمده چیست؟
پاسخ:

الف. آب انگوری که به خودی خود جوش آمده است

خلاصه فتاوا از نظر خوردن

۱. قبل از آنکه دوسومش تبخیر شود، خوردنش حرام است (تمام مراجع عظام تقلید).
۲. اگر مستکننده شود، خوردنش حرام است (تمام مراجع عظام تقلید).

خلاصه فتاوا از نظر طهارت و نجاست

۱. قبل از آنکه دوسومش تبخیر شود، پاک است (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).

۱. محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۲.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، التاسع من النجاسات، مسئله ۲۱؛ سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۰۲ و ۱۱۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۳ و ۱۱۴؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۱۰۳، مسئله ۶۱۳.





۲. قبل از آنکه دوسومش تبخیر شود، نجس است (آیات عظام بهجت و مکارم و نوری).

۳. قبل از آنکه دوسومش تبخیر شود، بنا بر احتیاط واجب، نجس است (آیات عظام اراکی و شبیری و وحید).

تفصیل فتاوا

۱. تا قبل از آنکه دوسوم آن تبخیر شود، خوردنش حرام است، ولی نجس نیست؛ مگر آنکه معلوم شود که مست‌کننده است که در این صورت، هم خوردنش حرام است و هم نجس است و فقط با سرکه‌شدن پاک و حلال می‌شود (حضرت امام و آیت‌الله فاضل).

۲. تا قبل از آنکه دوسوم آن تبخیر شود، خوردنش حرام است، ولی نجس نیست؛ مگر آنکه معلوم شود که مست‌کننده است که در این صورت هم خوردنش حرام است و هم بنا بر احتیاط واجب، نجس است و فقط با سرکه‌شدن پاک و حلال می‌شود (آیات عظام خویی و تبریزی).

۳. از نظر طهارت و نجاست مطلقاً پاک است؛ اگرچه مست‌کننده باشد. از نظر خوردن اگر معلوم نباشد که مست‌کننده است یا نه، بعد از تبخیر شدن دوسوم آن، حلال است؛ اما اگر ثابت شود که آب انگور جوشیده شده، مست‌کننده است، فقط با سرکه‌شدن حلال می‌شود؛ همچنان که بعضی گفته‌اند در صورتی که آب انگور خودبه‌خود جوش بیاید، مسکرو مست‌کننده می‌شود (آیت‌الله سیستانی).

۴. هرگاه آب انگور به خودی خود جوش آید، جوش آمدنی که معمولاً مقدمه شراب شدن است، نجس و حرام است؛ مگر آنکه به سرکه تبدیل شود که در این صورت، هم پاک می‌شود و هم خوردنش مانعی ندارد (آیت‌الله مکارم).

۵. هرگاه آب انگور به خودی خود جوش آید، پاک بوده؛ ولی خوردنش حرام است؛ مگر آنکه به سرکه تبدیل شود که در این صورت، هم پاک می‌شود و هم





خوردنش مانعی ندارد (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۶. هرگاه آب انگور به خودی خود جوش آید، نجس و حرام است؛ مگر آنکه به سرکه تبدیل شود که در این صورت هم پاک می شود و هم خوردنش مانعی ندارد (آیات عظام بهجت و نوری).

۷. هرگاه آب انگور به خودی خود جوش آید، خوردن آن حرام بوده و بنا بر احتیاط واجب نجس هم هست. بنا بر احتیاط واجب، به غیر سرکه شدن هم، پاک و حلال نمی شود (آیات عظام وحید و شبیری).

ب. آب انگوری که به واسطه پختن جوش آمده است

۱. پاک است؛ ولی تا قبل از آنکه دوسوم آن تبخیر شود، خوردن آن حرام است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خوبی، تبریزی، فاضل، گلپایگانی، صافی، سیستانی، مکارم، نوری و وحید).

۲. بنا بر اقوی و احوط^۱ تا قبل از آنکه دوسوم آن تبخیر شود، نجس و خوردنش حرام است و باید از آن اجتناب کرد؛ ولی همین که دوسوم آن تبخیر شد، پاک و خوردنش هم حلال می شود (آیت الله بهجت).

۳. خوردن آن حرام و بنا بر احتیاط واجب، نجس هم هست؛ ولی همین که دوسوم آن تبخیر شد، پاک و خوردنش هم حلال می شود (آیت الله شبیری).

تبخیر شدن دوسوم آب انگور با غیر آتش

پرسش: در مواقعی که تبخیر دوسوم آب انگور، موجب حلیت یا پاک شدن آب انگور می شود، آیا فقط این تبخیر باید به وسیله حرارت آتش باشد یا به هر صورتی که محقق شود، ولو به خودی خود، موجب

۱. این اصطلاح یعنی این قول موافق احتیاط است و مرجع تقلید نیز به همین احتیاط، فتوا داده است.





حلیت و خوردن است؟^۱

پاسخ: ۱. تبخیر دوسوم آب انگور (ذهاب ثلثین)، چنانچه با غیر آتش هم محقق شود، کافی است و موجب حلیت و پاک شدن می‌شود؛ بنا بر فرض نجس بودن آن (حضرت امام و آیات عظام تبریزی و سیستانی).
 ۲. تبخیر دوسوم آب انگور (ذهاب ثلثین)، فقط باید به وسیله حرارت آتش باشد (آیات عظام گلپایگانی، اراکی، فاضل، خویی، صافی، نوری و مکارم).

روش محاسبه تبخیر دوسوم و یک سوم

پرسش: طبق فرموده فقها، اگر دوسوم آب انگوری که جوش آمده است، کم شود و یک سوم آن باقی بماند، آن یک سوم باقی مانده، پاک و حلال است. منظور ایشان از دوسوم و یک سوم چیست؟ آیا منظورشان وزن آب انگور است یا مساحت یا کیل آن؟^۲

پاسخ: ۱. دوسوم و یک سوم با هر کدام از وزن یا مساحت یا کیل که محقق شود، کافی است و در آن‌ها فرقی نیست (حضرت امام و آیت‌الله فاضل).
 ۲. دوسوم و یک سوم، با پیمانہ یا مساحت محاسبه می‌شود و در این باره وزن اعتباری ندارد (آیات عظام خویی، تبریزی، وحید، سیستانی و مکارم).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپطهرات، السادس من المپطهرات: سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، فصل فی المپطهرات، مورد الخامس: سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۶؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، حواشی برخی مراجع بر مسئله ۲۰۲؛ سیدعلی سیستانی، المسائل المنتخبة، مسئله ۱۵۴؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، ص ۱۰۳، مسئله ۶۱۳.

۲. پیمانہ، روشی برای وزن کردن.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپطهرات، السادس من المپطهرات: سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المپطهرات، مورد السادس: جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المپطهرات، مورد السادس؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المپطهرات، مورد السادس؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المپطهرات، مورد السادس.





شیره انگوری که همه دوسوم آب انگورش، به وسیله آتش تبخیر نشده است

در روستایی، شیره انگور را چنین تهیه می‌کنند: ابتدا انگورها را می‌چینند و در حوض‌های مخصوصی می‌ریزند. پس از شستن انگورها، آن‌ها را له می‌کنند و آب آن را می‌گیرند؛ سپس خاک مخصوصی با آن مخلوط کرده و آن را به حال خود رها می‌کنند تا ته‌نشین شود. آنگاه آب انگور را در ظرف‌های مخصوص بزرگی می‌ریزند و آن را به وسیله آتش می‌جوشانند تا یک سوم یا یک چهارم آن تبخیر شود. در پایان، باقی‌مانده آب انگور حاصل از تبخیر را در ظرف‌های کوچکتر می‌ریزند و در آفتاب قرار می‌دهند تا دو ثلث (دوسوم) یا بیشتر آن، تبخیر شده و سفت شود. با توجه به توضیحات بیان شده درباره روش تهیه شیره انگور به پاسخ این پرسش‌ها را بفرمایید:

پرسش ۱: آیا خوردن شیره‌ای که به این طریق به دست آمده است، حلال است؟ بر فرض حرمت (حرام بودن) آن، آیا نجس هم هست؟ کسانی که سال‌های متمادی به این طریق، شیره تهیه کرده‌اند و هم خودشان مصرف کرده‌اند و هم مقدار زیادی از آن را به فروش رسانده‌اند، چه وظیفه‌ای دارند؟^۱

پاسخ: ۱. بنا بر فرض نجس بودن آن، تبخیر دوسوم آب انگور (ذهاب ثلثین)، چنانچه با غیر آتش هم باشد، کافی است و موجب حلیت و پاک شدن می‌شود (حضرت امام و آیات عظام تبریزی و سیستانی).

۲. بنا بر فرض نجس بودن آن، تبخیر دوسوم آب انگور (ذهاب ثلثین)، فقط باید به وسیله حرارت آتش باشد؛ بنابراین چون در فرض بالا با

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المظہرات، السادس من المظہرات؛ سید روح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، فی المظہرات، الخامس من المظہرات؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المظہرات، مورد السادس؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المظہرات، مورد السادس؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المظہرات، مورد السادس؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المظہرات، مورد السادس؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، سؤال ۲۴.





غیرآتش، تبخیر دوسوم محقق شده است، این تبخیر موجب حلیت و پاک شدن نمی‌شود (آیات عظام گلپایگانی، اراکی، فاضل، خوبی، صافی و نوری).

۳. چنین شیرهای نجس نیست؛ ولی خوردن و معامله آن اشکال دارد. باید آن را با آتش ثلاثان کنند (آیت‌الله مکارم).

پرسش ۲: در صورتی که آن قدر آب انگور را بجوشانند تا دو ثلث آن با آتش کم شود، سپس برای سفت شدن، آن را در آفتاب قرار دهند، حکم آن چیست؟^۱

پاسخ: هیچ اشکالی ندارد (تمام مراجع عظام تقلید).

جوش آمدن یک یا چند حبه انگور، به همراه غذا

پرسش: هرگاه یک دانه انگور در دیگ آش یا آبگوشت و... واقع شود و بجوشد، حکمش چیست؟^۲

پاسخ: ۱. آن حبه انگور جوشیده شده، پاک است؛ ولی خوردن آن حرام است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خوبی، تبریزی، گلپایگانی، صافی، نوری و وحید).

۲. آن حبه انگور جوشیده شده، بنابر اقوی و احوط، هم نجس است و هم خوردنش حرام است و باید از آن اجتناب کرد (آیت‌الله بهجت).

۳. آن حبه انگور جوشیده شده، پاک است؛ ولی بنابر احتیاط واجب، خوردن آن حرام است (آیت‌الله سیستانی).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپطهرات، السادس من المپطهرات؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المپطهرات، مورد السادس؛ جواد تبریزی، منهج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المپطهرات، مورد السادس؛ سیدعلی سیستانی، منهج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی المپطهرات، مورد السادس؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، سؤال ۴۴.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، فصل فی المپطهرات، بخش السادس، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۳ و ۲۰۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۴ و ۲۰۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۰۳؛ سیدابوالقاسم خوبی، استفتانات، سؤال ۴۷.





۴. پاک بودن آن حبه انگور جوشیده شده، محل اشکال است و خوردن آن نیز حرام است (آیت الله اراکی).
۵. آن حبه انگور جوشیده شده، پاک است و خوردنش حلال است (آیت الله مکارم).

بادکردن دانه های انگور

- پرسش:** مقداری انگور در مقابل آفتاب گذاشته شده است تا پس از خشک شدن مویز شود. اکنون دانه های آن باد کرده است و نه به آن ها مویز گفته می شود و نه انگور. آیا خوردن آن دانه ها جایز است؟^۱
- پاسخ:** ۱. با شک در جوش آمدن، خوردن آن ها هم اشکال ندارد (حضرت امام و آیات عظام خویی، فاضل، گلپایگانی، تبریزی، اراکی، نوری، مکارم و سیستانی).
۲. ملاک، علم به جوش آمدن مغز آن با آفتاب است که در این صورت، بنابراین ظاهر، نجس است (آیت الله بهجت).

غوره و آب غوره جوش آمده

- پرسش:** حکم غوره و آب غوره جوشانده شده چیست؟^۲
- پاسخ:** غوره و آب غوره، حکم انگور و آب انگور را ندارد؛ بنابراین اگر به جوش آیند، پاک و حلال هستند (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، التاسع من النجاسات، فصل فی المپهترات، بخش السادس، مسئله ۶؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۵۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۲۷.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المپهترات، بخش السادس، مفهوم مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۰۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۶؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۵۱۲، سؤال ۲۲۵۱.





غوره مشکوک به انگور

پرسش: جوشاندن چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، چه حکمی دارد؟^۱

پاسخ: حکم غوره را دارد؛ بنابراین چنانچه جوش بیاید، پاک و حلال است (تمام مراجع عظام تقلید).

جوش آمدن یک یا چند حبه انگور، به همراه غوره

پرسش: اگر مقداری غوره را برای گرفتن آبش بجوشانند، چنانچه همراه آن یک یا چند حبه انگور باشد، آنچه بعد از جوشاندن باقی می ماند، خوردنش حرام است؟^۲

پاسخ: اگر حبه های انگور بسیار کم باشد و آب آن حبه ها، در آب غوره مستهلک شود، به طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، پاک و حلال است (تمام مراجع عظام تقلید).

خرما و مویز و کشمش جوش آمده

پرسش: خرما و مویز و کشمش و آب آن ها، در صورتی که جوش بیایند و معلوم نباشد که مست کننده اند، چه حکمی دارند؟^۳

پاسخ: ۱. پاک اند و خوردن آن ها نیز حلال است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، خوبی، تبریزی، وحید، شبیری، نوری، صافی و سیستانی).
۲. پاک بودن و خوردن آن محل اشکال است؛ مگر بعد از ذهاب ثلثین که

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المطهرات، بخش السادس، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۰۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۵.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المطهرات، السادس من المطهرات، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۳ و ۲۰۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۴ و ۲۰۲؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۳۰۳.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی التجاسات، مورد التاسع، مسئله ۳ و فصل فی المطهرات، مورد السادس، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۵؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، مسئله ۱۲۷.





هم پاک شده و هم خوردنش حلال می‌شود (آیت‌الله بهجت).
۳. خرما و آب آن، اگر جوش بیاید، پاک و خوردن آن حلال است؛ ولی کشمش و آب آن، حکم انگور و آبش را دارد (آیت‌الله اراکی).
۴. هرگاه مویز و کشمش را در غذایی بریزند و بجوشد، به طوری که آب به داخل آن نفوذ کند و آب داخلش نیز بجوشد، حرام می‌شود؛ اما نجس نیست و می‌توان آن‌ها را جدا کرد و غذا را خورد؛ ولی در حال سرخ کردن و دم کردن در برنج و امثال آن مانعی ندارد. درباره خرما نیز اگر آب آن وارد غذا شود و بجوشد و مستهلک شود، مانعی ندارد؛ ولی اگر مقدار آن به قدری باشد که بجوشد، ولی مستهلک نشود، نمی‌توان آن را خورد (آیت‌الله مکارم).

ملاک در تثلیث شیرۀ خرما

پرسش: می‌دانیم در تثلیث شیرۀ خرما به غلیان (کم شدن دوسوم شیرۀ خرما با جوش آمدن)، باید آن را با آب جوشاند، آیا ملاک در تثلیث شیرۀ خرما، غلیان خرما با همان آب خارجی است یا خود خرما به تنهایی؟
پاسخ: ملاک در تثلیث، همان شیرۀ خرمای به جوش آمده نزد عرف است، نه خود خرما به تنهایی (آیت‌الله بهجت).

جوش آمدن سرکه انگور

پرسش: می‌دانیم هرگاه ترشی سرکه انگور زایل شده، به نحوی که مثل آب شود، اشکالی ندارد و پاک است؛ اما اگر بعد از آن بجوشد، آیا در این هنگام باید دو ثلث آن برود یا دوباره سرکه شود یا اینکه جوش آمدن آن تأثیری ندارد؟
پاسخ: جوش آمدن سرکه موجب حرمت و نجاست آن نمی‌شود (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، خویی، تبریزی، اراکی،

۱. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۶۰.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی المطهرات، السادس من المطهرات، مسئله ۴ و ۹.





سیستانی، مکارم و نوری).

دهم: آب جو (فَقَاع)

طهارت و نجاست فُقَاع

پرسش: حکم طهارت و نجاست و حکم خوردن فُقَاع که غالباً از جو گرفته می‌شود^۱ را بیان کنید؟^۲

پاسخ: ۱. فُقَاع که غالباً از جو گرفته می‌شود، چنانچه موجب مستی؛ حتی درجه خفیفی از مستی بشود، نجس و خوردنش نیز حرام است؛ اما آبِ جو که برای خواص طبی از جو می‌گیرند و به آن ماء الشعیر می‌گویند و موجب هیچ‌گونه مستی نیست، پاک و خوردنش نیز حلال است (حضرت امام، امام‌خامنه‌ای و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، بهجت، خوبی، تبریزی، وحید، نوری، صافی و شبیری).

۲. فُقَاع که غالباً از جو گرفته می‌شود و موجب درجه خفیفی از مستی است، خوردنش حرام است و بنابر احتیاط واجب، نجس هم هست؛ اما آبِ جو که برای خواص طبی از جو می‌گیرند و به آن ماء الشعیر می‌گویند و موجب هیچ‌گونه مستی نیست، پاک و خوردنش نیز حلال است (آیات عظام سیستانی و مکارم).

ماء الشعیر جوش آمده

پرسش: ماء الشعیری که بین پزشکان متداول است و آن‌ها تجویز

۱. درباره اینکه اگر فُقَاع از غیرجو گرفته شود، بعضی از فقها فرموده‌اند: «تا زمانی که مست‌کنندگی آن ثابت نشود، پاک و حلال است»؛ اما برخی دیگر مثل حضرت امام علیه السلام می‌فرمایند: «در حرمت و نجاست آن تأمل است؛ مگر آنکه مست‌کنندگی آن ثابت شود» (نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد العاشر).

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد العاشر؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۵ و ج ۲، مسئله ۲۶۳۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۶ (۲۶۹۷)؛ استفتای کتبی خصوصی از امام‌خامنه‌ای، شماره استفتا: ۲۲۶۹۶.





می‌کنند و مست‌کننده نیست، چنانچه بجوشد، آیا بعد از جوش آمدن پاک و خوردن آن حلال است؟^۱
پاسخ: بله، پاک و خوردنش حلال است^۲ (تمام مراجع عظام تقلید).

لوردوبیر (مخمر آب جو)

پرسش: لوردوبیر که به آن مخمر آب جو نیز می‌گویند، به صورت گردی است که نه مسکر و نه مایع است و مصرف طبی دارد. حکم طهارت و نجاست و حکم خوردن آن چیست؟^۳
پاسخ: بر فرض سؤال، چون این ماده مست‌کننده نیست، پاک و خوردنش نیز حلال است (آیت‌الله مکارم).

الکل

روش اثبات مسکریّت^۴ الکل

پرسش: چه روشی مست‌کننده بودن الکل را ثابت می‌کند؟^۵
پاسخ: مسکربودن الکل به وسیله یقین خود مکلف یا به وسیله خبر دادن اهل‌خبره مطمئن، حاصل می‌شود (امام خامنه‌ای).

۱. سیدابوالحسن اصفهانی، وسیله النجاة مع تعالیک الامام الخمینی علیه السلام، ص ۶۲۵، مسئله ۱۸: سیدابوالحسن اصفهانی، وسیله النجاة مع حواشی گلپایگانی، ج ۳، ص ۶۲، مسئله ۱۸: لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۲، ص ۳۰۵، مسئله ۱۸: صراط النجاة المحشى للخواص، ج ۱، ص ۲۳، سؤال ۵۳.
 ۲. ماء الشعير الذي يستعمله الأطباء في معالجاتهم فهو ليس من الفقاع بل طاهر و حلال فإنَّ الفقاع هو المتخذ من ماء الشعير على وجه مخصوص يعرفه أهله و لا يكون كل ماء الشعير فقاعاً. فإن ما يستعمله الاطباء ماء يطبخ فيه الشعير فيؤخذ ذلك و يشرب و لا دليل على حرمة او نجاسته. (محمد فاضل لنکرانی، تفصیل الشريعة فی شرح تحریر الوسيلة: النجاسات و احكامها، ص ۲۰۲؛ سیدتقی طباطبائی قمی، مبنای منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۴۳، باورفی ۲.
 ۳. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۹.
 ۴. مست‌کننده بودن.
 ۵. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۳۰۷.





الکل های صنعتی

پرسش: الکل های صنعتی و طبی نجس هستند؟^۱

پاسخ: ۱. درباره الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند این ها به کار می برند، اگر انسان نداند که آن ها را از چیزی که مست کننده و روان است، درست کرده اند، پاک است (حضرت امام، امام خامنه ای و آیات عظام تبریزی، بهجت^۲، نوری، مکارم و شبیری).
۲. تمام اقسام الکل های صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند این ها به کار می رود، پاک است (آیات عظام خوبی، وحید، فاضل و سیستانی).

السیبرتو

پرسش: آیا الکی که از چوب و مانند آن درست می شود، نجس است؟^۳
پاسخ: خیر، تمام اقسام چنین الکی پاک است^۴ (آیات عظام خوبی، تبریزی، فاضل، سیستانی، مکارم و وحید).

گرفتن الکل سمی از الکل مست کننده

پرسش: درباره الکل صنعتی می فرمایید که اگر انسان نداند مست کننده

۱. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۳؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، اقتباس از مورد الثامن؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، اقتباس از مورد الثامن؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، اقتباس از مورد الثامن؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، اقتباس از مورد الثامن؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتانات، سوال ۳۰۵ و ۳۰۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، سوال ۴۲۴۰؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سوال ۳۴۸.

۲. آیات الله العظمی بهجت رحمته الله در جلد اول استفتانات خود، در جواب سوال ۳۴۸ می فرماید: «الکل مطلقاً مورد احتیاط در نجاست است؛ مگر به گونه ای به دست بیاید که از ابتدا مسموم کننده باشد نه مست کننده.»

۳. سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، مورد الثامن؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، مورد الثامن؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، مورد الثامن؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، مورد الثامن؛ محمد فاضل لنگرانی، الأحکام الواضحة، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، مورد الثامن؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل [عربی]، ص ۲۷، مسئله ۱۲۴.

۴. أما السیبرتو المتخذ من الأخشاب أو الأجسام الأخر فالظاهر طهارته بجمیع أقسامه.





است و نداند که آن را از چیز مست‌کننده روان درست کرده‌اند، پاک است. در اینجا از نظر موضوع، همان طور که از کتاب‌های علمی جدید و از دکتر داروساز و اهل‌اطلاع به دست آورده‌ایم، به طور کلی در الکل صنعتی که برای رنگ‌کردن و سوزاندن استفاده می‌شود و در الکل طبی که برای ضد عفونی و تزریقات و مخلوط‌کردن با داروها به کار می‌رود، الکل ۸۰ تا ۹۰ درجه سمی و مهلک وجود دارد. در ادکلن نیز که برای آرایش به کار می‌رود، مخلوط این الکل هست؛ بنابراین بدون علاج و مخلوط‌کردن، مسکر نیست؛ ولی در اینجا یک مسئله باقی می‌ماند که به آن کمتر توجه شده است و آن اینکه به طور تحقیق، این الکل سمی را به وسیله تبخیر از الکل مست‌کننده می‌گیرند: الکل مسکر را تبخیر می‌کنند، بخار آن مجدداً متقاطر شده و به صورت الکل مهلک در می‌آید. با توجه به این موضوع، استحاله مسکر به بخار را اگر از مطهرات بدانیم و به عبارت علمی استصحاب نجاست را در بخار به واسطه تعدد موضوع جاری ندانیم و اصالة الظهاره را جاری کنیم، حکم به طهارت، مانعی ندارد؛ زیرا بخار، طاهر است و الکل سمی از این بخار گرفته شده است و مسکر هم نیست؛ ولی اگر در مایعات متقاطره از نجس و متنجس قائل به نجاست شویم، حکم به طهارت الکل، مشکل می‌شود. لطفاً حکم آن را بیان فرمایید؟

پاسخ: ۱. حکم به طهارت، مشکل است (آیت‌الله گلپایگانی).

۲. الکل، چه صنعتی و چه طبی، به تمام اقسامش حتی اگر مست‌کننده باشد، پاک است؛ مگر آنکه معلوم و مُحرز باشد که آن الکل، از تبخیر و تقطیر شراب حاصل شده است که در این صورت، نجس است؛ بنابراین بر فرض سؤال، باز هم آن الکل پاک است (آیت‌الله سیستانی).

۱. سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۳۶، سؤال ۴۷؛ نک: سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، مورد الثامن.





مسکرشدن الکل به واسطه برخی مواد افزودنی به آن

پرسش: این یک قاعده کلی است که هرچیزی که مسکر و مایع باشد، نجس است. حال اگر الکل به خودی خود مسکر نباشد؛ اما برای استفاده درمانی، با مخلوط کردن بعضی مواد، مسکر شود، در این صورت پاک است؟
پاسخ: ۱. چیزی که مسکر فعلی نیست تا مادامی که به مسکر تبدیل نشود، پاک است (آیت الله تبریزی).

۲. درباره نجس بودن الکل، به طور مطلق باید احتیاط کرد؛ مگر به گونه‌ای به دست بیاید که از ابتدا مسموم کننده باشد، نه مست کننده (آیت الله بهجت).^۲

۳. الکل، چه صنعتی و چه طبی، به تمام اقسامش، حتی اگر مست کننده باشد، پاک است؛ بنابراین بر فرض سؤال، باز هم آن الکل پاک است (آیت الله سیستانی).

الکل سفید یا همان الکل پزشکی که نوشیدنی هم است

پرسش: استفاده از الکل سفید در امور پزشکی و درمان توسط پزشک یا تیم پزشکی برای ضد عفونی کردن دست و لوازم پزشکی، مثل دماسنج و غیر آن، جایز است؟ الکل سفید همان الکل پزشکی است که نوشیدنی هم هست و فرمول آن HOOH_2C است. آیا نماز خواندن با لباسی که یک یا چند قطره از این الکل بر آن ریخته شده است، جایز است؟^۳

پاسخ: ۱. اگر از الکی باشد که در اصل مایع نیست، هرچند مست کننده هم باشد، محکوم به طهارت است و نماز با لباسی که با این الکل برخورد

۱. جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۹۰؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۴۸؛ نک: سیدعلی سیستانی، منهاج

الصالحین، کتاب الطهارة، فصل فی اعیان النجس، مورد الثامن.

۲. نظر این بزرگوار در کتاب استفتانات با رساله ایشان متفاوت است.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۱۱ و ۱۱۲؛ حسین وحید خراسانی،

توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۱۲ و ۱۱۳؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۰۵ و ۳۰۷؛ ناصر مکارم شیرازی،

استفتانات، ج ۲، سؤال ۴۲؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۴۸؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، استفتانات پزشکی،

ص ۹۹، سؤال ۱۰۷.





کرده است، صحیح است و احتیاجی به تطهیر ندارد (حضرت امام، امام خامنه‌ای و آیات عظام فاضل، گلپایگانی، خویی، تبریزی، وحید، مکارم، شبیری، نوری و صافی).

۲. الکل، چه صنعتی و چه طبی، به تمام اقسامش، پاک است؛ مگر آنکه معلوم و مُحَرَز باشد که آن الکل از تبخیر و تقطیر شراب حاصل شده است که دراین صورت، نجس است و نماز با آن هم صحیح نیست، چون لباس نمازگزار باید پاک باشد (آیت‌الله سیستانی).

۳. دربارهٔ نجس بودن الکل، به طور مطلق باید احتیاط کرد؛ مگر به‌گونه‌ای به دست بیاید که از ابتدا مسموم‌کننده باشد، نه مست‌کننده. نمازخواندن با لباسی که یک یا چند قطره از این الکل بر آن ریخته شده است، بنابر احتیاط صحیح نیست؛ چون لباس نمازگزار باید پاک باشد (آیت‌الله بهجت).

الکل اتیلیک

پرسش: الکل اتیلیک نجس است؟ ظاهراً این الکل در همهٔ مست‌کننده‌ها وجود دارد و سبب مستی است.^۱

پاسخ: رجوع شود به پاسخ پرسش قبل.

الکل اتانول در «الگزیرها»

پرسش: «الگزیرها» شربت‌هایی هستند که حاوی بیش از ۳۰ درصد الکل اتانول مست‌کننده‌اند. این شربت‌ها معمولاً برای اطفال و گاهی هم برای بزرگسالان تجویز می‌شود. تجویز و فروش و خوردن آن‌ها چه حکمی دارد؟^۲

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۱۲ و ۱۱۱: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۱۲ و ۱۱۳؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۰۵ و ۳۰۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، سؤال ۴۲؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۴۸؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، استفتانات پزشکی، ص ۹۹، سؤال ۱۰۷.

۲. جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۷۹.





پاسخ: استعمال شربت‌های دارویی که به آن‌ها شراب گفته نمی‌شود، چنانچه مخلوط به شراب نباشد، در تداوی (مصرف دارویی) مانعی ندارد و فقط حاوی الکل بودن، ملاک حرمت نیست (آیت‌الله تبریزی).

وجود مقادیری الکل در داروهای تزریقی

پرسش: گروهی از داروهای تزریقی، به دلیل مسائل فرمولاسیون، حاوی مقادیری الکل هستند. مصرف این‌گونه داروها چه حکمی دارد؟^۱
پاسخ: اگر از الکل‌های طبی در آن استفاده شود و در شرایط فعلی جنبه مایع مسکر ندارد، اشکالی ندارد (آیت‌الله مکارم).

وجود الکل در کفیر

پرسش: «کفیر» ماده‌ای است که در صنایع غذایی و داروسازی کاربرد دارد. هنگام تخمیر پنج یا هشت درصد الکل، در ماده به دست آمده به وجود می‌آید. این مقدار الکل سبب هیچ‌نوع مستی در مصرف‌کننده نمی‌شود. آیا استفاده از این ماده، از نظر شرعی مانعی ندارد؟^۲
پاسخ: اگر الکل موجود در ماده به دست آمده فی‌نفسه مست‌کننده باشد، بنابر احتیاط نجس و حرام است؛ هرچند به علت کمی آن و مخلوط شدن با ماده به دست آمده، برای مصرف‌کننده مسکر نباشد؛ ولی اگر شک داشته باشیم که فی‌نفسه مست‌کننده است یا در اصل مایع است، حکم متفاوت می‌شود (امام خامنه‌ای).

وجود الکل در کامبوجیا

پرسش: «کامبوجیا» قارچی است که در محلول چای و شکر تکثیر می‌شود

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، سؤال ۴۱.
۲. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، سؤال ۳۰۶.





و مدت تکثیر آن، یک هفته تا پانزده روز است. قارچ را در محلول شکر و چای قرار می‌دهند و بعد از یک هفته، محلول به دست آمده را به مصرف دارویی می‌رسانند که به صورت یک نوشیدنی است. بدون بیماری هم می‌توان از آن استفاده کرد؛ ولی این محلول حاوی ۵ درصد الکل است. آیا نوشیدن این محلول حلال است؟^۱

پاسخ: اگر این محلول مست‌کننده باشد، هرچند مستی خفیف بیاورد، حرام است؛ مگر در مواقعی که داروی منحصر به فرد باشد (آیت الله مکارم).

وجود الکل در بعضی از غذاها یا مایعاتی مانند سرکه

پرسش: غذاها یا مایعاتی مانند سرکه که به طور طبیعی، مقدار ۲ یا ۳ درصد از آن‌ها را الکل تشکیل می‌دهد، نجس هستند؟^۲

پاسخ: ۱. وجود این مقدار الکل که با تجزیه و آزمایش مشخص می‌شود و به صورت طبیعی وجود دارد، نه آن‌ها را نجس می‌کند و نه حرام است (آیات عظام فاضل و صافی).

۲. وجود این مقدار الکل که با تجزیه و آزمایش مشخص می‌شود و به صورت طبیعی وجود دارد و عرفاً مسکر و مست‌کننده نیست، اشکالی ندارد (آیت الله مکارم).

تحقیق و تفحص درباره وجود الکل در بعضی غذاها

پرسش: اساساً لازم است هنگام خرید مواد غذایی، تحقیق شود که سازنده در ساخت آن‌ها الکل به کار برده است یا خیر؟^۳

پاسخ: سؤال و تحقیق لازم نیست (امام خامنه‌ای).

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، سؤال ۴۵.
۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۷۴؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، سؤال ۱۵۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۱۴۹ و ۵۱.
۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، سؤال ۳۰۹.





استفاده از الکل در ساخت بسیاری از داروها و ادکلن‌ها

پرسش: امروزه برای ساخت بسیاری از داروها به‌خصوص داروهای نوشیدنی و عطرها، به‌ویژه انواع ادکلن‌هایی که از خارج وارد می‌شوند، از الکل که در واقع مسکراست، استفاده می‌کنند. آیا به افراد آگاه یا جاهل به مسئله، اجازه استفاده و بهره‌گیری‌های دیگر از آن‌ها را می‌دهید؟^۱

پاسخ: ۱. الکل‌هایی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست‌کننده باشند، محکوم به طهارت هستند و استعمال مایعاتی که با آن‌ها مخلوط شده‌اند، اشکالی ندارد (امام‌خامنه‌ای).

۲. استعمال شربت‌های دارویی که به آن‌ها شراب گفته نمی‌شود، چنانچه مخلوط به شراب نباشد، در مصرف به‌عنوان دارو مانعی ندارد و فقط حاوی الکل بودن، ملاک حرمت نیست (آیت‌الله تبریزی).

احتمال وجود الکل در مواد اولیه ماء الشعیر

پرسش: یک واحد تولیدی در نظر دارد، از مواد اولیه عصاره یا پودر وارداتی، ماء الشعیر تولید کند. باتوجه به این احتمال که در مراحل تهیه مواد اولیه، الکل وجود داشته و بعداً طی مراحل الکل آن گرفته شده است، آیا تولید ماء الشعیر از این مواد وارداتی جایز است؟^۲

پاسخ: هرگاه یقین یا اطمینان به وجود الکل در آن در مراحل اولیه باشد، [به این معنا که نخست مبدل به یک مایع مست‌کننده شود؛ سپس الکل آن را با حرارت یا مانند آن بگیرند] اشکال دارد و اگر چنین نیست، یا مست‌کننده بودن آن مشکوک است، مانعی ندارد و تحقیق نیز لازم نیست (آیت‌الله مکارم).

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۳۰۴؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۷۹.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۳، سؤال ۳۹.





احتمال وجود الكل در بعضی نوشابه‌ها

پرسش: بعضی از نوشابه‌های موجود در بازار مانند کوکاکولا و پپسی‌کولا و... که در داخل تهیه می‌شوند، گفته شده که مواد اصلی‌شان از خارج وارد می‌شود و احتمال دارد در آن‌ها الكل وجود داشته باشد. این نوشابه‌ها چه حکمی دارند؟^۱

پاسخ: ۱. پاک و حلال است؛ مگر اینکه مکلف شخصاً یقین حاصل کند که آن‌ها با الكل مست‌کننده‌ای مخلوط‌اند که در اصل مایع است (امام خامنه‌ای).

۲. هر ماده‌ای که در آن الكل باشد، چنانچه عرفاً مسکر و مست‌کننده نباشد، اشکالی ندارد (آیت‌الله مکارم).

وجود الكل در بعضی مواد

پرسش: آیا هر ماده‌ای که در آن الكل باشد، حرام است؟^۲

پاسخ: اگر عرفاً مسکر و مست‌کننده نباشد، اشکالی ندارد (آیت‌الله مکارم).

عرق جنب از حرام

عرق جنب از حرام ذاتی

پرسش: حکم عرق‌هایی که از شخص جنب از راه حرام که قبل از تمام‌شدن غسلش، از او خارج می‌شود را بیان کنید؟^۳

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، سؤال ۳۰۸؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتاءات، ج ۱، سؤال ۴۹.
۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتاءات، ج ۱، سؤال ۴۹.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۷؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، سؤال ۲۷۰؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۹؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتاءات، ج ۱، سؤال ۴۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۴، سؤال ۲۴۴؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۴؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، سؤال ۱۲۲.





پاسخ:

الف. از نظر طهارت و نجاست

پاک است^۱ (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. از نظر نماز خواندن با آن

۱. بنا بر احتیاط واجب، تازمانی که بدن و لباسی که به عرق آلوده شده است، خشک نشود و عین آن باقی باشد، نماز نخوانند. (حضرت امام، امام خامنه‌ای و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، صافی، مکارم، نوری و وحید).

۲. با بدن یا لباسی که به عرق جنب از حرام، آلوده شده است، نباید نماز خواند (آیات عظام بهجت و اراکی).

۳. نماز خواندن با آن صحیح است، هر چند بنا بر احتیاط مستحب، تازمانی که بدن یا لباسی که به عرق آلوده شده است، خشک نشود و عین آن باقی باشد، نماز نخوانند (آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی و شبیری).

عرق جنب از حرام عارضی

پرسش: اگر انسان در مواقعی که نزدیکی با زن، حرام است، مثلاً در روزه ماه رمضان یا در حال عادت ماهیانه، با زن خود نزدیکی کند و در آن حال یا بعد از آن، پیش از آنکه غسل کند، عرقی از بدنش بیرون

۱. درباره این حکم فرقی نمی‌کند که این عرق در حین جنب شدن بیاید یا بعد از آن، از گرمی هوا باشد یا از حرکت، در مرد باشد یا در زن، از زنا باشد یا لواط یا وطی حیوانات یا استمناء یا غیر این‌ها. همچنین فرقی نمی‌کند که این عرق از آنچه که حرمت آن‌ها ذاتی است، باشد یا اینکه از جنابتی که حرمتش عرضی است، مانند وطی حیض یا جماع در حال روزه واجب معین یا ... (نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، العادی عشر من النجاسات)





بیاید، آیا نمازخواندن با آن عرق، صحیح است؟^۲

پاسخ: ۱. بله، نمازخواندن با آن صحیح است (آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی و شبیری).

۲. احتیاط واجب آن است که با بدن یا لباسی که به آن عرق آلوده شده است، نماز نخواند (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، صافی، مکارم، نوری و وحید).

۳. بنابراین احتیاط واجب، با بدن یا لباسی که به عرق آلوده شده و هنوز خشک نشده است، نماز نخواند. همچنین اگر وظیفه اش تیمم بوده، ولی تیمم نکرده، بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود، درحال نماز اجتناب کند؛ ولی اگر تیمم کرده است، بنا بر اظهار، اجتناب از عرقی که بعد از تیمم فوق حاصل شده است، حتی اگر خشک نشده باشد، لازم نیست (آیت الله بهجت).

۴. خیر، با بدن یا لباسی که به آن عرق آلوده شده است، نمی توان نماز خواند. (آیت الله اراکی).

طواف و مانند آن با بدن و لباس آغشته به عرق جنب از حرام

پرسش: طبق نظر بعضی از فقها، با لباس آلوده به عرق جنب از حرام، نباید نماز خواند. آیا این فتوا فقط برای نماز است یا در جای دیگری که طهارت بدن و لباس لازم است، مثل طواف کردن نیز باید اجتناب کرد؟^۳

۱. علت اینکه این مسئله از مسئله قبل (عرق جنب از حرام ذاتی) جدا شده و به عنوان مسئله مستقل بیان شده، این است که برخی از فقها در عرق جنب از حرام، بین موارد حرام ذاتی و موارد حرام عرضی فرق گذاشته اند؛ مثلاً آیت الله العظمی خونی رحمته الله علیه در جایی که عرق جنب از موارد حرام ذاتی باشد، احتیاط مستحب دارند که با آن عرق نماز نخواند؛ ولی در مواردی که حرام، عرضی باشد، قائل به این احتیاط نیستند. برخی دیگر از فقها مثل آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله علیه و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله علیه، موارد حرام عرضی را بنا بر احتیاط واجب، ملحق به حرام ذاتی می دانند. (نک: سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الحادی عشر من النجاسات؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، مسئله ۱۳۳؛ محمد فاضل لنکرانی، الأحکام الواضحة، مسئله ۴۱۶)

۲. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۸؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۹.

۳. محمدنقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۸۱.





پاسخ: فرقی نمی‌کند. هرچیزی که در موانعش، با نماز مشترک است؛ هرچند بنا بر احتیاط لزومی، اجتناب از آن لازم است (آیت‌الله بهجت).

عرق شخصی که جنب از حرام شده است، در لباس دیگران

پرسش: منظور از عرق جنب از حرام، عرق خود شخص در بدن و لباس خویش است یا عرق هر شخص دیگری هم در بدن و لباس شخص دیگری مدنظر است؟

پاسخ: فرقی بین آن دو نیست (آیات عظام بهجت و صافی و نوری).

مرطوب شدن مجدد لباس به عرق‌های بعد از غسل

پرسش: اگر انسانی که از حرام جنب شده و پس از غسل، لباسی که قبلاً به عرق جنابت از حرام آلوده بوده و خشک شده است را بپوشد و در این حالت دوباره عرق کند و لباس، مرطوب به عرق جدید شود، نماز خواندن با آن چه حکمی دارد؟

پاسخ: ۱. اشکالی ندارد (حضرت امام و آیت‌الله بهجت)
۲. نماز مطلقاً با عرق جنب از حرام صحیح است (آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی و شبیری).

عرق جنب از حرام، بعد از تیمم

پرسش: اگر جنب از حرام، به واسطه عذری نتواند غسل کند و به جای غسل، تیمم کند و بعد از تیمم عرق کند، نماز خواندن با آن عرق صحیح

۱. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۲، سؤال ۱۵۶۳؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، سؤال ۱۲۲؛ حسین نوری همدانی، استفتانات، ج ۲، سؤال ۲۶.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، حواشی برخی از مراجع بر مسئله ۱۱۶؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۹؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۴۳؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۸۲.





است؟

پاسخ: ۱. اگر جنب از حرام به واسطه عذری غیر از تنگی وقت، تیمم بدل از غسل کند، تا زمانی که عذر او باقی است، اگر عرق کند، اجتناب از آن لازم نیست؛ ولی اگر به واسطه تنگی وقت تیمم کرده است، پس از خواندن نماز، عرق او حکم عرق جنب از حرام را دارد (حضرت امام و آیت الله اراکی).

۲. نماز با آن عرق صحیح است (آیات عظام نوری و صافی و مکارم).

۳. احتیاط واجب آن است که با بدن یا لباسی که به آن آوده شده است، نماز نخوانند (آیات عظام گلپایگانی و فاضل و وحید).

۴. نماز خواندن مطلقاً با عرق جنب از حرام، صحیح است (آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی و شبیری).

نماز خواندن با عرق جنب از حرام، به واسطه ندانستن مسئله

پرسش: فردی به علت سهل انگاری و ندانستن مسئله، با عرق جنب از حرام نماز خوانده است. درباره نمازهایی که از قبل با این وضع خوانده است، تکلیف چیست؟

پاسخ: ۱. احتیاطاً نمازها را قضا کند (حضرت امام).

۲. باید نمازها را قضا کند (آیت الله نوری).

۳. نماز مطلقاً با عرق جنب از حرام صحیح است و قضا ندارد (آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی و شبیری).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الحدی عشر من النجاسات، مسئله ۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۹.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، حواشی برخی از مراجع بر مسئله ۱۱۶؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۹؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۱۸۶؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۲۹۴؛ حسین نوری، استفتاناته، ج ۲، سؤال ۲۵.





غسل با آب گرم

پرسش: کسی که از حرام جنب شده است، می‌تواند با آب گرم غسل کند؟
پاسخ: بله، غسل او با آب گرم صحیح است (تمام مراجع عظام تقلید).

جنبات حلال بعد از جنبات حرام

پرسش: اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند و بعد از آن عرق کند، آیا نماز خواندن با آن عرق صحیح است؟
پاسخ: ۱. احتیاطاً واجب آن است که در نماز از عرق خود اجتناب کند (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، صافی، وحید و نوری).
۲. باید از عرق خود اجتناب کند (آیات عظام بهجت و اراکی).
۳. عرق جنب از حرام، مطلقاً وجوب اجتناب ندارد (آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی و شبیری).

جنبات حرام بعد از جنبات حلال

پرسش: اگر کسی اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد مرتکب حرام شود و بعد از آن عرق کند، آیا نماز خواندن با آن عرق صحیح است؟
پاسخ: ۱. عرق او وجوب اجتناب ندارد (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، بهجت، صافی، وحید و نوری).

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۳۷۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۳۷۹؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۹.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۰؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۹.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۱۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۰؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۰۹.





۲. عرق او حکم عرق جنب از حرام را دارد؛ بنابراین باید از عرق خود اجتناب کند (آیت الله اراکی).

۳. عرق جنب از حرام، مطلقاً و جوب اجتناب ندارد و با آن می‌تواند نماز بخواند (آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی و شبیری).

عرق حائض

پرسش: عرق حائض پاک است؟^۱

پاسخ: عرق حائض پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

یازدهم: عرق حیوان جلال (نجاست خوار)^۲

عرق حیوان جلال

پرسش: عرق شتر و هر حیوانی که نجاست خوار شده است، نجس است؟^۳

پاسخ: ۱. عرق شتر نجاست خوار، نجس است؛ ولی اگر حیوانات دیگر، نجاست خوار شوند، از عرق آن‌ها اجتناب لازم نیست (حضرت امام و امام خامنه‌ای).

۲. عرق شتر نجاست خوار و دیگر حیوانات نجاست خوار، نجس است (آیت الله شبیری).

۳. عرق شتر نجاست خوار، نجس است. بنا بر احتیاط واجب، عرق دیگر حیواناتی که این چنین باشند نیز نجس است (آیات عظام اراکی و سیستانی و نوری).

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اطلاق مسئله ۸۳: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اطلاق مسئله ۸۴: جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۲۵۳.

۲. جلال (نجاست خوار) به حیوانی می‌گویند که به خوردن نجاست انسان (مدفوع) عادت کرده است.

۳. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۰: سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، سؤال ۲۷۰: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۱.





۴. عرق شتر نجاست خوار و دیگر حیوانات نجاست خوار، بنابر احتیاط واجب، نجس است (آیات عظام گلپایگانی و صافی و مکارم).
۵. عرق حیوانی که به خوردن نجاست انسان (مدفوع) عادت کرده است، نجس است (آیت‌الله شبیری).
۶. عرق شتر نجاست خوار، نجس و عرق دیگر حیوانات نجاست خوار پاک است؛ ولی نماز با هیچ‌کدام جایز نیست (آیت‌الله وحید).
۷. عرق شتر و هر حیوانی که نجاست خوار شده است، بنابر اظهار پاک است؛ ولی نماز با آن جایز نیست (آیات عظام خوبی و تبریزی).
۸. عرق شتر نجاست خوار بنابر اظهار، پاک است؛ اگرچه احتیاط مستحب در اجتناب است. ولی اگر حیوانات دیگر نجاست خوار شوند، اجتناب از عرق آن‌ها لازم نیست (آیت‌الله بهجت).

استفراغ انسان

- پرسش:** آیا استفراغ نجس است؟ بین استفراغ بزرگسالان و اطفال چه تفاوتی است؟^۱
- پاسخ:** استفراغ نجس نیست؛ مگر اینکه بدانید خونی همراه آن است و تفاوتی بین بچه و بزرگ، دختر یا پسر نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

شیرزن

- پرسش:** آیا شیر خانم‌ها پاک است؟^۲
- پاسخ:** شیر خانم، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اطلاق مسئله ۸۳: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اطلاق مسئله ۸۴: سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۹۷: ناصر مکارم شیرازی، احکام پزشکی، ص ۱۸۱، سؤال ۴۶۶: ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۳، مسائل متفرقه نجاسات، سؤال ۴۱.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اطلاق مسئله ۸۳: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اطلاق مسئله ۸۴: ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، مسائل متفرقه نجاسات، سؤال ۴۲.



فصل دوم:

راه‌های اثبات نجاست



راه‌های ثابت شدن نجاسات اشیاء

پرسش: نجاست هرچیز چگونه ثابت می‌شود؟^۱

پاسخ: اول، از طریق یقین یا اطمینان خود شخص؛ دوم، از طریق قول ذوالید^۲؛ سوم، از طریق قول بیّنه^{۳،۴}

اولین راه: یقین یا اطمینان خود شخص از راه عقلایی

علم وسواسی

پرسش: علم وسواسی در طهارت و نجاست اعتبار دارد؟ و وظیفه او در این زمینه چیست؟^۵

پاسخ: خیر، علم وسواسی در طهارت و نجاست معتبر نیست. یعنی در تطهیر اشیاء نجس لازم نیست یقین به طهارت آن‌ها برایش حاصل شود؛ بلکه ببیند افراد معمولی در چه صورت به طهارت یقین پیدا می‌کنند، همان مقدار برای حکم به طهارت کافی است؛ همچنین به گفتارش درباره نجس شدن چیزی اثری بار نمی‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۶۹؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۶۹؛ سیدعلی خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۱، ص ۴۵.

۲. به کسی که به چیزی استیلا و سلطنت دارد، ذی‌الید گویند.

۳. شاهد معتبر.

۴. درباره گفته مطلق ثقه یا یک نفر عادل، برای اینکه آیا نجاست با گفته آن‌ها نیز ثابت می‌شود یا خیر، بین فقها اختلاف است که تفصیل و توضیح مطلب در بحث بیّنه، در ادامه بیان خواهد شد.

۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، سؤال ۳۱۲؛ صراط النجاة (المحشى للخوئی)، ج ۱، ص ۷۳؛ جواد تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، سؤال ۲۲۲؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، اقتباس از سؤال ۵۶۸، سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲.





چند استفتا دربارهٔ درمان وسواس

مناسب است به متن چند استفتا اشاره کنیم که از امام‌خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام و آیات عظام سیستانی عَلَيْهِ السَّلَام و مکارم عَلَيْهِ السَّلَام دربارهٔ بیماری وسواس و درمان آن پرسیده شده است.

استفتا از محضر امام‌خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام^۱

متن استفتای ۱: چند سالی است که به بیماری وسواس مبتلا شده‌ام و این موضوع مرا بسیار عذاب می‌دهد و روزه‌روز این حالت در من تشدید می‌شود تا جایی که در همه چیز شک می‌کنم و همهٔ زندگی‌ام بر پایهٔ شک استوار شده است. بیشترین شک من دربارهٔ غذا و اشیاء مرطوب است؛ به همین دلیل نمی‌توانم مثل سایر مردم عادی زندگی کنم. وقتی به مکانی وارد می‌شوم، فوری جوراب‌هایم را از پای خود بیرون می‌آورم؛ زیرا فکر می‌کنم جوراب‌هایم عرق کرده و بر اثر تماس با نجس، نجس خواهند شد. حتی من بر سجاده هم نمی‌توانم بنشینم؛ هر وقت بر آن می‌نشینم، بر اثر وسوسهٔ نفس، از روی آن بلند می‌شوم تا مبدا پرزهای سجاده به لباس‌هایم بچسبد و مجبور به شستن آن‌ها شوم. در گذشته چنین نبودم. اکنون از این کارهایم خجالت می‌کشم و همیشه دوست دارم کسی را در عالم رؤیا ببینم و مشکلاتم را با او در میان بگذارم یا معجزه‌ای رخ دهد و زندگی‌ام را دگرگون کند و به حالت گذشته‌ام برگردم. امیدوارم مرا راهنمایی فرمایید.

پاسخ: از نظر شرعی، همهٔ اشیاء، محکوم به طهارت هستند؛ مگر مواردی که شارع، حکم به نجاست آن‌ها کرده است و برای انسان هم یقین به آن حاصل شده است. در این صورت، رهایی از بیماری وسواس احتیاج به رؤیا و معجزه ندارد؛ بلکه باید مکلف ذوق و سلیقهٔ شخصی خود

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الإستفتانات، سؤال ۳۱۱ و ۳۱۲.





را کنار گذاشته و متعبد و مؤمن به دستورات شرع مقدس باشد و چیزی را که یقین به نجس بودن آن ندارد، نجس نداند؛ زیرا شما از کجا به نجاستِ درودیوار و سجاده و سایر اشیایی که استفاده می‌کنید، یقین پیدا کرده‌اید؟! چگونه یقین پیدا کرده‌اید که پرزهای سجاده‌ای که بر روی آن راه می‌روید یا می‌نشینید، نجس هستند و نجاست آن‌ها به جوراب و لباس و بدن شما سرایت می‌کند؟! لذا در این صورت، اعتنا به وسواس برای شما جایز نیست. مقداری عدم توجه به وسوسه نجاست و تمرین عدم اعتنا، به شما کمک خواهد کرد تا به خواست و توفیق خداوند، خود را از وسواس نجات دهید.

متن استفتای ۲: زنی هستم با تحصیلات عالی و دارای چندین فرزند. مشکلی که از آن رنج می‌برم، مسئله طهارت است. چون در خانواده‌ای متدین بزرگ شده‌ام، می‌خواهم همه تعالیم اسلامی را مراعات کنم. به علت داشتن فرزندان کوچک، همیشه با مسائل بول و غائط سروکار دارم. هنگام تطهیر بول، ترشحات سیفون پراکنده شده و به پاها و صورت و حتی سرم برخورد می‌کنند و هردفعه با مشکل تطهیر آن اعضا مواجه هستم و این باعث شده است که در زندگی، با سختی‌های زیادی روبه‌رو شوم. از طرفی هم نمی‌توانم این امور را رعایت نکنم؛ زیرا مربوط به عقیده و دینم است. برای حل مشکل به پزشک روان‌شناس هم مراجعه کردم؛ ولی نتیجه‌ای نگرفتم. به علاوه موارد دیگری هم هست که از آن‌ها رنج می‌برم؛ مثل غبار شیء نجس یا مراقبت از دست‌های کودک که یا باید آن‌ها را آب بکشم یا از دست‌زدن بچه به اشیاء دیگر جلوگیری کنم. باتوجه به اینکه تطهیر شیء نجس برای من بسیار دشوار است؛ ولی در همان وقت، شستن آن ظرف‌ها و لباس‌ها در صورتی که فقط کثیف باشند، برایم راحت است؛ لذا از حضرت‌عالی می‌خواهم که با راهنمایی‌های خود، زندگی را برای من آسان کنید.





پاسخ: ۱. از نظر شرع مقدس، در طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیاء است؛ یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برای شما حاصل شد، واجب است حکم به عدم نجاست کنید.

۲. کسانی که درباره نجاست، حساسیت نفسانی شدیدی دارند [که به این افراد در اصطلاح فقهی، وسواسی گفته می‌شود]؛ حتی اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند، باید حکم به عدم نجاست کنند؛ مگر در مواقعی که نجس شدن یک شیء را با چشمان خود ببینند؛ به طوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند، یقین به سرایت نجاست پیدا کند؛ فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند. استمرار اجرای این حکم درباره افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود.

۳. هر شیء یا عضوی که نجس می‌شود، برای تطهیر آن، یک بار شستن با آب لوله‌کشی بعد از زوال عین نجاست کافی است. تکرار در شستن یا فروبردن آن در آب، لازم نیست و اگر شیء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد، باید به مقدار متعارف فشار داده شود تا آب از آن خارج شود.

۴. از آنجایی که شما به این حساسیت شدید در برابر نجاست مبتلا هستید، باید بدانید که غبار نجس در هیچ صورتی برای شما نجس نیست و نیز مراقبت از دست‌های کودک چه پاک باشد و چه نجس. همچنین دقت در اینکه خون از بدن زائل شده یا خیر، لازم نیست. این حکم درباره شما تا زمانی که این حساسیت از بین نرفته است، باقی است.

۵. دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است؛ لذا آن را بر خود مشکل نکنید و با این کار، باعث وارد شدن ضرر و اذیت به جسم و روحتان نشوید. حالت دلهره و اضطراب در این موارد، زندگی را بر شما تلخ می‌کند و خداوند راضی به رنج و عذاب شما و کسانی که با شما ارتباط دارند، نیست. شکرگزار نعمت دین آسان باشید و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک و تعالی است.





۶. این حالت، یک وضعیت گذرا و قابل‌علاجی است. افراد بسیاری بعد از ابتلاء به آن، با روش مذکور از آن نجات یافته‌اند. به خداوند توکل کنید و نفس خود را با همت و اراده آرامش ببخشید. **إن شاء الله موفق باشید.**

استفتا از محضر آیت‌الله العظمی مکارم عقیقه‌الله‌علیه^۱

متن استفتا: مشکل اصلی من دیوار خانه و شستن بچه‌ام است؛ زیرا دستمالی را که نجس بود، روی لبه دیوار که رنگ روغن شده است، گذاشتم. البته عین نجس روی دیوار ریخته نشد؛ ولی رطوبت دستمال با دیوار ارتباط داشت و چون بچه‌ام به تازگی چهار دست و پا راه می‌رود و دست‌هایش را مرتب به دیوارها می‌زند، من مرتب دست‌هایش را آب می‌کشم و این مرا آزار می‌دهد. لطفاً به سؤال‌های زیر پاسخ دهید تا ان‌شاءالله نجات یابم.

۱. راه‌های سرایت نجاست را خوانده‌ام؛ ولی نمی‌دانم منظور از رطوبت کم و غیرمسری چقدر است. خواهش می‌کنم توضیح دهید.
۲. آیا دیوارهای خانه به خاطر مسئله‌ای که پیش آمده است، نجس است؟
۳. ظرفی که زیر شیر آب لوله‌کشی گذاشته می‌شود، حتی اگر سر نرود، آیا حکم آب کررا دارد؟ آیا می‌توان لباس نجس را در آن آب کشید؟
۴. اگر جایی مثل دسته در، سردی آن احساس شود، آیا نجاست با دست خشک به آن منتقل می‌شود؟

پاسخ: شما بی‌شک گرفتار وسواس شده‌اید و اگر به دستوراتی که می‌دهیم عمل کنید، به زودی نجات خواهید یافت؛ وگرنه مشکلات شما زیاد خواهد شد.

ابتدا پاسخ سؤال‌های شما و بعد یک دستور کلی:

پاسخ ۱: منظور از رطوبتی که موجب سرایت نجاست می‌شود این است

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، ص ۲۷ و ۲۸، سؤال ۴۰.





که وقتی انسان دست خشک بر آن شیء مرطوب نجس بگذارد، به آسانی آثار تری را ببیند.

پاسخ ۲: دیوارهای خانه به صورتی که نوشته‌اید، کاملاً پاک است.
پاسخ ۳: ظرفی که زیر آب لوله‌کشی است، حکم آب کر را دارد، پر باشد یا خالی.

پاسخ ۴: سردی دستۀ در، هیچ ارتباطی به رطوبت ندارد و نجاست به آن منتقل نمی‌شود و این سؤال، دلیل و سواسی بودن شماست.
و اما دستور کلی: و سواسی بودن شما، به علت ندانستن مسائل است. اگر مسائل را درست یاد بگیرید، راحت می‌شوید. مسئله مهم این است که علم و یقین و سواسی، نه ملاک نجاست است، نه ملاک طهارت و به عبارت واضح‌تر، باید ببینید افراد عادی متدین چه موقع علم به نجاست پیدا می‌کنند و چه موقع علم به طهارت. به همان مقدار قناعت کنید و اگر قلب شما راضی نشد، به آن اعتنا نکنید و مسئولیت آن را به عهده ما بگذارید. به شک و تردید اعتنا نکنید؛ حتی کف توالی مادامی که با چشم خود نجاستی در آن نبینید، بگویید پاک است. کوچه‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها، همه پاک است. اتومبیل‌های عمومی، صندلی‌ها و دستۀ درهای آن‌ها پاک است. حمام مادامی که چیز نجسی، به یقین در آن نباشد، پاک است. تمام مسلمان‌ها و بچه‌های آن‌ها مادامی که نتوانید قسم به نجس بودن آن‌ها بخورید، پاک هستند. وظیفه شرعی شما این است که به آنچه گفته‌ایم، عمل کنید و بعد از یک هفته آثار مثبت آن را خواهید دید.

استفتا از محضر آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته‌الله‌علیه^۱

متن استفتا: فردی که مبتلا به وسواس در وضو، غسل، نماز و طهارت و نجاست شده است، شرعاً چه وظیفه‌ای دارد و چگونه باید عمل کند؟

۱. سیدعلی سیستانی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۲.





پاسخ: برای درمان بیماری وسواس، تنها راه نجات، بی‌اعتنایی به وسوسه و ترتیب اثر ندادن بر آن برای مدت طولانی است. هرچه زمان این بیماری بیشتر باشد، درمان آن نیازمند بی‌اعتنایی به وسوسه، برای مدت طولانی‌تر است. فرد وسواسی باید توجه داشته باشد که اگر به وسواسش اعتنا نکند و بر آن ترتیب اثر ندهد، گناه مرتکب نشده است و در روز قیامت عقاب نخواهد شد؛ هرچند مخالف با واقع عمل کرده باشد. همانا یکی از عواملی که شخص وسواسی را به عمل بر طبق وسوسه فرامی‌خواند، ترس اواز بطلان عمل است و اینکه او ممکن است مستحق عقاب و عذاب شود. درحالی‌که این چنین نیست و مخالفت با وسوسه و بی‌اعتنایی به آن، ابداً گناه ندارد؛ هرچند عمل فرد در واقع صحیح نبوده و باطل باشد؛ بلکه او در پیشگاه پروردگارش معذور است. مثلاً زمانی که فرد شک در طهارت بدنش داشت و بنا بر طهارت گذارد و وضو گرفت و نماز خواند ولی در علم خداوند متعال، بدنش نجس بود و وضو و نمازش باطل بود، آنگاه در پیشگاه الهی مسئولیتی نخواهد داشت؛ زیرا او با اعتنا نکردن به وسواس، طبق وظیفه شرعی خویش رفتار کرده است و فتوای فقیه، حجت برای مکلف است؛ یعنی اگر مکلف مطابق فتوای فقیه عمل کند و این عمل در علم الهی مخالف با واقع باشد، فرد برای آن عقاب و عتاب نخواهد شد. مثلاً اگر فقیه فتوا به پاکی الکل داد و مکلف هم بر اساس این فتوا از الکل اجتناب نکرد و با بدن یا لباس آغشته به الکل، وضو گرفت و نماز خواند؛ ولی در متن واقع، الکل نجس بود، در قیامت به خاطر نمازهای باطلی که خوانده است، عقاب نمی‌شود؛ زیرا در محضر پروردگار حجت دارد و خطاب به خداوند متعال عرض می‌کند: «ای پروردگار من تو اجازه دادی که مطابق فتوای فقیه عمل کنم و مرجع تقلید من، فتوا به پاکی الکل داد و لذا من از آن اجتناب نکردم، آیا با این وجود، من مستحق عذابم؟» و مطمئناً به او خطاب می‌شود: «عذر تو پذیرفته است و چیزی بر تو نیست». حال فرد





وسواسی نیز چنین است؛ زیرا همه فقهاء عظام (رضوان الله تعالی علیهم) به روشنی و وضوح براساس روایات معتبر فتوا می‌دهند که وظیفه فرد وسواسی، اعتنان نکردن به وسوسه و بنابر پاکی‌گذاردن هر شیئی است که شک در طهارت آن دارد؛ بلکه اگر انسان وسواسی شیئی را نجس بداند، درحالی‌که برای افراد عادی که مبتلا به وسواس نیستند، علم به نجاست آن حاصل نمی‌شود، در این حال، فرد وسواسی به علم و یقین خود اعتنا نمی‌کند و بنابر طهارت آن شیء می‌گذارد. اگر فرد وسواسی به این فتوای شرعی عمل کند، در پیشگاه الهی معذور است؛ هرچند مخالف واقع رفتار کرده باشد و در واقع نمازش را با نجاست خوانده باشد یا غذای نجسی را خورده باشد. اگر شیطان و افکار شیطانی به سراغ فرد وسواسی آمد که وضوی تو باطل است، نمازت باطل است، بدنت نجس است؛ خطاب به شیطان بگوید: «برای من اهمیت ندارد؛ زیرا در پیشگاه خداوند مهربان و حکیم معذورم و او من را عذاب نمی‌کند.»

به طور خلاصه بهترین راه برای ترک وسواس، بی‌اعتنایی به آن و آشنایی بیشتر با احکام شرع و عمل بر اساس متعارف مردم است و اینکه به مقداری که شرع دستور داده اکتفا کند و از آن مقدار تجاوز نکند و بداند که وسوسه از القائنات شیطان است و در روایات معصومین علیهم‌السلام آن را پیروی و اطاعت از شیطان معرّفی نموده‌اند و رهایی از آن نیازمند تصمیم جدی و اراده محکم و استوار و توفیق پروردگار و دعا در پیشگاه حق متعال و توسل و کمک خواستن از ابواب هدایت ائمه معصومین علیهم‌السلام است.^۱

۱. در روایت است که عبدالله بن سنان می‌گوید: «در محضر امام صادق علیه‌السلام از شخصی که در وضو و نماز مبتلا به وسواس بود، نام بردم و گفتم: 'او شخص عاقلی است؛ حضرت فرمودند: 'چگونه عاقلی است که از شیطان اطاعت می‌کند؟' عرض کردم: 'چگونه از شیطان اطاعت می‌کند؟' فرمودند: 'از خودش سؤال کن و بپرس که این حالت از کجا آمده است و منشأ آن چیست، خواهد گفت که این زوبنه از عمل شیطان است'» (محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۳، حدیث ۱).





علم اجمالی به نجاست (علم به نجس بودن یکی از چند چیز)

تنجز و حجیت علم اجمالی

پرسش: آیا علم اجمالی به نجاست، مانند علم تفصیلی به آن چیز است؟^۱

پاسخ: ۱. چنانچه علم اجمالی ما منجز باشد، در حکم علم تفصیلی است؛ بنابراین اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هردوی آن‌ها استفاده می‌کند، نجس شده است و نداند کدام است، باید از هردو اجتناب کند؛ ولی اگر یکی از آن‌ها قبل از این علم، از محلّ ابتلاء او خارج شود، در این صورت، اجتناب از آن دیگری که محلّ ابتلاء است واجب نیست یا مثلاً نداند لباس خودش نجس شده یا لباسی که از تصرف او خارج بوده است و مال دیگری است، در این صورت نیز لازم نیست از لباس خودش اجتناب کند (حضرت امام و آیات عظام خویی، تبریزی، گلپایگانی، بهجت، اراکی، سیستانی، نوری، صافی، مکارم و وحید).

۲. اگر بداند که یکی از دو یا چند ظرف یا دو یا چند لباسی که از هردوی آن‌ها می‌تواند استفاده کند، نجس شده است و نداند کدام است، باید از هردو یا چند چیز اجتناب کند؛ ولی اگر مثلاً نداند لباسی که می‌تواند از آن استفاده کند، نجس شده است یا لباسی که عادتاً نمی‌تواند از آن استفاده کند، لازم نیست از لباسی که می‌تواند از آن استفاده کند اجتناب کند (آیت‌الله شبیری).

۳. چنانچه علم اجمالی ما منجز باشد، در حکم علم تفصیلی است؛ بنابراین چنانچه بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هردوی آن‌ها

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۲ و ۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۵؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۷۰؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، مسئله ۵۴۸؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، القول فی کیفیة التنجس، مسئله ۴.





استفاده می‌کند، نجس شده است و نداند کدام است، باید از هردو اجتناب کند؛ بلکه اگر مثلاً نمی‌داند لباس خودش نجس شده یا لباسی که هیچ از آن استفاده نمی‌کند و مال دیگری است، باز هم احتیاط آن است که از لباس خودش اجتناب کند (آیت‌الله فاضل).

چند مسئله در زمینه شبهه محصوره^۱

نجس شدن قسمتی از طناب و معلوم نبودن موضع دقیق آن (شبهه محصوره)
پرسش: اگر قسمتی از طناب لباس نجس است؛ اما نمی‌دانیم کدام قسمت است، آیا از همه طناب باید اجتناب کرد؟^۲

پاسخ: اجتناب از اطراف علم اجمالی نجس لازم است؛ ولی چنانچه لباس یا دست، با بعضی از قسمت‌های این طناب ملاقات کند، مادامی که آن لباس یا لباس پاک دیگری با بقیه قسمت‌های طناب ملاقات نکند، حکم به نجاست نمی‌شود و اجتناب از آن لباس لازم نیست و الا اجتناب از لباس لازم است (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن قسمتی از فرش و معلوم نبودن موضع دقیق آن

پرسش: نمی‌دانیم کجای فرش دوازده‌متری نجس است، این شبهه محصوره است یا غیرمحصوره؟ آیا می‌توان روی آن نماز خواند؟^۳

۱. هرگاه تعداد مشتبهات اطراف علم اجمالی کم و معدود باشد، به آن شبهه محصوره اطلاق می‌شود؛ مانند اینکه مکلف در ظهر جمعه شک کند تکلیف او نماز ظهر است یا نماز جمعه و یا شک کند ظرف «الف» خمر است یا ظرف «ب»؛ درحالی که علم اجمالی به خمر بودن یکی از این دو ظرف دارد.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۴ و ۱۲۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۲۵ و ۱۲۸؛ سیدابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۹۸؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۲۴، سؤال ۷۴.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۵۶.





پاسخ: شبهه محصوره است؛ ولی نمازخواندن روی آن مانعی ندارد (آیت الله مکارم).

مشتببه شدن چیز نجس بین چند چیز پاک (شبهه محصوره)

پرسش: بین چند چیزی که یکی از آن‌ها نجس است، آیا باید از همه آن‌ها اجتناب کرد؟^۱

پاسخ: اجتناب از اطراف علم اجمالی نجس لازم است؛^۲ ولی اگر چیز پاکی با یکی از اطراف ملاقات کند، حکم به نجاست نمی‌شود؛ مگر در برخی مواقع که توضیح کامل آن در مسئله بعد می‌آید (تمام مراجع عظام تقلید).

برخورد چیز پاک به یکی از دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک است و کدام نجس (ملاقی شبهه محصوره)

پرسش: اگر چیز پاکی که رطوبت دارد، به یکی از دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک و کدام نجس است، برخورد داشته باشد، آیا اجتناب از آن ملاقی^۳ لازم است؟^۴

پاسخ: به طور کلی ملاقی (شیء ملاقات‌کننده) با بعضی از اطراف علم

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۴ و ۱۲۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۵ و ۱۲۸؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۹۸؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ سیدجواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۲۴، سؤال ۷۳.

۲. مثلاً اگر انسان بداند لباسی نجس است؛ اما میان چند لباس محدود مشتببه است، باید از تمامی لباس‌ها اجتناب کند.

۳. ملاقی، یعنی چیزی که با اطراف علم اجمالی برخورد کند.

۴. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۸؛ اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۹۸؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، المبحث الأول أقسام المياه و أحكامها، الفصل الرابع.





اجمالی، نجس محسوب نمی‌شود. چون یقین به نجس شدن آن چیز نداریم، پس اجتناب لازم نیست؛ مگر در بعضی از مواقع مثل آنکه حالت سابقه در هردو نجاست باشد یا آنکه با طرف دیگر هم چیز پاک دیگری با رطوبت ملاقات کند (تمام مراجع عظام تقلید).
نکته: برای واضح شدن مطلب به مثال‌های زیر دقت شود:

الف. هنگامی که شیء ملاقات‌کننده نجس نمی‌شود

فرد علم دارد که قسمتی از فرش نجس است؛ ولی نمی‌داند کدام قسمت آن است. چنانچه با پای تر که رطوبت مسری دارد، بر روی قسمتی از فرش راه برود، پایش نجس نمی‌شود یا اگر دو ظرف آب باشد که یکی از آن‌ها نجس است؛ ولی معلوم نباشد ظرف نجس کدام است، در این حال اگر دستش تنها با آب یکی از دو ظرف تماس پیدا کند، دستش نجس نمی‌شود.

ب. زمانی که شیء ملاقات‌کننده به خاطر یقین تعبدی، نجس می‌شود؛

یعنی زمانی که حالت سابقه در هردو نجاست بوده است

در حیاط منزل شخصی، دو حوض آب باشد و او می‌داند که آب موجود در هردو حوض قلیل و نجس است. بعد از مدتی همسرش اطلاع می‌دهد که تنها آب یکی از دو حوض را به آب لوله‌کشی شهر که آب کر محسوب می‌شود، وصل کرده است، به‌گونه‌ای که آب حوض پاک شده؛ ولی یادش نیست که کدام حوض بوده است. در این حال اگر دست این شخص با آب یکی از دو حوض ملاقات کند، نجس محسوب می‌شود؛ زیرا حالت سابقه آب آن حوض، نجاست بوده است و اکنون فرد شک دارد که آن آب پاک شده است یا نه. در این حال بنا بر استصحاب (با خود داشتن) نجاست سابق، این آب محکوم به نجاست است؛ بنابراین دست فرد هم که با چنین آبی تماس پیدا کرده است، نجس محسوب می‌شود.





ج. زمانی که شیء ملاقات کننده به دلیل وجود علم اجمالی منجز نجس می شود؛ یعنی زمانی که با طرف دیگر هم، چیز پاک دیگری با رطوبت ملاقات کرده است

دو ظرف آبی که فرد می داند آب یکی از آن ها نجس است؛ ولی معلوم نباشد ظرف نجس کدام است، در این حال چنانچه دست شخص با آب یکی از دو ظرف تماس پیدا کند و گوشه لباس او نیز با آب ظرف دیگر تماس پیدا کند، لازم است برای خواندن نماز از نجاست حادث شده اجتناب کند، بدین گونه که دستش را بشوید و اگر می خواهد با این لباس نماز بخواند، لازم است آن را نیز تطهیر کند.

ظن و گمان به نجاست

پرسش: چنانچه انسان یقین یا اطمینان به نجاست چیزی نداشته باشد؛ ولی گمان داشته باشد آن چیز نجس است، اجتناب از آن چیز لازم است؟^۱

پاسخ: در مسئله نجاست، یقین قطعی و صددرصد لازم است و مادامی که چنین یقینی حاصل نشود، تکلیفی وجود ندارد و اگر یقین صددرصد حاصل شد، اجتناب لازم است؛ بنابراین برای مثال در قهوه خانه ها و میهمان خانه هایی که مردمان لایبالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی کنند، آنجا غذا می خورند، تا وقتی انسان یقین نداشته باشد غذایی را که برای او آورده اند، نجس است، اشکال ندارد و تحقیق و جست و جو نیز لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۳۲، سؤال ۵۲.





واجب نبودن تحقیق برای حصول یقین به نجاست

پرسش: چنانچه انسان نسبت به نجاست چیزی شک داشته باشد؛ اما با تحقیق بتواند به یک طرف، نجاست یا طهارت، یقین پیدا کند، آیا تحقیق برای اثبات یک طرف واجب است یا از همان ابتدا بدون تحقیق، حکم به پاکی شیء کند؟^۱

پاسخ: اگر قبلاً آن چیز نجس نبوده است، از همان ابتدا حکم به پاکی می‌شود^۲ و تحقیق و واری لازم نیست؛ اگرچه بتواند پاکی یا نجس بودن آن را بفهمد (تمام مراجع عظام تقلید).

جست‌وجو برای پیدا کردن فضله موش

پرسش: هرگاه در گندم، فضله موش دیده شود، جست‌وجو در اینکه شاید بازهم باشد، لازم است؟ اگر آن را آرد کنند محکوم به طهارت است؟^۳

پاسخ: جست‌وجو لازم نیست و محکوم به طهارت است (تمام مراجع عظام تقلید).

یقین تجبیدی به نجاست

پرسش: چنانچه انسان نسبت به نجاست چیزی شک داشته باشد، درحالی‌که حالت سابقه در آن چیز، نجاست بوده است، اجتناب از آن چیز

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۴.

۲. دو نمونه از حکمی که بیان شده است، استثناء می‌شود: الف. رطوبتی که گاهی اوقات، بعد از انجام بول، از مردان خارج می‌شود که نمی‌دانند پاک است یا نه. در صورتی که آن‌ها بعد از انجام بول استبراء نکرده باشند و زمان زیادی هم از ادرارکردنشان نگذشته باشد برای آن رطوبت حکم به پاکی نمی‌شود؛ ب. رطوبتی که از مردان بعد از خروج منی، پیش از استبراء به بول بیرون می‌آید که شک دارند پاک است یا نه، در اینجا هم حکم به پاکی نمی‌شود (نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۷۳ و ۷۵ و ۷۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۷۴ و ۷۶ و ۷۸).

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۳، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۲۴؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۰۴؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۱.





لازم است؟^۱

پاسخ: بله، اجتناب از آن چیز لازم است و آن چیز نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

شستن لباس‌های پاک در لباس شویی‌های عمومی

پرسش: لباس‌هایی که به خشک‌شویی‌ها داده می‌شود، از نظر طهارت چه حکمی دارد؟^۲

پاسخ: اگر لباس‌هایی که به خشک‌شویی‌ها داده می‌شود، از قبل نجس نباشند، محکوم به طهارت هستند و تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که مشقت نداشته باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

آب ترشح‌شده از ماشین‌های حمل زباله شهری

پرسش: آبی که از ماشین‌های حمل زباله شهری در خیابان می‌ریزد و گاهی بر اثر شدت باد به لباس مردم پاشیده می‌شود، محکوم به طهارت است؟^۳

پاسخ: این آب محکوم به طهارت است؛ مگر اینکه فردی یقین پیدا کند که آن آب بر اثر برخورد با نجس، نجس شده است. تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که مشقت نداشته باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۴.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۴؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۹۱.

۳. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱ و ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲ و ۱۲۳؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۹۴.





ترشحات یونیت دندان پزشکی

پرسش: یونیت دندان پزشکی به طور معمول متصل به آب شهر است. با توجه به این مطلب، ترشحاتی که به هنگام ترمیم دندان از دهان خارج می‌شود و غالباً با آب دهان و مواد مخصوص دندان پزشکی و بخار و قطرات خون ملاقات کرده است، به بدن و لباس می‌ریزد، پاک است؟
پاسخ: چنانچه آبی که در دهان می‌ریزد، متصل به آب شهر باشد و معلوم نباشد ترشحات از آن آب است یا چیز دیگر، پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

رفت و آمد با اشخاص بی توجه به نجاست

پرسش: رفت و آمدهای خانوادگی با اشخاصی که در خوردن و آشامیدن و مانند آن، به طهارت و نجاست اهمیت نمی‌دهند، چه حکمی دارد؟
پاسخ: به طور کلی درباره طهارت و نجاست، حکم دین اسلام این است که هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد، از نظر شرعی محکوم به طهارت است و تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که تحقیق بدون مشقت باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

برخورد دست نر به کودکی که همیشه خود را نجس می‌کند

پرسش: دست تر، آب دهان و باقی مانده غذای کودکانی که همیشه خود را نجس می‌کنند یا کودکانی که دست تر خود را بر پاهایشان می‌گذارند، چه حکمی دارد؟

۱. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی التنجسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱ و ۱۲۲: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲ و ۱۲۳.
۲. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی التنجسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱ و ۱۲۲: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲ و ۱۲۳: سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۹۶.
۳. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی التنجسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱ و ۱۲۲: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲ و ۱۲۳: سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۲۸۵.





پاسخ: تا زمانی که یقین به نجاست آن حاصل نشده است، حکم به پاکی می شود و تحقیق و جست و جو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که تحقیق بدون مشقت باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

پاک بودن خارجی هایی که دینشان مشخص نیست

پرسش: شخصی از کشوری دیگر، برای کار وارد کشور اسلامی شده است. وی مغازه اغذیه فروشی دایر کرده است و مواد خوراکی می فروشد. هنگام فروش، ماده غذایی با بدنش که رطوبت مسریه دارد، تماس پیدا می کند. در این صورت حکم آن ماده غذایی چیست؟ آیا باید درباره دینش سؤال کرد یا اصل پاک بودن اشیاء جاری می شود؟^۱

پاسخ: سؤال کردن از دینش واجب نیست و اصل طهارت اشیاء درباره او و آن چیزی که با وجود رطوبت با بدن او در تماس است، جاری می شود و تحقیق و جست و جو برای اثبات نجاست لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

حکم طهارت و نجاست منزلی که کافر در آن سکونت داشته است

پرسش: در منطقه محل تحصیل و سکونت ما اکثریت مطلق مردم، کفار بودایی هستند. اگر دانشجویی، خانه ای را از آن ها اجاره کند، آن خانه از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟ آیا شستن و تطهیر منزل ضرورت دارد؟ گفتنی است، بسیاری از خانه های این منطقه از چوب ساخته شده است و شستنی نیستند. هتل ها و اثاثیه و لوازم موجود در آن ها چه حکمی دارند؟^۲

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۴: سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۰۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۱۰؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۹۹.

۲. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲ و ۱۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳ و ۱۲۴؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۲۱.





پاسخ: تا به تماس اشیاء استفاده شده شما، با دست و بدن مرطوب آن‌ها یقین حاصل نشده است، حکم به نجاست نمی‌شود و تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که تحقیق بدون مشقت باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

تماس دست مرطوب با اسکناس یا سکه

پرسش: آیا تماس دست مرطوب با پول اسکناس یا سکه که در بین مردم ردوبدل شده است، موجب نجاست دست می‌شود؟
پاسخ: تا یقین به نجاست پیدا نشود، محکوم به پاکی است (تمام مراجع عظام تقلید).

صندلی‌های ماشین کفار

پرسش: صندلی‌های ماشین و قطاری که مسلمانان و کافران به صورت مشترک استفاده می‌کنند، با توجه به اینکه کفار در بعضی از مکان‌ها بیشتر از مسلمان‌ها هستند و حرارت هوا باعث ترشح عرق و حتی سرایت رطوبت می‌شود، محکوم به طهارت است؟
پاسخ: درباره اشیا‌یی که کفار و مسلمین به صورت مشترک استفاده می‌کنند، اگر علم به نجاست آن‌ها نباشد، حکم به طهارتشان می‌شود و تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که تحقیق بدون مشقت باشد (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲ و ۱۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳ و ۱۲۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۳۲، سؤال ۵۴.
۲. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲ و ۱۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳ و ۱۲۴؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۳۲.





استفاده از مواد غذایی ساخت کفار

پرسش: زندگی دانشجویی در خارج، مستلزم ارتباط و معاشرت با کفار است. در چنین مواقعی، استفاده از مواد غذایی ساخت آن‌ها، مشروط بر اینکه مواد حرام مثل گوشتِ تذکیه نشده در آن‌ها نباشد؛ ولی احتمال تماس دست مرطوب کافر با آن‌ها داده شود، چه حکمی دارد؟^۱

پاسخ: صرف احتمال تماس دست مرطوب کافر با مواد غذایی، برای وجوب اجتناب کافی نیست؛ بلکه تا یقین به تماس حاصل نشود، حکم به طهارت می‌شود و تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که تحقیق بدون مشقت باشد^۲ (تمام مراجع عظام تقلید).

دوایات روان و عطر و ادکلن‌های وارداتی

پرسش: حکم دوایات روان، عطر، روغن، واکس و صابون که از کشورهای غیراسلامی می‌آورند، از نظر طهارت و نجاست چیست؟^۳

پاسخ: چون یقین به نجاست آن‌ها نداریم، پاک است و تحقیق و جست‌وجو برای اثبات نجاست لازم نیست؛ اگرچه که تحقیق بدون مشقت باشد (تمام مراجع عظام تقلید)

گوشت و پیه و چرم وارداتی

پرسش: حکم گوشت و پیه و چرمی که از کشورهای غیراسلامی می‌آورند، از نظر طهارت و نجاست چیست؟^۴

۱. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، اقتباس از مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۵؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۳۳۳.

۲. باتوجه به آنچه در بحث کافر گفته شد، کافر اگر از اهل کتاب باشد، طبق نظر برخی از مراجع نجس ذاتی نیست و تماس دست مرطوب او باعث نجاست نمی‌شود. برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود به بحث کافر.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، فصل فی النجاسات، مورد الثانی عشر، مسئله ۵: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۵.

۴. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۵؛ حسین وحیدی خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۶.





پاسخ: نظر مراجع، در بحث مردار بیان شده است. به آن مراجعه شود.

دومین راه: از طریق ذی‌الید

مفهوم ذی‌الید

پرسش: ذی‌الید به چه کسی می‌گویند؟^۱

پاسخ: هرکس که متصدی و صاحب اختیار شیئی باشد، چه از راه ملک یا اجاره یا عاریه یا امانت یا حتی غضب. پس همین‌که همسر یا خدمتگزار یا کنیز بگویند چیزی که در اختیار آن‌هاست، مانند لباس شوهر یا مولا یا ظروف خانه، نجس است، در حکم به نجاست آن کفایت می‌کند؛ بلکه همچنین است اگر پرستار بچه بگوید بچه یا لباس او نجس است^۲ (تمام مراجع عظام تقلید).

عوامل مؤثر و غیرمؤثر در قول ذی‌الید

پرسش: چیزهایی که برای قبول قول ذی‌الید شرط است و چیزهایی که برای قبول قول او شرط نیست را نام ببرید؟^۳

پاسخ:

الف. عوامل غیرمؤثر

۱. حصول یقین یا گمان از گفته ذی‌الید؛ ۲. عدالت ذی‌الید؛ ۳. اسلام ذی‌الید؛ ۴. سبقت داشتن اخبار او از استعمال.

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۲۲؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، القول فی کیفیة التنجس بها، مسئله ۶؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدیة العباد، ج ۱، مسئله ۵۷۲.

۲. گفتنی است، برخی از مراجع عظام تقلید مثل آیت‌الله‌العظمی سیستانی و آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی (حفظهماالله‌تعالی) می‌فرمایند: «به شرط آنکه ذو الید متهم نباشد.»

۳. گفتنی است که آدرس هر کدام در بحث تفصیلی مربوط به خود بیان شده است.





ب. عوامل مؤثر

۱. اخبار ذی الید قبل از خروج شیء از ید او؛ ۲. بلوغ ذی الید؛ ۳. عدم تعارض با قول ذی الید دیگری.

لازم نبودن حصول یقین یا اطمینان یا گمان از قول ذی الید

پرسش: آیا در قبول قول ذی الید، حصول یقین یا اطمینان یا گمان از گفته او لازم است؟ مثلاً کسی که ظرفی در اختیار اوست، بگوید ظرف نجس است؛ ولی شخص از گفته او اطمینان به نجاست آن ظرف پیدا نکند، باز هم باید حکم به نجاست ظرف بکند؟^۱

پاسخ: ۱. بله، حکم به نجاست می شود؛ چراکه حصول یقین یا اطمینان از قول ذی الید لازم نیست^۲ (نظر مشهور مراجع عظام تقلید).

۲. چنانچه ذی الید، فاسق یا کافر یا طفل نباشد، حصول یقین یا اطمینان از گفته او لازم نیست و اگر یکی از این سه نفر باشد، در فرض نبود حصول اطمینان، بنابر احتیاط واجب، باید احتیاط کرد (آیت الله بهجت).

عدالت ذی الید

پرسش: آیا برای قبول قول ذی الید، عدالت او لازم است؟^۳

پاسخ: ۱. خیر، عدالت معتبر نیست؛ بلکه قول ذی الید در نجاست، باوجود فسق ذی الید، باز هم معتبر است (حضرت امام و آیات عظام

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، اقتباس از مسئله ۱۰؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، استفاده از اطلاق مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، استفاده از اطلاق مسئله ۱۲۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة مسئله ۵۵۰ و ۵۵۲؛ استفای کتبی خصوصی از آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله تعالی.

۲. برخی از مراجع مثل آیات عظام سیستانی و وحید خراسانی (حفظهما الله تعالی) یک قید اضافه ای دارند و می فرمایند: «به شرط آنکه متهم به دروغ گفتن نباشد.»

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، مسئله ۵۵۲؛ سیدروح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، القول فی کیفیة التنجس بها، مسئله ۸؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۷۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۷۴.





گلپایگانی، خوبی، اراکی، فاضل، مکارم، سیستانی، نوری و صافی).
۲. خیر، عدالت معتبر نیست؛ ولی چنانچه ذی‌الید فاسق باشد و از گفته‌ او
اطمینان حاصل نشود، بنابراین احتیاط واجب، باید احتیاط کرد (آیت‌الله بهجت).

مسلمان بودن ذی‌الید

پرسش: آیا برای قبول قول ذی‌الید، حتماً باید ذی‌الید مسلمان باشد؟
پاسخ: ۱. خیر، اسلام معتبر نیست؛ بنابراین اگر ذی‌الید کافر باشد؛
اگرچه که از گفته‌ او درباره‌ نجاست یک چیز اطمینان حاصل نشود، باز
هم معتبر است و حکم به نجاست می‌شود (حضرت امام و آیات عظام
خوبی، اراکی، فاضل، سیستانی و نوری).

۲. کافری که در مبحث طهارت و نجاست لابیالی و غیرمقید است،
معتبر دانستن قولش مشکل است (آیت‌الله مکارم).

۳. چنانچه ذی‌الید کافر باشد و از گفته‌ او درباره‌ نجاست یک چیز، اطمینان
حاصل نشود، بنابراین احتیاط واجب، باید احتیاط کرد (آیت‌الله بهجت).

۴. چنانچه ذی‌الید کافر باشد، معتبر دانستن قولش مشکل است و
احوط، نداشتن اعتبار قول او است (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

دباغی کردن پوست ذبیحه مسلمانان توسط یهودی

پرسش: هرگاه رئیس شرکتی که یهودی هم هست، متعهد شود که
پوست‌های ذبیحه مسلمانان و غیرمسلمانان را جدا دباغی کند؛ اما
عده‌ای از مسلمانان مدعی هستند که دروغ می‌گویند و شاید قرآینی هم بر
کذب باشد؛ زیرا می‌دانیم وسایل دباغی یکی است، آیا با این حال می‌شود

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلة
النجاة، ج ۱، مسئله ۵۵۲؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۱، القول فی کیفیه التنجس بها، مسئله ۸؛ لطف‌الله
صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۷۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۷۴.





به قول یهودی اعتماد کرد یا نه؟^۱
پاسخ: احوط اعتبار نداشتن قول کافر است (آیت‌الله گلپایگانی).

قول ذی‌الید بعد از استعمال

پرسش: آیا برای قبول قول ذی‌الید، شرط است که گفته‌ او پیش از استعمال ما باشد؟^۲

پاسخ: خیر، به‌طور مثال، اگر شخص با آبی وضو بگیرد و بعد از آن ذی‌الید اخبار به نجاست آن آب بدهد، وضوی شخص محکوم به بطلان است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، خویی، اراکی، فاضل، مکارم، سیستانی و نوری).

قول ذی‌الید بعد از خروج شیء از ید او

پرسش: اگر بعد از آنکه چیزی از تصرف شخص خارج شده است، بگویند در وقتی که در تصرف او بوده، نجس شده است. آیا حرف او معتبر است؟^۳

پاسخ: ۱. حکم به نجس بودن آن چیز مشکل است؛ مگر اینکه از زمان خروج آن شیء از ید شخص، جداً مدت خیلی کمی گذشته باشد که در این صورت، آن چیز نجس است (حضرت امام).

۲. حکم به نجس بودن آن چیز مشکل است (آیت‌الله گلپایگانی).

۳. خیر، آن چیز نجس نیست؛ مگر آنکه آن شخص، ثقه و مطمئن باشد (آیت‌الله خویی).

۴. بله، آن چیز نجس است، به شرط آنکه آن شخص ذی‌الید، در موضع اتهام و ذی‌نفع نباشد (آیت‌الله مکارم).

۵. بله، آن چیز نجس است (آیات عظام اراکی و فاضل و نوری).

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۳۸، سؤال ۴۷.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱۴.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱۴.





۶. به صورت مطلق نمی‌شود گفت که گفته‌ی او معتبر نیست (آیت‌الله سیستانی).

بلوغ ذی‌الید

پرسش: اگر بچه‌ای که ممیز است و پاکی و نجسی را به خوبی درک می‌کند، بگوید چیزی را آب کشیدم یا بگوید چیزی که در دست اوست، نجس است، آیا قول او معتبر است؟^۱

پاسخ:

الف. از گفته‌ی او برای شخص اطمینان حاصل می‌شود

چون اطمینان حجیت دارد؛ بنابراین قولش درباره‌ی تطهیر چیز نجس و همچنین نجس شدن آنچه در اختیارش است، قبول می‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. از گفته‌ی او برای شخص اطمینان حاصل نمی‌شود

۱. قول کودک مراهق یعنی کودکی که در آستانه‌ی بلوغ است، در این باره معتبر است؛ بنابراین بچه‌ای که تکلیفش نزدیک است، اگر چیزی را که در تصرفش است، بگوید: «آب کشیدم»، حرف او قبول می‌شود، همچنین اگر بگوید چیزی نجس است؛ بلکه در قول بچه‌ی ممیز که نزدیک به بلوغ هم نیست، باید احتیاط مراعات شود (حضرت امام).

۲. قول کودک مراهق یعنی کودکی که در آستانه‌ی بلوغ است، در این باره معتبر است؛ بنابراین بچه‌ای که تکلیفش نزدیک است، اگر چیزی را که در تصرفش است بگوید آب کشیده است، حرف او قبول می‌شود و همچنین اگر بگوید چیزی نجس است. (امام‌خامنه‌ای و آیات عظام

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱۳؛ أجوبة الاستفتائات، سؤال ۷۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۸؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، القول فی کیفیة التنجس بها، مسئله ۸؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، مسئله ۵۵۲.





خوبی، تبریزی، گلپایگانی و نوری).

۳. بعید نیست حرف او معتبر باشد؛ بنابراین قول او دربارهٔ تطهیر شیء نجس یا نجس شدن آنچه در تصرفش است، قبول شدنی است (آیات عظام فاضل و سیستانی).

۴. اگر بچه بگوید چیزی نجس است یا چیزی را آب کشیده است، نمی‌شود حرف او را قبول کرد؛ ولی بچه‌ای که ممیز است، اگر بگوید چیزی را آب کشیده است یا بگوید چیزی نجس است، در صورتی که آن بچه ثقة باشد و ظن برخلاف گفتهٔ او نباشد، حرف او قبول می‌شود (آیت‌الله وحید).

۵. اگر بچه بگوید چیزی نجس است یا چیزی را آب کشیده است، در صورتی که از سخنش اطمینان حاصل شود، قبول است وگرنه، بنابر احتیاط واجب قبول نیست، هرچند در آستانه بلوغ باشد (آیت‌الله مکارم).

۶. اگر بچه دربارهٔ چیزی که در دست اوست، بگوید آن چیز نجس است، بنابر احتیاط واجب، باید از آن اجتناب کنند و همچنین قول او نسبت به تطهیر چیز نجس هم اعتباری ندارد. (آیات عظام اراکی و بهجت).

۷. اگر بدانیم بچهٔ ممیز که طهارت و نجاست را می‌فهمد، چیزی را آب کشیده است، می‌توان آن را پاک دانست، هرچند اطمینان نداشته باشیم که درست آب کشیده است و نیز اگر ممیز، چیزی را که در دستش است، بگوید که نجس است و از قول او اطمینان حاصل نشود، بنابر احتیاط باید از آن اجتناب کرد (آیت‌الله شبیری).

تعارض بین دو ذی‌الید

پرسش: هرگاه چیزی در دست دو شخص باشد؛ مثل دو شریک، چنانچه یکی از آن‌ها بگوید که آن چیز نجس است و دیگری بگوید که آن





چیز پاک است، قول کدام یک از آن‌ها معتبر است؟^۱

پاسخ: ۱. هرگاه چیزی در دست دو شخص باشد، مثل دو شریک، قول هریک در نجاست آن مسموع (پذیرفته) است. اگر یکی بگوید که آن نجس است و دیگری بگوید که آن پاک است، قول هردو ساقط است؛ مگر آنکه گفته یکی از دو شریک، براساس اصل باشد و گفته شریک دیگر، براساس وجدان و به دست آوردن واقع مطلب. در این صورت گفته‌ای که به وجدان و علم مستند است، بر دیگری مقدم می‌شود. پس اگر یکی از دو شریک براساس اصلی به پاک بودن یا نجس بودن آن اطلاع دهد و شریک دیگر از راه وجدان و علم به خلاف آن خبر دهد، قول شریک دوم مقدم است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۲. هرگاه چیزی در دست دو شخص باشد، مثل دو شریک، قول هریک در نجاست آن مسموع است. اگر یکی بگوید که آن نجس است و دیگری بگوید که آن پاک است، قول هردو ساقط است (آیات عظام خویی، فاضل، اراکی، مکارم، سیستانی و نوری).

سومین راه: از طریق بیته

منظور از بیته

پرسش: در بحث نجاسات، منظور فقها از بیته چیست؟^۲

پاسخ: بیته به معنی شهادت دادن دو مرد عادل^۳ بر چیزی است (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱۱: لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۷۳.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲.

۳. درباره یک عادل یا یک تقه که آیا این‌ها نیز در حکم بیته هستند یا نه، اختلاف است که تفصیل آن در مسئله بعد می‌آید.





شهادت یک مرد عادل

- پرسش:** آیا برای اثبات نجاست یک چیز، شهادت یک مرد عادل، در صورتی که اطمینان از گفته او پیدا نشود، کفایت می‌کند؟^۱
- پاسخ:** ۱. ثابت شدن نجاست از شهادت یک مرد عادل، در حالی که از گفته او برای شخص اطمینان حاصل نشود، مشکل است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، صافی و سیستانی).
۲. با گفتن یک مرد عادل، نجاست ثابت نمی‌شود (امام خامنه‌ای و آیات عظام فاضل و شبیری).^۲
۳. بله، کافی است و باید از آن چیز اجتناب کرد (آیات عظام خویی، تبریزی، مکارم و نوری).^۳
۴. بله، کافی است و باید از آن چیز اجتناب کرد؛ مگر ظن بر خلاف داشته باشیم (آیت‌الله وحید).

شهادت یک نفر ثقه و مطمئن

- پرسش:** اگر یک نفر ثقه، شهادت به نجاست یک چیزی بدهد و از گفته او برای شخص اطمینان حاصل نشود، آیا حکم به نجاست آن چیز می‌شود؟^۴
- پاسخ:** ۱. بله، آن چیز نجس است (آیات عظام خویی و تبریزی).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۶۹؛ استفتای خصوصی از امام‌خامنه‌ای علیه‌السلام، شماره استفتا: ۶۱۲۶۳۲، تاریخ استفتاء: ۳۰ دی ۱۳۹۴.

۲. آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه در حاشیه العروة الوثقی به صورت فتوا می‌فرماید: «با عدل واحد، نجاست ثابت نیست»؛ اما در رساله فارسی می‌فرماید: «بنابر احتیاط واجب اجتناب شود».

۳. حکم این بزرگوار در رساله فارسی احتیاط واجب، ولی در حاشیه العروة الوثقی فتواست.

۴. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۶؛ استفتای خصوصی از امام‌خامنه‌ای علیه‌السلام، شماره استفتا: ۶۱۲۶۳۲، تاریخ استفتاء: ۳۰ دی ۱۳۹۴.





۲. بله، آن چیز نجس است، به شرط اینکه گمان برخلافش نباشد (آیت‌الله وحید).

۳. ثابت شدن نجاست از شهادت یک نفر ثقه، درحالی‌که از گفته او برای شخص اطمینان حاصل نشود، مشکل است (آیت‌الله سیستانی).

۴. حکم به نجاست نمی‌شود (امام خامنه‌ای).

عوامل غیر مؤثر در بیئنه

پرسش: برخی از چیزهایی که در قبول قول بیئنه (شاهد) شرط نیست را نام ببرید.

پاسخ: ۱. حصول گمان یا اطمینان از قول بیئنه؛ ۲. ذکر مستند شهادت توسط بیئنه؛ ۳. اتحاد در زمان شهادت.

لازم نبودن به دست آوردن اطمینان از گفتار بیئنه

پرسش: چنانچه انسان از قول بیئنه، اطمینان یا گمان حاصل نکند، آیا قبول قول او لازم است؟^۱

پاسخ: بله، قبول قول بیئنه لازم است؛ مگر اینکه اطمینان داشته باشیم بیئنه دچار اشتباه شده‌اند (تمام مراجع عظام تقلید).

ذکر مستند شهادت

پرسش: آیا در بیئنه، لازم است که آن‌ها مستند شهادت خود را ذکر کنند؟^۲

پاسخ: ۱. خیر، لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، خوبی،^۳ فاضل، اراکی، مکارم و نوری).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۲۲.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۴.
۳. آیت‌الله العظمی خوبی رحمته‌الله علیه: «الا اذا كان بين البيئنه و من قامت عنده خلاف في سبب النجاسة.»





۲. بله، لازم است؛ یعنی به طور مثال بگوید آن چیز با خون یا بول ملاقات کرده است (آیت الله سیستانی).

اختلاف در مستند شهادت

پرسش: چنانچه دو شاهد عادل بگویند فلان چیز نجس است، ولی مستندات آن‌ها متفاوت باشد، مثلاً یک عادل بگوید که این جامه با بول ملاقات کرده و دیگری بگوید با خون ملاقات داشته است، آیا این نوع شهادت، اصل نجاست که همان نجاست قدر مشترک است را ثابت می‌کند؟^۱

پاسخ:

الف. در صورتی که هر عادل دیگری را نفی نکند^۲

۱. حکم شهادت یک عادل را دارد (حضرت امام و آیات عظام خوبی و فاضل).

۲. بله، اصل نجاست که همان نجاست قدر مشترک است، ثابت می‌شود (آیات عظام اراکی و نوری).

۳. بله، اصل نجاست که همان نجاست قدر مشترک است، بنابر احتیاط واجب ثابت می‌شود (آیت الله گلپایگانی).

۴. خیر، این نوع شهادت برای اثبات نجاست کافی نیست؛ مگر از گفته آن‌ها اطمینان حاصل شود (آیت الله سیستانی).

۵. چنانچه در نوع نجاست اتفاق نظر دارند، ولی اختلاف آن‌ها در کیفیت یا صفت نجاست باشد، مثلاً هردو شهادت می‌دهند که ظرف با ادرار نجس شده است؛ ولی صفات ادرار را متفاوت بیان می‌کنند یا در کیفیت نجس شدن ظرف به ادرار، دو چیز متفاوت می‌گویند، بنابر احتیاط واجب نجاست ثابت می‌شود؛ اما اثبات نجاست در جایی که در نوع

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۶.
۲. مثلاً یکی بگوید فلان شیء با بول ملاقات کرده و آن دیگری بگوید با خون ملاقات کرده است.





نجاست نیز اتفاق ندارند، خالی از اشکال نیست (آیت‌الله مکارم).

ب. در صورتی که هر عادل دیگری را نفی کند^۱

۱. حکم به طهارت می‌شود (حضرت امام و آیات عظام خوبی و فاضل و سیستانی).

۲. در این صورت حکم به نجاست مشکل است (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، مکارم و نوری).

اختلاف در زمان شهادت

پرسش: اگر یکی از دو شاهد بگوید که این چیز در حال حاضر نجس است و دیگری بگوید که من می‌دانم که پیش از این نجس بوده است، حکمش چیست؟^۲

پاسخ:

الف. آن عادل که می‌گوید می‌داند پیش از این نجس بوده است، ولی درباره وضعیت کنونی آن چیز، عادل دیگر را نفی نمی‌کند؛ بلکه می‌گوید: «فعلاً حال آن را نمی‌دانم»

۱. اجتناب لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام فاضل و اراکی).
۲. بنابر احتیاط واجب باید اجتناب کرد (آیات عظام گلپایگانی^۳ و نوری و مکارم).

۳. چنانچه هر دو شاهد سبب نجس شدن را بیان کنند و سبب نجاست نیز مشترک باشد، باید از هر دو اجتناب کرد و اختلاف در خصوصیات شهادت، مثل اختلاف داشتن در زمان شهادت تأثیری در حکم ندارد. اگر طهارت در یکی از دو زمان محرز باشد، حکم به طهارت می‌شود (آیت‌الله سیستانی).

۱. مثلاً یکی بگوید فلان شیء، با بول ملاقات کرده و آن دیگری بگوید چنین نیست؛ بلکه با خون ملاقات کرده است.
۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۸ و ۹.
۳. آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه: «الظاهر عدم الوجوب علی فرض لزوم التعدد فی الشاهد، لکنه خلاف الاحتیاط.»





۴. باید اجتناب کرد (آیت‌الله خویی).

ب. آن عادلی که می‌گوید می‌داند پیش از این نجس بوده است، ولی دربارهٔ وضعیت کنونی آن چیز، عادل دیگر را نفی می‌کند و می‌گوید: «الان پاک است»

۱. اجتناب لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی^۱، فاضل، اراکی و نوری).

۲. باید اجتناب کرد (آیت‌الله خویی)^۲

۳. بنا بر احتیاط واجب، باید اجتناب کرد. اگر بازگشت اختلاف آن دو به خصوصیات یک چیز باشد، در اینجا بنا بر فتوا باید اجتناب کرد (آیت‌الله مکارم).

۴. چنانچه هر دو شاهد سبب نجس شدن را ذکر کنند و سبب نجاست نیز مشترک باشد، باید از هر دو اجتناب کرد (آیت‌الله سیستانی).

اشتباه در مستند بینه

پرسش: اگر دو شاهد در حکم به نجاست، مستند شهادت خود را ذکر کنند و مستند ایشان صحیح نباشد، آیا حکم به نجاست می‌شود؟^۳

پاسخ: خیر، در این صورت حکم به نجاست نمی‌شود (حضرت امام و آیات عظام خویی، اراکی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، سیستانی و نوری).

شهادت اجمالی

پرسش: آیا شهادت اجمالی دو مرد عادل، به نجاست یک چیز، مانند

۱. آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته‌الله علیه: «الظاهر عدم الوجوب علی فرض لزوم التعدد فی الشاهد، لکنه خلاف الاحتیاط.»

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۹: «فی هذه المسألة فله شهادتان إحداهما أنه كان نجساً سابقاً و ثانيتهما أنه طاهر بالفعل، كما أن الشاهد الآخر يشهد بنجاسته الفعلية بناءً بكفاية شهادة العدل الواحد فی الموضوعات الخارجية تتعارض الشهادتان لاخبار أحدهما عن نجاسته الفعلية وإخبار الآخر عن طهارته كذلك و يحكم بتساقطهما و الرجوع إلى استصحاب النجاسة السابقة الثابتة بشهادة العدل الواحد المخبر عن طهارتها بالفعل لأنه غير معارض بشيء.»

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۴.





شهادت تفصیلی آن‌هاست؟^۱

الف. شهادتشان درباره موضوع واحد، معین است^۲

۱. باید از هردو اجتناب کرد (حضرت امام و آیات عظام خویی، گلپایگانی، فاضل، اراکی و نوری).

۲. بنابر احتیاط واجب باید از هردو اجتناب کرد (آیت‌الله مکارم).

۳. چنانچه سبب نجس شدن را بیان کنند و سبب هردو شاهد، مشترک باشد، باید از هردو اجتناب کرد (آیت‌الله سیستانی).

ب. شهادتشان درباره موضوع واحد، غیرمعین است^۳

۱. بنابر احتیاط واجب باید از هردو اجتناب کرد (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و مکارم).

۲. باید از هردو اجتناب کرد (آیات عظام خویی و اراکی و نوری).

۳. چنانچه هردو شاهد سبب نجس شدن را بیان کنند و سبب نجاست نیز مشترک باشد، باید از هردو اجتناب کرد (آیت‌الله سیستانی).

شهادت به نجاست بر مبنای استصحاب^۴

پرسش: اگر دو عادل بر مبنای قاعده استصحاب، به نجاست یک چیز شهادت دهند، وظیفه چیست؟^۵

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۷: سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی النجاسات، القول فی التنجس بها، مسئله ۴.

۲. مثلاً دو نفر شهادت دهند که فلان ظرف مشخص نجس شده است؛ ولی در همان هنگام شهادتشان، آن ظرف با ظرف دیگری مشتبه است.

۳. مثلاً بگویند ما شهادت می‌دهیم که قطره بولی به داخل یکی از این دو ظرف افتاد و نجس شد و از همان اول نیز آن ظرف برای خود ما هم مشخص نبود.

۴. یعنی اینکه شاهد بگوید که چیزی قبلاً نجس بوده است و الان چنانچه نجاستش مشکوک باشد، بگویند هنوز نجس است.

۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۸: سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی النجاسات، القول فی التنجس بها، مسئله ۵.





پاسخ: ۱. چنانچه دو شاهد شهادت دادند که چیزی قبلاً نجس بوده و نزد خود ما پاک شدن آن مشکوک باشد باید از آن اجتناب کرد (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، فاضل، خویی، اراکی، نوری و مکارم).
۲. چنانچه هردو شاهد سبب نجس شدن را بیان کنند و سبب نجاست نیز مشترک باشد، باید از هردو اجتناب کرد (آیت الله سیستانی).

تعارض دو بیئنه باهم

پرسش: اگر دو بیئنه درباره نجاست یک چیز با هم معارضه کنند، یعنی دو عادل بگویند فلان چیز نجس است و دو عادل دیگر بگویند که همان چیز پاک است، قول کدام یک مقدم است؟^۲

پاسخ: چنانچه قول هردو بیئنه مستند به علم باشد، هردو ساقط می شوند؛ ولی اگر قول بیئنه نجاست، مستند به علم و قول بیئنه طهارت، مستند به اصل باشد، قول بیئنه نجاست مقدم است (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، اراکی، خویی، فاضل، سیستانی، نوری و مکارم).

تعارض دو عادل با چهار عادل

پرسش: اگر دو عادل درباره طهارت و نجاست یک چیز، با چهار عادل دیگر معارضه کنند، قول کدام یک مقدم است؟^۳

پاسخ: ۱. چنانچه قول هردو بیئنه مستند به علم باشد، هردو ساقط می شوند و این حرف برخی از فقها که فرموده اند طرفی که چهار عادل قرار دارد، مقدم می شود، به دلیل تعارض دو نفر آنها با دو نفر مقابلشان و سالم ماندن دو عادل دیگر از تعارض، باطل است (حضرت امام و آیات

۱. باهم تعارض داشته باشند و در مقابل همدیگر قرار بگیرند. مثلاً در اینجا دو عادل بگویند فلان چیز نجس است و دو عادل دیگر بگویند که همان چیز پاک است.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی ماء البئر، مسئله ۷ و فصل فی طرق ثبوت النجاسة، مسئله ۱۱۰۳.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی ماء البئر، مسئله ۸.





عظام خوبی، اراکی، سیستانی و نوری).

۲. طرفی که چهار عادل قرار دارند، مقدم می‌شود، به خاطر تعارض دو نفر آن‌ها، با دو نفر مقابلشان و سالم ماندن دو عادل دیگر از تعارض (آیت‌الله مکارم).
 ۳. قائل شدن به اینکه طرفی که چهار عادل قرار دارد، مقدم بشود، به دلیل تعارض دو عادل با دو عادل و سالم ماندن دو عادل دیگر از تعارض، مشکل است؛ پس جانب احتیاط ترک نشود (آیات عظام گلپایگانی و فاضل).

تعارض بینه با قول ذی‌الید

پرسش: هرگاه ذی‌الید بگوید آن چیز نجس است و دو عادل (بینه) به پاک‌ی آن چیز شهادت دهند، قول مقدم کدام است؟^۱

پاسخ: ۱. چنانچه قول بینه مستند به اصل نباشد، بینه مقدم است؛ اما اگر شهادت بینه‌ای بر اساس اصلی باشد، گفته‌ی ذی‌الید مقدم است (حضرت امام و آیات عظام خوبی، گلپایگانی، اراکی، فاضل، سیستانی، مکارم و نوری).

تحقیق و تفحص در نمونه‌های مشکوک

پرسش: زمانی که انسان از نجس بودن یا پاک بودن چیزی اطلاع ندارد، وظیفه‌اش چیست؟^۲

پاسخ:

الف. شبهه حکمیة است^۳

باید مسئله را بپرسد و تا زمانی که سؤال نکرده است، باید احتیاط کند (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی ماء البئر، مسئله ۱۱ و ۷؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی النجاسات، القول فی التنجس بها، مسئله ۷.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، الثانی عشر من النجاسات، مسئله ۵؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۳؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۱.

۳. شبهه حکمیة، شبهه‌ای است که شخص به‌واسطه ندانستن مسئله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند که عرق جنب از حرام پاک است یا نه.





ب. شبههٔ مصداقیه است^۱

پاک است و پرسیدن لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. شبههٔ مصداقیه، شبهه‌ای است که شخص مسئله را می‌داند؛ ولی منشأ شکش به‌علت مشتبه‌شدن امور خارجی است؛ مثلاً شخص می‌داند عرق شتر نجاست‌خوار نجس است؛ ولی شک دارد این عرقی شتر نجاست‌خوار است یا نه؟



فصل سوم:

راه نجس شدن چیزهای پاک



شروط لازم برای صدق نجس شدن اشیاء پاک

پرسش: چه شرط‌هایی باید موجود باشد تا طبق نظر همه مراجع عظام تقلید، حکم به نجس شدن شیء پاک شود؟
سه شرط باید موجود باشد تا طبق نظر مراجع عظام تقلید^۱ حکم به نجاست شیء پاک شود و در صورت موجود نبودن هرکدام از این سه شرط، مسئله اختلافی می‌شود.

پاسخ: در سه صورت مراجع عظام تقلید حکم به نجاست شیء پاک می‌دهند و در صورت نبود هرکدام از این سه شرط، مسئله اختلافی است:
۱. ملاقات و برخورد خارجی؛ ۲. قابلیت تأثیر، یعنی داشتن رطوبت مُسری؛^۲ ۳. متعدد نبودن واسطه‌ها.

شرط اول برای نجس شدن اشیاء: ملاقات و برخورد

لزوم برخورد چیز نجس با چیز پاک

پرسش: برای نجس شدن چیز پاک، برخورد و ملاقات با چیز نجس یا متنجس لازم است؟^۳

پاسخ: ۱. بله (حضرت امام، امام خامنه‌ای و آیات عظام اراکی، خوبی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی، مکارم، شبیری و وحید).

۲. بله، به جز آبی که بو یا رنگ یا مزه آن، به واسطه نجاستی که بیرون

۱. منظور از لفظ «مراجع عظام تقلید» همان مراجعی است که در این متن، نظر ایشان نقل شده است.
۲. الوجه فی عدم تأثر الملاقی مع البیوسة و الجفاف هو الابتکار العرفی حیث إن المتفاهم عند العرف من دلیل منجسیة النجس و تأثیره فی نجاسة الملاقی تحقّق ذلك عند سرایة النجس إلیه و السرایة غیر متحقّقة مع البیوسة و فقدان الرطوبة (محمد فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة [النجاسات و أحكامها]، ص ۳۷۵، مسئله ۱: لا ینجس الملاقی لها مع البیوسة).

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة نجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۶؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۷۷ و ۲۸۶ و ۲۸۷.





آن است، عوض شود. به طور مثال مرداری که پهلوی آب است، بوی آب را تغییر دهد که بنابر احتیاط واجب آن آب نجس می شود (آیت الله سیستانی).

ملاقات و برخورد داخلی

پرسش: اگر چیز پاک با چیز نجس در داخل بدن ملاقات و برخورد داشته باشند، این برخورد و ملاقات نیز موجب نجس شدن چیز پاک می شود؟
پاسخ:

الف. چیز پاک و چیز نجس هردو از اجزای داخلی بدن باشند^۱

۱. اجزای داخلی بدن که پاک اند، با برخورد به نجاست، نجس نمی شوند؛ مگر اینکه بعد از بیرون آمدن، به نجاست آلوده باشند؛ بنابراین آب دهان و آب بینی و مانند این ها که مربوط به داخل بدن هستند، اگر در داخل به خون لثه یا مانند آن برسند، نجس نمی شوند؛ مگر بعد از بیرون آمدن به خون آلوده باشند (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی، سیستانی، شبیری و وحید).

۲. اجزای داخلی بدن که پاک اند، بنابر احتیاط واجب با برخورد به نجاست، نجس می شود؛ هرچند موقع بیرون آمدن آلوده نباشد (آیت الله مکارم).

ب. چیز پاک و چیز نجس هیچ کدام از اجزای داخلی بدن نباشند^۲

چنانچه شیء پاک و شیء نجس هردو خارجی باشند و برخورد و

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، مورد الاول و الثاني، مسئله ۱ و مورد الخامس من النجاسات، مسئله ۱۲ و ۱۳ و فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات، مسئله ۱۳ و فصل فی المطهرات، مورد الاول، مسئله ۴۰ و مورد العاشر من المطهرات؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۳۴ و ۲۱۶ و ۲۱۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۵ و ۲۲۲ و ۲۲۳؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۵۴؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، مسئله ۱۵۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۳۱.
۲. مثل برخورد خون داخل بینی به ترشحات داخل بینی یا برخورد خون لثه به آب دهان.
۳. مثل برخورد غذای نجس با دندان عاریه در دهان.





ملاقاتشان در باطن غیرمحض باشد، نجاست از شیء نجس به شیء پاک سرایت می‌کند.^۱ به‌عنوان مثال، اگر دندان عاریه در دهان با غذایی که با نجاست خارجی نجس شده است، ملاقات کند، دندان عاریه نجس می‌شود و آب‌کشیدن آن بنا بر فتوا یا احتیاط واجب لازم است (آیات عظام تبریزی و سیستانی و مکارم).

ج. چیز نجس مربوط به خارج بدن و چیز پاک از اجزای داخلی بدن باشد^۲

۱. چیز پاک نجس می‌شود؛ اما با از بین رفتن نجاست، پاک می‌شود و نیاز به تطهیر جداگانه ندارد.^۳ بنابراین اگر مثلاً خونی از خارج وارد دهان شود و در آب دهان مستهلک شود و از بین برود، آب دهان پاک است و تطهیر دهان لازم نیست. حتی شخص می‌تواند آن را فرو دهد و همچنین اگر غذای متنجس بخورد و آن را بلعد، دهان او پاک می‌شود و آب‌کشیدن داخل دهان لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام خویی، سیستانی و نوری).

۲. چیز پاک نجس شده است و با از بین رفتن نجاست نیز بنا بر احتیاط واجب پاک نمی‌شود و باید تطهیر شود؛ بنابراین اگر مثلاً خونی از خارج وارد دهان شود و در آب دهان مستهلک شود و از بین برود، شخص باید

۱. درباره ملاقات در باطن محض، برخی از مراجع مثل آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند: «اگر شیء پاک با شیء نجس در باطن محض مثل معده یا روده ملاقات کند، نجاست از شیء نجس به شیء پاک منتقل نمی‌شود؛ اگرچه شیء پاک و شیء نجس هردو خارجی باشند. مثل اینکه فردی شینی مانند هسته خرما را بلعیده و سپس آب نجس آشامیده و آب نجس با شیء مذکور در باطن برخورد کرده [است]. چنانچه آن شیء از بدن خارج شود، درحالی‌که آلوده به عین نجاست مثل مدفوع نباشد، پاک است.» ولی برخی دیگر از مراجع مثل حضرت امام رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند: «اگرچه که ملاقات در باطن محض بوده است؛ ولی باز هم شیء پاک نجس می‌شود.» علت آن هم در کتاب تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیلة، فصل النجاسات و أحكامها، پاورقی صفحه ۴۳۲، سطر سوم، این چنین آمده است: «... لشمول الأدلة الدالة علی وجوب غسل ما أصابه الدم أو غیره من النجاسات... لانه جسم خارجی لافی نجساً خارجیا و مجرد کون الملافاة فی الباطن لا یوجب الحکم بعدم النجاسة لعدم مدخلیة لموضع الملافاة فی حصول الانفعال و التنجس.»

۲. مثل برخورد خون خارجی با آب دهان.

۳. برخی از مراجع مثل آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته‌الله‌علیه می‌فرمایند: «باطن محض مثل معده یا روده یا رگ‌های بدن در انسان یا حیوانات با ملاقات با نجاست داخلی یا خارجی نجس نمی‌شود؛ بنابراین فردی که غذای نجس می‌خورد یا آب نجس می‌آشامد، معده و روده او نجس نمی‌شود. همچنین مدفوع موجود در روده بزرگ، موجب نجاست روده نمی‌شود یا خون موجود در قلب و رگ‌ها موجب نجاست آن‌ها نمی‌شود.»





بنابر احتیاط واجب، هم از آب دهان اجتناب کند و هم دهان را تطهیر کند. اگر شخص غذای منتجس بخورد و آن را ببلعد، دهان او بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌شود و باید آن را تطهیر کند (آیت‌الله مکارم).

۳. اگر مثلاً خونی از خارج وارد دهان شود و در آب دهان مستهلک شود و از بین برود، بنابر احتیاط واجب، از آب دهان اجتناب شود؛ اگرچه که تطهیر دهان لازم نیست (آیات عظام اراکی و گلپایگانی و فاضل).

د. چیز پاک مربوط به خارج بدن و چیز نجس مربوط به داخل بدن باشد و برخورد در باطن محض باشد؛ یعنی محسوس به هیچ‌کدام از حواس پنجگانه نیست^۱

۱. در صورتی که آن چیز پاک بعد از بیرون آمدن، آلوده به نجاست نباشد، پاک است. پس اگر اسباب اماله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود یا سوزن و چاقو و مانند این‌ها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن، به نجاست آلوده نباشد، نجس نیست (حضرت امام^۲، امام خامنه‌ای و آیات عظام خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، نوری، صافی، وحید، سیستانی و مکارم).

۲. اگر چیز پکی از خارج، داخل بدن شود، در صورتی که شخص یقین یا اطمینان کند که عین نجاست به آن خورده است، بنابر احتیاط واجب نجس است؛ هرچند موقع بیرون آمدن به نجاست آلوده نباشد. پس اگر اسباب اماله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود یا سوزن و چاقو و مانند این‌ها در بدن فرو رود و در داخل با یکی از نجاسات ملاقات داشته باشد یا داخل

۱. مثل برخورد اسباب اماله یا آب آن با عین نجاست در مخرج غائط.

۲. محمد فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، فصل النجاسات و أحكامها، ص ۴۳۰: «بخش اِنَا القسم الأول فالجسم الخارجی الملاقى له محکوم بالطهارة لانه لا دلیل علی نجاسة الدم فی العروق أو البول و الغائط فی محلهمما فضلاً عن أن يكون متجساً لملاقیه و ذلك لأن الأدلة الدالة علی نجاسة المذكورات مختصة بالدم الخارجی و البول و الغائط الخارجین لأن النجاسة فیها قد استفيدت من الروایات الأمرة بغسل ما أصابه شیء منها و الاصابة بنظر العرف انما تتحقق فیما إذا كانت المذكورات محسوسة.»





دهان خونی شود و آن خون‌ها به غذا یا دندان مصنوعی برخورد کنند، بنابراین احتیاط واجب آن‌ها نجس می‌شوند، هرچند بعد از بیرون آمدن، به نجاست آلوده نباشد (آیات عظام اراکی و بهجت).

۳. اعضای بدن که در باطن بدن انسان پیوند زده می‌شود و مانند سایر اعضای بدن فعالیت‌های حیاتی دارند، مانند سایر اعضای باطنی به برطرف شدن عین نجاست پاک می‌شوند (آیت‌الله شبیری).

هـ. در صورتی که چیز پاک مربوط به خارج بدن و چیز نجس مربوط به داخل بدن باشد و برخورد با نجاست در باطن غیرمحض باش، مثل برخورد خون لثه با دندان مصنوعی در دهان

۱. چیز پاک نجس می‌شود و باید آن را آب بکشند (آیات عظام خوبی و بهجت).

۲. بنا بر احتیاط واجب، چیز پاک نجس می‌شود و باید آن را آب بکشند (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، اراکی، مکارم، صافی، نوری، وحید و شبیری).

۳. چیز پاک نجس می‌شود؛ ولی با برطرف شدن عین نجاست، پاک می‌شود و نیاز به تطهیر جداگانه ندارد (آیات عظام فاضل و تبریزی و سیستانی).

داخل کردن انگشت در فرج همسر

پرسش: اگر مرد انگشت خود را داخل فرج همسرش کند، انگشتش نجس می‌شود؟^۱

پاسخ: ۱. خیر، مگر آنکه وقتی دست را خارج می‌کند، آلوده به ادرار یا

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی التنجسات، مورد الثالث و فصل فی المطهرات، بخش العاشر من المطهرات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۳۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۵؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۹۷.





خون یا مدفوع یا منی باشد؛ اما اگر آلوده به رطوبت‌های دیگری غیر از این‌ها باشد، نجس نمی‌شود^۱ (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، گلپایگانی، فاضل، تبریزی، سیستانی، وحید و نوری).

۲. بنا بر احتیاط واجب، اگر در داخل بدن با نجاستی مانند خون ملاقات کند، نجس می‌شود؛ هرچند موقع بیرون آمدن آلوده نباشد. درباره آب دهان و بینی نیز هرگاه در داخل دهان و بینی با خون ملاقات کند، احتیاط، اجتناب است (آیات عظام مکارم و شبیری)

نمونه‌های مشکوک بین ظاهر و باطن

پرسش: به جایی که انسانی نمی‌داند از ظاهر بدن است یا باطن غیرمحض، چنانچه نجاستی برسد، وظیفه چیست؟^۲

پاسخ: ۱. لازم نیست آن را آب بکشند؛ اگرچه آب کشیدن احوط است (حضرت امام و آیات عظام فاضل و نوری).

۲. باید آن را آب بکشند (آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، شبیری و مکارم).

۳. بنا بر احتیاط واجب باید آن را آب بکشد (آیات عظام گلپایگانی و صافی و وحید).

۴. اگر با نجاست خارجی ملاقات کند، لازم است آن را آب بکشد و چنانچه با نجاست داخلی برخورد کند، آب کشیدن آن لازم نیست (آیت‌الله سیستانی).

محل انطباق دو لب و محل انطباق پلک‌های چشم

پرسش: محل انطباق دو لب و همچنین محل انطباق پلک‌های چشم

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۳۴۵: «در باره وجوب غسل جنابت، فقط دخول تمام الحشفه یا خروج منی موجب غسل می‌شود و دخول انگشت موجب غسل جنابت نمی‌شود.»
۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۱۸: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۲۴.





از ظاهر بدن است یا از باطن آن؟^۱

پاسخ: ۱. جزو باطن بدن محسوب می‌شود. آنچه در حال روی هم گذاشتن دو لب و چشم‌ها دیده می‌شود، از ظاهر بدن است و آنچه دیده نمی‌شود، از باطن است. پس چنانچه با نجاست خارجی ملاقات کند، آب‌کشیدن آن لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام اراکی، سیستانی و نوری).

۲. بنابر احتیاط واجب از باطن بدن حساب نمی‌شود؛ بنابراین اگر با نجاست خارجی ملاقات کند، بنابر احتیاط واجب نجس می‌شود و آب‌کشیدن آن لازم است (آیات عظام گلپایگانی، فاضل، مکارم، صافی و وحید).

۳. از باطن بدن حساب نمی‌شود؛ بنابراین اگر با نجاست خارجی ملاقات کند، نجس می‌شود و آب‌کشیدن آن لازم است. (آیات عظام خوبی و تبریزی و شبیری).^۲

شرط دوم برای نجس شدن اشیاء: قابلیت تأثر

معنای قابلیت تأثر

پرسش: منظور از قابلیت تأثر که آن را یکی از شروط نجس شدن چیز پاک شمرده‌اند، چیست؟^۳

پاسخ: منظور این است که هردو یا یکی از آن‌ها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد و انسان به آسانی آثار تری را ببیند (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپهرات، مورد العاشر، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۱۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۲۴.
۲. آیات عظام خونی رحمته و گلپایگانی رحمته در حاشیه عروة الوثقی آن‌ها را جزو باطن بدن شمرده‌اند.
۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۵؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۹۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۶؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۴۰.





رطوبت کم

پرسش: اگر چیز پاک به چیز نجس برخورد کند، ولی تری در آن‌ها به قدری کم است که دیگری را تر نمی‌کند، آیا این برخورد موجب نجس شدن چیز پاک می‌شود؟^۱

پاسخ: خیر، این برخورد موجب نجس شدن چیز پاک نمی‌شود؛ اگرچه آن چیز پاک به عین نجس برسد^۲ (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس نشدن چیز پاک به واسطه نفوذ نیم نجس

پرسش: اگر نم و رطوبتی از چیز نجس که رطوبتی کم دارد و سرایت‌ناشدنی است به چیز پاک منتقل شود، موجب نجس شدن آن می‌شود؟^۳

پاسخ: خیر، اگرچه که آن شیء پاک به واسطه آن رطوبت، سنگین‌تر شده باشد، باز هم نجس نمی‌شود. برای مثال زمینی که نجس بوده است و روی آن لحاف گذاشته‌ایم و لحاف نم کشیده و سنگین شده است یا دیوار دستشویی و توالت که مثلاً حدود یک متر نم کشیده است، هیچ‌کدام به واسطه نفوذ نیم، نجس نمی‌شوند^۴ (آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل، بهجت، سیستانی و وحید).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۶.

۲. عین متن شده از حضرت امام علیه السلام در این باره به شرح زیر است: «سؤال: در مقداری شکر نم‌دار که خیس نبوده [است] و خشک هم نیست، ولی رطوبت آن با دست حس می‌شود، تعدادی فضله موش دیده شده که به بعضی از فضله‌ها شکر چسبیده است، آیا این شکر نجس است یا خیر؟ جواب: اگر شک در سرایت نجاست به شکر باشد، محکوم به طهارت است. (سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱، ص ۱۰۶، سؤال ۲۸۰).

۳. سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۱؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۱؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۱؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۱؛ محمد فاضل لنگرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۶۱۶۰؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۲۹.

۴. سیدتقی طباطبایی قمی، مبانی منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۷۷، ذیل مسئله ۳۷۹: «فرق بین الرطوبة و النداءة و لا یخفی أن الکلام فی المقام لیس ذاتاً مدار الدقة الفلسفیه بل یدور مدار الفهم العرفی فان الرطوبة المسریة ما یتكون مستقلاً بالوجود و یتكون حاملاً للنجاسة و ناقلاً ایها من محل إلى محل آخر و أما النداءة التي یعبر عنها فی الفارسیة (نم) فلا تكون مستقلة بالوجود بل تكون من عوارض الجسم و لا تكون مسریة فلا یضر انتقالها من النجس إلى الطاهر و لا یوجب نجاسة الملاقی.»





نجس نشدن فرش خشک به وسیله گرد و خاک نجس

پرسش: اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش خشک و مانند این‌ها بنشینند، شستن آن لباس یا فرش لازم است؟^۱

پاسخ: چنانچه آن‌ها را طوری تکان دهند که گرد و خاک نجس از آن‌ها بریزد، پاک است و شستنش لازم نیست (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس نشدن چیز پاک خشک به واسطه برخورد با میت خشک

پرسش: آیا قابلیت تأثر در ملاقی مرده انسانی که هنوز سه غسلش تمام نشده است، لازم است؟ یعنی اگر قبل از اینکه سه غسل میت تمام شود، چیزی با بدنش برخورد کند، درحالی‌که هردوی آن‌ها خشک باشند، اجتناب از آن چیز لازم است؟^۲

پاسخ: ۱. خیر، اجتناب لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی، سیستانی و وحید).

۲. بله، بنابر احتیاط واجب اجتناب شود (آیت‌الله مکارم).

برخورد جیوه با چیز نجس خشک

پرسش: اگر جیوه با چیز نجس خشک برخورد کند، نجس می‌شود؟^۳

پاسخ: خیر، چون برای نجس شدن چیز پاک، تَر بودن یکی از دو طرف،

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۱۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۲۵.
 ۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، بخش الرابع: المیته، مسئله ۱۰ و فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، مسئله ۳۲۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، ص ۳۲، فصل چهارم: احکام نجاسات، سؤال ۲۴.
 ۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات، مسئله ۸؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۲۶.





لازم است و فقط این علت که جیوه مایع است، موجب نجس شدن آن نمی‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).

طلا یا نقره آب شده در ظرف خشک نجس

پرسش: اگر طلا یا نقره یا فلزات دیگر را در ظرف نجس آب کنند یا چیز نجس خشک با آن‌ها برخورد داشته باشد، آیا آن‌ها نجس می‌شوند؟
پاسخ: خیر، چون برای نجس شدن، تَر بودن یکی از دو طرف، لازم است و فقط اینکه فلز ذوب شده مایع است، موجب نجس شدن آن نمی‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).

نجاست مگس و حشرات دیگر

پرسش: اگر مگس یا حیوانی مانند آن، روی چیز نجسی که تَر است، بنشیند و بعد روی چیز پاک که آن هم تَر است بنشیند، آیا آن چیز پاک، نجس می‌شود؟
پاسخ: ۱. چنانچه انسان بداند که نجاست همراه آن حیوان بوده است، چیز پاک نجس می‌شود و اگر نداند پاک است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی، سیستانی، مکارم و وحید).

۲. چون احتمال دارد که پای این حشرات رطوبتی به خود نگیرد، آن چیز پاک، نجس نمی‌شود. اما اگر شخص بداند آن حشره نجاستی را با خود حمل کرده است، چنانچه یقین یا اطمینان دارد که هنگام نشستن بر روی چیز پاک، نجاستش از بین رفته است، آن چیز نجس می‌شود؛

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات، مسئله ۸؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۵؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۰؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۰؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۰؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۱۰.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۳۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۱.





حتی اگر چنین یقین یا اطمینانی هم ندارد، آن چیز بنا بر احتیاط واجب، نجس می‌شود (آیت‌الله مکارم).

۳. چنانچه شخص یقین یا اطمینان دارد که هنگام نشستن بر روی چیز پاک، نجاستش از بین نرفته است، آن چیز نجس می‌شود. حتی اگر چنین یقین یا اطمینانی هم ندارد، آن چیز بنا بر احتیاط واجب، نجس می‌شود. همچنین اگر مگس یا حیوانی مانند آن که به‌گونه‌ای تر است که تری آن به اشیاء دیگر می‌رسد، روی چیز نجسی بنشیند و بعد روی چیز پاکی بنشیند، چنانچه در هنگام نشستن بر روی چیز پاک ندانیم که تری آن به همان حالت سابق مانده یا تری آن از بین رفته است یا دیگر به‌اندازه‌ای نیست که سرایت کند، در این صورت نیز آن چیز پاک، بنا بر احتیاط واجب، نجس می‌شود (آیت‌الله شبیری).

یقین به وجود رطوبت مُسری و شک در زوال آن در هنگام ملاقات

پرسش: اگر چیز پاکی با چیز نجسی برخورد کند، در حالی که یقین داشته‌ایم یکی از آن‌ها به‌گونه‌ای تر بوده که تری آن به اشیاء دیگر سرایت می‌کرده است، اما شک داریم که در هنگام برخورد، تری آن به همان حالت سابق مانده یا تری آن از بین رفته است یا دیگر به‌اندازه‌ای نیست که سرایت کند، در این صورت آن چیز پاک نجس می‌شود؟^۱

پاسخ: ۱. آن چیز پاک نجس نمی‌شود؛ اگرچه احتیاط مستحب اجتناب از آن است^۲ (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خوبی، گلپایگانی،

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات، مسئله ۱؛ سیدموسی شبیری زنجانی، المسائل الشرعیة، فصل فی کیفیت تنجس الاشیاء الطاهرة، مسئله ۱۲۷.

۲. نک: سیدابوالقاسم خوبی، موسوعة، ج ۳، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات، مسئله ۱؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی [مع تعلیقه المکارم]، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات، اقتباس از مسئله ۲: «مراجعی که فرموده‌اند نجس نمی‌شود، شاید به این دلیل است که موضوع حکم به نجاست را سرایت می‌دانند و اصل مثبت را هم حجت نمی‌دانند؛ در نتیجه حکم به عدم تنجس کرده‌اند، چرا که با استصحاب تری، موضوع نجاست که سرایت باشد، ثابت نمی‌شود و تنها تری بودن اثبات می‌شود که اگر بعد از آن بخواهیم سرایت را هم ثابت کنیم، اصل مثبت می‌شود که حجت ندارد. در مقابل مراجعی که فرموده اند نجس می‌شود، شاید به این خاطر است که موضوع حکم به نجاست را در اینجا، برخورد همراه با رطوبت می‌دانند، در نتیجه





فاضل، سیستانی، مکارم و نوری).

۲. بنابر احتیاط واجب، نجس می‌شود (آیت‌الله شبیری).

نجس شدن شیء جامد و سرایت نکردن نجاست به تمام نقاط آن

پرسش: چنانچه شیء پاکی که جامد است با چیز نجس یا متنجس برخورد کند و نجس شود، آیا تمام اجزای آن نجس می‌شود یا فقط آن قسمتی که با نجاست برخورد داشته است؟^۱

پاسخ: هر قسمتی که نجاست به آن برسد، نجس است و جاهای دیگر آن پاک است؛ اگرچه که تمام سطح آن جامد را رطوبت مُسری فرا گرفته باشد^۲ (تمام مراجع عظام تقلید).

سرایت نکردن نجاست موجود در زمین یا پارچه یا بدن خیس

نجس شده، به جاهای دیگر آن

پرسش: اگر زمین یا پارچه یا بدن و مانند این‌ها، خیس باشند و نجاستی به بخشی از آن‌ها برسد، آیا با این برخورد تمام اجزای آن‌ها نجس می‌شود؟^۳

پاسخ: خیر، فقط قسمتی که با نجاست برخورد داشته است، نجس است و مابقی آن پاک است؛ اگرچه تمام سطح آن را رطوبت مُسری فرا گرفته باشد؛

با استصحاب تری، موضوع حکم به نجاست، یعنی برخورد همراه تری محقق می‌شود و لامحاله، آن شیء نجس می‌شود یا آنکه اگر موضوع حکم به نجاست را سرایت می‌دانند، از دیدگاه آنان چون واسطه در نظر عرف خیلی خفیف است، پس این گونه استصحاب حجت است.

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۸ و ۱۳۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۹ و ۱۳۲.

۲. سیدنقی طباطبایی قمی، مبانی منهج الصالحین، ج ۲، ص ۲۷۸، ذیل مسئله ۳۸۱، پاورقی ۲: «رئما یتوهم أنه مع وجود الرطوبة المسریة تنتجس الاجزای جميعها بتقريب أنه اذا تنجس جزء من الجسم الجامد المرطوب برطوبة مسریة فینتجس الجزء الملاصق للموضع المتنجس و یتأثر کل جزء ملاصقة و هكذا فالنتیجة نجاسة جمیع الاجزای و یندفع أن المستفاد من النصوص أن موضوع النجاسة فی الجوامد عبارة عن الاصابة و لا اصابة إلا مع بعض الجامد و أما بقية الاجزای فلا يشملها الدلیل.»

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۸ و ۱۳۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۹ و ۱۳۲.





چراکه زمین و بدن و مانند این‌ها جامد هستند. اگر آن عرق نجس شده یا آن قطره نجس شده جریان پیدا کند و به جاهای دیگر برود یا آنکه یک لایه آب، مثلاً به اندازه یک سانتی‌متر، سطح زمین را فراگرفته باشد و آن آب موجب انتقال نجاست شود، در این صورت هر جایی که آن عرق یا قطره جریان پیدا کرده است یا آن لایه آب بوده است، نجس می‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن خیار و خربزه و مانند این‌ها و سرایت نکردن نجاست به تمام نقاط آن‌ها

پرسش: اگر به قسمتی از خیار و خربزه و مانند این‌ها نجاستی برخورد کند، با این برخورد، تمام اجزایش نجس می‌شوند؟^۱

پاسخ: چون خیار و خربزه و مانند این‌ها از جوامد حساب می‌شوند؛ بنابراین هر قسمتی که نجاست به آن برسد، نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است؛ مگر آنکه آن رطوبت نجس شده جریان پیدا کند و به جاهای دیگر برود که در این صورت هر جایی که آن رطوبت جریان پیدا کرده است، نجس می‌شود (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن مایع غلیظ و سرایت نکردن نجاست به تمام نقاط آن

پرسش: چنانچه مایع غلیظی^۲ با چیز نجس یا متنجس برخورد کند و نجس شود، آیا تمام اجزای آن نجس می‌شود یا فقط آن قسمتی که با نجاست برخورد داشته است، نجس است؟^۳

پاسخ: چنانچه مایع غلیظی با چیز نجس یا متنجس برخورد کند و نجس

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات و مسئله ۴ همان بخش؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۹.

۲. مقصود از غلیظ این است که اگر مقداری از آن بردارند، جایش خالی بماند؛ هر چند بعداً پر شود.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۹ و ۱۳۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۰ و ۱۳۳.





شود، فقط جایی که نجاست به آن رسیده است، نجس می‌شود و مابقی اجزای آن پاک است (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن مایع رقیقِ مضاف و سرایت نجاست به تمام نقاط آن

پرسش: اگر مایع رقیقِ مضافی مثل شیر و گلاب و مانند این‌ها با چیز نجس یا متنجس برخورد کند و نجس شود، آیا تمام اجزای آن نجس می‌شود یا فقط آن قسمتی که با نجاست برخورد داشته است، نجس است؟^۱

پاسخ:

الف. مایع مضافی که مقدارش خیلی زیاد است، مثل چاه نفت یا تانکرهای بزرگ شیر و مانند آن‌ها

۱. تمام آن نجس است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، گلپایگانی، خوبی، اراکی، تبریزی، سیستانی و نوری).

۲. فقط قسمت ملاقی و اطراف آن نجس است و بقیه نجس نمی‌شود (آیت‌الله مکارم).

۳. نجس شدن کل مایع، محل تأمل است (آیات عظام صافی و وحید).

۴. اگر مایع مضاف به قدر کُر باشد، بنابر احتیاط، از آن اجتناب شود (آیت‌الله شبیری).

ب. مایع مضافی که مقدارش خیلی زیاد نیست

۱. همین‌که یک نقطه از این‌گونه مایعات نجس شود، تمام آن نجس می‌شود؛ مگر از بالا با فشار روی چیز نجس ریخته شود که در این صورت فقط مقداری که به آن چیز می‌رسد نجس و هرچه بالاتر از آن است، پاک است و همچنین اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد، پایین نجس نمی‌شود و اگر نجاست به پایین برسد،

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۴۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۴۸.





بالا نیز نجس می‌شود (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، صافی، سیستانی، مکارم، نوری و شبیری).

۲. آب مضاف چه قلیل و چه کثیر، با ملاقات نجس، نجس می‌شود؛ هرچند عموم حکم نسبت به بعضی از مراتب کثرت محلّ اشکال است؛ ولی چنانچه با فشار با نجس ملاقات کند، مقداری که به چیز نجس رسیده است، نجس و مقداری که نرسیده پاک است. مثلاً اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده است نجس و آنچه به دست نرسیده است، پاک است (آیت‌الله وحید).

۳. این‌گونه مایعات، همین‌که یک نقطه از آن نجس شود، تمام آن نجس می‌شود؛ مگر از بالا با فشار روی چیز نجس ریخته شود که در این صورت فقط مقداری که به آن چیز می‌رسد نجس می‌شود و هرچه بالاتر از آن است، پاک است. همچنین اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد، پایین نجس نمی‌شود و اگر نجاست به پایین برسد، بالا نیز نجس می‌شود. بلکه در بعضی از مواقع که آب مضاف جریان دارد، اگر قسمت آخر آب، نجس شود، نجس شدن قسمت اول آن خالی از تأمل نیست؛ اگرچه سطح اول و آخر آب یکی باشد و از بالا به پایین جریان نداشته باشد، در صورتی که عرفاً به سبب ملاقات، تأثر و انفعال حاصل نشود؛ بلکه نجس نشدن قسمت اول، خالی از وجه نیست (آیت‌الله بهجت).

سرایت نجاست در شیره و روغن نجس شده

پرسش: اگر به قسمتی از شیره یا ماست یا روغن یا مانند این‌ها نجاستی برخورد کند، آیا تمام اجزای آن‌ها با این برخورد نجس می‌شوند؟^۱

پاسخ: چنانچه آن شیره یا ماست یا روغن یا مانند این‌ها رقیق باشند، یعنی

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت نجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۰.





طوری باشند که جای آن در موقع برداشتن خالی نمی ماند و فوراً پُر می شود، همین که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن نجس می شود. ولی اگر غلیظ باشند، یعنی طوری باشند که جای آن در موقع برداشتن خالی می ماند و فوراً پُر نمی شود، فقط جایی که نجاست به آن رسیده نجس است و نجاست به جاهای دیگر آن سرایت نمی کند (تمام مراجع عظام تقلید).

اخلاط بینی آغشته به خون و سرایت نکردن نجاست به جاهای پاک آن پرسش: گاهی اخلاطی از بینی یا گلو می آید که آغشته به خون است، آیا فقط همان قسمت خونی آن ها نجس است یا آنکه نجاست از خون به تمام قسمت اخلاط سرایت می کند؟^۱

پاسخ: اگر آن اخلاط غلیظ باشد و نقطه ای از آن خون داشته باشد، همان نقطه نجس است و نجاست به جاهای دیگر آن سرایت نمی کند؛ ولی اگر روان باشد، همه نجس می شود (تمام مراجع عظام تقلید).

افتادن خون خشک روی کف شیر و سرایت نجاست به شیر

پرسش: اگر بر روی کف هایی که روی شیر قرار دارد، خون خشک شده ای بیفتد، نجاست از کف، به شیر سرایت می کند و شیر نجس می شود؟^۲

پاسخ: ۱. بنا بر احتیاط واجب، نجاست از کف به شیر سرایت می کند و شیر نجس می شود (آیت الله بهجت).

۲. نجاست از کف، به شیر سرایت می کند و شیر نجس می شود؛ مگر اینکه آن خون و کف اطراف آن را طوری بردارند که با شیر تماس پیدا نکند، به نحوی که پس از برداشتن آن باز هم روی شیر کف باشد (آیت الله فاضل).

۱. سید محمد کاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات: سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۳۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۳.
۲. محمدمتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۲۴؛ محمد فاضل لنگرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۶۹.





نجس شدن آب جاری و سرایت نکردن نجاست به تمام آن پرسش: اگر نجاستی به آب جاری برسد، آیا تمام آب جاری را نجس می‌کند؟^۱

پاسخ: آن مقداری که بو یا رنگ یا مزه‌اش به واسطه نجاست تغییر کرده است، نجس است و طرفی که متصل به چشمه است، اگرچه کمتر از کُر باشد، پاک است. آب‌های دیگر نهر، اگر به اندازه کُر باشد یا به واسطه آبی که تغییر نکرده است، به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک، وگرنه نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن آب چشمه و سرایت نکردن نجاست به قسمت‌های پاک آن پرسش: اگر نجاستی به آب چشمه برسد، تمام آب چشمه را نجس می‌کند؟^۲

پاسخ: ۱. چنانچه به آب چشمه‌ای که کمتر از کُر است و جاری نیست، ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد؛ نجاستی برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده است، پاک است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی، مکارم، شبیری و وحید).

۲. آب چشمه‌ای که کمتر از کُر است و جاری نیست، ولی طوری است که اگر از آن بردارند، باز هم می‌جوشد، به محض برخورد با نجاست، تمام آن نجس می‌شود؛ اگرچه بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده باشد (آیت‌الله سیستانی).

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۳۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۳۰.
۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۳۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۳۱.





نجس شدن آب باران و سرایت نکردن نجاست به قسمت های پاک آن پرسش: اگر باران به عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند یا آب باران در گودالی جمع شود، درحالی که کمتر از گُر است و نجاستی به آن برسد، آیا آن قطرات ترشح شده یا تمام آن آب موجود در گودال نجس است؟^۱

پاسخ: ۱. اگر باران به عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند، آن قطرات ترشح شده، پاک است؛ مگر آنکه عین نجاست همراه آن قطره ها باشد یا آنکه بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشند که در این دو صورت نجس هستند. همچنین اگر آب باران در گودالی جمع شود و کمتر از گُر باشد، چنانچه به آن نجاستی برسد، تا زمانی که باران می بارد، با برخورد به نجاست نجس نمی شود؛ مگر بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر کند که در این صورت فقط همان قسمت های تغییر کرده نجس است و مابقی پاک است. اما چنانچه بعد از قطع شدن باران، نجاست به آن برسد، تمام آن نجس می شود (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی، سیستانی، وحید و شبیری).

۲. اگر باران به عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند، احتیاط واجب، اجتناب از آن هاست. همچنین اگر آب باران در گودالی جمع شود و کمتر از گُر باشد، چنانچه نجاستی به آن برسد، تا زمانی که باران می بارد، با برخورد به نجاست نجس نمی شود؛ مگر بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر کند که در این صورت فقط همان قسمت های تغییر کرده نجس است و مابقی پاک است. اما چنانچه بعد از قطع شدن باران، نجاست به آن برسد، تمام آن نجس می شود (آیت الله مکارم).

۱. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۳۸ و ۴۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۳۸ و ۴۲.





نجس شدن آب گُرو سرایت نکردن نجاست به قسمت های پاک آن پرسش: آیا تمام اجزای آب گُر با برخورد به نجاست، نجس می شود؟
پاسخ: هیچ قسمت از آب گُر با برخورد به نجاست نجس نمی شود؛ مگر آنکه به واسطهٔ عین نجس،^۲ بو یا رنگ یا مزهٔ آب تغییر کند که در این صورت اگر قسمت هایی که تغییر نکرده است به اندازهٔ گُر باشد، فقط همان قسمت تغییر کرده، نجس است و مابقی آب گُر، پاک است؛ اما اگر قسمت هایی که تغییر نکرده است به اندازهٔ گُر نباشد، تمام آب نجس است (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن آب قلیل و سرایت نجاست به قسمت های پاک آن پرسش: آیا تمام اجزای آب قلیل با برخورد به نجاست نجس می شود؟^۳
پاسخ: به نوع فتوا یا احتیاط واجب، تمام اجزای آب قلیل با برخورد به نجاست نجس می شود؛ مگر از بالا با فشار روی چیز نجس ریخته شود که در این صورت فقط مقداری که به آن چیز می رسد نجس و هرچه بالاتر از آن است، پاک است و همچنین اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد، پایین نجس نمی شود و اگر نجاست به پایین برسد، بالا نیز نجس می شود (تمام مراجع عظام تقلید).

غسالهٔ آب قلیل در غیر استنجاء

پرسش: غسالهٔ آب قلیل، یعنی آبی که در وقت شستن چیز نجس یا متنجس، از آن جدا می شود، چه حکمی دارد؟^۴

۱. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۹.
۲. اگر بو یا رنگ یا طعم آب به واسطهٔ غیر نجاست تغییر کند، تا وقتی که مضاف نشده است، نجس نمی شود. (نک: سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۸).
۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۶.
۴. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۷.





پاسخ:

- الف. آب قلیلی که روی عین نجاست ریخته و از آن جدا می‌شود
۱. نجس است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، صافی، مکارم، وحید، شبیری).
 ۲. بنا بر احتیاط واجب نجس است (آیت الله سیستانی).

ب. آب قلیلی که روی چیز متنجس که عین نجاست ندارد، ریخته و از آن جدا می‌شود

۱. نجس است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، فاضل، مکارم و نوری).
۲. بنا بر احتیاط واجب نجس است (آیات عظام بهجت و شبیری و وحید).

۳. چنانچه بعد از شستن، محل پاک نشود، غسل‌های آن نیز نجس است؛ اما اگر بعد از شستن، محل پاک شود، در این صورت بنا بر احتیاط واجب نجس است (آیت الله سیستانی).

۴. در صورتی که بعد از شستن، محل پاک شود، پاک است (آیات عظام خویی، تبریزی، گلپایگانی و صافی).

غساله آب قلیل در استنجاء

پرسش: آب قلیلی که هنگام تطهیر مخرج بول و غائط از محل جدا می‌شود، پاک است؟^۲

پاسخ: مراجع عظام تقلید فرموده‌اند که اگر همه نکات زیر موجود

۱. اما چیزی که دو مرتبه شستن آن لازم است، اجتناب از غسل شستن اول بنا بر احتیاط واجب، لازم است (آیات عظام خویی رحمته الله علیه و تبریزی رحمته الله علیه).

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الماء المستعمل فی رفع الحدث الاکبر و الاصغر، مسئله ۱ و ۸ و ۱۰؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۷؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۸؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۶۴؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۶۴؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۶۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۶۴.





باشد، آب‌های ترشح‌شده پاک است؛^۱

۱. آب‌های ترشح‌شده بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشند؛
۲. ذره‌های غائط در آب‌های ترشح‌شده موجود نباشد؛^۳ نجاست دیگری مثل خون، با بول یا غائط بیرون نیامده باشد؛^۴ نجاستی از خارج به ادرار یا مدفوع نرسیده باشد؛^۵ بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

برخی از اموری که در طهارت آب استنجا^۲ شرط نیست

تقدم آب ریختن

پرسش: برای طهارت آب استنجا لازم است اول آب بریزد بعد دست بکشد؟^۳

پاسخ: خیر، برای طهارت آب استنجا فرقی نمی‌کند که اول آب بریزد، بعد دست بمالد یا اول دست بمالد و بعد آب بریزد (حضرت امام و آیات عظام خوبی، فاضل، گلپایگانی، اراکی، مکارم، سیستانی، نوری و صافی).

جداندن دست از محل

پرسش: اگر در هنگام تطهیر مخرج بول و غائط، دستی که به ادرار یا مدفوع نجس شده است را از محل جدا کند و دوباره همان دست نجس شده را به محل برساند، آب‌هایی که بعد از آن ترشح می‌شود، حکم آب استنجا را دارد؟^۴

۱. آیات عظام سیستانی و وحید خراسانی و مکارم شیرازی (حفظهم‌الله‌تعالی) می‌فرمایند: «غسالة استنجا حکم سایر غسل‌ها را دارد؛ اما اگر موارد پنج‌گانه موجود باشد، اجتناب از آن غسل لازم نیست و جایی را نجس نمی‌کند و پاک‌بودن این آب، به آن معنی است که اگر به بدن و لباس ترشح کند، لازم نیست آن را آب بکشند؛ اما سایر استفاده‌های آب پاک را مثل وضوگرفتن از آن نمی‌توان کرد.» (سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۲۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۶۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۶۴).

۲. آب استنجا آبی است که برای تطهیر مخرج بول و غائط استفاده می‌شود.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الماء المستعمل فی رفع الحدث الاکبر و الاصغر، مسئله ۳؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۶۵.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الماء المستعمل فی رفع الحدث الاکبر و الاصغر، مسئله ۴.





پاسخ: ۱. چنانچه همان حین، عود کند و فاصله زیادی نشده باشد، ضرر ندارد و الا آب‌هایی که بعد از آن ترشح می‌شود، حکم آب استنجا را ندارد (حضرت امام و آیات عظام خویی، فاضل، گلپایگانی و مکارم).
 ۲. چنانچه دستش را از محل تطهیر جدا نکرده باشد و فاصله زیادی هم نشده است، حکم آب استنجا را دارد (آیت‌الله سیستانی).

نبودن فرق میان غسله اول و دوم

پرسش: طبق نظر مراجعی که در تطهیر مخرج بول، دو بار شستن را لازم می‌دانند، آب‌های ترشح شده از محل مخرج بول در شستن بار اول که مخرج تطهیر نشده است نیز حکم آب استنجا را دارد؟^۱

پاسخ: بله، در پاک بودن آب استنجا، بین آب‌های ترشح شده در شستن بار اول و شستن بار دوم فرقی نیست (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، سیستانی و نوری).

شرط سوم برای نجس شدن اشیاء: متعدد نبودن واسطه‌ها

نجس‌کنندگی متنجس به طور مطلق

پرسش: چه متنجس‌هایی نجس‌کننده هستند؟^۲

پاسخ:

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الماء المستعمل فی رفع الحدث الاکبر و الاصغر، مسئله ۵.
 ۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت تنجس المتنجسات، مسئله ۱۱؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۵؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، مسئله ۴۱۵؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، مسئله ۴۱۵؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، مسئله ۴۱۵؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، مسئله ۴۱۵؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد صافی، ج ۱، مسئله ۵۷۵؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۸۳؛ سیدعلی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتانات، سؤال ۲۸۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷، سؤال ۸۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۵۱.





الف. متنجس اول، یعنی چیز پاکی که به واسطه برخورد با عین نجاست نجس شده است
نجس کننده است (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. متنجس دوم، یعنی چیز پاکی که به واسطه برخورد با متنجس اول نجس شده است

۱. بنابر احتیاط واجب، نجس کننده است (امام خامنه ای و آیت الله صافی).

۲. نجس کننده است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، نوری، سیستانی و مکارم).

۳. چنانچه متنجس دوم با آب قلیل یا مایعات دیگر برخورد داشته باشد، آن ها را نجس می کند؛ اما اگر با غیر مایعات برخورد کند، حکم به نجاست مشکل است و مراعات احتیاط به اجتناب از آن ترک نشود (آیات عظام خوئی و تبریزی و وحید).

ج. متنجس سوم، یعنی چیز پاکی که به واسطه برخورد با متنجس دوم نجس شده است و متنجس چهارم به بعد

۱. متنجس سوم نیز نجس کننده است؛ ولی متنجس چهارم با اینکه خودش نجس است، اشیاء دیگر را نجس نمی کند (حضرت امام).

۲. متنجس سوم با اینکه خودش نجس است؛ اشیاء دیگر را نجس نمی کند (امام خامنه ای و آیات عظام مکارم و سیستانی).

۳. متنجس سوم و چهارم و... همه نجس کننده هستند (آیات عظام

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱، ص ۱۱۳، سؤال ۳۰۲: «مرحوم امام در تحریر الوسيلة، جلد اول، بخش القول فی کیفیت التنجس بها، مسئله ۹ می فرماید: 'المتنجس منجس مع قلة الواسطة كالالتین و الثلاث و فیما زادت علی الأحوط و إن كان الأقرب مع كثرتها عدم التنجیس' و در استفتائی نیز فرموده اند: «واسطه چهارم نجس نمی کند. متن به این شرح است: 'یکی از مراجع در مسئله متنجس گفته اند که ملاقی سوم، از متنجس دوم نجس نمی شود و پاک است، می خواهم بدانم فتوای امام خمینی چیست و شرایط چگونه است؟ پاسخ: واسطه چهارم نجس نمی کند.'»





اراکى، گلپایگانی، بهجت و نوری).

۴. بنا بر احتیاط واجب، متنجس سوم و چهارم و... نجس کننده هستند (آیات عظام فاضل و صافی).^۱
۵. متنجس سوم نیز بنا بر احتیاط واجب نجس کننده است؛ ولی متنجس چهارم با اینکه خودش بنا بر احتیاط واجب نجس است؛ اشیاء دیگر را نجس نمی‌کند (آیت الله وحید).
۶. چنانچه متنجس دوم با آب قلیل یا مایعات دیگر برخورد داشته باشد، آن‌ها را نجس می‌کند؛ اما اگر با غیرمایعات برخورد کند، حکم به نجاست مشکل است و مراعات احتیاط به اجتناب از آن ترک نشود (آیات عظام خوئی و تبریزی).

مثالی برای تعدد واسطه

پرسش: تعدد واسطه را در قالب مثال توضیح دهید.^۲

پاسخ: در صورتی که دست راست (شیء پاک) به بول (عین نجس) برخورد کند، این ملاقات [بسته به نوع فتوا] موجب نجاست دست راست خواهد شد و چنانچه آن دست راست (متنجس اول) با رطوبت جدیدی^۳ با دست چپ (شیء پاک) ملاقات کند، این ملاقات موجب نجاست دست چپ خواهد شد [بسته به نوع فتوا یا احتیاط واجب] و اگر دست چپ (متنجس دوم) بعد از خشک شدن با لباس مرطوب (شیء پاک) ملاقات

۱. گفتنی است، مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در جامع المسائل [فارسی]، جلد اول، در پاسخ سؤال ۶۴ که از ایشان در این ارتباط پرسیده شده است که چیز نجس تا چند واسطه نجس کننده است؟ فرموده‌اند: «تا سه واسطه نجس کننده است.» آیت الله العظمی صافی گلپایگانی نیز در جامع الاحکام، جلد یک، صفحه ۴۵، در پاسخ سؤال ۱۲۹ که از ایشان در این ارتباط پرسیده شده است که متنجس چندم و بعد از آن دیگر نجس نمی‌کند؟ فرموده‌اند: «بمنظر حقیق متنجس، متنجس است و فرقی بین تعدد واسطه و عدم تعدد آن نیست.»

۲. سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۶.

۳. برای تحقق تعدد واسطه، لازم است که متنجس خشک شود و با رطوبت جدیدی با شیء پاک ملاقات کند و الا حکم همان متنجس قبلی را خواهد داشت.





- کند، [به نوع فتوا یا احتیاط واجب] لباس نیز نجس می‌شود؛ ولی اگر آن لباس (متنجس سوم) با چیز دیگری (شیء پاک) با رطوبت ملاقات کند، نسبت به نجاست آن چیز دیگر، فتاوی فقهاء به شرح زیر است:
۱. آن چیز دیگر پاک است (امام خامنه‌ای و آیات عظام مکارم و سیستانی).
 ۲. آن چیز دیگر (متنجس چهارم) نیز نجس است؛ ولی مابقی اشیاء را نجس نمی‌کند (حضرت امام).^۱
 ۳. آن چیز دیگر (متنجس چهارم) نیز بنا بر احتیاط واجب نجس است؛ ولی اشیاء دیگر را نجس نمی‌کند (آیت‌الله وحید).
 ۴. متنجس سوم و چهارم و... همه نجس‌کننده هستند (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، بهجت و نوری).
 ۵. متنجس سوم و چهارم و... بنا بر احتیاط واجب همه نجس‌کننده هستند (آیات عظام فاضل و صافی).^۲

جاری نشدن جمیع احکام نجس بر متنجس

پرسش: آیا جمیع احکام نجس درباره متنجس نیز جاری است؟^۳

پاسخ: ۱. بله، بنا بر احتیاط واجب، جاری می‌شود؛ به طور مثال، هرگاه ظرفی به ولوغ^۴ سگ نجس شود، واجب است آن را تعفیر (خاک‌مالی) کنند. همچنین اگر ظرف دیگری با ملاقات آن نجس شود یا آب ولوغ در

۱. حضرت امام علیه السلام در تحریر الوسيلة، جلد یک، بخش القول فی کیفیتة التنجس بها، مسئله ۹ می‌فرماید: «المتنجس متنجس مع قلة الوسطة کالاتین و الثلاث و فیما زادت علی الأحوط و إن کان الأقرب مع کثیرها عدم التنجس» و در استفتائی فرموده‌اند: «واسطه چهارم نجس نمی‌کند» متن و پاسخ آن به این شرح است: سؤال: «یکی از مراجع در مسئله متنجس گفته‌اند که ملاقی سوم از متنجس دوم نجس نمی‌شود و پاک است، می‌خواهم بدانم فتاوی امام خمینی علیه السلام چیست و شرایط چگونه است؟» جواب: «واسطه چهارم نجس نمی‌کند» (سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱، ص ۱۱۳، سؤال ۳۰۲).
 ۲. گفتنی است، مرحوم آیت‌الله‌المطمی فاضل لنکرانی، در جامع المسائل [فارسی]، جلد یک، در پاسخ سؤال ۶۴ که از ایشان در این ارتباط شده است که چیز نجس تا چند واسطه نجس‌کننده است؟ فرموده‌اند: «تا سه واسطه نجس‌کننده است.» و آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی نیز در جامع الاحکام، جلد یک، صفحه ۴۵، در پاسخ به سؤال ۱۳۹ که از ایشان در این ارتباط شده است که متنجس چندم و بعد از آن دیگر نجس نمی‌کند؟ فرموده‌اند: «به‌نظر حقیر، متنجس متنجس است و فرقی بین تعدد واسطه و عدم تعدد آن نیست.»

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، المروة الوقتی، ج ۱، فصل فی کیفیتة تنجس المتنجسات، مسئله ۱۱.
 ۴. ولوغ یعنی آب‌خوردن سگ با اطراف زبان از ظرف.





ظرف دیگری ریخته شود، در تطهیر ظرف دوم نیز بنا بر احتیاط واجب، خاک مالی کردن لازم است (حضرت امام).

۲. خیر، جاری نمی‌شود؛ به طور مثال، هرگاه ظرف با ولوغ سگ نجس شود، واجب است آن را خاک مالی کنند؛ اما اگر ظرف دیگری به ملاقات آن نجس شود یا آب ولوغ در ظرف دیگری ریخته شود، در تطهیر ظرف دوم، خاک مالی کردن واجب نیست؛ اگرچه احوط است، به خصوص در فرض دوم (آب ولوغ). همچنین اگر جامه به بول نجس شده باشد، طبق نظر برخی از مراجع در شستن آن، تعدد واجب است؛ اما اگر جامه دیگری با ملاقات با آن نجس شود، تعدد واجب نیست و بنا بر نجاست غسله، همچنین است اگر به غسله بول نجس شود (آیت الله خویی).

۳. خیر، جاری نمی‌شود؛ مگر در آب ولوغ که چنانچه آب ولوغ در ظرف دیگری ریخته شود، در تطهیر ظرف دوم نیز خاک مالی کردن لازم است (آیت الله سیستانی).

۴. خیر، جاری نمی‌شود؛ مگر در آب ولوغ که بنا بر احتیاط واجب جاری می‌شود. بنابراین چنانچه آب ولوغ در ظرف دیگری ریخته شود، در تطهیر ظرف دوم، بنا بر احتیاط واجب، خاک مالی کردن لازم است (آیات عظام گلپایگانی، اراکی، مکارم و نوری).

۵. خیر، جاری نمی‌شود؛ مگر در آب ولوغ که اگر در ظرف دیگری ریخته شود، در تطهیر ظرف دوم، خاک مالی کردن بنا بر احتیاط واجب لازم است (آیت الله فاضل).



فصل چہارم:

احکام نجاسات و متنجسات



معنای وجوب اجتناب از نجاسات

پرسش: فقها می‌فرمایند: «بر هر مسلمانی واجب است از نجاسات اجتناب و دوری کند.» منظور از این جمله چیست؟
پاسخ: منظور این است که خوردن و آشامیدن نجس، حرام است و باید از آن اجتناب کرد. در نماز و مثل آن نیز باید بدن و لباس شخص پاک باشد و با بدن نجس نماز نخواند (آیت‌الله تبریزی).

وظیفه مقلد در اختلاف فتوای مرجع زنده و فوت شده‌اش

پرسش: اگر کسی از مرجعی تقلید کند که چیزی را نجس نمی‌داند و مدتی این شخص از آن چیز استفاده کرده و اجتناب نمی‌کرده است بعد از وفات آن مجتهد، او از دیگری تقلید می‌کند که آن چیز را نجس می‌داند. آیا الان باید اشیاء قبلی را تطهیر کند؟^۲

پاسخ: در صورت تقلید از کسی که چیزی را نجس می‌داند، باید چیزهایی را که با آن نجس با رطوبت ملاقات کرده است، تطهیر کند (آیت‌الله صافی).

خوردن و آشامیدن عین نجس یا متنجس

پرسش: خوردن و آشامیدن عین نجس، مثل مردار و شراب یا چیز متنجس مثل غذای نجس شده، چه حکمی دارد؟^۳

پاسخ:

الف. برای شخص بالغ

خوردن و آشامیدن عین نجس مثل مردار و شراب یا چیز متنجس مثل

۱. جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۱۳۳.

۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، ص ۴۶، سؤال ۱۴۸.

۳. نک: سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳۳ و فصل فی صلاة القضاء، مسئله ۲۶: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۱: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۲: سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، مسئله ۷۳۶: جواد تبریزی، منهاج الصالحین، مسئله ۷۳۶: وحید خراسانی، منهاج الصالحین، مسئله ۷۳۶: سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، مسئله ۷۳۶.





غذای نجس شده برای اشخاص بالغ حرام است (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. برای طفل

اگر خود طفل، یکی از نجاسات مثل مردار و شراب یا غذای نجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، برای او حرمتی نیست؛ چون تکلیفی ندارد. حکم مراجع در جلوگیری کردن و بازداشتن او از این کار یا خوراندن نجس به او عبارت‌اند از:

۱. خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد، حرام است. اگر ضرری هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب، باید از آن خودداری کنند. ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده است به طفل حرام نیست (حضرت امام و آیت‌الله بهجت).

۲. خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد، حرام است. اگر ضرری هم نداشته باشد، باید از آن خودداری کنند؛ ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده است به طفل حرام نیست (آیت‌الله نوری).

۳. خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد، حرام است. اگر ضرری هم نداشته باشد، باید از آن خودداری کنند و بنابر احتیاط واجب از خوراندن غذاهایی که نجس شده است به طفل اجتناب کنند (آیت‌الله اراکی).

۴. خوراندن عین نجس، مانند مسکرات، به اطفال حرام است و بنابر احتیاط واجب باید از خوراندن غذایی که نجس شده است به اطفال نیز خودداری کرد؛ اما خوراندن آنچه بر اثر نجس بودن دست خود آن‌ها نجس می‌شود، اشکال ندارد (آیت‌الله مکارم).

۵. چنانچه آن چیزی که طفل می‌خورد مست‌کننده یا مضر باشد، باید طفل را از خوردن یا آشامیدن آن منع کنند؛ در غیر این دو صورت بین خوردن عین نجس یا متنجس فرق است. اگر طفل عین نجس را





بخورد، باید طفل را از خوردن و آشامیدن آن منع کنند و اگر طفل متنجس را بخورد، جلوگیری لازم نیست (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۶. چنانچه آن چیزی که طفل می‌خورد مست‌کننده یا مضر باشد، باید طفل را از خوردن یا آشامیدن آن منع کنند؛ همچنین بنابر احتیاط واجب اگر ترس آن برود که به واسطه جلوگیری نکردن و تکرار خوردن آن نجاست توسط طفل، این امر برای طفل عادت شود، طوری که بعد از بلوغ نیز آن را انجام دهد، باز هم طفل را منع کنند (آیت‌الله تبریزی).

۷. بر ولی او لازم نیست از وی جلوگیری کند؛ مگر آنکه آن چیزی که طفل می‌خورد از چیزهایی مثل شراب باشد که خود عمل، مبعوضت دارد (ناپسند خدای متعال است) یا آن چیزی که طفل می‌خورد، ضرر خیلی زیادی بر او وارد می‌کند که در این دو صورت بر ولی او لازم است از وی جلوگیری کند. همچنین خوراندن چیز مضر و چیز مست‌کننده به طفل یا دیوانه حرام است (آیات عظام خوبی، سیستانی، وحید و شبیری).

۸. اگر آنچه که طفل می‌خورد از متنجسات باشد، مثلاً طفل غذای نجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، جلوگیری از او لازم نیست؛ اما اگر آنچه که طفل می‌خورد عین یکی از نجاسات باشد، باید طفل را از خوردن و آشامیدن عین نجس منع کنند (آیت‌الله فاضل).

جواز خوردن غذای مشکوک به نجاست

پرسش: طبق تأیید و اجازه اداره کل روابط و همکاری‌های بین‌المللی وزارت ارشاد اسلامی، هتلی مجاز است برای برگزاری جشن‌های عروسی و مهمانی‌های اقلیت‌های مذهبی امکانات لازم را فراهم کند. این مراسم به‌طور دسته‌جمعی [با حضور خانم‌ها و آقایان به‌صورت مختلط] انجام می‌گیرد و هیچ‌یک از کارکنان مسلمان حق ورود به سالن مهمانی را ندارند. در این مهمانی‌ها، غذا روی میز و در ظروف بزرگی چیده می‌شود که همه





آن‌ها کارد و چنگال و ملاقه‌ای مخصوص برای برداشتن غذا و قراردادن در بشقاب‌های کوچک دارد. مهمانان نیز غذا را با قاشق و چنگال انفرادی میل می‌کنند و مجاز نیستند از قاشق و چنگالشان برای برداشتن غذا از ظروف اصلی بزرگ استفاده کنند. لازم به توضیح است که در این هتل، باقی‌مانده غذای بشقاب‌های مهمانان اعم از اقلیت‌های مذهبی یا مسلمانان را به‌لحاظ رعایت بهداشت عمومی دور می‌ریزند و برای کارکنان و احياناً سایر مهمانان، فقط از غذای باقی‌مانده در ظروف اصلی و بزرگ استفاده می‌کنند. با توجه به توضیحات بیان‌شده و عطف به این مطلب که کارکنان هتل همه مسلمان هستند و هیچ‌یک حق ورود به سالن برگزاری مهمانی‌های اقلیت‌های مذهبی را ندارند و از طرفی احتمال دارد مهمانان اقلیت‌های مذهبی، قاشق یا چنگالشان را در ظروف اصلی غذا وارد کنند، آیا می‌توان از باقی‌مانده غذای ظروف اصلی برای کارکنان یا احتمالاً سایر مهمانان مسلمان استفاده کرد یا خیر؟^۱

پاسخ: تا از حدّ احتمال تجاوز نکرده است، استفاده از باقی‌مانده غذای دیگران مانعی ندارد و علم به تماس مستقیم بدن آن‌ها با غذا، مضر است (تمام مراجع عظام تقلید).

جواز استفاده از مواد خوراکی کارخانجات بزرگ خارجی

پرسش: نان و شیر و سایر مواد خوراکی که در کارخانجات بزرگ به کمک ماشین تهیه یا آماده می‌شود، برای مصرف دانشجویان مقیم کشورهای غیرمسلمان که مجبور به استفاده از این مواد هستند، چه حکمی دارد؟ یقین به نجاست را در این باره چگونه باید احراز کرد؟^۲

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۰۵، سؤال ۷؛ نک: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۰۸، سؤال ۱۱؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲.





پاسخ: اگر به ملاقات چیز رطوبت دار با بدن کافر یقین پیدا نکنند، محکوم به طهارت است (تمام مراجع عظام تقلید).

رستوران های غیرمسلمانان

پرسش: در رستوران های کشورهای خارجی که آشپز و پیشخدمت های مسیحی دارند، خوردن غذاهای غیرگوشتی مثل سبزیجات و ماهی و تخم مرغ چه حکمی دارد؟^۱

پاسخ: اگر به ملاقات آن ها با رطوبت به بدن کافر یقین باشد، نجس است و نباید بخورید (تمام مراجع عظام تقلید).

پنیرهای تولید شده با پنیرمایه «رینت» در کشورهای خارجی

پرسش: پنیرهای تولید شده در کشورهای خارجی با پنیرمایه «رینت» مخلوط است. معلوم است که این ماده از شکم یک حیوان در می آید. در خارج از ایران که بودم، از این پنیرها استفاده نمی کردم؛ ولی در تابستان گذشته که در ایران بودم، دیدم که مردم در بازار از این پنیرهای وارداتی می خورند! آیا من هم می توانم از این پنیرها بخورم؟^۲

پاسخ: اگر معلوم نباشد که پنیرمایه «رینت» از حیوان حرام گوشت است و از خارج، تماس با نجس پیدا نکرده باشد، خوردن پنیری که از آن مخلوط است، مانعی ندارد (حضرت امام).

جواز استفاده از غذاهای مختلف کنسرو شده در کشورهای خارجی

پرسش: ما در آمریکا دانشجوی و مشغول تحصیل هستیم. مدتی است درباره بعضی از مسائل مربوط به نجاست و پاکی، سؤال هایی برایمان

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۰۸، سؤال ۱۲؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۲۲.
۲. سیدروح الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۰۸، سؤال ۱۳.





پیش آمده است که اکثر دانشجویان مسلمان این کشورها با آن‌ها مواجه‌اند. مثلاً غذاهای مختلفی به صورت کنسروی وجود دارند که احتیاج داریم روزانه از آن‌ها استفاده کنیم، از قبیل نان، کره، پنیر، لوبیا، ماهی یا رب گوجه‌فرنگی. دربارهٔ کنسرو لوبیا هم خودمان در کارخانهٔ آن کار کرده و شاهد بوده‌ایم که دست غیرمسلمان با لوبیا تماس پیدا می‌کند. آیا از استفادهٔ تمام این غذاها باید امتناع کنیم؟^۱

پاسخ: تمام چیزهای خوردنی، اعم از دربسته و درباز، تا زمانی که نجاستش ولو با تماس با کافر با رطوبت احراز نشود، محکوم به طهارت و حلیت است؛ مگر در اجزای حیوانی که در بلاد کفر محکوم به نجاست و حرمت است، مگر حلیت آن به وجهی ثابت شود (حضرت امام).

سبب شدن برای خوردن و آشامیدن چیزی با وجود شرط طهارت

پرسش: سبب شدن برای خوردن و آشامیدن یا استعمال چیز نجسی که طهارت در آن شرط واقعی است، چه حکمی دارد؟^۲

پاسخ: بنابر نوع فتوا یا احتیاط واجب^۳ جایز نیست^۴ (تمام مراجع عظام تقلید).

خورانیدن چیز نجس

پرسش: خورانیدن عین نجس یا غذایی که نجس شده است به دیگران چه حکمی دارد؟^۵

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۰۸، سؤال ۱۴.
۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳۲.
۳. برای مشخص شدن نمونه فتوا یا احتیاط واجب، به بحث اعلام نجاست از همین کتاب مراجعه شود.
۴. این مسئله مصادیق مختلفی دارد که برخی از آن‌ها به تفصیل بیان خواهد شد؛ مثل خرید و فروش خوراکی‌های نجس بدون اطلاع‌دادن به مشتری از نجاست آن‌ها یا مطلع‌شدن صاحب‌خانه از نجاست غذا، بدون آگاه‌کردن میهمان‌ها از نجاست آن یا خورانیدن چیز نجس به دیگران.
۵. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳۲ و ۳۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۱، حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۲.





پاسخ:

الف. خوراندن چیز نجس یا متنجس به افراد بالغ

۱. خوراندن چیز نجس یا متنجس به افراد بالغ حرام است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خویی، تبریزی، گلپایگانی، مکارم، سیستانی، وحید، صافی و نوری).

۲. در صورتی که آن چیز ضرر داشته یا مستکننده باشد یا چیزی باشد که حیوانی مانند موش در آن مرده است، هرچند ضرر نداشته باشد، حرام است؛ حتی بنا بر احتیاط واجب باید از خوراندن سایر اشیاء نجس یا متنجس نیز خودداری کرد (آیت الله شبیری).

ب. خوراندن عین نجس به اطفال

در صورتی که ضرر داشته باشد، حرام است؛ اما اگر ضرر نداشته باشد:

۱. بنا بر احتیاط واجب، باید از آن خودداری کنند (حضرت امام).
۲. حرام است و باید از آن خودداری کنند (آیات عظام اراکی، فاضل، گلپایگانی، بهجت، صافی، مکارم و نوری همدانی).
۳. چنانچه مستکننده باشد، حرام است؛ وگرنه اشکال ندارد (آیات عظام خویی و سیستانی و شبیری).

ج. خوراندن متنجس به اطفال

۱. اگر برای طفل ضرر نداشته باشد، ولی طفل می تواند غذای نجس به او بدهد (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، تبریزی، بهجت، گلپایگانی، صافی، شبیری، وحید، سیستانی و نوری).
۲. بنا بر احتیاط واجب باید از خوراندن غذایی که نجس شده است به اطفال نیز خودداری کرد (آیات عظام اراکی و مکارم).





اعلام نجاست

پرسش: اگر ببینیم کسی چیز نجس یا متنجسی را می خورد یا بالباس نجس نماز می خواند یا جایی از منزل او یا امثال آن نجس شده است، آیا واجب است به او اطلاع دهیم؟

پاسخ:

الف. ما سبب استفادة شخص از چیز نجس شده ایم

۱. اطلاع دادن در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرف های غذا لازم نیست (امام خامنه ای).

۲. چنانچه صاحبش آن چیز را در خوردن یا آشامیدن یا کاری که شرط آن پاکی و طهارت است، استعمال می کند، اعلام کردن لازم است (آیات عظام بهجت و نوری).

۳. چنانچه صاحبش آن چیز را در خوردن یا آشامیدن استعمال کند، مانند ظرف، واجب است نجس شدن آن را به او بگوییم؛ بلکه چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی و طهارت واقعی است، استعمال می کند، مثل وضو و غسل، در اینجا نیز بنا بر احتیاط لازم، واجب است نجس شدن آن را به او بگوییم؛ ولی اگر در کاری استعمال می کند که شرط آن طهارت ظاهری است، مثل لباس نمازگزار یا در کاری استعمال می کند که شرط آن طهارت نیست، مثل سوزاندن بنزین، در این نمونه ها گفتن به او واجب نیست (حضرت امام).

۴. لازم است که نجس بودن آن را به طرف بگوید، به دو شرط: اول آنکه، طرف در معرض آن باشد که در مخالفت تکلیف شرعی واقع شود، مثل اینکه او را در خوردن یا آشامیدن استعمال کند و اگر این چنین نباشد، لازم نیست بگوید. مثلاً نجس بودن لباسی را که طرف با آن نماز می خواند، لازم نیست به او بگوید؛ زیرا پاک بودن لباس شرط واقعی نیست. دوم آنکه،

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳۲ و ۳۵؛ سیدعلی خامنه ای، أجوبة الاستفتاءات، سؤال ۲۸۲؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۱۴۶ تا ۱۴۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۱۴۲ تا ۱۴۷، محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۲۴۷.





احتمال بدهد که طرف به گفته او ترتیب اثر دهد و اما اگر بداند که ترتیب اثر نمی‌دهد، گفتن لازم نیست (آیت‌الله سیستانی).

۵. اطلاع دادن نیز لازم نیست؛ مگر در صورتی که بداند گیرنده، آن را در خوردن و نماز و مانند آن استعمال می‌کند که احتیاط واجب، اعلام است (آیت‌الله مکارم).

۶. چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می‌کند، مانند لباس که با آن نماز می‌خواند، واجب است نجس شدن آن را به او بگوید؛ بلکه اگر در کاری هم که شرط آن پاکی است استعمال نمی‌کند، بنابراین احتیاط واجب باید نجس شدن آن را به او خبر دهد (آیت‌الله اراکی).

۷. چنانچه صاحبش آن چیز را در خوردن یا آشامیدن استعمال کند، مانند ظرف، واجب است نجس شدن آن را به او بگوید؛ اما مثل لباس، نجس شدن آن را لازم نیست بگوید؛ اگرچه بداند صاحبش با آن نماز می‌خواند. در صورتی که صاحبش بخواهد با لباس پاک واقعی نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که نجس بودنش را به او اطلاع دهد (آیت‌الله وحید).

۸. چنانچه صاحبش آن چیز را در خوردن یا آشامیدن یا کاری که شرط آن پاکی و طهارت واقعی است استعمال می‌کند، مثل وضو و غسل، احتیاط واجب آن است که نجس شدن آن را به او بگوید و اگر در کاری که شرط آن طهارت ظاهری است استعمال می‌کند، مثل لباس نمازگزار، گفتن به او واجب نیست؛ اگرچه مطابق با احتیاط است (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۹. چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی و طهارت واقعی است استعمال می‌کند، مثل وضو و غسل، باید نجس شدن آن را به او بگوید و اگر در کاری که شرط آن طهارت ظاهری است، استعمال می‌کند، مثل لباس نمازگزار، گفتن به او واجب نیست؛ اگرچه مطابق با احتیاط است (آیات عظام خوبی، فاضل، تبریزی و شبیری).





ب. ما سبب استفاده شخص از چیز نجس نشده ایم

اعلام واجب نیست؛ بنابراین اگر ما ببینیم کسی چیز نجسی را می خورد یا با لباس نجس نماز می خواند، لازم نیست به او بگوییم (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن عاریه

پرسش: اگر چیزی را که عاریه کرده ایم نجس شود، هنگام برگردان آن واجب است نجاست آن را به صاحبش بگوییم؟^۱

پاسخ: این مسئله داخل در این می شود که آیا ما می توانیم نجاست یک چیز را در حالی که خودمان سبب آن شده ایم به دیگران اطلاع ندهیم و به واسطه گفتن ما دیگران از چیز نجس استفاده کنند یا خیر که توضیح آن همراه با اختلاف فتاوی آن در بحث اعلام نجاست بیان شد (تمام مراجع عظام تقلید).

نجس شدن لباس یا چیز دیگر کسی که وارد خانه ما می شود

پرسش: اگر جایی از خانه یا فرش ما نجس باشد و ببینیم بدن یا لباس یا چیز دیگر کسی که وارد خانه ما می شود با رطوبت به جای نجس رسیده است، آیا واجب است به او بگوییم؟^۲

پاسخ: ۱. لازم نیست به آنان بگوییم (حضرت امام و آیات عظام فاضل، صافی و نوری).

۲. بنابر احتیاط واجب باید به آنان بگوییم (آیات عظام اراکی و گلپایگانی و مکارم).

۳. لازم نیست به آنان بگوییم؛ مگر در صورتی که ما برای این امر سببی باشیم و در معرض این باشد که نجاست به ما کول و مشروب سرایت کند

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳۲ و ۳۵؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۷.
۲. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۵.





که در اینجا باید به آنان بگوییم (آیات عظام خویی و تبریزی^۱ و وحید).
۴. لازم نیست به او بگوییم؛ مگر اینکه با او طوری معاشرت داشته باشیم که اگر نگوییم، لوازم مشترک بین ما و او نجس خواهد شد (آیت الله بهجت).
۵. به دو شرط لازم است که نجس بودن آن را به طرف [مقابل] بگوییم: اول آنکه، طرف در معرض آن باشد که در مخالفت تکلیف شرعی واقع شود؛ مثل اینکه او را در خوردن یا آشامیدن استعمال کند و اگر این چنین نباشد، لازم نیست بگوید. مثلاً نجس بودن لباسی را که طرف با آن نماز می خواند، لازم نیست به او بگوید؛ زیرا پاک بودن لباس، شرط واقعی نیست. دوم آنکه، احتمال بدهد که طرف به گفته او ترتیب اثر دهد؛ اما اگر بداند که ترتیب اثر نمی دهد، گفتن لازم نیست (آیت الله سیستانی).
۶. به چهار شرط لازم است به آنان بگوییم: شرط اول آنکه، ما آن ها را دعوت کرده باشیم یا در مجالسی چون مجلس روضه دعوت عمومی شده باشند. پس اگر کسی بدون دعوت ما وارد شود، بر ما لازم نیست نجس شدن لباس یا بدن او را بگوییم. شرط دوم آنکه، جا یا چیز نجس به گونه ای باشد که تماس بدن یا لباس افراد با رطوبت با آن متعارف است. مثلاً اگر دستمالی که در کنار دستشویی گذاشته می شود نجس باشد، بر ما لازم است نجس شدن بدن یا لباس دیگران را به آن ها بگوییم؛ ولی اگر قسمتی از دیوار اتاق که معمولاً دست تر به آن ها زده نمی شود، نجس باشد و بدن یا لباس دیگران با رسیدن به آن نجس شود، لازم نیست به آن ها گفته شود. شرط سوم آنکه، در معرض آن باشد که نجاست به چیزهای خوردنی و آشامیدنی سرایت کند. شرط چهارم آنکه، احتمال بدهیم میهمان ها به گفته ما ترتیب اثر می دهند (آیت الله شبیری).

۱. متن استفتائی که از آیت الله العظمی تبریزی رحمته الله علیه شده است، به این شرح است: «سؤال: اگر بدن شخصی به لباس من که نجس است، اصابت کرد، باید به او بگویم؟ جواب: چنانچه علم یا اطمینان دارید که موضع نجس لباس با اعضاء وضو ملاقات و آن را نجس می کند، در صورتی که خودتان سبب نجاست شدید، بنابر احتیاط باید اعلام کنید» (جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج ۱، سؤال ۷۵).





علم به نجاست غذا توسط صاحب خانه

پرسش: اگر صاحب خانه در هنگام غذا خوردن بفهمد که غذا نجس است، وظیفه اش چیست؟^۱

پاسخ: خودش نباید از آن غذا بخورد و وظیفه اش در برابر آگاه کردن میهمان ها از نجاست غذا، باتوجه به اینکه او سبب شده است که میهمان ها غذای نجس بخورند، به شرح زیر است:

۱. اعلام کردن به میهمان واجب است (حضرت امام و آیات عظام اراکی، خوبی، فاضل، تبریزی، گلپایگانی، بهجت، صافی، نوری، شبیری و وحید).
۲. بنابراین احتیاط واجب اعلام کردن به میهمان واجب است (آیت الله مکارم).
۳. چنانچه احتمال بدهد که میهمان ها به گفته او ترتیب اثر می دهند، باید به آن ها بگوید؛ اما اگر بداند که ترتیب اثر نمی دهند، گفتن به آن ها لازم نیست (آیت الله سیستانی).

علم به نجاست غذا توسط میهمان

پرسش: اگر یکی از میهمان ها در بین غذا خوردن بفهمد که غذا نجس است، چه وظیفه ای دارد؟^۲

پاسخ: نباید از آن غذا بخورد و چون او مسبب خوردن نجاست نشده است، لازم نیست صاحب خانه و دیگر میهمان ها را هم از نجس بودن غذا آگاه کند؛ اما اگر طوری با آنان معاشرت دارد که به واسطه نجس بودن آنان، خود او مثلاً مبتلا به خوردن و آشامیدن نجس می شود، در این صورت باید بعد از غذا به آنان بگوید (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۶.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳۲ و ۳۴؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۶.





واجب نبودن اعلام نجاست توسط فروشنده

پرسش: اگر خریدار چیز نجسی را که تطهیرشده است، برای کاری بخواهد که شرطش طهارت ظاهری است، مثل لباس نمازگزار، اعلام به او واجب است؟
پاسخ: ۱. خیر، لازم نیست به خریدار بگوید (حضرت امام و آیات عظام خوئی، تبریزی، فاضل، صافی و سیستانی).

۲. خیر، مگر اینکه مشتری بخواهد مثلاً با لباس پاک واقعی نماز بخواند که در این صورت، بنا بر احتیاط واجب باید به خریدار بگوید (آیت الله وحید).
۳. خیر، مگر اینکه خریدار نجس بودنش را می دانسته و الان فراموش کرده است و می خواهد با آن نماز بخواند که در این صورت فروشنده باید نجس بودن آن را به مشتری بگوید؛ زیرا نماز در لباس نجس یا بدن نجس، در صورت فراموشی باطل است؛ ولی در صورت ندانستن نجاست لباس یا بدن، نماز خواندن صحیح است (آیت الله شبیری).

۴. فروختن متنجس، یعنی چیز پاکی که نجس شده است و آب کشیدن آن ممکن است، مانند میوه و پارچه و فرش اشکالی ندارد؛ ولی اگر مشتری بخواهد آن را برای خوردن یا کارهای دیگری که پاک بودن در آن شرط است مصرف کند، باید به او بگوید (آیت الله مکارم).
۵. بله، باید بگوید (آیت الله گلپایگانی).

حق الناس نبودن اعلام نکردن نجاست

پرسش: اگر انسان اشیاء دیگران را نجس کند و صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن طهارت واقعی نیست، استفاده کند، لازم نیست به صاحبش بگوید؟ در اینجا حق الناس مطرح نیست؟
پاسخ: حق الناس نیست و راضی نبودن صاحب مال، اثری در حکم مزبور ندارد (آیت الله تبریزی).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳۲؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، مسئله ۲۰۵۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۸۴.
۲. جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۱۲۸.



فصل پنجم:

احکام نجس شدن حرم‌ها و مساجد و قرآن



نجس کردن مسجد

پرسش: نجس کردن زمین و سقف و بام و دیوار مسجد چه حکمی دارد؟
پاسخ:

الف. زمین و سقف و بام و طرفِ داخل دیوار مسجد
نجس کردن آن‌ها حرام است و در صورت نجس شدن واجب است که تطهیر شود (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. سمت بیرونی دیوار مسجد

۱. احتیاط واجب آن است که طرفِ بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود، نجاستش را برطرف کنند (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، اراکی، فاضل، بهجت، صافی، نوری و وحید).
۲. احتیاط واجب آن است که طرفِ بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند؛ مگر آنکه واقف، آن را جزو مسجد قرار نداده باشد (آیت‌الله مکارم).
۳. احتیاط واجب آن است که طرفِ بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شد، برطرف کردن آن لازم نیست؛ مگر اینکه بقای نجاست، موجب هتک مسجد باشد (آیات عظام خوئی و تبریزی).
۴. اگر نجس کردن طرف بیرون دیوار موجب هتک مسجد باشد، حرام است و برطرف کردن آن مقداری که رافع هتک باشد، لازم است و در صورت عدم هتک، احتیاط مستحب آن است که نجس نکنند و در صورت نجس شدن نیز لازم نیست نجاستش را برطرف کنند (آیت‌الله سیستانی).

وجوب کفایی تطهیر مسجد

پرسش: اگر جایی از مسجد نجس شود، تطهیر آن بر چه کسی واجب

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳ و ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۰۹؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۵۶۵؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۲، سؤال ۱۷۸۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۷؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۴.





است؟^۱

پاسخ: بر همه کسانی که متوجه نجاست شده‌اند لازم است که به طور واجب کفایی، نجاست را برطرف کنند؛ یعنی اگر یک یا چند نفر اقدام به تطهیر کنند، از دیگران ساقط می‌شود وگرنه همه آن‌ها گناهکارند و کسی که مسجد را نجس کرده است در این حکم با دیگران تفاوتی ندارد (تمام مراجع عظام تقلید).

وجوب فوری تطهیر مسجد

پرسش: اگر جایی از مسجد نجس شود، تطهیر آن واجب فوری است؟^۲
پاسخ: بله، واجب فوری است (تمام مراجع عظام تقلید).

وجوب اعلام در صورت عجز از تطهیر

پرسش: اگر شخص نتواند مسجد را تطهیر کند، مثل اینکه مسافر و در حال عبور باشد یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، در اینجا تطهیر مسجد بر او واجب نیست؛ ولی آیا اطلاع دادن به کسی که می‌تواند تطهیر کند، بر او واجب است؟^۳

پاسخ:

الف. باقی گذاشتن نجاست موجب بی‌احترامی به مسجد است

۱. بنابر احتیاط واجب به کسی که می‌تواند تطهیر کند باید اطلاع دهد

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۰؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۲۷؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدیة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۳.
۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۰؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۲۷؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدیة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۴.
۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۱۹؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۱؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۸؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۸.





- (حضرت امام و آیات عظام اراکی، صافی، مکارم^۱ و نوری).
۲. چنانچه بداند که اگر به دیگری اطلاع دهد این کار انجام می‌گیرد، باید اطلاع دهد؛ حتی اگر احتمال عقلایی بدهد که اگر به دیگری اطلاع دهد این کار انجام می‌گیرد، بنابر احتیاط واجب باید به او اطلاع دهد (آیت‌الله سیستانی).
۳. باید به کسی که احتمال می‌دهد آن را تطهیر می‌کند، اطلاع دهد (آیات عظام خوبی، گلپایگانی، تبریزی، فاضل، شبیری و وحید).

ب. باقی‌گذاشتن نجاست موجب بی‌احترامی به مسجد نیست

۱. اطلاع‌دادن واجب نیست (حضرت امام و آیات عظام نوری و سیستانی).
۲. به کسی که احتمال می‌دهد آن را تطهیر می‌کند، باید اطلاع دهد (آیات عظام خوبی، تبریزی رحمته‌الله علیه، فاضل، شبیری و وحید).
۳. بنابر احتیاط واجب، به کسی که احتمال می‌دهد آن را تطهیر می‌کند، باید اطلاع دهد (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، صافی و مکارم).^۳

وجوب تطهیر مسجد همراه توقف بر هزینه

پرسش: اگر تطهیر مسجد منوط به پرداخت هزینه‌ای باشد، آیا پرداخت آن هزینه برای تطهیرکردن واجب است؟^۴

پاسخ: ۱. بله، تطهیر مسجد واجب است، حتی اگر توقف بر صرف مال و هزینه‌ای داشته باشد (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، فاضل، بهجت، مکارم، نوری و صافی).

۱. لازم به یادآوری است که نظر آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی در العروة الوثقی به‌صورت فتواست.

۲. نظر آیات عظام خوبی رحمته‌الله علیه و تبریزی رحمته‌الله علیه در توضیح المسائل مراجع، به‌صورت احتیاط واجب است؛ ولی در منهاج الصالحین به‌طور مطلق، به اعلام درصورت احتمال، فتوا داده‌اند.

۳. نظر برخی از ایشان در حاشیه العروة الوثقی به‌صورت فتوا است.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۱۲؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۲۷؛ سیدابوالقاسم خوبی، جواد تبریزی، حسین وحید خراسانی، سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، ۴۴۶م.





۲. تطهیر مسجد واجب است، حتی اگر توقف بر هزینه و صرف مال داشته باشد؛ مگر آنکه نیاز به صرف مال زیادی داشته باشد یا آنکه آن مقدار هزینه، مضر به حالش باشد (آیات عظام خویی و تبریزی و وحید).

۳. تطهیر مسجد در صورتی که توقف بر هزینه و صرف مال کم و ناچیزی داشته باشد، به طوری که عرفاً صدق ضرر نمی‌شود، واجب است؛ مگر آنکه پرداخت آن مقدار هزینه کم نیز برای شخص حرجی باشد (آیت‌الله سیستانی).

مطالبه هزینه تطهیر از شخص نجس‌کننده

پرسش: در صورت پرداختن هزینه برای تطهیر مسجد، آیا می‌توان آن هزینه را از شخصی که مسجد را نجس کرده است مطالبه کرد؟^۱

پاسخ: ۱. می‌توان او را ملزم کرد که مسجد را تطهیر کند؛ اما اگر شخص دیگری اقدام به تطهیر و ازاله نجاست از مسجد بکند، دیگر نمی‌تواند برای هزینه‌های مصرف‌شده برای تطهیر به شخص نجس‌کننده رجوع کند؛ حتی اگرچه از ابتدا قصد تبرع نیز نداشته باشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند رجوع کند (حضرت امام).

۲. می‌توان او را ملزم کرد که مسجد را تطهیر کند؛ اما اگر شخص دیگری تبرعاً اقدام به تطهیر و ازاله نجاست از مسجد بکند، دیگر نمی‌تواند برای هزینه‌های مصرف‌شده برای تطهیر به شخص نجس‌کننده رجوع کند (آیت‌الله نوری).

۳. کسی که نجس کرده است، ضامن آن مخارج است (آیت‌الله فاضل).

۴. کسی که نجس کرده است، بنا بر احتیاط واجب ضامن آن مخارج است (آیت‌الله مکارم).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۱۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶.





۵. ضامن بودن کسی که نجس کرده است، خالی از وجه نیست (آیات عظام بهجت و گلپایگانی).
۶. شخص نجس‌کننده ضامن آن مخارج نیست (آیات عظام خوبی، تبریزی، اراکی و وحید).
۷. شخص نجس‌کننده ضامن آن مخارج نیست. بله، اگر چیزی که وقف مسجد است، به واسطه نجس شدن در عرف، معیوب حساب شود، در اینجا شخص نجس‌کننده، ضامن نقصان قیمت آن چیز خواهد بود (آیت‌الله سیستانی).

تخریب کل مسجد یا قسمت زیادی از آن برای تطهیر

پرسش: هرگاه تطهیر مسجد بر خراب کردن کل مسجد یا قسمت زیادی از مسجد توقف داشته باشد، مثل آنکه مسجد را با گچ نجس ساخته باشند یا استادی که مباشر ساختن آن بوده، کافر غیرکتابی بوده است، در این‌گونه مواقع، تخریب کل مسجد یا قسمت زیادی از آن برای تطهیر جایز است؟^۱

پاسخ: ۱. چنانچه کسی باشد که بعد از خراب کردن مسجد، مصارف تعمیر آن را متحمل شود و تعمیر کند؛ در این صورت تخریب واجب است وگرنه جواز تخریب مشکل است (حضرت امام).

۲. چنانچه کسی باشد که بعد از خراب کردن، مصارف تعمیر آن را متحمل شود و تعمیر کند؛ در این صورت تخریب جایز است و **إلا** جواز تخریب مشکل است (آیات عظام اراکی و فاضل و نوری).

۳. چنانچه کسی باشد که بعد از خراب کردن، مصارف تعمیر آن را متحمل شود و تعمیر کند، در این صورت تخریب جایز است و **إلا** جواز

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام التجاسه، مسئله ۹؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۲.





تخریب مشکل است؛ ولی در این صورت بنا بر احتیاط واجب، چنانچه امکان دارد، باید ظاهر آن را تطهیر کرد (آیت الله گلپایگانی).

۴. بنا بر احتیاط واجب تخریب جایز نیست؛ اگرچه کسی هم باشد که بعد از خراب کردن، مصارف تعمیر آن را متحمل شود و تعمیر کند؛ بلکه باید فقط ظاهر قسمت های نجس شده از مسجد را آب کشید؛ مگر آنکه تخریب نکردن موجب هتک شود (آیات عظام خوبی و سیستانی).

۵. تخریب مسجد برای تطهیر آن در صورتی جایز است که مستلزم خرابی زیاد نباشد و الا تخریب جایز نیست؛ مگر آنکه داخل در عنوان تعمیر مسجد قرار بگیرد و در هنگامی که تخریب مسجد برای تطهیر آن جایز نیست، اگر ممکن است و ضرر زیادی هم به مسجد وارد نمی شود، باید بنا بر احتیاط واجب، ظاهر قسمت های داخلی و خارجی مسجد که نجس شده است را آب کشید (آیت الله مکارم).

۶. اگر مسجد به نحوی نجس شده باشد که برای تطهیر آن ناچار باشند تمام مسجد را خراب کنند، در این صورت خراب کردن آن جایز نیست. چنانچه متبرّعی هم باشد که بعد از تخریب، آن را بسازد، جایز بودن خراب کردن آن، مشکل است^۱ (آیت الله صافی).

تخریب و صدمه زدن به قسمتی از مسجد برای تطهیر آن قسمت

پرسش: اگر جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن مقدار کمی از آن ممکن نباشد، وظیفه چیست؟^۲

پاسخ: کندن و خراب کردن مقدار کم واجب است (تمام مراجع عظام تقلید).

۱. بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۱۲ و ۷؛ سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۱؛ محمد تقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۲۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سید ابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶.





به کاربردن آجر نجس در دیوار مسجد

پرسش: کسی موقع ساختن ساختمان مسجد، انگشت خونی اش را به آجر مالیده و آن آجر را در بنای بالکن مسجد به کار برده، و بعد هم آن موضع گچ کاری شده است، اکنون تکلیف چیست؟^۱

پاسخ: اگر آن آجر معلوم و معین باشد، باید آن را بکند و به جای آن، آجر پاک نصب کند یا آن را تطهیر کند؛ و لو اینکه چند آجر خراب شود و بعد محلش را بسازد. اگر نمی داند آجر در چه ناحیه ای به کار رفته است، تکلیف از او ساقط می شود (آیت الله گلپایگانی).

ساختن یا پرکردن موضعی از مسجد که برای تطهیر کردن آسیب دیده است

پرسش: اگر جایی از مسجد که نجس شده است را برای تطهیر بکنند یا خراب کنند، ساختن یا پرکردن آن موضع واجب است؟^۲

پاسخ: ۱. ساختن یا پرکردن آن موضع واجب نیست؛ مگر آنکه خود شخص نجس کننده، اقدام به تخریب یا حفر کرده باشد که در این صورت بر او واجب است جایی را که کنده یا خراب کرده است، به حالت اول بازگرداند (حضرت امام و آیات عظام فاضل و بهجت و نوری).

۲. پرکردن و ساختن آن قسمت واجب نیست؛ مگر اینکه خود کسی که نجس کرده است، خراب کند که در این صورت بنابر احتیاط باید آن قسمت را بسازد یا پر کند (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۳. ساختن یا پرکردن آن موضع واجب نیست (آیات عظام خوبی،

۱. سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۳۷، سؤال ۴۲.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام التجاسة، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۱؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۷؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۷؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۷؛ خوبی حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶.





تبریزی، سیستانی و وحید).

۴. پُر کردن جایی که کنده‌اند و ساختن جایی که خراب کرده‌اند برعهده کسی است که مسجد را نجس کرده است و بر غیر او لازم نیست (آیت‌الله شبیری).
۵. بنابر احتیاط واجب جایی را که کنده‌اند یا خراب کرده‌اند، به حالت اول بازگردانند و بهتر است کسی که نجس کرده است، تعمیر آن را برعهده گیرد (آیت‌الله مکارم).

هزینه‌های تعمیر خرابی مسجد برعهده نجس‌کننده آن

پرسش: اگر جایی از مسجد که نجس شده است را برای تطهیر بکنند یا خراب کنند، هزینه پُر کردن چاله و هزینه تعمیر خرابی برعهده چه کسی است؟

پاسخ: ۱. هزینه پُر کردن چاله و تعمیر خرابی آن موضع از مسجد برعهده کسی است که مسجد را نجس کرده است و نیز اشخاصی که برای تطهیر مسجد، جایی از آن را کنده‌اند یا قسمتی از آن را خراب کرده‌اند (حضرت امام و آیت‌الله اراکی).

۲. کسی که نجس کرده است، ضامن آن مخارج است (آیت‌الله فاضل).

۳. در ضامن بودن کسی که نجس کرده است، وجه قوی است (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۴. بنابر احتیاط واجب کسی که نجس کرده است، ضامن آن مخارج است (آیت‌الله مکارم).

۵. ضامن بودن کسی که نجس کرده است، خالی از وجه نیست (آیت‌الله بهجت).

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۱؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۷؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۷؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶.





برگرداندن چیزهایی از مسجد، مثل آجر که بازگرداندنشان بعد از تطهیر ممکن است

پرسش: اگر چیزی مانند آجر مسجد که ممکن است آن را برگرداند، نجس شود؛ آیا باید بعد از تطهیر آن را به مسجد برگرداند؟^۱

پاسخ: ۱. برنجس کننده واجب است که بعد از تطهیر، آن را به جای اولش برگرداند و در واجب بودن بازگرداندن غیر او، اشکال است (حضرت امام).
۲. بنا بر احتیاط واجب، بعد از تطهیر، آن را باید به جای اولش برگرداند (آیت الله گلپایگانی).

۳. باید بعد از تطهیر آن را به جای اولش برگرداند (آیات عظام خوبی، تبریزی، فاضل، سیستانی، صافی و وحید).

نجس کردن اشیاء مسجد

پرسش: اگر حصیر یا فرش مسجد نجس شود، وظیفه چیست؟^۲

پاسخ: ۱. بنا بر احتیاط واجب، باید آن را آب بکشند؛ ولی چنانچه به واسطه آب کشیدن، خراب می شود و بریدن جای نجس بهتر است؛ یعنی ضرر کمتری دارد، باید آن را بپُرنند (حضرت امام و آیات عظام اراکی و فاضل^۳ و نوری^۴).

۲. اشیاء مسجد مثل حصیر و فرش، در حکم خود مسجد هستند که

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۷؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۲؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۱؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۷؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۷؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۲۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۳۶.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۸؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۴؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۸؛ استفتای کتبی خصوصی از آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه.

۳. آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله علیه در حاشیه العروة الوثقی نظر نشان مانند آیات عظام مکارم شیرازی رحمته الله علیه و گلپایگانی رحمته الله علیه است و همچنین در رساله همین عبارت یعنی «بنا بر احتیاط واجب باید آن را آب بکشند» را بیان کرده اند.

۴. آیت الله العظمی نوری همدانی رحمته الله علیه درباره این مسئله در حاشیه العروة الوثقی فتوا دارند.





نجس کردن نشان حرام و تطهیر آن‌ها واجب است؛ اگرچه بنا بر احتیاط واجب، رفع ازاله توقف داشته باشد بر بُریدن قسمتی از آن‌ها (آیت‌الله بهجت).

۳. باید آن را آب بکشند؛ ولی چنانچه به واسطهٔ آب کشیدن، خراب می‌شود و بریدن جای نجس بهتر است؛ یعنی ضرر کمتری دارد، باید آن را بپُرنند (آیات عظام گلیایگانی و مکارم و شبیری).

۴. باید آن را آب بکشند؛ ولی چنانچه نجاستِ حصیر، بی‌احترامی به مسجد باشد و به واسطهٔ آب کشیدن، خراب می‌شود و بریدن جای نجس بهتر است؛ یعنی ضرر کمتری دارد، باید آن را بپُرنند (آیت‌الله صافی).

۵. بنا بر احتیاط واجب، باید آن را آب بکشند؛ ولی چنانچه نجاستِ حصیر، بی‌احترامی به مسجد باشد و به واسطهٔ آب کشیدن، خراب می‌شود و بریدن جای نجس نیز بهتر است؛ یعنی ضرر کمتری دارد، باید آن را بپُرنند (آیات عظام خوبی و تبریزی).

۶. آنچه جزو شئون مسجد حساب می‌شود و فعلاً از آن در مسجد استفاده شده است، مثل فرش‌ها یا موکت‌ها یا حصیرهایی که در مسجد پهن است یا پرده‌هایی که آویزان است، نجس کردن آن‌ها حرام است و تطهیر آن‌ها واجب است و اگر بریدن جای نجس بهتر باشد؛ یعنی ضرر کمتری دارد، باید آن را بپُرنند؛ ولی بریدن مقدار معنی به از آن یا تطهیری که موجب نقص باشد، محل اشکال است؛ مگر اینکه ترک آن موجب هتک باشد که باید برای رفع هتک راه‌حلی را که ضرر کمتری دارد، انتخاب کرد؛ اما آنچه جزو شئون مسجد حساب می‌شود، ولی فعلاً از آن در مسجد استفاده نمی‌شود و مثلاً در مخزن یا انبار نگهداری می‌شود، نجس کردن آن حرام است؛ ولی تطهیر آن واجب نیست؛ مگر آنکه بقاء نجاست هتک محسوب شود یا موجب ضرر مالی به آن و نقصان قیمتش شود (آیت‌الله سیستانی).





۷. نجس کردن حصیر مسجد حرام است و کسی که آن را نجس کرده است، بنا بر احتیاط، باید تطهیر کند و بر غیر او احتیاط مستحب است که تطهیر کند؛ مگر اینکه نجاست آن بی‌احترامی به مسجد باشد که در این صورت باید تطهیر شود (آیت‌الله وحید).

خروج از عنوان مسجدیت

پرسش: اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه یا مغازه و مانند آن بسازند یا در طرح توسعه و تعریض کوچه و خیابان‌های شهر و روستا قسمتی از مسجد در کوچه و خیابان واقع شود، طوری که دیگر به آن مکان مسجد نگویند، آیا احکام مسجد بر آن جاری می‌شود؟^۱

پاسخ: ۱. چنانچه آثار مسجدی از آن محو شده یا به جای آن بنای دیگری ساخته شده است و امیدی هم به دوباره‌سازی آن وجود ندارد، مثل آنکه آبادی ویران شده و تغییر مکان پیدا کرده است، در این فرض معلوم نیست نجس کردن آن حرام باشد، گرچه احتیاط آن است که نجس نکنند (امام خامنه‌ای).^۲

۲. بنا بر احتیاط واجب باز هم نجس کردن آن حرام و تطهیرش واجب است (حضرت امام و آیات عظام فاضل و نوری و مکارم).

۳. باز هم نجس کردن آن حرام و تطهیرش واجب است (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، بهجت و صافی).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۱۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۳؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۳؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۳؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۹؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۴۱۶.

۲. عین متن استفتائی که از رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام شده است و پاسخ آن بدین شرح است: «سؤال: مسجدی بوده که خراب شده و آثار مسجدی از آن محو شده یا به جای آن بنای دیگری ساخته شده است و امیدی هم به دوباره‌سازی آن وجود ندارد؛ مثل آنکه آن آبادی ویران شده و تغییر مکان پیدا کرده است، آیا نجس کردن آن مکان حرام است و تطهیر آن واجب است؟ جواب: در فرض سؤال معلوم نیست نجس کردن آن حرام باشد، گرچه احتیاط آن است که نجس نکنند (سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، سؤال ۴۱۶).





۴. بنا بر احتیاط واجب باز هم نجس کردن آن حرام است؛ ولی تطهیرش واجب نیست (آیات عظام خوبی و تبریزی و وحید).

۵. نجس کردن آن حرام نیست و تطهیرش نیز واجب نیست (آیت الله سیستانی).

۶. چنانچه عرفاً امکان بازگشت دوباره آن به حالت مسجدیت نباشد، نجس کردن آن حرام نیست و تطهیرش نیز واجب نیست (آیت الله شبیری).

نجس کردن مسجد خراب شده

پرسش: آیا در حرمت نجس کردن مسجد و وجوب تطهیر آن فرقی بین مساجد آباد و مساجد خراب شده هست؟^۱

پاسخ: خیر، نجس کردن مسجد اگرچه مسجد خراب شده باشد و کسی هم در آن نماز نخواند، باز هم حرام است و واجب است که فوراً آن را تطهیر کنند؛ اما اگر طوری خراب شده باشد که تعمیر آن و نماز خواندن در آن ممکن نباشد به گونه ای که عرفاً دیگر به آن مسجد نگویند:

۱. باز هم نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، بهجت و صافی).

۲. بنا بر احتیاط واجب باز هم نجس کردن آن حرام و تطهیرش واجب است (حضرت امام و آیات عظام فاضل و نوری و مکارم).

۳. بنا بر احتیاط واجب باز هم نجس کردن آن حرام است، ولی تطهیرش واجب نیست (آیات عظام خوبی و تبریزی و وحید).

۴. نجس کردن آن حرام نیست و تطهیرش نیز واجب نیست (آیت الله سیستانی).

۵. چنانچه عرفاً امکان بازگشت دوباره آن به حالت مسجدیت نباشد،

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام التجاسه، مسئله ۱۳ و ۱۰؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۳؛ خویمحدثقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۹، حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۰ و ۴۴۳؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۰ و ۴۴۳.





نجس کردن آن حرام نیست و تطهیرش نیز واجب نیست (آیت الله شبیری).

بردن عین نجس یا متنجس به مسجد

پرسش: بردن عین نجاست به مسجد، مانند خون و بول یا بردن متنجس؛ یعنی چیزی که نجس شده است، مانند لباس و کفش نجس، در صورتی که مسجد نجس نشود، چه حکمی دارد؟^۱

پاسخ:

الف. بردن عین نجس یا متنجس به مسجد، بی احترامی به مسجد حساب می شود
حرام است (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. بردن عین نجس یا متنجس به مسجد بی احترامی به مسجد حساب نمی شود

۱. اشکال ندارد؛ اما احتیاط مستحب آن است که عین نجس را هر چند بی احترامی هم نباشد، به مسجد نبرند (حضرت امام و آیات عظام خوبی، گلپایگانی، تبریزی، فاضل، اراکی، نوری، سیستانی، صافی، وحید و شبیری).
۲. بردن عین نجس به مسجد هر چند بی احترامی به مسجد نباشد، بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ مگر چیزی جزئی که گاه در لباس و بدن شخص واردشونده یا در لباس بچه های کوچک است؛ اما بردن متنجس در صورتی که بی احترامی به مسجد نباشد و سبب آلودگی مسجد نیز نشود، حرام نیست (آیت الله مکارم).

عبور لوله فاضلاب با پولیکا از زیر مسجد

پرسش: مسجدی را در دو طبقه ساخته اند و لوله فاضلاب را با پولیکا از

۱. سیدمحمد کاظم طباطبایی بزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲؛ سیدمحمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۵؛ سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۵.





زیر مسجد عبور داده‌اند. این کار جایز است؟^۱

پاسخ: در فرض سؤال، اگر بعد از ساخته شدن این مسجد، لوله فاضلاب را از زیر آن عبور داده‌اند، جایز نیست و باید مسیر لوله را عوض کنند. اگر در موقع ساختن مسجد، از ابتدا محلی را که زیر مسجد واقع می‌شده است برای عبور فاضلاب قرار داده‌اند با این قصد که آن مقدار از مسیر لوله جز مسجد نباشد، اشکال ندارد (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

مسجد قراردادن توالیت یا دستشویی

پرسش: در طرح توسعه مسجد، خانه‌ای برای مسجد خریداری شده است. حال سؤال این است که آیا جعل مسجدیت برای محل دستشویی این منزل جایز است؟^۲

پاسخ: بعد از پوشانیدن آن محل با خاک پاک، جعل مسجدیت اشکالی ندارد (آیت‌الله بهجت).

ورود کفار به مسجد

پرسش: ورود اهل کتاب به مساجد مسلمین به منظور شرکت در جلسات دینی، وعظ و خطابه یا غیر آن، چه حکمی دارد؟^۳

پاسخ: ۱. ورود مطلق کفار، چه کتابی، چه غیر کتابی، چه اهل ذمه و چه غیر اهل ذمه به مساجد مسلمین جایز نیست؛ اگرچه موجب نجاست

۱. سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۳۸، سؤال ۴۵؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، سؤال ۸۹۱.

۲. محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، فصل چهاردهم: احکام مساجد، بخش کیفیت تطهیر محل تخلی برای بنای مسجد.
 ۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحدود، فصل فی احکام اهل ذمه، بخش احکام ساختمان‌ها، مسئله ۱۰ و ۹؛ سیدعلی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتائات، سؤال ۴۱۹؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۹۷ و ۳۹؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۲، فصل چهارم: احکام اهل ذمه، بخش عدم جواز دخول کفار به مسجد الحرام و سایر مساجد؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، سؤال ۹۴۰ و ۹۴۱؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۲، سؤال ۷۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۳، سؤال ۲۰۳ و ۱، سؤال ۱۵۵؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۲۰۴؛ سیدحسن محمودی، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۳، ص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، کتاب الجهاد، مسئله ۸۷؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، کتاب الجهاد، مسئله ۸۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۱، کتاب الجهاد، مسئله ۸۷.





مسجد یا هتک حرمت مسجد نشوند یا اینکه فقط بخواهند از یک در داخل شوند و از در دیگر بدون مکث و توقف خارج شوند (حضرت امام و امام خامنه‌ای و آیات عظام گلپایگانی، بهجت، فاضل و صافی).

۲. ورود مطلق کفار، چه کتابی و چه غیرکتابی، چه اهل ذمه و چه غیر اهل ذمه به تمامی مساجد مسلمین بنا بر احتیاط جایز نیست؛ البته اگر موجب نجاست مسجد یا هتک حرمت مسجد شوند. همچنین ورود مشرکین به مسجد الحرام مطلقاً حرام است (آیات عظام خوبی و تبریزی^۱ و وحید)^۲

۳. چنانچه ورود کافر کتابی به مسجد باعث هتک یا آلودگی و تنجیس شود، بنا بر احتیاط جایز نیست؛ ولی ورود کافر مشرک مطلقاً حرام است (آیت الله سیستانی).

۴. آمدن آن‌ها به مسجد در صورتی که جهات شرعی را رعایت کنند و سبب آلودگی مسجد نشوند، همچنین ورودشان موجب خوش بینی آن‌ها به اسلام و مسلمین شود، اشکالی ندارد و گرنه بنا بر احتیاط واجب باید از ورود کفار به مساجد جلوگیری شود (آیت الله مکارم).

گذشتن میّت در مسجد قبل از غسل دادنش

پرسش: آیا می‌توان میّت را قبل از غسل در مسجد بگذارند یا اینکه او را در مسجد غسل دهند؟^۳

۱. آیت الله العظمی تبریزی رحمته الله علیه در دو استفتائی که از ایشان شده است، این چنین فرموده‌اند: «سؤال: بنا بر نظر مبارک حضرت عالی مبنی بر طهارت کفار کتابی، رفتن آن‌ها به مساجد چه حکمی دارد؟ جواب: بسمه تعالی. جایز نیست، مگر اینکه مصلحتی اهم اقتضا کند، والله العالم» و «سؤال: ورود خارجی‌های غیرمسلمان به مساجد برای بازدید از آثار باستانی از نظر شرعی چگونه است؟ جواب: بسمه تعالی. چنانچه رجاء هدایت آن‌ها یا تزویج دین در بین نباشد و فقط برای تماشا و تفریح وارد می‌شوند، وارد کردن آن‌ها در مساجد جایز نیست» (نک: جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۲۰۴۶؛ سیدمحسن محمودی، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ج ۳، ص ۱۳۷ و ۱۳۸).

۲. خوبی^۱ (المعروف بین الأصحاب عدم جواز دخول الکفار أجمع فی المساجد کُلّها و لکن إتمام ذلک بالدلیل مشکل إلا إذا أوجب دخولهم الهتک فیها أو تلوثها بالنجاسة نعم لا يجوز دخول المشرکین خاصة فی المسجد الحرام جزماً) (سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، ج ۱، کتاب الجهاد، مسئله ۸۷؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، کتاب الجهاد، مسئله ۸۷؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۱، کتاب الجهاد، مسئله ۸۷).

۳. سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، اقتباس از مسئله ۲؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، اقتباس از مسئله ۹۰۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، اقتباس





پاسخ: ۱. نهادن جسد میّت در مسجد پیش از غسل دادنش اگر موجب سرایت نجاست و مستلزم هتک مسجد نباشد، مانعی ندارد. بعد از غسل دادن نیز بی اشکال است (حضرت امام و آیات عظام خوئی، گلپایگانی، تبریزی، فاضل، اراکی، نوری، سیستانی، صافی، وحید و شبیری).

۲. نهادن جسد میّت در مسجد پیش از غسل دادنش هرچند موجب سرایت نجاست و مستلزم هتک مسجد نباشد، بنابر احتیاط واجب جایز نیست (آیت الله مکارم).

احکام حرم امامان علیهم السلام

نجس کردن حرم امامان علیهم السلام

پرسش: حکم نجس کردن حرم پیغمبر و امامان (سلام الله علیهم اجمعین) و چیست؟^۳

پاسخ:

الف. نجس کردن بی احترامی محسوب می شود حرام است (تمام مراجع عظام تقلید).

از مسئله ۹۱۵: سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، اقتباس از مسئله ۹۱۵؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، بخش مسائلی که درباره موضوعات گوناگون از امام خمینی رحمته الله علیه استفتا شده است [با حاشیه آیت الله العظمی نوری همدانی رحمته الله علیه]. سؤال ۴: سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۵۳ و ۵۴؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، فصل چهاردهم: احکام مساجد، اقتباس از مسئله دفن میت در مسجد؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۲۲۶.

۱. «در مشاهد ما فرقی بین ضریح مقدس و روضیوش آن و سایر مواضع متبرکه آن نیست؛ مگر در حیث تأکید و عدم تأکید» (سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۰).

۲. «مراد از حرم در این مسئله، روضه منوره است؛ یعنی محوطه ای که ضریح مقدس و قبر مطهر در آن قرار دارد؛ اما حرمت نجس کردن یا وجوب تطهیر سایر رواقها یا صحنها که مسجد نیستند، در صورتی است که موجب بی احترامی و هتک باشد.» (استفتای کتبی خصوصی از آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه).

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۰؛ سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۴؛ سیدابوالقاسم خوئی، حسین وحید خراسانی، جواد تبریزی، سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۳۷؛ استفتای کتبی خصوصی از آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله علیه.





ب. نجس کردن بی احترامی محسوب نمی‌شود

۱. حرام است (آیت‌الله سیستانی).
۲. بنابر احتیاط واجب حرام است (آیات عظام خوبی و وحید).
۳. دلیلی بر حرمت آن نداریم (آیت‌الله مکارم).

تطهیر حرم امامان علیهم‌السلام

اگر حرم پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا حرم^۱ یکی از امامان علیهم‌السلام نجس شود، تطهیر آن واجب است؟^۲

پاسخ:

الف. نجس ماندن بی احترامی محسوب می‌شود

تطهیر آن واجب است (تمام مراجع عظام تقلید).

ب. نجس ماندن بی احترامی محسوب نمی‌شود

۱. احتیاط واجب است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، آن را تطهیر کنند (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم و نوری).
۲. احتیاط مستحب است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، آن را تطهیر کنند (آیات عظام اراکی، خوبی، فاضل، تبریزی، سیستانی، شبیری و وحید).

۱. استفتای کتبی خصوصی از آیت‌الله العظمی سیستانی رحمته‌الله‌علیه: «گفتنی است که مراد از حرم در این مسئله، روضه منوره است؛ یعنی محوطه‌ای که ضریح مقدس و قبر مطهر در آن قرار دارد؛ اما حرمت نجس کردن یا وجوب تطهیر سایر رواق‌ها یا صحن‌ها که مسجد نباشند، در صورتی است که موجب بی‌احترامی و هتک باشد.»

۲. سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۰: «گفتنی است که در مشاهد ما فرقی بین ضریح مقدس و روپوش آن و سایر مواضع متبرکه آن نیست؛ مگر در حیث تأکید و عدم تأکید.»

۳. سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۰؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۰۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۳؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، مسئله ۵۲۷.





ورود کفار به حرم امامان علیهم السلام

پرسش: کفار می‌توانند وارد حرم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یا حرم یکی از امامان علیهم السلام شوند؟^۱

پاسخ: ۱. کفار، چه کتابی و چه غیرکتابی، چه اهل ذمه و چه غیراهل ذمه، در روضه‌های مقدسه ائمه علیهم السلام به هیچ عنوان نباید وارد شوند؛ حتی نباید عبور بدون توقف نیز داشته باشند؛ اما درباره صحن‌های مقدس حرم‌های ایشان، احوط، الحاق آنها به روضه‌های مقدسه است (آیت الله بهجت).

۲. ورود آنان به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام اگر هتک و بی‌حرمتی شمرده شود، جایز نیست؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب مطلقاً وارد نشوند (امام خامنه‌ای).

احکام مربوط به قرآن از نظر طهارت و نجاست

نجس کردن قرآن

پرسش: نجس کردن قرآن چه حکمی دارد؟^۲

پاسخ:

الف. خط و ورق قرآن

نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود، باید فوراً آن را آب بکشند (تمام مراجع عظام تقلید).^۳

۱. نک: محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۲، فصل چهارم: احکام اهل ذمه، بخش عدم جواز دخول کفار به مسجد الحرام و سایر مساجد؛ استفتای خصوصی از امام‌خامنه‌ای علیه السلام، شماره استفتا: ۲۲۶۹۶.
 ۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۱: سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۳۵ و ۱۳۶؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۴ و ۱۳۷.
 ۳. برخی از مراجع مثل آیات عظام خوئی رحمته الله علیه، تبریزی رحمته الله علیه، سیستانی رحمته الله علیه، شبیری زنجانی رحمته الله علیه و وحید خراسانی رحمته الله علیه می‌فرمایند: «در فرض عدم هتک، بنا بر احتیاط واجب نجس کردن، حرام و آب‌کشیدن واجب است.»





ب. جلد قرآن

۱. در صورتی که نجس کردن جلد قرآن بی احتیاطی به آن باشد، حرام است و باید آن را آب بکشند (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، خوبی، تبریزی، بهجت، وحید، سیستانی، صافی، مکارم، نوری و شبیری).
۲. نجس کردن جلد قرآن حرام است؛ اگرچه مستلزم هتک آن نیز نباشد و اگر جلد قرآن نجس شود، باید آن را آب بکشند (آیت الله فاضل).

نوشتن قرآن با مرکب نجس

پرسش: نوشتن قرآن با مرکب نجس چه حکمی دارد؟^۱

- پاسخ:** ۱. نوشتن قرآن حتی یک حرف آن با مرکب نجس حرام است.^۲ اگر عمداً یا سهواً نوشته شود، باید آن را آب بکشند یا به واسطه تراشیدن و مانند آن، کاری کنند که از بین برود (حضرت امام و آیات عظام اراکی، فاضل، خوبی، تبریزی، وحید، سیستانی، مکارم، نوری و شبیری).
۲. نوشتن قرآن حتی یک حرف آن با مرکب نجس حرام است و اگر عمداً یا سهواً نوشته شود، باید کاری کنند که عین مرکب نجس از بین برود (آیت الله بهجت).
۳. نوشتن قرآن با مرکب نجس اگرچه یک حرف آن باشد، حرام است و اگر عمداً یا سهواً نوشته شود، باید آن را آب بکشند و اگر ممکن نشود، به واسطه تراشیدن و مانند آن، کاری کنند که از بین برود (آیات عظام گلپایگانی و صافی).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام التجاسة، مسئله ۲۲: سیدمحمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۳۸: حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۹: سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۶۲: لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۶۲: محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، ص ۷۸، سؤال ۲۵۵.

۲. برخی از مراجع مثل آیات عظام خوئی رحمته الله علیه، تبریزی رحمته الله علیه، سیستانی رحمته الله علیه، شبیری زنجانی رحمته الله علیه و وحید خراسانی رحمته الله علیه می فرمایند: «در فرض عدم هتک، بنابر احتیاط واجب نجس کردن، حرام و آب کشیدن یا محو کردن، واجب است.»





وجوب کفای تطهیر قرآن

پرسش: تطهیر قرآن فقط وظیفه کسی است که آن را نجس کرده است؟
پاسخ: خیر، اگر دیگران هم باخبر شوند، وظیفه همه است که آن را پاک کنند^۲ و اگر یکی این وظیفه را انجام دهد، از دیگران ساقط می شود (حضرت امام و آیات عظام اراکی، گلپایگانی، خوبی، فاضل، سیستانی، مکارم و نوری).

لزوم اجازه برای تطهیر قرآن شخص دیگر

پرسش: اگر قرآنی که متعلق به دیگری است، نجس شود، اجازه گرفتن از صاحب آن برای تطهیر قرآن لازم است؟^۳

پاسخ: ۱. چنانچه صاحب قرآن اقدام به تطهیر نکند، بر غیر او تطهیر بدون اذن جایز نیست؛ اما اگر از تطهیر آن امتناع ورزد، بر دیگران واجب است که قرآن را تطهیر کنند (حضرت امام).

۲. حکم به جواز تطهیر قرآن، بدون اذن گرفتن از صاحب آن مشکل است؛ مگر آنکه اذن گرفتن ممکن نباشد یا صاحب آن اجازه ندهد و خودش نیز اقدام به تطهیر نکند و نجس ماندن قرآن در عرف مردم، هتک قرآن حساب شود که در این صورت، تطهیر واجب است (آیات عظام گلپایگانی، اراکی، خوبی، فاضل، سیستانی و نوری).

۳. تطهیر قرآن بدون اذن گرفتن از صاحب آن قطعاً جایز نیست؛ مگر آنکه اذن گرفتن ممکن نباشد یا صاحب آن اجازه ندهد و نجس ماندن قرآن نیز در عرف مردم، هتک قرآن حساب شود (آیت الله مکارم).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۸.

۲. برخی از مراجع مثل حضرت امام علیه السلام می فرمایند: «برای حاکم شرع جایز است که شخص نجس کننده را ملزم به تطهیر کند» (سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۸).

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۹.





وجوب تطهیر قرآن حتی در صورت خراب شدن آن

پرسش: اگر قرآن نجس شود و بدانیم در صورت آب کشیدن خراب می‌شود، چه باید کرد؟^۱

پاسخ: ۱. باید آن را آب کشید؛ اگرچه موجب محو کلمات آن شود (آیت الله صافی).

۲. آب کشیدن قرآن نجس لازم است؛ هرچند دیگر نتوان از آن قرآن استفاده کرد (آیت الله بهجت).

ضامن بودن در قبالی نقص وارد شده بر قرآن

پرسش: چنانچه قرآنی که برای غیر است، نجس شود و به واسطه تطهیر از بین برود یا ناقص شود، چه کسی ضامن آن است و ضمان مربوط به نقص وارد شده به قرآن به دلیل نجس شدن آن است یا به دلیل نقص وارد شده به قرآن به سبب تطهیر آن؟^۲

پاسخ: ۱. کسی که آن را نجس کرده است، باید خسارتی را بدهد که به سبب تطهیر، به قرآن وارد شده است (حضرت امام و آیات عظام اراکی و فاضل و نوری).

۲. کسی که قرآن را نجس کرده است، باید خسارت را با توجه به نقص قیمت وارد شده به قرآن، به سبب نجس شدن آن بدهد (آیات عظام گلپایگانی، خوبی، سیستانی و مکارم).

دادن قرآن به کافر

پرسش: انسان می‌تواند قرآن را به کافر بدهد؟^۳

۱. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، ص ۷۸، سؤال ۲۵۴؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، ص ۲۶، سؤال ۵۵.
۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۷.
۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۳؛ سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۳۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۰؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۸۰.





- پاسخ:** ۱. احتیاط واجب آن است که از دادن قرآن به کافر خودداری کنند و اگر قرآن دست اوست، در صورت امکان از او بگیرند (حضرت امام).
۲. باید از دادن قرآن به کافر خودداری کنند و اگر قرآن در دست اوست، در صورت امکان از او بگیرند (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، فاضل و نوری).
۳. در صورتی که دادن قرآن به کافر مستلزم هتک باشد، حرام است و گرفتن قرآن از او واجب است^۱ (آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی، شبیری، صافی، مکارم و وحید).
۴. دادن قرآن به کافر اگرچه کافر کتابی باشد، اشکال دارد (آیت الله بهجت).

فروش قرآن به کافر

- پرسش:** آیا فروش قرآن به کفار و اهل کتاب جایز است؛ به خصوص اگر بدانیم آنان قصد توهین ندارند؛ بلکه جهت مطالعه آن را تهیه کرده اند؟^۲
- پاسخ:** ۱. جایز نیست (آیت الله بهجت).
۲. بنابر احتیاط، فروش قرآن به غیرمسلمان جایز نیست و معامله آن باطل است. البته قرارداد دادن قرآن در دسترس کافر به قصد هدایت و ارشاد او، با اطمینان به اینکه کتاب مجید در معرض هتک نیست، مانعی ندارد (آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل، سیستانی و وحید).
۳. در صورتی که امید تأثیری در آن باشد و مایه هتک و توهین نشود، جایز است (آیت الله مکارم).

۱. برخی از مراجع همچون آیات عظام خونی رحمته الله علیه، تبریزی رحمته الله علیه، فاضل لنکرانی رحمته الله علیه، سیستانی رحمته الله علیه، مکارم شیرازی رحمته الله علیه و وحید خراسانی رحمته الله علیه بر این مطلب تصریح دارند که چنانچه مقصود از دادن قرآن یا داشتن قرآن، تحقیق و مطالعه در دین باشد، طوری که مستلزم هتک آن نباشد، اشکالی ندارد.

۲. سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، کتاب التجارة، مسئله ۱۴؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب التجارة، مسئله ۱۴؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب التجارة، مسئله ۱۴؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، مسئله ۱۶؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۱، سؤال ۲۲۱۳؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۱۱۷۵ و ۱۹۴۳؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۳، سؤال ۴۱۹۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۶۲۷.





نجس کردن تربت امامان علیهم‌السلام

پرسش: نجس کردن تربت امام حسین علیه‌السلام یا تربت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا تربت سایر اهل بیت علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟^۱

پاسخ: ۱. تربت امام حسین علیه‌السلام که از قبر مبارک حضرت به قصد تبرک برداشته شده است، اگر نجس شود و در عرف هتک و توهین محسوب شود، حرام و برطرف کردن نجاست آن واجب است. تربت و خاک قبر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز که از قبور منوره ایشان به قصد تبرک برداشته شده است، در نجس شدن و تطهیر کردن، حکم تربت حضرت سیدالشهداء اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را دارد. در تربت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام فرقی نیست که از قبر شریف آن مظلوم برداشته باشند یا آنکه از خارج بیاورند و به قصد تبرک و استشفاء بر قبر مطهر گذاشته باشند (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، خوبی^۲، وحید، تبریزی، سیستانی و صافی).

۲. نجس کردن تربت امام حسین علیه‌السلام که از قبر مبارک حضرت به قصد تبرک برداشته شده است، چنانچه در عرف هتک و توهین محسوب شود، حرام و برطرف کردن نجاست واجب است. تربت و خاک قبر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام که از قبور منوره ایشان به قصد تبرک برداشته شده باشد، در نجس شدن و تطهیر، حکم تربت حضرت سیدالشهداء اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را دارد (آیت الله مکارم).

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی احکام النجاسة، مسئله ۲۵؛ سیدابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ علی تبریزی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، کتاب الطهارة، مسئله ۴۴۲؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، مسئله ۵۵۴.

۲. مرحوم آیت‌الله العظمی خوبی رحمته‌الله‌علیه در این باره فرموده‌اند: «مراد از تربت، مهرهایی است که در کربلا ساخته می‌شوند» (سیدابوالقاسم خوبی، استفتانات، سؤال ۶۸).





افتادن اشیاء محترم مثل تربت یا چیزی که اسم خدا بر آن نوشته شده است در دستشویی

پرسش: اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است، مثل تربت یا کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا امام عَلَيْهِ السَّلَام بر آن نوشته شده است، در مستراح بیفتد، وظیفه چیست؟^۱

پاسخ: چنانچه ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است، مثل کاغذی که اسم خداوند متعال یا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا یکی از معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام بر آن نوشته شده است در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگرچه خرج داشته باشد، واجب فوری است (تمام مراجع عظام تقلید).

افتادن اشیاء محترم در دستشویی و ممکن نبودن خارج کردن آن‌ها

پرسش: اگر سکه‌ای که اسماء محترم دارد، مثلاً روی آن، عکس روضه مبارک امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام و اسم مبارکشان نوشته شده است یا مهر تربت در دستشویی بیفتد، با توجه به هزینه‌اش که برای بعضی افراد، صرف آن مقدور نیست و با توجه به انحصار دستشویی، می‌توان از آن برای تخلی استفاده کرد؟^۲

پاسخ: بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگرچه خرج داشته باشد، واجب فوری است؛ اما اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، کسانی که مطلع هستند، باید به آن توالی نروند [بنا بر فتوا یا احتیاط واجب^۳] تا یقین کنند آن ورق پوسیده است^۴ و نیز اگر تربت در توالی بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن

۱. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۱.

۲. سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۱۴۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، مسئله ۱۴۱؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، سؤال ۳۸۷ و ۳۷۲؛ جواد تبریزی، استفتائات جدید، ج ۲، سؤال ۱۷۴.

۳. آیات عظام اراکی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و فاضل لنگرانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و مکارم شیرازی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در این حکم قائل به احتیاط واجب هستند؛ ولی فقهای دیگر، بنا بر فتوا قائل به این حکم شده‌اند.

۴. برخی از مراجع مثل آیت‌الله العظمی سیستانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در ادامه مسئله تصریح می‌کنند که اعلام به دیگران واجب نیست (استفتای کتبی خصوصی از آیت‌الله العظمی سیستانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ).





نباشد، باید [بنابر فتوا یا احتیاط واجب] تا وقتی که یقین نکرده‌اند که به‌کلی از بین رفته است، به آن مستراح نروند (تمام مراجع عظام تقلید).^۱

افتادن نوار ضبط صوتی که حاوی آیات قرآن است در دستشویی

- پرسش:** نوار ضبط صوت در صورتی که حاوی آیات قرآن و غیره باشد، اگر در دستشویی بیفتد، آیا بیرون آوردن آن و تطهیرش واجب است؟^۲
- پاسخ:** ۱. بله، بیرون آوردن و تطهیر آن واجب است (آیت‌الله خویی).
 ۲. بعید نیست که چون در نظر عرف توهین محسوب می‌شود، خارج کردن از بالوعه (فاضلاب) لازم است (آیت‌الله صافی).
 ۳. حفظ حرمت آن‌ها خوب است (آیت‌الله بهجت).

یکی بودن چاه آشپزخانه و چاه توالت

- پرسش:** در بعضی مناطق، چاه آش پزخانه با چاه مستراح یکی است و مقداری از غذا ممکن است میان چاه مستراح بریزد. این کار چه حکمی دارد؟^۳
- پاسخ:** ۱. اشکالی ندارد، بهتر است متعدد باشند (امام خامنه‌ای و آیات عظام بهجت و مکارم).
 ۲. در حال حاضر که نوعاً جدا کردن آن‌ها مشکل است، اشکال ندارد (آیت‌الله صافی).

۱. آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله در استفتائاتی که از ایشان شده است، چنین فرموده‌اند: «آنچه ذکر شد، مجوز هتک نیست و تطهیر آن ممکن است به اجرای آب زیاد متصل به کر، به‌گونه‌ای سکه را احاطه کند و اگر مسیر آن متصل به فاضلاب شهری است، از محل ابتدای او پس از تطهیر مذکور خارج می‌شود و آلا بیرون آوردن و آب‌کشیدن آن اگرچه خرج داشته باشد، بر کسی که آن را انداخته واجب است و اگر او این کار را نکرد یا نتوانست انجام دهد، بر دیگران واجب می‌شود و خرج آن از بیت‌المال داده می‌شود و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، کسانی که مطلع هستند، نباید به آن مستراح بروند؛ ولی وجوب اعلام، محل تأمل است» (محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۸۷ و ۲۷۲).

۲. سیدابوالقاسم خویی، استفتانات، سؤال ۶۵؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، ص ۲۷، سؤال ۶۵؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، ص ۸۳، سؤال ۲۷۹.

۳. سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۱، سؤال ۱۰۰؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، سؤال ۶۸؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل [فارسی]، ج ۲، ص ۷۷، سؤال ۶۴؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، ص ۱۲۰، سؤال ۳۹۷؛ سیدمحسن محمودی، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۳، ص ۱۶۷.





۳. اقوی ترک این کار است [یعنی باید این کار را ترک کنند] و چاه آشپزخانه را جدا حفر کنند و به نعمت خداوندی احترام بگذارند (آیت الله گلپایگانی).

۴. اگر فضولات آشپزخانه به چاه توالی بریزد؛ چنانچه ضرورتی دارد که یک چاه باشد، مانعی ندارد؛ ولی محرمانی مثل ذرات نان و مانند آن نباید ریخته شود^۱ (آیت الله تبریزی).

۵. متعارف آن است که خورده‌های ته ظرف خوردنی نیست و به آن‌ها غذا صدق نمی‌کند؛ بنابراین اشکالی ندارد. چنانچه به باقی مانده ته ظرف، غذا صدق کند، احتیاط واجب آن است که آن‌ها را جدا کنید و به چاه نریزید یا چاه را جدا کنید (آیت الله فاضل).

همراه داشتن دعا و تربت و انگشتر، هنگام تخلی

پرسش: حکم همراه داشتن دعا و تربت و انگشتر با اسماء متبرکه، هنگام تخلی چیست؟ گذاشتن در جیب پایین یا بالا کفایت می‌کند یا باید به طور کلی از بردن آن‌ها به تخلی اجتناب کرد؟^۲

پاسخ: ۱. میزان، صدق عرفی هتک است [یعنی اگر در نزد مردم هتک و بی‌احترامی صدق کند] که [در این صورت] باید اجتناب شود (آیت الله بهجت).

۲. به همراه داشتن قرآن در توالی مانعی ندارد؛ اما اولی (بهتر) آن است که همراه خود نداشته باشد (آیت الله تبریزی).

۱. مرحوم آیت الله العظمی تبریزی در جلد ۱ استفتانات جدیدشان در جواب سؤال ۶۸ که درباره یکی بودن چاه آشپزخانه با توالی است، فرموده‌اند: «اگر فضولات آشپزخانه به چاه توالی بریزد، مانعی ندارد؛ ولی احتیاطاً ذرات نان نباید ریخته شود.»

۲. جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۴۴۱، سؤال ۱۹۲۷؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۹۳.





حرمت نجس کردن کلماتی مثل «بسمه تعالی» یا «هو الحکیم» یا «خدا» به هر زبانی که باشند

پرسش: کلماتی نظیر خدا و بسمه تعالی و هو الحکیم و... جزو اسماء متبرکه هستند و اگر به زبان خارجی، به طور مثال به زبان انگلیسی نوشته شوند، باز هم جزو اسماء متبرکه هستند؟^۱

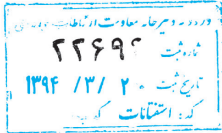
پاسخ: احکام اسامی متبرک بر آن‌ها جاری است و باید احترام آن‌ها رعایت شود (حضرت امام و آیات عظام بهجت و صافی).

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات، ج ۱، ص ۴۷، سؤال ۷۹؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ج ۱، سؤال ۵۳ و ۶۶؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، سؤال ۲۵۷ و ۲۵۸.





استفتائاتی که از دفتر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) گرفته شده است



بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله خامنه ای «مدظله العالی»

با سلام و تحیت

لطفاً نظر مبارک را در مورد سوالهای ذیل امر به ابلاغ فرمائید :

آیا ادرار و مدفوع حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده ندارد پاک است؟
بم ادرار و بم مدفوعشان پاک است.

حکم ادرار و مدفوع خفاش از لحاظ طهارت و نجاست چیست؟
ادرار و مدفوع خفاش پاک است.

آیا منی انسان و حیوانات مطلقاً نجس است؟
منی حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد نجس است و بنابر احتیاط واجب باید از منی حیوان حلال گوشتی که خون جهنده دارد نیز اجتناب شود.
حکم فقاغ را که غالباً از جو گرفته می شود نسبت به طهارت و نجاست و همچنین نسبت به خوردن بیان کنید؟

فقاغ که غالباً از جو گرفته می شود و بر آن آبجوی گویند و موجب درجه خفیفی از مستی است خوردنش حرام است و بنابر احتیاط واجب، نجس نیز می باشد و اما آبی که برای خواص طبّی از جو می گیرند و بر آن ماء الشعیر می گویند و موجب هیچ گونه مستی نیست، پاک و خوردنش نیز حلال می باشد.

دفتري
حضرت آية الله خامنه‌ای مد ظله العالی
بخش استفتائات

۲۲۶۹۴





آیا کفار می توانند وارد حرم پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم یا وارد حرم یکی از امامان علیهم السلام بشوند؟

درود آمان در حرم پیامبر اکرم (ص) و ائمه (علیهم السلام) اگر بستگاری حرامی شمرده شود جایز نیست؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب مطلقاً وارد نشوند.

خون کمتر از درهم که در نماز بخشیده شده است مقدارش تقریباً چه اندازه است؟
درهم بر اندازه بند انگشت سبزه (انگشت اشاره) می شود.

حکم اقسام خونهای کمتر از درهم را نسبت به بخشیده بودن آن ها در نماز بیان کنید؟

الف) خون حیض:

نماز باطل است.

ب) خون نفاس:

بنا بر احتیاط واجب نماز باطل است.

ج) خون استحاضه:

بنا بر احتیاط واجب نماز باطل است.

دقت

حضرت آية الله خامنه‌ای مد ظله العالی
بخش استفتاءات

۲۲۶۹۴





غیر دماء ثلاثه:

(الف) خون حیوان نجس العین یا انسان نجس العین:

ناز باطل است.

(ب) خون مردار:

ناز باطل است.

(ج) خون حیوان حرام گوشت:

ناز باطل است.

اگر به خون بدن یا لباسی که مقدار آن خون از درهم کمتر است رطوبتی برسد، نماز با آن چه حکمی دارد؟ مجموع رطوبت و خون کمتر از درهم است و رطوبت از حدود خون تجاوز نکرده است:

اگر رطوبت با خون مخلوط و در آن سنگک صحیح است و در غیر این صورت نماز با آن ناپرا احتیاط واجب اشکال دارد.

اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی با رطوبت به خون برسد و نجس شود، آیا نماز خواندن با آن جایز است؟

نماز خواندن با آن جایز نیست اگر چه که مقدار نجس شده کمتر از درهم باشد.

دفتر

حضرت آية الله خامنه‌ای مد ظله العالی
بخش استفتائات

۳۳۶۹۹





کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اراکی، محمدعلی، توضیح المسائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، ۱۳۷۲.
۳. بهجت، محمدتقی، استفتائات، ج ۲، چ ۱، قم: شفق، ۱۳۸۶.
۴. بهجت، محمدتقی، توضیح المسائل، چ ۸۲، قم: شفق، ۱۳۸۶.
۵. بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، ج ۲ و ۳ و ۴، چ ۲، قم: دفتر آیات الله العظمی بهجت رحمته الله علیه، ۱۳۸۴.
۶. بهجت، محمدتقی، وسیلة النجاة، ج ۱، چ ۲، قم: شفق، ۱۳۸۱.
۷. تبریزی، جواد، استفتائات، چ ۳، قم: سرور، ۱۳۸۵.
۸. تبریزی، جواد، توضیح المسائل، چ ۲، قم: هجرت، ۱۳۸۱.
۹. تبریزی، جواد، منهاج الصالحین، چ ۱، مجمع الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۲۶، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه ۲۴.۲ ۲۶ ۲۵
۱۰. توضیح المسائل مراجع، چ ۱۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم، ۱۳۸۴.
۱۱. جمعی از پژوهشگران، مناسک حج مطابق با فتاوی مراجع عظام تقلید، چ ۳، تهران: محراب قلم، ۱۳۹۱.
۱۲. حاشیه بر العروة الوثقی (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، خوبی، گلپایگانی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، اراکی و مکارم).
۱۳. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، چ ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۷.
۱۴. خامنه ای، سیدعلی، اجوبة الاستفتائات، چ ۶۳، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.
۱۵. خامنه ای، سیدعلی، تحریر المسائل.





۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، رساله آموزشی، ج ۱، چ ۶، مؤسسه فرهنگی هنری امین، ۱۳۹۰.
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی، سایت: www.leader.ir.
۱۸. خمینی، سیدروح‌الله، استفتائات، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
۱۹. خمینی، سیدروح‌الله، الرسائل، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۰، براساس نرم‌افزار.
۲۰. خمینی، سیدروح‌الله، آموزش فقه، چ ۲۷، قم: الهادی، ۱۳۸۵.
۲۱. خمینی، سیدروح‌الله، تحرير الوسيلة، ج ۱ و ۲ و ۳، چ ۲۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.
۲۲. خمینی، سیدروح‌الله، توضیح المسائل، چ ۷، قم: نیلوفرانه، ۱۳۸۴.
۲۳. خویی، سیدابوالقاسم، استفتائات، چ ۱، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۳۸۱.
۲۴. خویی، سیدابوالقاسم، توضیح المسائل، چ ۱، مشهد: رستگار، ۱۳۸۰.
۲۵. خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۲، چ ۶، قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام، ۱۳۸۶.
۲۶. راهنمای فتاوا (امام خامنه‌ای و حضرت امام)، چ ۱، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۲.
۲۷. سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل جامع، ج ۱.
۲۸. سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، چ ۸، ولایت، ۱۳۸۹.
۲۹. سیستانی، سیدعلی، رساله جامع، چاپ نشده است.
۳۰. سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، ج ۱، چ ۱۰، بیروت، ۱۴۲۷.
۳۱. سیستانی، سیدعلی، سایت: <http://www.sistani.org>.
۳۲. شاه‌رودی، سیدمحمود، توضیح المسائل.
۳۳. شاه‌رودی، سیدمحمود، منهاج الصالحین، چ ۲، دفتر معظم‌له، ۱۴۳۲.





۳۴. شبیری زنجانی، سید موسی، توضیح المسائل، ج ۲۲، قم: سلسبیل، ۱۳۹۲.
۳۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، توضیح المسائل، ج ۵، مشهد: هاتف، ۱۳۸۷.
۳۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، جامع الاحکام، ج ۱، چ ۴، قم: مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۷، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه ۲.
۳۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، هدایة العباد، ج ۲ و ۱، چ ۱، قم: دارالقرآن کریم، ۱۴۱۶، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه ۲.
۳۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، چ ۱، مطبعة الزيتون، ۱۴۲۷.
۳۹. فاضل لنکرانی، محمد، الاحکام الواضحه، ج ۱، چ ۵، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۴.
۴۰. فاضل لنکرانی، محمد، توضیح المسائل، چ ۱۳، قم: چاپخانه مهر، ۱۳۸۵.
۴۱. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، ج ۳ و ۲ و ۱، چ ۱۱، قم: امیرالمؤمنین.
۴۲. گلپایگانی، سید محمد رضا، توضیح المسائل، قم: دارالقرآن کریم.
۴۳. گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، به تصحیح علی کریمی جهرمی و علی ثابتی همدانی و علی نیری همدانی، چ ۲، قم: دارالقرآن کریم، ۱۴۰۹.
۴۴. گلپایگانی، سید محمد رضا، هدایة العباد، چ ۱، به تصحیح علی ثابتی همدانی و علی نیری همدانی، قم: دارالقرآن کریم، ۱۴۱۳؛ به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه ۲.





۴۵. محدث نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸، به نقل از: مؤسسه نرم افزاری نور، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه ۲.
۴۶. محمدبن حسن طوسی، عدة فی اصول الفقه، ج ۱، چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷، به نقل از: نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه ۲.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات، ج ۱ و ۲ و ۳، چ ۵، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۸.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، چ ۴۷، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۱.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، سایت: persian.makarem.ir.
۵۰. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، قم: دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
۵۱. نوری همدانی، توضیح المسائل، چ ۲۰، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۵۲. نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، چ ۴، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
۵۳. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، چ ۸، قم: مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام.
۵۴. وحید خراسانی، حسین، سایت: www.vahid-khorasani.ir.
۵۵. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، ج ۲، چ ۶، قم: مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۶.
۵۶. وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار احکام، چ ۱، چاپخانه قدس، ۱۳۸۳.



پورتال فرهنگی - تبلیغی حرم مطهر امام رضا (ع)

- صفحه اصلی پایگاه مجازی حرم مطهر رضوی: haram.razavi.ir
- پخش زنده مراسم و اماکن حرم مطهر رضوی: tv.razavi.ir
- دسترسی به آرشیو محصولات فرهنگی حرم مطهر رضوی: archive.razavi.ir



کانال‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی

- ❖ وقت سلام؛
- ❖ حال و هوای حرم؛
- ❖ ثبت درخواست زیارت نیابتی؛
- ❖ اعلام برنامه‌های حرم مطهر رضوی؛
- ❖ ارائه مطالب ویژه دختران و پسران ۱۲ تا ۱۸ سال؛
- ❖ نشر معارف رضوی به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو، فرانسه و ...؛
- ❖ انتشار تولیدات فرهنگی حرم مطهر رضوی اعم از فیلم و صوت مراسم حرم مطهر رضوی.

می‌توانید به این شبکه‌ها از مسیرهای ذیل دسترسی داشته باشید:

- شبکه‌های فارسی: tvapp.razavi.ir/razavi_aqr_ir
- شبکه‌های اجتماعی بین‌الملل: tvapp.razavi.ir/razavi_int
- ربات چندزبانه حرم مطهر رضوی در شبکه‌های اجتماعی شامل بخش‌های پاسخگویی به سؤالات دینی، زیارت نیابتی و ارتباط با حرم: [@haramrazavi_bot](https://t.me/haramrazavi_bot)

